

ISSN-2008-0549

شماره ۹۷ / پاییز ۱۴۰۱ / بهاء ۵۰۰۰۰۰ ریال

مهندسان مشاور

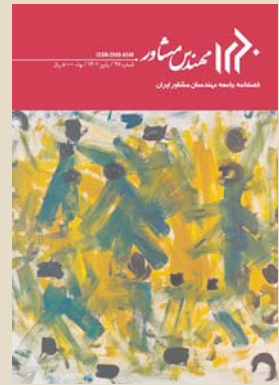
فصلنامه جامعه مهندسان مشاور ایران



فصلنامه جامعه مهندسان مشاور ایران
(فنی - مهندسی - آموزشی - پژوهشی)
شماره ۹۷ - پاییز ۱۴۰۱

نشانی:
ولنجک - میدان البرز - بلوار دانشجو -
نیش خیابان سلامی - پلاک ۲۵
ساختمان جامعه مهندسان مشاور ایران
کد پستی: ۱۹۸۴۴۶۸۱۳
تلفن: ۶۰ و ۲۳۴۰۶۲۵۹
نمابر: ۲۳۴۰۶۲۵۸

www.irsce.org
public@irsce.org



طرح روی جلد از بهروز گتمیری

صاحب امتیاز: جامعه مهندسان مشاور ایران
مدیر مسؤول: مهندس بهمن حشمتی
سر دبیر اجرایی: اسماعیل آزادی
دبیر کمیته انتشارات: سعیده دارابی گودرزی

کمیته انتشارات: (به ترتیب حروف الفبا)
مهندس مجید احمدی، مهندس بهرام امینی، مهندس
احمد جعفری، مهندس بهمن حشمتی، مهندس نادر شکوفی
مقیمیان، مهندس محمد رضا صافدل، دکتر محمد عدالت خواه
دکتر نادر عربشاهی، دکتر محمدرضا عسکری، مهندس
منوچهر فخرصمدی، دکتر بهروز گتمیری.

تمامی نشست‌های کمیته انتشارات برای این شماره فصلنامه به صورت مجازی برگزار شده است.

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا)
مهندس مسعود اقبالی، مهندس ابوالفضل بازرگان، مهندس
رضا پدیدار، مهندس پرهام پهلوان، مهندس کامیار پهلوان،
دکتر مهسا تشکر، دکتر محمد حسن لی، مهندس بهرام طالبی،
مهندس پریسا طالبی، مهندس محمد اسمعیل علیخانی،
مهندس عزت‌الله فرهادی، مهندس نجمه فولادی، مهندس
کامران کوهستانی، فریدون مجلسی، دکتر رامین ناصحی،
مهندس نیوشا ودادی مقدم.

صفحه آرای و اجرا: مرکز نشر سمر
ویراستار: مهندس کامران هوشمند مظفری
لیتوگرافی: نقش سبز
چاپ و صحافی: نقش نیناز

- ◀ برداشت و اقتباس از محتوای **ممنشور** با ذکر منبع آزاد است.
- ◀ برای دریافت **ممنشور** با فرمت PDF به صورت رنگی می‌توانید به وب سایت جامعه به نشانی: www.IRSCE.org یا کانال تلگرام جامعه به نشانی: @IRSCEchannel مراجعه فرمایید.
- ◀ نوشته‌ها و مطالب دارای امضای اشخاص حقیقی و حقوقی، الزاماً بیانگر مواضع و دیدگاه‌های جامعه مهندسان مشاور ایران نیست.
- ◀ **ممنشور** در حکم اصلاح و ویرایش نوشته‌ها و مطالب دریافت شده آزاد است.
- ◀ توصیه می‌شود مطالب ارسالی به فصلنامه را به صورت تایپ شده و حداکثر ۴ هزار کلمه به همراه لوح فشرده متن (با نرم‌افزارهای معمول مانند word) و تصاویر مناسب برای دبیرخانه فصلنامه ارسال فرمایید و یک نسخه از آن را نزد خود نگاه دارید.
- ◀ مطالب رسیده پس فرستاده نخواهند شد.

در این شماره می‌خوانید:

- ۲ - سرمقاله:
- ۳ - چرایی عقده‌گشایی‌ها در لوای شعار
- ۵ - الزامات یک گفت‌وگوی ملی
- ۸ - چگونه رهبران خودشیفته باعث نابودی سازمان می‌شوند؟
- ۱۳ - چرا بسیاری از مردان بی‌کفایت به جای زنان توانمند رهبر سازمان می‌شوند؟
- ۱۷ - فرهنگ سازمانی و سبک رهبری
- ۱۹ - موانع توسعه سیاسی
- ۲۲ - کسب درآمدهای هنگفت از طریق ترانزیت زمینی، واقعیت یا رویا؟
- ۲۷ - گزارش بانک جهانی در باره پیشرفت اقتصادی ایران
- ۳۶ - نشست هم‌اندیشی بررسی علل توسعه نیافتگی ایران: انسداد ارتباطی، مانع توسعه ایران
- ۳۹ - ریل‌گذاری اقتصادی ایران در دهه ۴۰ خورشیدی: (گفت‌وگو با دکتر غلامرضا مقدم)
- ۴۷ - شعر و ادب: کاوه یا اسکندر / غزل شبگرد / حرف‌های بی‌خطر
- ۵۱ - گزارش سازمان ملل درباره آب‌های زیرزمینی: آب زیرزمینی، نادیده را دیدنی کنیم!
- ۶۰ - سد و تونل و طرح استاندارد
- ۶۴ - عقب ماندن ایران در بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز
- ۶۸ - مقررات و ضوابط ملی و بین‌المللی مرتبط با بهره‌برداری از سامانه‌های آب شیرین‌کن
- ۷۶ - اصل ضدفساد برای شرکت‌های دولتی
- ۸۱ - چرا سکوت می‌کنیم؟
- ۸۳ - شکاف دستمزد مردان و زنان
- ۸۷ - بازتاب
- اخبار
- ۸۹ - نامه جامعه به سازمان برنامه در مورد اصلاح بخشنامه ۱۱۹۰۱۱۱
- ۹۶ - نامه جامعه به سازمان برنامه درباره اصلاح قانون نظام مهندسی
- ۹۸ - نامه جامعه به کمیسیون عمران مجلس در مورد پرداخت مطالبات مهندسان مشاور
- ۱۰۰ - نامه جامعه به سازمان برنامه در مورد درخواست تهاوت بدهی و طلب دولت
- ۱۰۱ - معرفی کتاب
- ۱۰۲ - فرم اشتراک

سر مقاله





چرایی عقده‌گشایی‌ها در لوای شعار



فریدون مجلسی
دیپلمات پیشین و پژوهشگر

◆ گرچه این نخستین بار نیست که در ۴ دهه گذشته، جامعه ایران دچار ناآرامی‌های اجتماعی به شکل اعتراضات مردمی می‌شود و شرایطی بر آن حاکم می‌گردد که باوجود تظاهرات خیابانی، زندگی و کسب‌وکار مردم نیز کم و بیش ادامه دارد، اما بسیاری بر این باورند که این بار، مسأله متفاوت است.

این تفاوت، نه در انباشتگی رنجش‌ها، بلکه در بهانه‌های بروز خشم است. در دفعات پیشین، بهانه‌ها سیاسی‌تر بودند، نارضایتی از اعلام نتیجه انتخابات، از گران‌شدن ناگهانی بهای سوخت، از بی‌اعتنایی به اعتراضات کارگرانی که ماه‌ها حقوق نگرفته بودند و ... اما این بار بهانه، درگذشت دختری در بند گشت ارشاد بود که مقدمه‌ای هم داشت: دختر دیگری در اتوبوس به دختری ارشادگر که به حجاب او در آن محیط زنانه ایراد گرفته بود، اعتراض کرد که منجر به دستگیری و اعمال فشار بر او گردید و چند روز بعد با همان چهره که آثار کبودی‌های ارشادی در آن مشهود بود، به تلویزیون آورده شد و ابراز پشیمانی کرد.

این ۲ شوک و سلسله وقایع پیشین مانند خودسوزی دختر آبی که تلاش

کرده بود به تماشای فوتبال به استادیوم برود و دختران خیابان انقلاب و مجازات شدید و احکام زندان‌های طولانی مدت برای معترضان مرد و زن ورزشکار و غیر ورزشکار در شرایطی که تورم و گرانی و اخبار وام‌ها و اختلاس‌های نجومی هم اعصابی برای کسی باقی نگذاشته بود، منجر به عقده‌گشایی گسترده‌ای شده است؛ در واقع این تنها قتل مهسا نبود که باعث بروز ناآرامی شده، از این دست وقایع بسیار رخ داده؛ اما انباشتگی این وقایع و مصونیت مرتکبان، عقده‌هایی ایجاد کرده که در این شرایط فقط سر باز کرده‌اند. این در حالی است که در چنین فضایی، هر واکنش شدید منجر به ضرب و جرح و مرگ معترضان، بر شدت ناآرامی می‌افزاید.

با کمی کنکاش درباره مسائل گوناگون جامعه ایران می‌توان دریافت که ناآرامی‌های امروز کشور، ریشه در مجموعه‌ای از علل و عملکردهای چند دهه اخیر دارد. در واقع مردم تنها یک زندگی عادی و آرام می‌خواهند؛ زیرا در فضای التهاب و جهاد، کار و اقتصاد راکد می‌شود و بار گرانی و بیکاری روزافزون بر شانه‌های مردم سنگینی می‌کند و آستانه تحمل آنان را محدودتر می‌سازد. شاید فرماندهانی که از حقوق کافی برخوردارند، بیم و هراس افراد فقیر جامعه را احساس نمی‌کنند و نمی‌دانند که تا چه اندازه زندگی دیگران متزلزل و ناآرام است و بیکاری و فقر چه فشار فزاینده‌ای بر آنان وارد می‌کند. آنان عادت کرده‌اند همیشه خودشان را در "جایگاه حق مطلق" بدانند و انتظار داشته باشند که جهان خودش را با آنان تطبیق دهد. این افراد فراموش کرده‌اند که چگونه ایران به دلیل انحراف از تعهدات هسته‌ای NPT و به دنبال آن، تصویب ۶ قطعنامه از سوی مراجع بین‌المللی، گرفتار انزوایی خُردکننده شد. آنان به یاد نمی‌آورند که طی مذاکراتی طولانی، سیاست تنبیه ایران، تبدیل به توافقنامه‌ای به نام برجام شد که داشت منشاء حرکتی مثبت می‌گردید اما غیرتمداران دلواپس، با پرتاب موشک‌هایی که نشانی گیرنده نهایی روی آنها نوشته شده بود، کافه را به هم ریختند.

این افراد باید باور کنند رژیم‌هایی که برای آنها غده سرطانی به شمار می‌رود، برای کشورهای غربی و روسیه، کشوری دوست محسوب می‌شود که تمامی آنها به حفظ موجودیت آن متعهدند؛ بنابراین وقتی تضمین این موجودیت، به چالش کشیده می‌شود، واکنش آنان را در پی دارد. اکنون هم ادامه همان دعوا، موجب توقف مذاکرات و ابطال برجام شده است.

واقعیت این است که مردم با "برحق" یا "برناحق" بودن دیگران کاری ندارند؛ آنها نمی‌خواهند قربانی حق طلبی برای دیگران شوند و در اثر پافشاری بر آن سیاست‌ها، فقیر، بیکار و گرسنه بمانند. ۴۴ سال است این جنگ فرسایشی در کل خاورمیانه به هزینه ایران ادامه دارد؛ و اکنون مردم بیم آن دارند که پس از در گرفتن جنگ اوکراین و قرار گرفتن جمهوری اسلامی در کنار روسیه، ناچار به مشارکت در جنگی با جهان غرب شوند. جنگی که در آن، بی‌شک برادران عرب، ترک و

پاکستانی در منطقه نیز جانب غرب را خواهند گرفت. مردم نگران گسترش فقر بیشتر در زندگی‌شان بر اثر سر دادن شعارهای انتقام‌جویانه در راه منافع و حقوق دیگران هستند.

جوانان که برای خودشان آینده امیدبخشی متصور نیستند، به استیصال رسیده‌اند و چیزی برای باختن ندارند و در چنین شرایطی، با مدیریتی مواجه‌اند که نه تنها نمی‌تواند آرام آنها را تسکین دهد و توقعات‌شان را در زندگی، در حد جوانان ترک و عرب همسایه، برآورده کند، بلکه با تشدید فشار بر حجاب و پوشش و کتک زدن و جایگزین کردن ترس به جای احترام، قدرت‌نمایی می‌کند؛ غافل از این که افراد خودشان نیز در شمار همین جوانان بی‌آینده هستند. این در حالی است که بهانه حاکمان برای ادامه این روند، دلسوزی برای سرنوشت مردم و سوق دادن آنها به سوی رستگاری در زندگی پس از مرگ است، بهانه‌ای که دیگر گوشی خریدار آن نیست. دیری نخواهد گذشت که این مرحله نیز با اعمال خشونت بیشتر برای مدتی خاموش خواهد شد. شاید کهنسالی مسوولانی که نزدیک به نیم قرن است فرمان‌هدایت مردم و جوانان را در اختیار دارند، باعث شده که در نیابند این نسل، آن نسل روستایی چشم و گوش بسته و فرمانبردار محض سابق نیست و ارزش‌هایی جهانی و مدرن را مد نظر دارد. شعار درباره زن و زندگی، نوعی ادای احترام به جنسیت تحقیر شده است، اما شعار آزادی، یعنی خروج از پیله روستا و پیوستن به اقتضای زمان، این چیزی نیست که پایان‌پذیر باشد.

در پایان باید به نسل جوان یادآور شد که در هر حال نسل پیشین با مرگ طبیعی و رفع مزاحمت خود، این خدمت را در مسیر برآوردن انتظارات شما به جامعه خواهد کرد، بنابراین آرزوی جوانان نباید گریز از ایران باشد. از سوی دیگر، به نسل پیشین نیز باید گفت که نباید داروی این ایران گریزی، مرگ باشد، بهتر است صداها را بشنویم، به آنها احترام بگذاریم و با واقعیت‌های زندگی کنار بیاییم.

حق مطلق، تنها خداوند است و هیچ انسانی نمی‌تواند خود را معیار حق بداند. حق حیات، حق کار و حق بهره‌مندی از آرامش، بالاترین حقوقی هستند که باید محترم شناخته شوند.

دموکراسی از آنجایی آغاز شد که حکومت‌ها به مردم‌شان گفتند: "ما به شما امنیت می‌دهیم، شما نیز در مقابل باید جان و مال خود را در جنگ و دفاع از کشور در اختیار ما بگذارید." مردم نیز گفتند: "این کار از محل مالیات و دارایی خودمان انجام می‌شود و این سرزمین ماست، بنابراین ما هم در اداره دارایی خودمان باید نظارت و مشارکت داشته باشیم." به این ترتیب رابطه دولت ارباب و مردم رعیت تدریجاً پایان یافت و روزگار شهروندی و برابری و مشارکت فرا رسید. امید که این تغییر نگرش در کشور ما نیز رخ دهد... ♦



الزامات گفت و گو



اسماعیل آزادی

ایران به عنوان نخستین امپراتوری و پایدارترین نظام سیاسی در جهان امروز شناخته می‌شود و فرهنگ کهن آن در ابعاد و برهه‌های مختلف تاریخ همواره بر نظام‌های سیاسی و اجتماعی جهان تأثیرگذار بوده است. ایران با این پیشینه سیاسی و فرهنگی، ملت‌هیب و ناآرام است و اکنون بیش از دوماه است که امواج اعتراض کشور را فراگرفته، اعتراضاتی برخاسته از علت‌های فراوانی که غالباً ریشه در استراتژی‌های اشتباه و مدیریت‌های ناکارآمد و همچنین فسادهای سازمان یافته و مهم‌تر از همه نادیده گرفتن نیاز زمانه و مطالبات بدنه اجتماعی دارد.

اکنون شاهدیم که تورم و بحران‌های روزافزون اقتصادی زندگی روزمره مردم را با چالش‌های پایان‌ناپذیر مواجه کرده و فشارهای برخاسته از این روند، بخش وسیعی از جامعه را به کنشگرانی تبدیل کرده است که مطالبات خود را دارند. در چنین فضایی صداهای بلندی هم از بخش وسیعی از جامعه ایران یعنی زنان، جوانان و نوجوانان به گوش می‌رسد که خواستار سبک زندگی و آزادی اجتماعی زمانه خود بوده و آن را مجدانه مطالبه می‌کنند. در واقع این مطالبات از حوزه‌های اقتصادی بسیار فراتر رفته و عرصه‌های

مطالعات و یافته‌های پژوهشی، نهادهای مدنی، انجمن‌های صنفی، احزاب و انتخابات را راهکار مطمئن و خشونت‌زدایی شده برای بیان اعتراض و طرح مطالبات مدنی مردم معرفی می‌کند، اما در شرایط کنونی همه این نهادها به دلایل روشن، کارکرد خود را از دست داده اند زیرا این نهادها و انجمن‌ها هیچگاه در جمهوری اسلامی محلی از بروز نداشته‌اند که بتوانند حلقه پیوند دهنده مردم و حکومت باشند

مطالعات و یافته‌های پژوهشی، نهادهای مدنی، انجمن‌های صنفی، احزاب و انتخابات را راهکار مطمئن و خشونت‌زدایی شده برای بیان اعتراض و طرح مطالبات مدنی مردم معرفی می‌کند، اما در شرایط کنونی همه این نهادها به دلایل روشن، کارکرد خود را از دست داده‌اند؛ زیرا این نهادها و انجمن‌ها هیچگاه در جمهوری اسلامی محلی از بروز نداشته‌اند که بتوانند حلقه پیونددهنده مردم و حکومت باشند تا بتوانند در چنین شرایطی عمل کنند. از این رو مطالبه‌گری گسترده و پایان‌ناپذیری در برابر انباشت مطالبات سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است، به گونه‌ای که حتی یک انتخابات آزاد نیز چاره‌ساز به نظر نمی‌رسد، زیرا حاکمیت در ۴ دهه گذشته با رویکردهای دوگانه، حذفی و تبعیض‌آمیز، انتخابات را از کارکرد مدنی خود تهی کرده است که نمونه آشکار آن را در چند انتخابات سرد گذشته دیدیم. از این رو صندوق رأی نیز کارکرد خود را به شکل مؤثری از دست داده است و این معنا برخاسته از کاهش بسیار شدید اعتماد اجتماعی به نظام سیاسی است؛ زیرا بدنه اجتماعی هیچگاه نتوانسته از طریق انتخابات به کمترین خواسته‌های قانونی و حتی یک زندگی ساده دست یابد. از این رو دیگر حاضر به مشارکت در انتخابات نیست و اکنون شاهد رو در رو قرار گرفتن حاکمیت با سطوح وسیعی از جامعه هستیم.

در یک رویکرد واقع‌بینانه برای حل این بحران، نظام سیاسی باید باور کند که اکثریت جامعه معترض کف خیابان، علاوه بر اقشار عمومی، شامل زنان، دانشجویان، جوانان و حتی نوجوانان می‌شود و با توجه به ویژگی‌های این جامعه جوان، پویا و پرنگیزه، نمی‌توان انتظار داشت که بدون بازنگری اساسی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و به ویژه سبک زندگی، دست از مطالبه‌گری فردی و اجتماعی خود بردارند و از آنجایی که نظام سیاسی تاکنون حاضر به هیچ‌گونه انعطاف نسبت به خواست معترضان نشده است، روند اعتراضات ادامه خواهد داشت و حتی در صورت جمع شدن، در یک بازه زمانی کوتاه‌تر و با شدت بیشتر اتفاق خواهد افتاد.

اکنون با این بن‌بست چه باید کرد؟ نظام سیاسی چه برنامه‌ای برای یک مواجهه منطقی با خواست مردم دارد و قرار است پایان این ماجرا چگونه رقم بخورد؟ برای جلوگیری از خشونت، تلفات، خسارت‌های سنگین ملی و جبران‌ناپذیری که دشمنان ایران به دنبال آن هستند و

فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی را نیز در بر گرفته است و از آنجایی که هیچ بستر قانونی برای بیان اعتراض و در سوی دیگر کمتر امیدوی برای برآورده شدن مطالبات بدنه اجتماعی وجود ندارد، اعتراضات در سطوح مختلف، وارد فاز سیاسی شده است و به گفته کارشناسان و تحلیلگران اجتماعی، این فضا به "یک فضای اعتراضی و ناراضی‌دائم و مطالبه‌گر تبدیل شده و این اعتراض و ناراضی‌دایی را به یک امر نهادینه شده در نظام اجتماعی ایران تبدیل کرده است."^(۱)

البته باید توجه داشت که این فرایند و مطالبه‌گری برخاسته از امروز و دیروز نیست و ریشه در دست کم ۲ دهه گذشته دارد که در این دوران در برهه‌های مختلف شاهد بروز نشانه‌های آن بوده‌ایم و نشانه‌های امروز نیز می‌گویند که جامعه برای پیگیری حقوق فردی و اجتماعی خود پا پس نخواهد کشید و حتی با جمع شدن احتمالی اعتراضات، بار دیگر در سیکل زمانی بسیار نزدیک‌تر و به گونه‌ای تندتر به وقوع خواهد پیوست.

جامعه ایران به خوبی می‌داند که در این فضای پرتلهاب، جریان‌ها و کشورهایی هستند که با ظاهری حمایت‌گرایانه به دنبال گرفتن ماهی خود از این آب گل‌آلودند و قدرت‌های جهانی نیز به رغم حمایت از اعتراضات مردم ایران، منافع استراتژیک خود را پیگیری می‌کنند و در خوشبینانه‌ترین گزینه، سرنوشت مردم ایران در زمره گزینه‌های چندم آنها قرار دارد.

اکنون این پرسش وجود دارد که با توجه به پافشاری مردم بر خواسته‌ها و کمترین انعطاف از سوی حاکمیت و همچنین در کمین بودن دشمنان و رقبای جهانی و منطقه‌ای و نقشه‌هایی که اپوزوسیون‌های وابسته و جعلی برای ایران کشیده‌اند، چه باید کرد و چگونه می‌توان از این گردنه هزارچم گذشت؟

آنچه موجب نگرانی است سناریوهایی است که دولت‌های بیگانه و اپوزوسیون‌های وابسته در بیرون از مرزهای جغرافیایی کشور برای ایران در نظر دارند. در حالی که خرد جمعی جامعه ایران هیچگاه موافق چنین رویکردهایی نبوده‌اند و چه شخصیت‌ها و جریان‌هایی که در تاریخ معاصر با چنین رویکردهای وابستگی به قدرت‌های خارجی، مورد تنفر مردم ایران قرار گرفته‌اند و اکنون نیز جامعه ایران کوچک‌ترین خوشبینی نسبت به این رویکردهای خیانت‌بار نداشته و ندارد.

۱- گیتی خزاعی / جامعه‌شناس / هفته‌نامه تجارت‌فردا - ۱۶ مهر ۱۴۰۱

از آنجایی که نظام سیاسی تاکنون حاضر به هیچ گونه انعطاف نسبت به خواست معترضان نبوده است روند اعتراضات ادامه خواهد داشت و حتا در صورت جمع شدن، در یک بازه زمانی کوتاهتر و با شدت بیشتر اتفاق خواهد افتاد

نظام سیاسی به راهکارهایی نیاز دارد که به جای مقابله و استفاده از قدرت قهری، بتواند با دلجویی و مدارا به جلب اعتماد نسبی جامعه، به ویژه زنان و نسل جوان پردازد و با نزدیک شدن به آنها مطالبه‌گری در کف خیابان را به مشارکت در نهادهای مدنی تبدیل کند

گشودن پنجره‌ای برای توسعه واقعی کشور باستانی‌مان چه باید کرد؟

صورت مسأله به ما می‌گوید: نظام سیاسی به راهکارهایی نیاز دارد که به جای مقابله و استفاده از قدرت قهری، بتواند با دلجویی و مدارا به جلب اعتماد نسبی جامعه، به ویژه زنان و نسل جوان پردازد و با نزدیک شدن به آنها مطالبه‌گری در کف خیابان را به مشارکت در نهادهای مدنی تبدیل کند. نظام سیاسی برای آرام کردن جامعه و رسیدن به فرایندی از جنس آرامش که از مهم‌ترین مؤلفه‌های اداره کشور است، به ابزار دیگری نیاز دارد تا بتواند به اقناع سطوح مختلف اجتماعی معترض پردازد و با رویکردی مثبت به مطالبه‌گری جامعه نجیب و جوان امروز پاسخ دهد تا بلکه بتواند اعتماد از دست رفته را باز آفرینی کند. استفاده از این ابزار، نیازمند اراده‌ای سیاسی و کلان است و در نخستین قدم به رسمیت شناختن خواست مردم و گفت و گو با آنهاست.

و... به قول حضرت حافظ:

ما ز یاران چشم یاری داشتیم
خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم

تا درخت دوستی بر کی دهد
حالیا رفتیم و تخمی کاشتیم

گفت و گو آیین درویشی نبود
ور نه با تو ماجراها داشتیم

شیوه چشمت فریب جنگ داشت
ما غلط کردیم و صلح انگاشتیم

گلین حسنت نه خود شد دلفروز
ما دم همت بر او بگماشتیم

نکته‌ها رفت و شکایت کس نکرد
جانب حرمت فرو نگذاشتیم

گفت خود دادی به ما دل حافظا
ما محصل بر کسی نگماشتیم

هرچند تاکنون پنجره‌های گفت‌وگو بین حاکمیت و جامعه برای طرح مطالبات همواره بسته بوده و شاید بهتر باشد که بگوییم اصلاً چنین بستری وجود نداشته است، اما در شرایط کنونی گفت و گو ملی بیشترین تأثیرگذاری را می‌تواند داشته باشد. اما این گفت‌وگو الزاماتی دارد تا جامعه بتواند به آن اعتماد کرده و مطالبه‌گری در کف خیابان را متوقف کرده و آن را در قالب گفت و گو با نخبگان مورد اعتماد خود دنبال کند.

الزامات گفت‌وگو از خود گفت‌وگو می‌تواند مهم‌تر باشد تا بتواند به یک توافق ملی بیانجامد. هرچند موارد متعددی را می‌توان در آیین گفت‌وگو برشمرد، ما در اینجا چند مورد مهم آن را برمی‌شماریم. نخست این که گفت و گو برای گفت و گو نباشد، به زبان دیگر گوش شنوا و اراده‌ای برای عمل به توافقات وجود داشته باشد.

دوم این که صداقت عنصر کلیدی گفت‌وگو باشد.

سوم، در گفت‌وگو اولویت اول منافع ملی کشور باشد.

و چهارم این که گفت و گو واقعاً ملی باشد و نخبگان اقوام و مذاهب مختلف در آن حضور داشته باشند.



چگونه رهبران خودشیفته باعث نابودی سازمان می شوند؟

نویسنده: لی سیمونز

برگرفته از: تارنمای مدرسه عالی کسب و کار استنفورد
(۳۰ آوریل ۲۰۲۰)

مترجم: مهندس کامران هوشمند مظفری

آیا هیچگاه فکر کرده‌اید که رهبران و مدیران سازمان باید از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشند؟ اگر از کسی بپرسید که چه چیزی یک رهبر قدرتمند را در تجارت یا سیاست متمایز می‌کند، او احتمالاً به اعتماد به نفس و کاریزمای رهبران اشاره خواهد کرد. ما نیز بر این باوریم که رهبران بزرگ، افرادی جسور و با اراده‌اند که برای ایجاد چیزی جدید یا بازسازی یک شرکت، چشم‌انداز [و نظریه] دارند. این رهبران، ارزش‌های عقلانی متعارف را به چالش می‌کشند و نه تردیدی به عملکرد خودشان دارند و نه انتقاد اطرافیان می‌تواند مانعی در پیمودن مسیری که انتخاب کرده‌اند، ایجاد کند.

اعضای هیأت مدیره بسیاری از شرکت‌ها مایلند چنین افرادی را به عنوان مدیرعامل انتخاب کنند، به ویژه در زمانی که وضعیت موجود در آستانه شکست و سازمان نیازمند تحول است. این افراد در بالا رفتن از نردبان ترقی بسیار ماهرند و در مصاحبه‌های شغلی می‌درخشند. اما بعد از آن، هنگامی که قدرت را به دست می‌گیرند، دیگران درمی‌یابند که چهره واقعی آنها چیست.

گاهی اوقات آنها به اندازه قول‌هایی که می‌دهند، خوب به نظر می‌رسند.

هنگامی که فردی بدخواه و خودپسند در رأس یک سازمان قرار می‌گیرد، رفتارهای غیراخلاقی در آن سازمان موج می‌زند و مشروعیت می‌یابد.

اما بسیاری از آنها نیز نه متکی به نفس، بلکه مغرور و حق به جانب از کار درمی آیند و مشخص می شود که به جای جسور بودن، صرفاً افرادی هستند با رفتار تکانشی^(۱). آنها هیچگونه احساس همدلی با دیگران ندارند و اطرافیان شان را بی رحمانه مورد بهره کشی قرار می دهند. این گونه افراد توصیه های متخصصان را نادیده می گیرند و با افرادی که با نظر آنها مخالفند، با تحقیر و خصومت رفتار می کنند. این افراد بیش از هر چیز خواستار وفاداری دیگران به خودشان هستند. به طور خلاصه، آنها خودشیفته گانی خشمگین اند.

چارلز ای اوریلی^(۲)، استاد مدیریت در دانشکده تحصیلات تکمیلی بازرگانی استنفورد، مطالعه ای روی تأثیر شخصیت رهبران بر شکل دهی به فرهنگ سازمان ها و رفتار افرادی که در آنها کار می کنند، انجام داده است. او در مقاله ای که با همکاری "جنیفر چتمن"^(۳) از دانشگاه برکلی کالیفرنیا نگاشته، به بررسی آثار مربوط به ۱۵۰ رهبر خودشیفته پرداخته و به نتایجی تأسّف آور و نگران کننده رسیده است.

"اوریلی" می گوید: «رهبرانی وجود دارند که ممکن است نادان و بداخلاق باشند، اما لزوماً خودشیفته نیستند». او ادامه می دهد: «تمایز بودن آن چیزی است که به آنها انگیزه می دهد. آیا آنها به سوی دست یافتن به اهداف بزرگتری سوق داده شده اند؟ آیا آنها واقعاً می خواهند وضعیت بهتری برای شرکت فراهم کنند، یا برآنند که به هدفی تخیلی مانند تبدیل مسیر اصلی تولید خودرو به سوی خودروهای الکتریکی و شاید مستعمره ساختن مریخ در طول مسیر دست یابند؟ یا واقعاً منظورشان از همه این کارها مورد تمجید قرار گرفتن خودشان است؟»

هنگامی که موضوع بحث زمینه تحسین شدن آنها را فراهم آورد، رهبران خودشیفته می توانند به دستاوردهای بزرگی دست یابند؛ دستاوردهای استیو جابز در کمپانی اپل قطعاً مؤید همین مطلب بوده است. اما تحقیقات انجام شده در طول دهه گذشته نشان می دهد که باید نگرانی فزاینده ای درباره تأثیرات مخرب افراد خودشیفته بر سازمان ها داشت. [در این زمینه] موارد هشداردهنده فراوانی وجود دارد، از "انرون"^(۴) گرفته تا "اوبر"^(۵) و "ترانوس"^(۶).

"اوریلی" باور دارد که خودشیفتگان واقعی، افرادی خودخواه و ناصداق هستند. او در این باره می گوید: «آنها معتقدند که نسبت به دیگران برتر هستند و به همین خاطر تابع قوانین و هنجارهای یکسانی با دیگر انسان ها نیستند. مطالعات انجام شده نشان می دهند که احتمال سر زدن رفتار ناصداقانه از سوی افراد خودشیفته برای دستیابی به اهداف شان، بیشتر از دیگران است. آنها آگاهانه دروغ می گویند و این برایشان آزاردهنده نیست و احساس شرمندگی نمی کنند». همچنین آنها اغلب بی پروا به دنبال کسب شهرت هستند - گاهی اوقات در این کار موفق اند، اما اغلب با پیامدهای وخیمی رو به رو می شوند.

اما نکته بدتر این است که خودشیفته ها در شرکت هایی که آنها را

رهبری می کنند، چنان تغییراتی ایجاد می کنند که پیامدهای منفی آن می تواند به دوره پس از تصدی گری آنها نیز سرایت کند. صداهای مخالف خاموش می شوند، اما به چاپلوسان و نوکرصفتان پاداش داده می شود، و با رواج بدبینی و بی علاقتی، هرگونه احساس داشتن هدف مشترک در فرهنگ سازمانی از بین می رود و هر کس می کوشد گلیم خود را از آب بکشد، و در نهایت، ادامه کار مدیران خودشیفته، می تواند به نابودی کل سازمان بینجامد.

چرا ما به خودشیفتگان قدرت می دهیم؟

هر آن که در کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشد، با این مفهوم تسلی دهنده آشناست که قلدرها واقعاً باور ندارند که از ما بهترند، آنها فقط می کوشند عزت نفس پایین شان را ببوشانند. به عبارت دیگر، آنها با تظاهر به داشتن اعتماد به نفس زیاد و قاطعیت سعی می کنند تا برخی از دردهای درونی شان را ببوشانند، و ما با آگاه شدن از رنج پنهانی آنها، تسکین می یابیم و شاید وانمود می کنیم که به آنها به خاطر شکنندگی شخصیت شان ترحم می کنیم.

اما متأسفانه، این ارزیابی سخاوتمندانه همیشه درست از آب در نمی آید.

۱- رفتارهای تکانشی (impulsive behavior)، رفتارهایی هستند که به صورت لحظه ای، بدون تأمل بر روی نتایج آنها و بدون تحلیل و ارزیابی دستاوردهای مثبت و منفی، انجام می شوند. رفتارهای تکانشی در زبان عامه مردم به عنوان رفتار ناپخته، نابالغانه و عجولانه شناخته می شوند. (مترجم)

2- Charles A. O'Reilly

3- Jenifer Chatman

۴- Enron: انرون، شرکت انرژی آمریکایی مستقر در هیوستون تگزاس بود، که یکی از بزرگترین شرکت های انرژی جهان، محسوب می شد و در حوزه های تولید برق و گاز طبیعی، انتقال نفت خام و ال ان جی، تولید محصولات پتروشیمی، کاغذ و خمیر کاغذ، مبادله کالاها و محموله های اقتصادی فعالیت می کرد. این شرکت در سال ۱۹۸۵ توسط کنت لای راه اندازی، و در حالی که در سال مالی ۲۰۰۰ میلادی درآمد آن بیش از ۱۰۱ میلیارد دلار برآورد شده بود، در سال ۲۰۰۱ در یکی از پیچیده ترین فرایندهای مالی ایالات متحده، ورشکست اعلام شد.

۵- Ober: یک سرویس هم سفری آنلاین مستقر در سان فرانسیسکو است. اپ موبایل تلفن هوشمند به طور خودکار، مسافران را با نزدیکترین راننده مرتبط می سازد و موقعیت مسافر را به راننده می فرستد. با بررسی های انجام شده، اوبر نخستین شرکت نوپا در جهان است که بیشترین و گرانترین سهام را دارد. پس از تغییراتی که به دنبال برخی رسوایی های مدیران در اوبر انجام شد و به استعفای آنها انجامید، از تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۷ برابر با ۶ شهریور ۱۳۹۶ دارا خسروشاهی به عنوان مدیر عامل اجرایی آن برگزیده شد.

۶- Theranos: یک شرکت خصوصی آمریکایی خدمات سلامت و تجهیزات آزمایشگاهی مستقر در پالو آلتو، کالیفرنیا بود که هدف از تأسیس آن، توسعه روش های جدید برای تست های تشخیصی آزمایشگاهی با استفاده از خون اعلام شد. تا سال ۲۰۱۳، ارزش ترانوس حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می شد و این شرکت حتی با والگرنیز ۲ شریک شد تا دستگاه های آزمایش خون را در فروشگاه های سراسر کشور به فروش برساند. در روش ارائه شده توسط شرکت، آزمایش های پزشکی با استفاده از نمونه گیری انگشتی خون به جای روش سنتی نمونه گیری وریدی بر پایه فناوری میکروفلوئید (مایعات منطقی) انجام می پذیرفت اما بعد معلوم شد که این شرکت توانایی چنین کاری را ندارد و بنیانگذارانش به خاطر کلاهبرداری دستگیر و محاکمه شدند و در سپتامبر ۲۰۱۸ این شرکت منحل شد.

مواقع آسفتگی، تمایل به انتخاب رهبران خودشیفته داشته باشیم. او می‌گوید: «در چند دهه اخیر، ادامه حیات شرکت‌های بزرگی از جمله برخی خودروسازان و تعدادی از بانک‌ها با اختلالات تکنولوژیکی مورد تهدید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان تصور کرد که در چنین مواقع اضطراب‌آوری، مردم به دنبال یک قهرمان بگردند، فردی با اعتماد به نفس که مدعی است بهترین راه حل نزد اوست». این گونه افراد ممکن است تنها کسانی باشند که در چنین مواقعی، اعتماد به نفس زیادی از خود نشان می‌دهند.



او می‌افزاید: «دست بر قضا، من در این مورد تحقیق نکرده‌ام، اما فکر می‌کنم سرمایه‌داران خطرپذیر، این گونه افراد را بیشتر می‌پسندند. چرا که برای نوع کسب و کار آنها، یعنی سرمایه‌گذاری در ۱۰ شرکت به امید اینکه یک شرکت سود بزرگی نصیب‌شان کند، این کار منطقی به نظر می‌آید. اگر من یک "سرمایه‌گذار خطرپذیر" باشم و با دو استارت‌آپ برخورد

اعضای هیأت مدیره بسیاری از شرکت‌ها مایلند چنین افرادی را به عنوان مدیر عامل انتخاب کنند، به ویژه در زمانی که وضعیت موجود در آستانه شکست و سازمان نیازمند تحول است. این افراد در بالا رفتن از نردبان ترقی بسیار ماهرند و در مصاحبه‌های شغلی می‌درخشند. اما بعد از آن، هنگامی که قدرت را به دست می‌گیرند، دیگران در می‌یابند که چهره واقعی آنها چیست.

کنم که یکی توسط یک مهندس درون‌گرا اداره می‌شود و دیگری توسط کسی که می‌گوید: "آره، من این دنیا را تغییر می‌دم، اگر هم مطلب رو نگیری، معلومه که کودنی، من می‌خوام برم دنبال رویاهام"، احتمالاً سرمایه‌گذاری در شرکت دوم که پرطمطراق‌تر است را برمی‌گزینم.

محاسبه خسارت

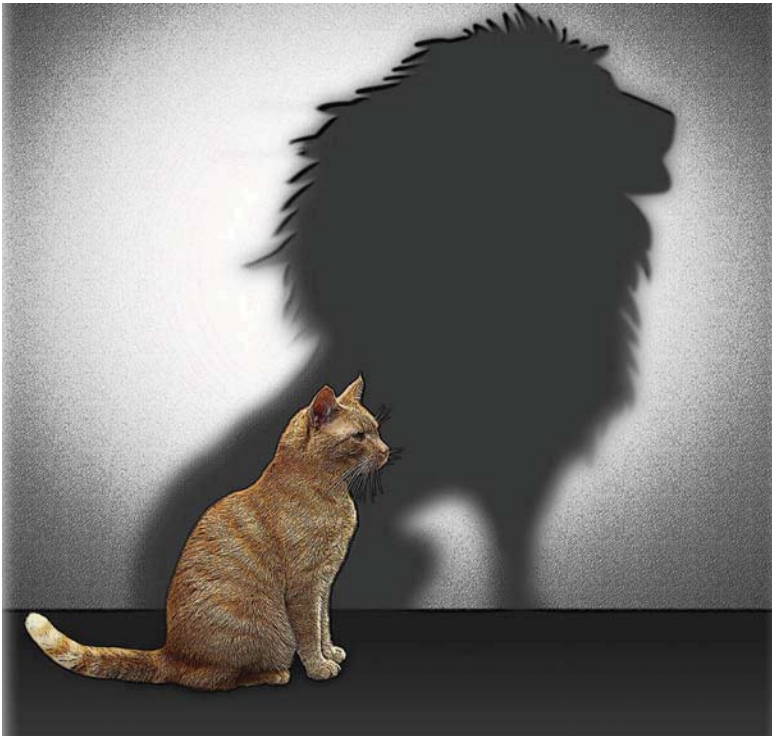
"اوریلی" می‌گوید: «آنجا که اقدامات افراد خودشیفته عمدتاً بر اساس منفعت شخصی خودشان صورت می‌گیرد، حس همدلی ندارند و کمتر خودشان را در چارچوب‌های اخلاقی محدود می‌سازند، می‌توانند با به قدرت رسیدن، خسارات جدی‌ای به سازمان و اطرافیان‌شان وارد کنند و حتی ممکن است بقای سازمان‌های تحت رهبری‌شان را در معرض خطر قرار دهند.

مطالعات میدانی نشان داده‌اند که مدیران عامل خودشیفته بیشتر درگیر کلاهبرداری و سایر انواع "جرایم یقه سفیدها"، دستکاری درآمدها، و فرار مالیاتی می‌شوند. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۳ روی رؤسای جمهور ایالات متحده انجام شده، نشان داده که کسانی که در رتبه‌بندی خودشیفتگی جایگاه بالاتری دارند، بیشتر احتمال دارد از قدرت خود

"اوریلی" می‌گوید: «در علم روانپزشکی، تنها مورد کلاسیک خودشیفتگی آسیب‌پذیر است که به رسمیت شناخته شده؛ اما در یک دهه گذشته، تحقیقات زیادی در مورد آنچه خودشیفتگی بزرگ نامیده می‌شود، صورت گرفته است. این افراد عزت نفس بالایی از خود نشان می‌دهند و بسیار تأثیرگذارتر، برون‌گراتر و در واقع خطرناک‌تر هستند. شواهد نشان می‌دهند که این افراد قادرند به موقعیت‌های بالایی در سازمان‌ها دست یابند، ترفیع گیرند و بیشتر از افراد عادی درآمد کسب کنند.»

این افراد خودشیفته اغلب به دنبال کسب مناصب قدرتی هستند که بتوانند مورد تحسین قرار گیرند و برتری خود را نسبت به دیگران نشان دهند. آنها تمایل دارند این جایگاه‌ها را به دست آورند تا شبیه به رهبران نمونه کلاسیک به نظر آیند. اوریلی می‌گوید: «۲۰ یا ۳۰ مطالعه موردی سراغ دارد که این موضوع را می‌توان در آنها دید». او ادامه می‌دهد: «اگر گروهی از افرادی را که نمی‌شناسید گرد هم آورید و به هر یک از آنها وظیفه‌ای دهید، کسانی که خودشیفته‌تر هستند به احتمال زیاد به عنوان رهبر انتخاب می‌شوند.»

"اوریلی" بر این باور است که بسیاری از ما ممکن است به‌ویژه در



«انتخاب شدن یا انتصاب افراد خودشیفته به سمت های سازمانی، احساس برحق بودن آنها را تأیید می کند. این در حالی است که حتی در افراد معمولی و غیر خودشیفته نیز رسیدن به قدرت باعث آن می شود که برخی افراد بدترین غرایز خود را نمایان کنند، چه رسد به خود شیفتگان که در صورت رسیدن به جایگاه قدرت، این جنبه های منفی شخصیتی را به شدیدترین شکل ممکن به نمایش می گذارند.»

ممکن است به شکل تحقیر دیگران، پرخاشگری، ناسزاگویی به همه و سوء استفاده از زیردستان شان در سازمان، خود را نشان دهد. مدیران اجرایی خودشیفته، اغلب شرکت های خود را درگیر مسائل پرهزینه می کنند. در جهان بینی خودشیفتگان، سایر انسان ها یا باید با آنها شریک باشند یا به عنوان دشمن تلقی می شوند.

اما بزرگترین خطری که از سوی چنین رهبرانی موجودیت سازمان را تهدید می کند، نفوذ و جهت دهی ویژگی های منفی رفتاری آنها بر رفتار و انتظارات دیگران است؛ که در نهایت فرهنگ یا جهت گیری سیاست های سازمان را به سوی خواسته های رهبر خودشیفته سوق می دهد. مطالعات انجام شده درباره چندین سازمان نشان می دهد که رفتارهای خودخواهانه و غیراخلاقی در سطوح بالای سازمان می تواند به مشروعیت یافتن یا حداقل عادی انگاشتن این نوع رفتار در بدنه سازمان بینجامد.

«اوریلی» می گوید: «رهبران خود شیفته پس از رسیدن به قدرت، موقعیت خود را از

سوء استفاده کنند (ناگفته نماند که در زندگی شخصی و پایبندی به خانواده نیز همین مورد مصداق دارد).

«اوریلی» همراه با «برنادت دوئر»^(۷) از دانشگاه برکلی، اخیراً نتایج سه مورد مطالعه را منتشر کرده است که بر اساس آنها، افراد خودشیفته به طور کلی [نسبت به افراد عادی] از صداقت کمتری برخوردارند و گفتار و کردارشان به هیچوجه با هم هماهنگ نیست و برای اثبات خاص بودن خودشان، بیشتر احتمال دارد دروغ بگویند، تقلب کنند و دست به دزدی بزنند.

«اوریلی» باور دارد که تنها صعود به یک جایگاه قدرتمندتر، این بروز چنین تمایلاتی را در افراد خودشیفته تقویت می کند. او می گوید: «انتخاب شدن یا انتصاب افراد خودشیفته به سمت های سازمانی، احساس برحق بودن آنها را تأیید می کند. این در حالی است که حتی در افراد معمولی و غیر خودشیفته نیز رسیدن به قدرت باعث آن می شود که برخی افراد بدترین غرایز خود را نمایان کنند، چه رسد به خود شیفتگان که در صورت رسیدن به جایگاه قدرت، این جنبه های منفی شخصیتی را به شدیدترین شکل ممکن به نمایش می گذارند.»

«اوریلی» ادامه می دهد: «زمانی که خودشیفته ها به موفقیتی دست می یابند، این باور در آنها تقویت می شود که دانتر از دیگرانند، بنابراین در نادیده گرفتن توصیه های متخصصان و تکیه بر غرایز خود، اصرار می ورزند و آن را بیشتر توجیه می کنند، به عبارت دیگر، موفقیت خود هرچند کوچک، باعث بیشتر دور شدن آنها از واقعیات می گردد.»

این که مطالعات نشان می دهند که باور خودشیفته ها به برتری شان مبتنی بر شواهد کمی است که نه با معیارهای عینی هوش یا شایستگی تطابق دارد و نه با بررسی عملکرد همسالان یا زیردستان آنها، جای تعجب ندارد. یک مقاله اخیر در مورد تصمیم گیری مشارکتی نشان می دهد که خود بزرگ بینی رهبران، با ریسک پذیری بیشتر همراه است و الزاماً بازده مالی بهتری ندارد.

در نتیجه، خودشیفته ها اغلب احساس می کنند که تحسین و اعتباری را که شایسته آند، از اطرافیان شان دریافت نمی کنند، و به همین خاطر دچار رنجش می شوند. این زود رنجی در خودشیفتگان،

رهبران خود شیفته پس از رسیدن به قدرت، موقعیت خود را از طریق اخراج تمامی کسانی که آنها را به چالش می کشند، تثبیت می کنند و به جای آنها جماعتی از چاپلوسان، فرصت طلبان و کارچاق کن ها را به کار می گمارند؛ کسانی که به همان اندازه بر اساس منفعت شخصی عمل کنند و به هیچ اصول اخلاقی پایبند نباشند. نتیجه این نوع عملکرد، رواج فرهنگ سازمانی فردگرایانه و بیگانه با کار گروهی و درستکاری است.

او می گوید: «اگر در حال ارزیابی فردی برای قرار گرفتن در سمت های بالای مدیریتی در سازمان تان هستید، واقعاً باید دیدگاهی فراتر از آنچه او در ارائه و معرفی خودش نشان می دهد، داشته باشید. «در بسیاری از موارد، زمانی که هیأت مدیره شرکت ها در صد انتخاب مدیران اجرایی، به ویژه مدیران اجرایی خارج از هیأت مدیره هستند، این کار را از طریق مصاحبه انجام می دهند. اما مصاحبه ها میدان بازی مناسبی برای نمایش قدرت افراد خودشیفته اند و شما نمی توانید تنها به عملکرد ادعایی آنها توجه کنید، زیرا آنها در جعل عملکرد ماهرند و به راحتی عملکرد دیگران را به حساب خود می گذارند و اعتبار کسب می کنند و نتیجه گیری های غلط و جعلی ارائه می دهند.

«آنچه واقعاً به روشن شدن وضعیت نامزد مورد نظر کمک می کند این است که با افرادی صحبت کنیم که او در گذشته برای آنها و با آنها کار کرده است. به عبارت دیگر، شما باید از افرادی که عملکرد آن شخص را دیده اند، اطلاعات دریافت کنید. اما متأسفانه روش معمول این نیست.»

«اوریلی» می گوید: «این مسأله به گروه های استخدام کننده و رأی دهندگان بستگی دارد زیرا آنان هستند که برای انتخاب رهبران باید پیشینه های آنها را بررسی کنند: در این زمینه باید به تغییر روش انتخاب امیدوار بود زیرا اطلاعات در دسترس است و تنها باید به دنبالش رفت.»

او ادامه می دهد: «تحقیقات انجام شده درباره رهبران خودشیفته نشان می دهند که روند انتخاب رهبر مناسب و جلوگیری از به قدرت رسیدن رهبران خودشیفته، روندی مخاطره آمیز است، زیرا "خودشیفتگان تغییر نمی کنند و عملکردشان به نابودی سازمان می انجامد."

طریق اخراج تمامی کسانی که آنها را به چالش می کشند، تثبیت می کنند و به جای آنها جماعتی از چاپلوسان، فرصت طلبان و کارچاق کن ها را به کار می گمارند؛ کسانی که به همان اندازه بر اساس منفعت شخصی عمل کنند و به هیچ اصول اخلاقی پایبند نباشند. نتیجه این نوع عملکرد، رواج فرهنگ سازمانی فردگرایانه و بیگانه با کار گروهی و درستکاری است. ما با این وضعیت در گروهی از شرکت های فناوری در "سیلیکون ولی" رو به رو شده ایم.»

او می گوید: «وقتی شما به یک شرکت جدید می پیوندید، متوجه می شوید که باید چگونه رفتار کنید تا با آن سازمان سازگار شوید. اگر می بینید که در مسیر رشدتان نیازمند توطئه چینی، مجیزگویی و پنهان کاری هستید، یک گزینه در مقابل شماست: یا این کارها را انجام می دهید یا نه، در هر دو حالت برایتان مانع ایجاد می شود و احتمالاً حذف خواهید شد.»

او به تلاش های "دارا خسروشاهی"، مدیرعامل "اوبر" برای تغییر وضعیت آن شرکت پس از اخراج "تراویس کالانیک"، مدیرعامل و مؤسس "اوبر" اشاره می کند و می گوید: «هنگامی که چنین فرهنگی در سازمان ایجاد می شود، ایجاد دگرگونی و تغییر در آن کاری دشوار است و پیامدهای بلندمدتی دارد.»

رد پای به جا مانده را دنبال کنید

"اوریلی" امید دارد که با گردآوری و آموختن از مجموعه بزرگی از تحقیقات در مورد رهبری خودشیفته، بتوانیم بین رهبران واقعی تحول آفرین و افراد خود شیفته ای که از بیم و امیدهای ما برای به دست آوردن قدرت سوء استفاده می کنند، تمایز قائل شویم.





چرا بسیاری از مردان بی کفایت به جای زنان توانمند رهبر سازمان می شوند؟*



تلفی ۳ گانه از یک موضوع

برای عدم حضور آشکار زنان در عرصه مدیریت، ۳ توضیح رایج وجود دارد: اول این که آنها توانمند نیستند؛ دوم: آنها علاقه مند نیستند؛ سوم این که آنها هم علاقه مند و هم توانمند هستند، اما نمی توانند سقف شیشه‌ای را بشکنند؛ این سقف شیشه‌ای سدی نامرئی در محیط کار است که بر کلیشه‌های تعصب آمیز استوار بوده و مانع از دستیابی زنان به درجاتی از قدرت می شود. محافظه کاران و شوونیست‌ها تمایل دارند تلفی اول را تأیید کنند؛ لیبرال‌ها و فمینیست‌ها مورد سوم را ترجیح می دهند؛ و آنهایی که در وسط هستند معمولاً به سمت تلفی دوم کشیده می شوند. اما اگر همه آنها آن تصویر بزرگ را از دست داده باشند، چه می شود؟

مترجم: مهندس عزت‌الله فرهادی

مهندسان مشاور پویاب

نویسنده: توماس چامورو-پرموزیک**

برگرفته از: نشریه Harvard Business Review First Century, 2013

*- این مطلب برگردانی است از مقاله‌ای با عنوان: Why Do So Many Incompetent Men Become Leaders?

**- Tomas Chamorro-Premuzic: مدیر ارشد نوآوری در ManpowerGroup، استاد روانشناسی کسب و کار در دانشگاه کالج لندن و دانشگاه کلمبیا و یکی از بنیانگذاران deepersignals.com و همکاران آزمایشگاه مالی کارآفرینی هاروارد است. او نویسنده کتاب "چرا بسیاری از مردان بی کفایت رهبر سازمان می شوند؟" (و چگونه می توان آن را برطرف کرد)، که سخنرانی TEDx او بر اساس آن بنا شده بود، است. این نویسنده را می توانید در www.drctomas.com پیدا کنید.



نامتعادل بودن تناسب جنسیتی

به نظر من، دلیل اصلی نامتعادل بودن تناسب جنسیتی در عرصه مدیریت، ناتوانی ما در تشخیص و تمایز اعتماد به نفس و شایستگی است. به این معنا، از آنجایی که ما (مردم به طور کلی) معمولاً به اشتباه نمایش اعتماد به نفس را به عنوان نشانه‌ای از شایستگی تعبیر می‌کنیم، همواره فریب آن را خورده‌ایم که باور کنیم مردان رهبران بهتری نسبت به زنان هستند. به عبارت دیگر، وقتی صحبت از رهبری به میان می‌آید، تنها مزیتی که مردان نسبت به زنان دارند (از آرژانتین گرفته تا نروژ و از ایالات متحده آمریکا تا ژاپن) این واقعیت است که مظاهر غرور که اغلب در پشت پرده کاریزما یا جذابیت پنهانند؛ معمولاً با پتانسیل رهبری اشتباه گرفته می‌شوند و این موارد در مردان بسیار بیشتر از زنان رخنمون دارد [۱].

چنین واقعیتی با این یافته‌ها نیز هم‌راستا است که گروه‌های بدون رهبر، تمایلی ذاتی به انتخاب افراد خودمحور، با اعتماد به نفس بیش از حد و خودشیفته، به عنوان رهبر دارند. این ویژگی‌های شخصیتی در بین مردان و زنان به یک اندازه رایج نیست [۲]. در همین راستا، فروید استدلال کرده که فرایند روان‌شناختی رهبری به این دلیل اتفاق می‌افتد که گروهی از مردم (پیروان)، تمایلات خودشیفتگی خود را با تمایلات رهبر خود جایگزین می‌کنند، به طوری که عشق آنها به رهبرشان، شکل پنهانی از عشق آنها به خودشان و یا جایگزینی برای ناتوانی آنها در دوست داشتن خودشان است. او گفته: «خودشیفتگی یک فرد دیگر»، برای کسانی که بخشی از تمایلات خود را انکار کرده‌اند، جذابیت زیادی دارد... همانند این است که به آن افراد به خاطر آنکه حالت روحی شادی دارند، حسادت می‌شود.»

آیا مردان از زنان باهوش‌ترند؟

حقیقت این است که تقریباً در همه جای دنیا، مردان تمایل دارند این‌طور "فکر" کنند که بسیار باهوش‌تر از زنان هستند [۳]. در صورتی که، تکبر و اعتماد به نفس بیش از حد، با استعداد رهبری از قبیل: توانایی پدیدآوری و حفظ تیم‌های با عملکرد بالا و الهام بخشیدن به پیروان برای کنار گذاشتن برنامه‌های خودخواهانه خود به منظور کار کردن برای منافع مشترک گروه، رابطه معکوس دارند. در واقع، چه در ورزش، چه در سیاست و چه در تجارت، بهترین رهبران معمولاً افرادی متواضع هستند؛ و در عین حال چه به طور ذاتی و چه از طریق پرورش، متواضع و فروتنی در زنان، ویژگی بسیار رایج‌تری نسبت به مردان است. به عنوان مثال، زنان از نظر "هوش هیجانی" (۱) از مردان بهتر عمل می‌کنند، که این ویژگی، محرکی قوی در پیوند با رفتارهای متواضعانه است [۴].

علاوه بر این، یک بررسی کمی در مورد تفاوت‌های جنسیتی در شخصیت‌ها که شامل بیش از ۲۳ هزار شرکت‌کننده در ۲۶ فرهنگ بود، نشان داد که زنان، حساس‌تر، با ملاحظه‌تر و فروتن‌تر از مردان هستند، که مسلماً نتیجه این بررسی یکی از کمترین یافته‌ها در علوم اجتماعی است [۵]. علاوه بر این یک تصویر واضح‌تر زمانی نمایان می‌شود که جنبه تاریک شخصیت اشخاص بررسی شود: برای مثال، داده‌های هنجاری ما، که شامل هزاران مدیر از تمام بخش‌های صنعت و ۴۰ کشور است، نشان می‌دهد که مردان به طور مداوم بیش از زنان متکبر، مداخله‌گر، مستعد خطر و خطرپذیر هستند [۶].

1- Emotional Intelligence





یک مفهوم متناقض

مفهوم متناقض آن این است که همان ویژگی‌های روان‌شناختی که مدیران مرد را قادر می‌سازد تا از آن طریق به بالای نردبان شرکت‌ها یا مقام‌های دولتی و سیاسی صعود کنند، در واقع همان ویژگی‌ها موجب سقوط آنها را نیز فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، تحت این شرایط آن ویژگی‌هایی که موجب به دست آوردن شغل می‌شوند، نه تنها با ویژگی‌هایی که برای انجام دادن صحیح، خوب و درست کارها مورد نیاز هستند متفاوتند، بلکه در نقطه مقابل آن قرار دارند. در نتیجه در چنین شرایطی است که تعداد زیادی از افراد نالایق و بی‌کفایت به جایگاه رهبری در سطح بالا ارتقا یافته و در جایگاهی بالاتر از افراد لایق و شایسته قرار می‌گیرند.

جای تعجب نیست که تصویر اسطوره‌ای یک «رهبر» بسیاری از ویژگی‌هایی را که معمولاً در اختلالات شخصیتی یافت می‌شوند، مجسم می‌کند؛ ویژگی‌هایی مانند خودشیفتگی «استیو جابز»^(۲) یا «ولادیمیر پوتین»^(۳)، روان‌پریشی (نام مستبد مورد علاقه خود را در اینجا بنویسید)، تمایلات تاریخی «ریچارد برانسون»^(۴) یا «استیو بالمر»^(۵)، یا یک شخصیت ماکیاولیست (تقریباً مانند همه سیاستمدارها در سطح مقامات دولتی). نکته غم‌انگیز این نیست که این چهره‌های افسانه‌ای نماینده مدیران میانی جامعه نیستند، بلکه این است که مدیران میانی جامعه هم دقیقاً به دلیل داشتن این چنین ویژگی‌های ناکارآمد، شکست خواهند خورد.

واقعیت این است که بیشتر رهبران چه در سیاست و چه در تجارت، سرانجام شکست می‌خورند؛ و همیشه همین‌طور بوده است: زیرا اکثر کشورها، شرکت‌ها، جوامع و سازمان‌ها به طرز بسیار ضعیفی مدیریت

می‌شوند. همان‌طور که از طول عمر، درآمدها و رتبه‌بندی‌های مورد تأیید آنها پیداست و یا از تأثیراتی که آنها بر شهروندان، کارمندان، زیردستان یا اعضای خود دارند، قابل مشاهده است. بدین مناسبت چنین می‌توان گفت که **رهبری خوب همیشه یک استثنا بوده است، نه یک قاعده**. در نتیجه برای من کمی عجیب به نظر می‌رسد که بسیاری از بحث‌های اخیر در مورد واداشتن زنان به «یک باور» بر این متمرکز شده است که تا جایی که امکان دارد هرچه بیشتر به آنها بقبولانند که ناکارآمدی خود را در پیوند با ویژگی‌های رهبری بپذیرند. بله، درست افرادی از همین گروه‌ها هستند که ما اغلب آنها را به‌عنوان رهبر خود انتخاب می‌کنیم. اما آیا آنها باید رهبر ما باشند؟

۲- Steve Jobs: استیو پال جابز کارآفرین، مخترع، بنیان‌گذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه‌ای اپل و یکی از چهره‌های پیشرو در صنعت رایانه بود. در سال ۱۹۷۶، جابز ۲۱ ساله به همراه دوستش استیو وازنیک ۲۶ ساله، شرکت اپل را تأسیس کردند.

3- Vladimir Putin

۴- Richard Branson: سر ریچارد چارلز نیکولاس برانسون کارآفرین و سرمایه‌گذار بریتانیایی است او رئیس و بنیان‌گذار گروه شرکت‌های ویرجین است که عنوان بیش از ۴۰۰ شرکت در سراسر دنیا را از آن خود کرده‌است. نخستین سرمایه‌گذاری برانسون در ۱۶ سالگی در یک مجله به نام دانش آموز بود.

۵- Steve Ballmer: استیو آنتونی بالمر مدیرعامل سابق مایکروسافت است. او از ژانویه ۲۰۰۰ تا فوریه ۲۰۱۴ مدیرعامل شرکت مایکروسافت بود. او تمام دارایی خود را از راه کارمندی شرکت مایکروسافت به دست آورد، در حالی که نه مؤسس و نه خویشاوند مؤسس شرکت بود.

مسیر و سقف بلندپروازی زنان

بیشتر ویژگی‌های شخصیتی که به‌واقع برای رهبری تأثیرگذار مفید هستند، غالباً در کسانی یافت می‌شوند که آن اشخاص با استعداد مدیریتی خود، دیگران را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. این امر به‌ویژه در مورد زنان صادق است. اکنون شواهد علمی قانع‌کننده‌ای وجود دارد که از این ایده حمایت می‌کند که احتمال دارد زنان نسبت به مردان استراتژی‌های رهبری مؤثرتری را پیش گیرند. مهم‌تر از همه، در یک بررسی جامع از مطالعات، "الیس ایگلی"^(۶) و همکارانش نشان دادند که مدیران زن بیشتر احتمال دارد که احترام و غرور پیروان خود را برانگیزند، دیدگاه‌های خود را به‌طور مؤثر با آنها به اشتراک بگذارند، زیردستانشان را توانمند سازند و آنها را راهنمایی کنند، و درعین حال با شیوه‌ای انعطاف‌پذیرتر و خلاقانه‌تر به حل مسائل پردازند. آنها از جمله گزارش‌های مستقیم پاداش‌های منصفانه را ارائه می‌دهند [۷] (این‌ها همگی ویژگی‌های یک «رهبری تحول‌آفرین» است). در مقابل، مدیران مرد از نظر آماری کمتر احتمال دارد با زیردستان خود ارتباط برقرار کنند و در پاداش دادن به آنها برای عملکرد واقعی‌شان، مهارت نسبتاً کمتری دارند. اگرچه این یافته‌ها ممکن است منعکس‌کننده یک نوع سوگیری ناشی از انتخاب نمونه‌ها باشد مبنی بر آن که زنان برای رهبری، شایستگی و قابلیت بیشتری نسبت به مردان دارند، اما تا زمانی که این تعصب از بین نرود، هیچ راهی برای شناخت واقعیت وجود ندارد.

در مجموع، نمی‌توان انکار کرد که مسیر بلندپروازی زنان به سمت جایگاه و مناصب رهبری با موانع زیادی از جمله سقف شیشه‌ای بسیار ضخیم مسدود شده است. اما مشکل بسیار بزرگ‌تر از آن، نبود موانع شغلی برای دستیابی مردان بی‌کفایت به مناصب بالاست و همچنین این مشکلات ناشی از این واقعیت است که ما تمایل داریم ویژگی‌های رهبری را با ویژگی‌های روان‌شناختی یکسان بدانیم و همین شیوه انتخاب باعث می‌شود که به‌طور میانگین مردان معمولی نسبت به زنان معمولی رهبران نالایق‌تری باشند [۸]. این پدیده نتیجه یک سیستم آسیب‌پذیر است که به مردان برای بی‌کفایتی‌شان پاداش می‌دهد، درحالی‌که زنان را به خاطر شایستگی‌شان تنبیه می‌کند، و شوربختانه پیامد چنین آسیب‌هایی به زیان همه اعضای جامعه تمام خواهد شد.

برگرفته‌ها

[1] Adrian Furnham et al., "Male Hubris and Female Humility? A Cross-Cultural Study of Ratings of

Self, Parental, and Sibling Multiple Intelligence in America, Britain, and Japan," *Intelligence* 30, no. 1 (January–February 2001): 101–115; Amanda S. Shipman and Michael D. Mumford, "When Confidence Is Detrimental: Influence of Overconfidence on Leadership Effectiveness," *The Leadership Quarterly* 22, no. 4 (2011): 649–655; and Ernesto Reuben et al., "The Emergence of Male Leadership in Competitive Environments," *Journal of Economic Behavior & Organization* 83, no. 1 (June 2012): 111–117

[2] The Ohio State University, "Narcissistic People Most Likely to Emerge as Leaders," *Newswise*, October 7, 2008, <https://newswise.com/articles/view/545089/>.

[3] Sophie von Stumm et al., "Decomposing Self-Estimates of Intelligence: Structure and Sex Differences Across 12 Nations," *British Journal of Psychology* 100, no. 2 (May 2009): 429–442.

[4] S. Y. H. Hur et al., "Transformational Leadership as a Mediator Between Emotional Intelligence and Team Outcomes," *The Leadership Quarterly* 22, no. 4 (August 2011): 591–603.

[5] Paul T. Costa, Jr., et al., "Gender Differences in Personality Traits Across Cultures: Robust and Surprising Findings," *Journal of Personality and Social Psychology* 81, no. 2 (2001): 322–331.

[6] Blaine H. Gladdis and Jeff L. Foster, "Meta-Analysis of Dark Side Personality Characteristics and Critical Work Behaviors among Leaders across the Globe: Findings and Implications for Leadership Development and Executive Coaching," *Applied Psychology* 64, no. 1 (August 27, 2013).

[7] Alice H. Eagly and Blair T. Johnson, "Gender and Leadership Style: A Meta-Analysis," *Psychological Bulletin* 108, no. 2 (1990): 233–256.

[8] A. M. Koenig et al., "Are Leader Stereotypes Masculine? A Meta-Analysis of Three Research Paradigms," *Psychological Bulletin* 137, no. 4 (July 2011): 616–642.



فرهنگ سازمانی و سبک رهبری



مهندس بهرام طالبی
مهندسان مشاور وینه سار



مهندس پریسا طالبی
مدیر تجربه همکاری و برند
کارفرمایی علی بابا

فرهنگ سازمانی به ارزش‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌های مشترکی اشاره دارد که مشخصه یک سازمان است. این موارد که لزوماً مکتوب نیستند، در هر سازمان نشان‌دهنده «شخصیت» سازمان بوده و نقش مهمی در رضایت کلی کارمندان دارند.

فرهنگ سازمانی بر موفقیت در استخدام نیروهای جدید تا حفظ و نگهداشت آنها و نیز ارتقای حس تعلق سازمانی کارمندان تأثیر می‌گذارد. اگر بگوییم که سنگ بنای اصلی یک فرهنگ سازمانی قوی وابسته به رویکرد و سبک رهبری آن سازمان است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. در واقع می‌توان گفت که ارزش‌های اصلی و فرهنگ حاکم بر یک سازمان، با رویکردهای رهبری آن شروع شده و سپس به سبک رهبری تبدیل می‌شود. افراد با ارزش‌ها و رفتارهای رهبران هدایت می‌شوند، به گونه‌ای که باید رویکرد و رفتار هر دو طرف در یک راستا قرار گیرد. هنگامی که رفتار، ارزش‌ها و باورهای یکپارچه قوی ایجاد شد، یک فرهنگ سازمانی قوی پدید می‌آید. رهبران باید پاسدار فرهنگ سازمانی و ارزش‌های آن باشند و این

*- Organizational culture Leadership

امر متقابلاً رفتار منسجم بین اعضای سازمان، کاهش تعارضات و ایجاد یک محیط کاری سالم برای کارمندان را تضمین می‌کند.

فرهنگ یک شرکت به طور ارگانیک نمی‌تواند توسعه پیدا کند. فرهنگ ریشه در ارزش‌های روزمره، تعاملات و رفتارهای تجربه شده در یک سازمان دارد و این بدان معناست که بدون پایه‌گذاری عمده اصول خوب، نوع نادرست فرهنگ می‌تواند سریع‌تر از آنچه تصور می‌شود، ادامه پیدا کند. در این شرایط رهبران می‌توانند ارزش‌های سازمانی را با هدف رشد و توسعه افراد خود تقویت کنند و برای این توانمندسازی از ابزارهایی مانند برگزاری جلسات دوره‌ای یک‌به‌یک، رویکرد باز^(۱) به گفت‌و شنود و بازخورد، هدف‌گذاری در راستای توسعه کسب‌وکار و فرهنگ و ... استفاده کنند. به عنوان مثال، بررسی بازخوردهای دوره‌ای منظم، فرصت بیشتری برای اطمینان از همسویی افراد با اهداف، ارزش‌ها و به‌طور کلی فرهنگ سازمانی فراهم می‌کند. علاوه بر آن به گفته گالوپ^(۲)، رهبرانی که به صورت هفتگی بازخورد عملکرد خود را ارائه می‌کنند، کارمندانی دارند که از ۲ تا ۳ برابر بیشتر انگیزه برای انجام کارهای برجسته برخوردارند و این همان تأثیر یک فرهنگ قوی سازمانی است.

در سازمان‌های ایرانی گاهی تصویری که از یک فرهنگ سازمانی متعالی در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود، با مفهوم «محیط کاری مفرح» گره خورده است که لزوماً این مورد صحیح نیست. اگرچه به نظر می‌رسد فرهنگ کاری «مفرح» توجه زیادی را به خود جلب می‌کند، اما برگزاری رویدادهای داخلی، دادن امتیازات و امکانات رفاهی به همکاران، تنها «می‌تواند» و یا حتی «نمی‌تواند» بخشی از تصویر واقعی یک فرهنگ سازمانی قوی باشد. در عمل، تعریف فرایندهای مناسب رفتارهای و ام گرفته شده از ارزش‌ها، فرهنگ سازمانی و از همه مهم‌تر سبک و رویکرد حمایت‌گر رهبری می‌تواند فرهنگ مثبت و قوی را در سازمان ارتقا دهد. رسیدن به تعریفی درست از ارزش‌های سازمانی، که به دور از کلی‌گویی و متناسب با اهداف کسب‌وکار باشد، بسیار مهم است. عدم وجود تناقض و ابهام در ارزش‌های مطرح شده باعث می‌شود که افراد این ارزش‌ها را بهتر درک کنند و در تصمیم‌گیری‌های روزانه از آنها استفاده کنند. به طور کلی، شما زمانی می‌توانید فرهنگ یک سازمان را درک کنید که به داستان‌هایی که توسط افرادی که در آنجا

کار می‌کنند، گوش داده باشید، داستان‌هایی که حاصل «تجربه و درک» از موارد ذکر شده‌اند و در ذهن آنها ایجاد شده‌اند.

این در حالی است که شرکت‌های مهندسان مشاور، علاوه بر چالش‌های درون‌سازمانی که هر سازمانی با آن دست‌به‌گریبان است، مدت‌هاست درگیر مشکلاتی خارج از سازمان که بر آنها تحمیل شده، نیز هستند. این مشکلات عمدتاً مالی و ناشی از عدم دریافت حق‌الزحمه در زمان مقرر از سمت کارفرمایان هستند که گاهی باعث تأخیر در پرداخت حقوق کارکنان تا چندین ماه می‌شود. عدم تناسب حقوق دریافتی کارکنان با ارزش کارهای انجام شده، به دلیل پایین بودن حق‌الزحمه‌های مصوب و موارد متعدد دیگری از این دست نیز وضعیت نامناسبی برای این گروه از حرفه‌مندان ایجاد کرده است. تأثیر این عوامل بیرونی در کاهش انگیزه و کارکرد نیروهای شرکت‌های مهندس مشاور محسوس است و نتیجه محتوم چنین موانعی از دست رفتن نیروهای زبده، شاخص و متخصص مهندسان مشاور است که این امر می‌تواند به صورت مهاجرت، خروج از شرکت و یا حتی تعویض شغل، خود را آشکار سازد. از این رو نیاز به بازتعریف ارزش‌های سازمانی در فرهنگ سازمانی، ارتقای مهارت‌های رهبری و یا حتی اقناع کارکنان از روش‌های غیرمادی و معنوی با تعریف فرایندهای قردانی و توسعه به‌طوری که سطح انگیزه در آنها افت نکند، احساس می‌شود. در چنین شرایطی نقش مدیر سازمان و سبک رهبری وی در تعامل با کارکنان و اخذ بازخوردهای دوره‌ای و ایجاد ارتباط مؤثر، می‌تواند راهگشا باشد. امری که عمدتاً نه‌تنها در شرکت‌های مهندس مشاور مغفول مانده، بلکه بخش عمده مدیران این شرکت‌ها به صورت کلاسیک، آموزشی در زمینه کسب مهارت‌های رهبری ندیده و صرفاً مدیرانی در بعد فنی هستند که نیاز به اصلاح و توسعه در آنها دیده می‌شود.

از دیگر سو فرایندهای جذب، ارتقا و خروج کارمندان، مکانیزم‌ها و ابزارهای قدرتمندی برای شکل‌گیری فرهنگ سازمانی در دست مدیران شرکت‌های مهندسان مشاور هستند که تعریف درست، اجرای دقیق و غیرسلیقه‌ای و عارضه‌یابی آنها، می‌تواند رویکرد کارکنان را به سمت کسب تجربه مثبت همکاری سوق دهد.

1- Open approach

2- <https://www.gallup.com/workplace/285674/improve-employee-engagement-workplace.aspx>



موانع توسعه سیاسی



مهندس بهرام امینی

مهندسان مشاور خدمات مهندسی مکانیک خاک

اشاره

توسعه سیاسی گسترش فرصت‌های رقابت و مشارکت سیاسی در بین گروه‌های برگزیده است. مطلب پیش رو نوشته‌ای کلی در باب موانع توسعه است که به دوره خاصی اشاره ندارد. بحث درباره دوره‌های اخیر در ایران، چه دوره پهلوی و چه دوره جمهوری اسلامی، نیازمند بررسی‌های خاص و ویژگی‌های این دوره‌هاست که در این کوتاه نمی‌گنجد.

الگوهای توسعه سیاسی

به طور کلی دو الگوی همبستگی^(۱) و علمی (دترمینیستی)^(۲) هواداران و پیروان زیادی دارند.

۱- الگوی همبستگی

در این الگو رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی در همبستگی تنگاتنگ با توسعه سیاسی تعریف می‌شود. بر این اساس، شاخص‌هایی نظیر درآمد ملی، آموزش، شهرنشینی، سیستم ارتباطاتی، نحوه توزیع نیروی

1- correlation

2- deterministic

کار و غیره در توسعه سیاسی نقش ایفا می‌کنند. پس توسعه سیاسی تحت تأثیر محیط است و مفهوم همبستگی جایگاه ویژه‌ای دارد. پژوهشگران متعددی در این زمینه کار کرده‌اند. برخی از شناخته‌شده‌ترین آنها لیپست^(۳)، جیمز کلن^(۴) و سیمپسون^(۵) هستند.

گفتنی است یافته‌های جدید نشان می‌دهند که پس از توسعه کافی اجتماعی و اقتصادی، دیگر رابطه مستقیمی بین اینها و توسعه سیاسی وجود نخواهد داشت. آیا شهروندان مرفه (اقتصادی) و باسواد (اجتماعی) هستند که از دموکراسی (سیاسی) هواداری می‌کنند یا دموکراسی زمینه مناسب برای رشد اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد؟

۲- الگوی دترمینیستی

با انتقاد از الگوی همبستگی و به دنبال رفع ابهام از رابطه علی، نظریه‌های دترمینیستی مطرح شده‌اند. از جمله اینکه بر اساس ارزیابی‌های آماری، در فرایند توسعه، گسترش شهرنشینی به توسعه آموزش می‌انجامد و توسعه آموزش موجب توسعه بخش ارتباطات می‌گردد و این‌ها مجموعاً توسعه سیاسی را موجب می‌گردند و یا گسترش شهرنشینی باعث بسیج اجتماعی و توسعه اقتصادی می‌شود و توسعه اقتصادی خود بر بسیج اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بسیج اجتماعی باعث پیدایش احزاب، رقابت حزبی و گردهم آوری منابع گروه‌های اجتماعی در درون سازمان‌های سیاسی می‌گردد و این خود توسعه سیاسی است. شناخته‌شده‌ترین پیشگامان این الگو عبارتند از لرنر^(۶) و تانتر^(۷).

این الگو نگرش مکانیکی دارد، به گونه‌ای که توسعه سیاسی تابع مطلق جنبه‌های گوناگون توسعه اقتصادی و اجتماعی است. جامعه‌ای که از نظر سیاسی توسعه یافته است ممکن است از نظر اقتصادی نیز توسعه یافته باشد، اما جامعه‌ای که از نظر اقتصادی توسعه یافته است، لزوماً از نظر سیاسی می‌تواند توسعه یافته نباشد. دولت‌های تمامیت‌خواه (توتالیتار) که مدرن و صنعتی هستند نمونه‌هایی از این دست هستند.

زیرشاخه‌هایی نیز در نگرش علمی و دترمینیستی وجود دارد، از جمله توضیح انگیزشی (انگیزه گروه‌ها باعث توسعه سیاسی است)، ارگانیک (اگر امری انجام نشود امر دیگر نیز معطل آن خواهد ماند)، احتمالات (اگر محیط ذهنی و فرهنگی تغییر کند محیط سیاسی نیز ممکن است دگرگون شود)، تاریخی (پویایی تاریخی و توسعه اجتماعی) و نوع آرمانی (مثالی از یک پدیده (مثلاً توسعه غرب) و انحراف از آن پدیده که در کشورهای غیرغربی بررسی می‌شود). این شاخه‌ها نیز هواداران و طرفداران خود را دارند.

۳- نظریه شناخت قدرت

به هر آینه، الگوی دترمینیستی هم همان گونه که گفته شد، نارسایی‌های خود را دارد. این است که برخی نظریه‌پردازان ضمن پذیرش و تأیید تأثیر تحولات پیرامون بر توسعه سیاسی، به ساخت

قدرت نیز توجه دارند؛ زیرا با وجود تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است ساختار قدرت سنتی همچنان در برابر توسعه سیاسی مقاومت کند. شاید بتوان تا آنجا پیش رفت که بگوییم تحول سیاسی سرآغاز توسعه اقتصادی و اجتماعی است.

در این زمینه یکی از نظریه‌پردازان به نام ریچارد پراید^(۸) می‌گوید: "توسعه سیاسی در کشورهایی که تحول سیاسی زودرس و تحول اقتصادی دیررس داشته‌اند موفق بوده در حالی که کشورهایی که تحول اقتصادی و اجتماعی زودرس داشته‌اند در توسعه سیاسی آنچنان پیشرفت نکرده‌اند."

۴- ساختار و تمرکز قدرت سیاسی

کنترل منابع قدرت از سوی حاکمیت، کاهش احتمال مشارکت در رقابت سیاسی را در پی دارد. با افزایش بحران‌ها این کنترل شدت بیشتری می‌گیرد.

در این باب دو نظریه متفاوت و کاملاً متضاد وجود دارد: در نظریه اول برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که برای توسعه سیاسی لازم است توان و کارایی حکومت هر چه بیشتر و مستحکم‌تر باشد. از جمله این نظریه‌پردازان ساموئل هانتینگتون^(۹) است که استدلال می‌کند دستگاه اجرایی نیرومند و بوروکراسی کارآمد و بدون دخالت مؤثر دستگاه پارلمانی، برای توسعه سیاسی ضروری است. بدون وجود این شرایط، تقاضای مشارکت از سوی گروه‌های اجتماعی می‌تواند نظم دستگاه سیاسی را برهم بزند. پس جلوگیری از مشارکت سیاسی و افزایش توان و قدرت سیاسی حاکمیت اجتناب‌ناپذیر است. او می‌گوید:

"مسئله اولیه ایجاد نظم سیاسی مشروع است نه ایجاد آزادی. آدمیان البته ممکن است بدون آزادی از نظم برخوردار باشند اما نمی‌توانند بدون نظم از آزادی برخوردار شوند و قدرت باید پیش از آنکه محدود شود، وجود داشته باشد."

و در جای دیگر خاطر نشان می‌کند:

"چون مشکل اصلی سیاست واپس ماندگی نهادهای سیاسی نسبت به دگرگونی اجتماعی و اقتصادی است، بنابراین پیدایش حکومتی نیرومند برای نهادمند کردن حوزه سیاسی ضروری است."

عواقب بسیار وخیم این نظریه در بسیاری از کشورها تجربه شده. ایجاد مانع برای مشارکت سیاسی خود می‌تواند بی‌نظمی و بی‌ثباتی به دنبال داشته باشد. درست است که حکومت قوی و نیرومند بهتر از حکومت ضعیف و شکننده می‌تواند علایق و منافع گروه‌های اجتماعی

3- Lipset

4- Coleman

5- Simpson

6- Lerner

7- Tanter

8- Pride

۹- Samuel Huntington: لازم به توضیح است که زیگنیف برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا در دوره جیمی کارتر، از همفکران هانتینگتون بود.

را پاسداری کند، اما حکومت نیرومند آن علایق را به نفع برخی علایق گروه‌های دیگر سرکوب هم می‌کند. حکومت نیرومند و سرکوبگر اگر هم بتواند دستاوردهای قابل توجه اقتصادی داشته باشد، توسعه اجتماعی چیز دیگری است.

هرچند در غرب، توسعه سیاسی پس از گسترش توسعه اقتصادی به وجود آمد، لیکن این نگرش که برای توسعه سیاسی و دموکراسی باید به رشد اقتصادی پرداخت، منجر به این نتیجه می‌شود که در جوامع رشد نیافته تنها دستگاه دولتی و حکومت است که می‌تواند از طریق حفظ و گسترش قدرت سیاسی، زمینه‌ساز رشد اقتصادی گردد و این به نوعی خلط مبحث است.

نظریه دوم تأکید خود را بر جامعه می‌گذارد: رقابت سالم، مشارکت گسترده و افزایش و شکل‌گیری منطقی علایق اجتماعی. توسعه سیاسی تابعی از گسترش شهرنشینی و اقتصاد شهری است. درست است که توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباطاتی شرایط لازم را برای توسعه سیاسی فراهم می‌آورد، اما تحولات در این زمینه‌ها برای پیدایش توسعه سیاسی کافی نیست. ممکن است با وجود تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توسعه سیاسی از طریق ساختار قدرت سنتی همچنان مقاومت کند.

۵- چندپارگی‌های جامعه

دو نوع شکاف یا پارگی اجتماعی عبارتند از: شکاف‌های متراکم^(۱۰) که در آن طبقات بالا متعلق به یک قوم یا یک فرقه مذهبی هستند و طبقات پایین به قوم و فرقه مذهبی دیگر تعلق دارند. بدیهی است در این جامعه منازعه و بی‌ثباتی افزایش می‌یابد و اگر سازشی حاصل نشود، منازعه از قوه به فعل در می‌آید. نوع دیگر شکاف یا پارگی اجتماعی، شکاف‌های متقاطع^(۱۱) هستند که در این حالت شکاف‌های موجود بین طبقات قومی و مذهبی چنان یکدیگر را قطع می‌کنند که آمیزه جدیدی به وجود می‌آید. در این صورت، امکان منازعه و بی‌ثباتی کاهش می‌یابد.

برای نمونه، شکاف‌های جامعه ایران تا انتهای دوره پهلوی، شکاف‌های تمدنی و فرهنگی بوده‌اند: ۱- فرهنگ و تمدن قدیم ایران، ۲- فرهنگ و تمدن اسلامی، ۳- فرهنگ و تمدن غربی. این آخری به‌ویژه برای فرهنگ و تمدن اسلامی واکنش برانگیز بوده است. به هر آیین، چندپارگی‌های اجتماعی، یکی از موانع جدی توسعه سیاسی است.


۶- ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی حاکمیت

فرهنگ سیاسی نخبگان حاکمه زمینه‌ساز مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی در جامعه است. این فرهنگ، محیط ذهنی و نگرشی است که نظام سیاسی در درون آن عمل می‌کند. تغییر در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکمیت اگر حادث شود، می‌تواند منجر به دگرگونی رویه و

نظام سیاسی شود. فرهنگ سیاسی حاکمیت در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته، مبتنی بر فرهنگ سیاسی پاتریمونالیستی^(۱۲) (ارث پدری - پدرسالارانه) است. این الگوی سنتی اطاعت از پایین به بالا را می‌طلبد و با مفاهیم اسطوره‌ای و مذهبی مشروعیت خود را از منابع مختلف کسب می‌کند. تصور وجود رابطه میان حاکم و خداوند، هرگونه رقابت سیاسی را غیرممکن می‌سازد. این است که به طور سنتی گرایش نیرومندی به توتالیتراریسم ایدئولوژیک وجود دارد. در این شرایط ادامه منازعه و عدم سازش نقش انکارناپذیری دارد. هرگاه حاکمیت قوی باشد، واژه سازش بی‌معنی می‌شود و هرگاه حاکمیت ضعیف باشد، تعداد پرشماری احزاب و گروه‌های سیاسی در جامعه شکل می‌گیرند. نخبگان حاکمیت در این شرایط از امپریالیسم یا قدرت‌های خارجی و در نتیجه تئوری توطئه^(۱۳) سخن می‌گویند و بهانه حفظ وحدت ملی و مبارزه با نیروهای خارجی را مطرح می‌کنند؛ گویی سیاست یعنی از میدان به در بردن رقبای و مخالفان و نه همکاری، مشارکت و سازش برای اداره هر چه بهتر جامعه.

جمع بندی

تعریف فراگیری از توسعه سیاسی به دست آمد. الگوهای توسعه سیاسی شامل الگوی همبستگی و الگوی دترمینستی و ویژگی‌های هر یک، نارسایی‌های آنها و نقاط قوت آنها مختصراً بحث شد. الگوی مناسب‌تر الگویی است که بتواند به موضوع اهمیت ساخت قدرت بپردازد. بر این اساس نگرش‌های متضاد درباره ساختار و تمرکز قدرت سیاسی و به‌ویژه دیدگاه طرفداران دستگاه‌های اجرایی نیرومند بدون نیاز به دخالت مؤثر پارلمان مطرح شد که در مقابل آن دسته از نظریه‌پردازانی قرار می‌گیرند که تأکید خود را بر جامعه، رقابت سالم و مشارکت مردم قرار می‌دهند.

از عوامل مهم به چند پارگی اجتماعی نیز اشاره شد که تناقض‌های موجود چگونه سد راه توسعه سیاسی می‌تواند باشد. همچنین عامل مؤثر دیگر، فرهنگ سیاسی حاکم بر هیأت حاکمه است و اشاره شد که فرهنگ پدرسالارانه (نگاه از بالا به پایین) در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته یک الگوی سنتی و مانعی جدی در توسعه سیاسی به شمار می‌رود. 

برگرفته‌ها

بیشتر مطالب، برگرفته از کتاب‌های زیر است:

۱. "منابع توسعه سیاسی در ایران"; حسین بشیریه؛ گام نو؛ ۱۴۰۱.

2- S. P. Huntington: Political Order in Changing Societies, 1969.

10- reinforcing cleavages

11- cross- cutting cleavages

12- patrimonialistic (patrimonialism)

13- conspiracy theory



سخنانی چند پیرامون کسب درآمدهای هنگفت از طریق ترانزیت زمینی

واقعیت یا رویا؟



مهندس محمد اسمعیل علیخانی
پژوهشگر مستقل

پیشینه

در اثنای برگزاری مناظره‌های تلویزیونی آخرین انتخابات ریاست جمهوری، یکی از کاندیداها مدعی شدند که دولت‌های گذشته به برخی امور بی توجه بوده‌اند و از جمله این موارد، به ترانزیت کالا اشاره و (نقل به مضمون) اظهار داشتند: "فقط از کریدور شمال - جنوب می توان ۲۰ میلیارد دلار در سال در آمد به دست آورد!"

پس از برگزاری انتخابات و تشکیل دولت سیزدهم، وزیر راه و شهرسازی در مصاحبه‌ای نوید کسب درآمد ۳۰ میلیارد دلاری را از طریق ترانزیت زمینی داد. چندی بعد نیز "مهدی صفری"، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، درآمد ارزی ترانزیت را خوش بینانه ۶۰ میلیارد دلار اعلام و اضافه کرد: "این درآمد نه آنقدر زیاد است که جای در آمد نفت را بگیرد و نه آنقدر کم که بتوان از آن صرف نظر نمود".

خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز ۱۱ مهرماه امسال گزارشی از برگزاری مراسم روز جهانی دریانوردی ارائه کرد و از قول وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد:



«کریدرهای جاده‌ای و ریلی به بنادر ما به طور کامل متصل نیستند، این در حالی است که ایران می‌تواند مهم‌ترین نقش ترانزیتی را داشته باشد»^(۱)؛

و در ادامه در مورد حجم تقاضا اضافه نمودند:

«ما باید بتوانیم از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران استفاده کنیم، ۲۰۰ میلیون تن بار در منطقه وجود دارد که می‌تواند از کریدر ایران جا به جا شود، هر ۱۰ روز یک بار کود از روسیه به هند ارسال می‌شود، که می‌تواند از مسیر ایران باشد».

ایشان همچنین افزودند:

«تکمیل ظرفیت کریدرها و افزایش ترانزیت کشور بعد از نفت می‌تواند درآمد خوبی برای کشور داشته باشد. خبر خوش اینکه این ظرفیت در اختیار ما قرار گرفته و به‌زودی شاهد تحول بزرگی در بخش دریا، ریل و همین‌طور هوایی هستیم».

پیش از این اظهار نظر، یکی از مسؤولان مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران طی مصاحبه‌ای از ۷ راهکار تقویت ترانزیت کشور و درآمدزایی ۱۱ میلیارد دلاری از این بخش یاد کرد.

این مرکز تحقق این درآمد را مشروط به آن دانست که "همه مبادلات کشورهای راه‌گذار شمال - جنوب و یک سوم مبادلات چین و اروپا از مسیرهای ایران انجام شود و درآمد مستقیم حاصل از ترانزیت برای کشور ۷۵ دلار در هرتن در نظر گرفته شود، در این صورت به‌طور بالقوه امکان کسب در آمد ۱۱ میلیارد دلاری از این مسیر برای ایران وجود دارد".

گفتنی است که اظهار نظرهای پراکنده‌ای در این مورد انجام شده که شرح همه آنها از حوصله این مقاله خارج است؛ در جمع‌بندی کلی به شرحی که خواهد آمد می‌توان گفت که نخستین شایعه درباره افزایش دور از انتظار درآمد ترانزیت زمینی کمتر از یک میلیارد دلار به ۱۲ میلیارد دلار در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ به وجود آمد و از آن زمان تاکنون با تغییر دولت‌ها و وزرا به حدود و وسعت این فعالیت و درآمد حاصل از آن افزوده شده و دامنه تغییرات پس از ۱۲ میلیارد دلار اولیه به ۲۰، ۳۰ و ۶۰ میلیارد دلار افزایش یافت. اخیراً مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی خارج از روند افزایشی، کسب درآمد ۱۱ میلیارد دلاری را مشروط به تحقق مفروضاتی نموده است و این در حالی است که در بیش از ۲۰ سال گذشته هیچگاه درآمد ترانزیت زمینی شامل ریلی و جاده‌ای به یک میلیارد دلار هم نرسیده است.

واقعیت یا رویا؟

پس از بروز بحران اقتصادی در کشورهای موسوم به بربهای آسیا در سال ۱۳۷۷، بهای هر بشکه نفت خام به ارقامی مانند ۹/۵۵ تا ۱۱/۲ دلار تنزل یافت. در آن زمان دولتمردان مرتبط با بخش حمل و نقل در ایران به رییس دولت وقت گزارش و نوید دادند که اگر به فعالیت

ترانزیت زمینی توجه شود، کسب درآمد تا ۱۲ میلیارد دلار از این فعالیت امکان‌پذیر و جبران‌کننده کمبود درآمد نفت خواهد بود (درآمد محقق شده آن سال‌ها همواره کمتر از یک میلیارد دلار بوده که تا سال ۱۴۰۰ در روی همان پاشنه چرخیده است).

این برآورد اغراق‌آمیز ۱۲ میلیارد دلاری، مورد نقد جدی کمیته اقتصاد حمل و نقل وزارت راه و ترابری قرار گرفت که منتج به تعریف یک مطالعه در مرکز تحقیقات آن وزارتخانه و ارجاع آن به مهندس مشاور مربوط شد. مطالعات با همکاری استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به انجام رسید. نتیجه آن که درآمد اعلام شده به رییس دولت وقت ۱۲ تا ۱۵ برابر واقعیت حالت خوشبینانه بوده است. این بررسی در اثنای مطالعات جامع حمل و نقل و در دولت دوم اصلاحات از سوی همان مهندس مشاور (با همکاری یا نظارت مشاور خارجی طرح جامع) تکرار و نتیجه تغییری نکرد.

از آن سال تاکنون یعنی پس از حدود ۲ دهه، درآمد ترانزیت زمینی در همه کریدرها شامل ریلی و جاده‌ای، همواره رقمی زیر یک میلیارد دلار (حدود ۶۰۰ میلیون دلار) و سهم‌راه آهن کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار در نوسان بوده است.

همان‌طور که در بخش پیشینه این نوشتار اشاره شد، در اثنای مناظره‌های انتخاباتی سال ۱۴۰۰ ریاست جمهوری، دوباره موضوع کسب درآمد دور از انتظار از فعالیت ترانزیت زمینی کلید خورد که اخبار آن در رسانه‌ها به اختصار آن به شرح زیر منتشر شد:

- کسب در آمد ۲۰ میلیارد دلاری از کریدر شمال - جنوب،

- کسب در آمد ۳۰ میلیارد دلاری از همان کریدر،

- کسب در آمد ۶۰ میلیارد دلاری از ترانزیت زمینی،

و بالاخره اخیراً نیز خبر امکان کسب درآمد ۱۱ میلیارد دلاری از ترانزیت زمینی از سوی مقامات و مراکز مختلف رسانه‌ای شده است.

امکان‌سنجی کسب ۱۱ میلیارد دلار در سال از راه ترانزیت کالا

برای امکان‌سنجی کسب چنین درآمدی در این گزارش فشرده، موضوع کسب در آمد ۱۱ میلیارد دلاری (کمترین رقم اعلام شده) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

کسب چنین درآمدی تنها در صورت درست بودن و تحقق مفروضات اساسی زیر که از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی اعلام شده، میسر است:

الف: درآمد حاصل از ترانزیت هر تن بار عبوری از قلمرو کشور برابر ۷۵ دلار باشد.

ب: عبور تمامی بارهای کریدر شمال - جنوب و یک سوم مبادلات چین با اروپا از مسیرهای ترانزیتی ایران صورت گیرد.

۱- خبرگزاری ایرنا: <https://irna.ir/xjKGJv> وزیر راه: "حمل و نقل کشور با اختصاص ۲۰ میلیارد دلار تا ۴ سال آینده متحول می‌شود".



تقاضا، زیربنای موجود در شرایط ایده آل می توانست تنها به یک ششم تقاضای تعریف شده پاسخ دهند.

در مورد ارزیابی مستند تقاضا، نتیجه به دست آمده از ۲ مطالعه انجام شده در حوالی دهه ۸۰ (که قبلاً در موردشان توضیح داده شد) به شرح جدول زیر است:

میزان تقاضا در سال ۲۰۲۵ در کریدور شمال-جنوب		
تقاضای بدبینانه (میلیون تن در سال)	تقاضای خوش بینانه (میلیون تن در سال)	تقاضای واقع بینانه (میلیون تن در سال)
۴,۶۰۹	۱۵,۵۶۷	۱۰,۵۸۴
میزان تقاضا در سال ۲۰۲۵ در تمام جهات از قلمرو کشور		
تقاضای بدبینانه (میلیون تن در سال)	تقاضای خوش بینانه (میلیون تن در سال)	تقاضای واقع بینانه (میلیون تن در سال)
۷,۹۷۴	۲۵,۳۴۳	۱۵,۵۷۰

نتیجه گیری دوم: درست مانند مورد اول، تقاضای تعریف شده توسط مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی حدود ۶ برابر تقاضای خوش بینانه و بیش از ۹ برابر تقاضای واقع بینانه به دست آمده از این مطالعات است.

در مورد ارزیابی و مقایسه درآمد اعلام شده با کل درآمد بخش حمل و نقل، سهم هر یک از زیربخش ها از کل درآمد حمل و نقل، انبارداری و پشتیبانی و پست و مخابرات در سال ۱۳۹۸، به شرح جدول زیر بوده است:

سهم درآمدی هر یک از زیربخش ها (درصد)	
۱/۸	ریلی
۵۳	جاده ای
۲/۳	خطوط لوله
۰/۴	آبی
۰/۸	هوایی
۳/۶	انبارداری و پشتیبانی
۳۸/۱	پست و مخابرات
۱۰۰	جمع کل

به عبارت دیگر، امکان کسب در آمد ۱۱ میلیارد دلاری بدون تحقق مفروضات یادشده، وجود ندارد.

با توجه به این مفروضات، برای کسب در آمد مورد نظر، تناژ بار ترانزیت عبوری از قلمرو کشور برابر خواهد بود با:

$$\frac{11,000,000,000 \text{ دلار}}{75 \text{ دلار/تن}} \cong 146,000,000 \text{ تن}$$

یعنی هر سال باید حدود ۱۴۶ میلیون تن بار از قلمرو کشور عبور کند.

حال اگر تعداد کریدورهای شرقی-غربی و شمالی-جنوبی کشور را در خوش بینانه ترین حالت ۶ کریدور اعم از ریلی و جاده ای فرض کنیم، بار عبوری از هر کریدور یا مسیر بر حسب تن برابر خواهد بود با:

$$\frac{146,000,000 \text{ تن}}{6 \text{ کریدور}} = 24,333,333 \text{ تن/کریدور}$$

به عبارت دیگر، از هر کریدور یا مسیر اعم از ریلی یا جاده ای باید بیش از ۲۴ میلیون تن بار در سال عبور کند. پر واضح است که چنین امری امکان پذیر نیست، زیرا:

- اگر از کل ظرفیت هر کریدور جاده ای و ریلی حدود ۶۰ درصد به جایابی بار ملی و ۴۰ درصد به بار ترانزیت اختصاص یابد.
- اگر ظرفیت هر راه آهن یک خطه (همچنین یک راه اصلی درجه یک با تعبیه خط سربالایی و ...) را ۶ میلیون تن در سال و با ملاحظه محورهای ریلی دوخطه و راه های ۴ خطه و آزاد راه ها متوسط دست بالا ۱۰ میلیون تن در هر کریدور و در هر سال فرض کنیم، ۴۰ درصد اختصاصی به بار ترانزیت برابر ۴ میلیون تن خواهد بود.

که با ۲۴ میلیون تن پیش گفته، فاصله زیادی دارد!

نتیجه گیری ها

نتیجه گیری اول: صرف نظر از مبهم بودن و دست بالا گرفتن میزان





جمع درآمد بخش در سال ۱۳۹۸ حدود ۴,۶۰۰,۰۰۰ میلیارد ریال برآورد شده که با فرض نرخ تسعیر ۱۲ هزار تومان برای هر دلار آمریکا در آن سال، درآمد کل بخش کمتر از ۳۹ میلیارد دلار بوده است که در این میان سهم زیر بخش ریلی ۶۹۰ میلیون دلار و بخش جاده‌ای کمتر از ۲۱ میلیارد دلار بوده است. بنابراین رسیدن درآمد ترانزیت به ۱۱ میلیارد دلار، یعنی حدود ۱۶ برابر درآمد بنگاه راه آهن کنونی کشور و ۵۰ درصد کل حمل و نقل زمینی کشور، به طور جدی محل پرسش است.

■ به فرض آن که وسیله نقلیه‌ای که برای ترانزیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، ایرانی باشد و با فرض کسب درآمد ۷۵ دلار از هر تن بار ترانزیتی، عبور یک تریلی ۲۰ تنی از حداقل ۱۵۰۰ کیلومتر قلمرو کشور، درآمدی ۱۵۰۰ دلاری کسب می‌کند که با درآمد حاصل از مسافرت و اقامت ۱۰ روزه یک گردشگر به کشور برابری می‌کند! اما منافع و زیان‌های حاصله از این دو، به هیچ روی قابل مقایسه نیستند.

■ باید توجه داشت که درآمد حاصل از ترانزیت ریلی در سال‌های اخیر هیچگاه از مرز ۱۰۰ میلیون دلار نگذشته و جمع درآمد ترانزیت زمینی شامل ریلی و جاده‌ای نیز هرگز به یک میلیارد دلار در سال نرسیده است. این در حالی است که همه درآمد حاصل از ترانزیت (کرایه ناوگان) سود نیست و اگر این کرایه با توجه به یارانه‌های اعمال شده، از صاحب بار خارجی اخذ شود، پس از کسر هزینه‌ها، شاید متضمن ۳۰ درصد سود باشد.

بررسی اظهار نظرهای کمتر اغراق آمیز

با آن که کسب درآمد ۱۱ میلیارد دلاری در مقایسه با اظهار نظرهای پیشین (۲۰، ۳۰ و ۶۰ میلیارد دلاری) از اغراق کمتری برخوردار است، اما حتی تعریف مدل تقاضای آن بسیار مشکل به نظر می‌رسد. این تقاضا (یعنی ۱۴۶ میلیون تن بار در سال) که هم اکنون از قلمرو کشور ما عبور نمی‌کند، قرار است از کدام کریدور و مسیر زمینی عبور کند؟ و سخن آخر این که کدام کشور در جهان سراغ دارید که متناسب با وسعت سرزمین ایران ۱۰، ۲۰ و ۳۰ میلیارد دلار از فعالیت ترانزیت زمینی درآمد کسب کند و چگونه چنین کاری را انجام می‌دهد؟

اظهار نظرهای اغراق آمیز چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

از آنجا که تمرکز مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران پیرامون کریدور ترانزیتی شمال- جنوب کشور و بیشتر بر عبور تمامی کالاهای مبادله شده بین روسیه و هندوستان از قلمرو ایران است، بجاست که به ارزش کالاهای مبادله شده بین این دو کشور که در سال پیش رو ۲ برابر هم شده، توجه دقیق‌تری داشته باشیم.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که درآمد ترانزیت زمینی نمی‌تواند ۱۶ برابر کل فروش خدمات راه آهن و نصف کل درآمد حمل و نقل زمینی کشور باشد.

تقاضای اغراق آمیز

به‌رغم اغراق آمیز بودن این میزان تقاضا و حتی به فرض محال در صورت تحقق آن، به فوریت نمی‌توان زیربنای موجود را دو، سه و یا چند برابر کرد و این امر نیازمند چندین دهه زمان و صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری به شرط داشتن توجیه مالی است. نگارنده بر این باور است که به شرح مطالبی که در ادامه می‌آید، انجام این امر، هیچگونه توجیه مالی در بر ندارد.

در این زمینه توجه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

■ در بعضی کشورها با توجه به ساختار اقتصادی و اجتماعی آنها، خدمات بخش حمل و نقل به عنوان پیش نیاز توسعه همه بخش‌ها مطرح است و به همین لحاظ به فعالیت‌های این بخش، یارانه تعلق می‌گیرد و زیربنای حمل و نقل زمینی، اعم از ریلی و جاده‌ای درون و برون شهری، با برخورداری از یارانه و با هدف پاسخگویی به تقاضاهای ملی، تقریباً به شکل رایگان تهیه، اجرا و به بهره‌بردار تحویل داده می‌شوند. این در حالی است که در کشور ما برخی واحدهای بهره‌بردار خودکفا نیستند و بخش حمل و نقل زمینی در سال‌های اخیر، سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار یارانه سوخت دریافت نموده است؛ بنابراین اختصاص این زیر بناها به امر حمل و نقل کشورهای دیگر، مستلزم تدابیر خاص خواهد بود.

■ در حمل و نقل جاده‌ای ترانزیت، مالک همه ناوگان ایرانی نیست، ضمن آن که عبور و مرور ناوگان جاده‌ای موجب فرسایش و تخریب زیربناها، افزایش آلودگی هوا، بروز تصادفات جاده‌ای، ازدیاد قاچاق سوخت و مواد مخدر، افزایش بیماری‌های عفونی خطرناک و ... خواهد شد که منافع و زیان‌های آن باید مورد ارزیابی دقیق قرار گیرند. البته در حمل و نقل ریلی میزان این قبیل خسارات کمتر هستند، اما هیچگاه به صفر نمی‌رسند.

همان طور که می‌دانیم، مبلغ کرایه درصد ناچیزی از ارزش کالا است، ضمن آنکه این کالا باید از قلمرو ۲ کشور روسیه و ایران بگذرد و در نهایت از راه دریا به هند برسد. اگر سهم کرایه در قلمرو ایران ۷۵ دلار در ازای هر تن باشد، شاید کل کرایه از مبدا تا مقصد از ۲۰۰ دلار تجاوز کند که محل تأمل و بررسی است. مزید بر آن اگر سقف ارزش کالای مبادله شده بین ۲ کشور برای مثال ۲۴ میلیارد دلار باشد، مبلغ کرایه سهم قلمرو ایران چه مبلغی خواهد بود؟

در پایان هدف از اغراق دور از انتظار در ابعاد این درآمد را می‌توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

الف: شایعه‌ای سازمان یافته از سوی کشورهای محصور در خشکی و یا صادر کننده کالا با هدف اینکه ما با اشتیاق در زیربناها سرمایه‌گذاری کنیم تا آنها حق انتخاب داشته باشند. برای مثال، ترکمنستان برای ترانزیت یکی دو میلیون تن کالای خود از قلمرو ایران، چند گزینه ریلی و جاده‌ای روی دست ما گذاشته که برای پاسخگویی به این تقاضا یک راه فرعی درجه یک نیز کافی بود.

ب: به اجرا در آوردن پروژه‌های فاقد توجیه فنی و یا اقتصادی در محورها و کریدورهای ترانزیتی به امید و یا با استدلال کسب درآمدهای نجومی از راه ترانزیت.

پ: عدم سرمایه‌گذاری در پروژه مورد نیاز از سوی کشور متقاضی و خرج کردن میهمان از کیسه میزبان، آن هم با هزینه‌های دور از انتظار ...!

ت: پس از آنکه مشخص شد فعالیت ترانزیت زمینی / ریلی نمی‌تواند درآمد چندین میلیاردی نصیب کشور نماید و یا کل گردش مالی راه آهن در سال حدود ۷۰۰ میلیون دلار و در آمد ترانزیت ریلی کمتر از ده درصد آن بوده است، اخیراً پیشنهاد فرآوری کالاهای ترانزیت در طول مسیر حمل از کشور (ترابری و فرآوری) در سطوح بالای کشور مطرح شده است. در توضیح این مطلب و برای مثال، کوشش شود تا بخشی از پنبه صادراتی کشورهای آسیای میانه که از قلمرو ایران به سواحل خلیج فارس و از آنجا به هند و دیگر کشورها حمل می‌شود، فرآوری شده و تبدیل به نخ یا منسوجات و ... شود.

مثال دیگر در مورد کالاهای صادراتی چین به دیگر کشورهاست که به شکل نیمه‌ساخته به ایران وارد و قسمتی از فعالیت‌های زنجیره تولید در ایران انجام گرفته و به دیگر کشورها صادر شود؛ که البته اندیشه خوبی است، اما باید یادآور شد که ما در این زمینه مزیت بارز نسبی بخصوص در زمینه مؤلفه‌های نیروی انسانی ارزان و بهره‌وری بالا و ... نداریم و از آن گذشته، چین و هند در تلاش برای پیدا کردن کار و نان برای صدها میلیون کارگر خود هستند و به راحتی آن را به دیگران وا نمی‌گذارند.

در مورد پنبه صادر شده از جمهوری‌های آسیای میانه نیز باید توجه داشت که اولاً مقدار و ارزش پنبه عبوری از قلمرو کشور ما بسیار کم است و ثانیاً ما در این زمینه نیز مزیت نسبی بارزی نداریم و سوم آنکه نمی‌دانیم مشتری یا خریدار و صاحب کالا پنبه خام می‌خواهد یا نخ و منسوجات و چهارم اینکه کریدور عبور دائماً در حال تغییر است و دست آخر وضعیت کارخانجات نساجی داخلی، خودگویای چشم انداز و آینده این فعالیت در ایران است. با این همه حجم کم پنبه عبوری از قلمرو ما و ارزش آن از اهمیت این هدف‌گذاری به شدت می‌کاهد و آن را منتفی می‌کند.

در توضیح مزیت‌های نسبی کشور در عرصه تولید فولاد نیز باید خاطر نشان کرد که ما برای حمل سنگ معدن از معادن سنگ آهن داخلی به کارخانه‌های اصفهان، خوزستان و ... یارانه پرداخت می‌کنیم، افزون بر آن کارخانه‌های تولید فولاد از مزیت سوخت داخلی ارزان نزدیک به رایگان برخوردارند. این در حالی است که چین با این که سنگ آهن مورد نیازش را از خارج و سوخت را از بازار خلیج فارس و روسیه خریداری می‌کند، با این همه بهای فراورده‌های فولادی این کشور در بازارهای بین‌المللی ارزان‌تر از ماست.

این نکته را نیز باید یادآور شد که ما سیمان تولیدی خود را در مرزهای عراق و افغانستان به بهای کمتر از یارانه انرژی دریافتی کارخانه‌های تولید سیمان می‌فروختیم. مزیت بزرگ کشورهای چین و تا حدودی هندوستان، به کارگیری نیروی انسانی ارزان قیمت و بهره‌وری بالای آنهاست. دستمزد کارگران مهاجر در ایران چند برابر دستمزد کارگر ساده چینی و یا هندی است و صد البته در مؤلفه بهره‌وری، هر دو این کشورها نسبت به ما دارای مزیت نسبی بارزی هستند؛ البته ارتقای بهره‌وری امری است که در همواره در برنامه دولت‌ها قرار داشته و بهبود آن مورد انتظار است.

اینکه ما در کدام فعالیت‌ها مزیت نسبی بارز و تعیین‌کننده داریم که مؤلفه نیروی انسانی ارزان در آن چندان و یا اصلاً تعیین‌کننده نیست (که البته داریم)، خود موضوعی است که مقاله مستقل دیگری را می‌طلبد.

در پایان مناسب است اگر جامعه مهندسان مشاور ایران میزبانی به نام ترانزیت تأسیس و طرف‌های مناقشه را برای طرح نظرات و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به آن دعوت کند و نتیجه را به اطلاع همگان برساند.

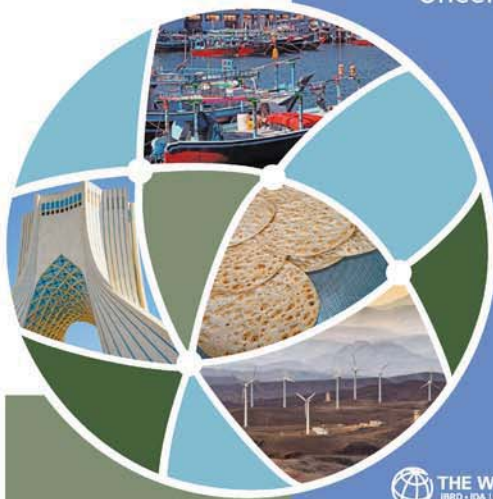


IRAN ECONOMIC MONITOR



Managing Economic Uncertainties

Spring 2022



THE WORLD BANK
IBRD • IDA | WORLD BANK GROUP
Middle East & North Africa

گزارش بانک جهانی درباره پایش اقتصادی ایران



مترجم: دکتر محمد حسن لی
مهندس مشاور سامان آب سرزمین

اشاره

گزارش «پایش اقتصادی ایران»^(۱)، در بر دارنده اطلاعات به روزرسانی شده درباره شاخص‌های کلیدی توسعه اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن است. این گزارش، تحولات و سیاست‌های اقتصادی ایران را در یک بستر جهانی بررسی کرده و پیامدهای آنها را برای افق‌های بلندمدت کشور ارزیابی می‌کند، به طوری که از اقتصاد کلان تا بازارهای مالی و شاخص‌های رفاه انسانی و توسعه را پوشش داده و برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان از جمله؛ سیاست‌گذاران، مدیران، صاحبان کسب‌وکارها، فعالان بازارهای مالی، تحلیل‌گران و پژوهشگران و... مفید خواهد بود.

در ادامه چکیده‌ای از گزارش پایش اقتصادی ایران ارائه شده است و به خوانندگان پیشنهاد می‌شود در صورت علاقه، متن کامل گزارش را مطالعه نمایند.



ویراستار فنی: مهندس کامیار پهلوان
مهندس مشاور بندآب

1- Iran Economic Monitor (IEM)

پرداخت‌های نقدی جدید و ارائه برنامه‌هایی برای توسعه کوپن الکترونیکی خرید برای برخی مواد غذایی اساسی شد. این اقدامات خود نیز منجر به افزایش تورم ماهانه به میزان ۱۲/۲ درصد (نسبت به ماه قبل) در خرداد ۱۴۰۱ شد، که بالاترین میزان تورم ماهانه را به خود اختصاص داده است. به‌عنوان نمونه قیمت مواد غذایی به میزان ۲۵ درصد (نسبت به ماه قبل) افزایش یافت که این موضوع در دهک‌های درآمدی پایین و در مناطق روستایی، بیشتر احساس شد.

پیش‌بینی می‌شود که رشد تولید ناخالص داخلی در میان‌مدت در حد متوسط باقی بماند، زیرا اقتصاد ایران همچنان متأثر از محدودیت‌های ناشی از چالش‌های اساسی داخلی و خارجی است. پس از بهبود اولیه بعد از همه‌گیری، انتظار می‌رود که تورم بالا، مصرف را کاهش داده و در سال ۱۴۰۱ منجر به کاهش تقاضا شود. طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۴۰۱ و به دلیل قیمت‌های انتظاری بالاتر نفت و شکاف عرضه در بازار نفت که به ایران اجازه تولید بیشتر نفت و فرآورده‌های آن را خواهد داد، پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تری از اقتصاد ایران دیده می‌شود. همچنین انتظار می‌رود بخش غیرنفتی از سرریزهای حاصل از درآمدهای بیشتر صنعت نفت، بهره‌مند شود. با این حال، تداوم تحریم‌ها، کمبود انرژی، تورم جهانی و اثرات مخرب و ماندگار پاندمی کرونا بر بازار کار، چشم‌انداز توسعه و رشد پایدار اقتصادی را محدود ساخته است.

پیش‌بینی می‌شود که افزایش قیمت نفت در دوره چشم‌انداز و انتظار رشد حجم صادرات نفت با توجه به تنگناهای بازار جهانی نفت باعث بهبود درآمدهای نفتی ایران گردد. با این حال، انتظار می‌رود که رشد بالای مخارج دولت به دلیل افزایش دستمزدها و هزینه‌های بازنشتی، کسری بودجه را در سال‌های ۲۰۰۳-۱۴۰۱ در حد ۴/۴ درصد تولید ناخالص داخلی حفظ کند.

چشم‌انداز اقتصادی ایران در معرض ریسک‌های قابل توجهی است. از یک سو، افزایش بیشتر و تداوم قیمت‌های بالای نفت می‌تواند منجر به افزایش درآمدهای صادرات نفت شود چراکه اگر بازارهای نفت به دنبال عرضه تمام منابع موجود برای کاهش فشار قیمت باشند، تقاضای بیشتر می‌تواند منجر به افزایش حجم صادرات نفت کشور شود و در نتیجه منجر به بهبود بیشتر تراز بودجه و تراز خارجی شود. اگر تحریم‌های اقتصادی به‌طور قابل توجهی کاهش یابند یا برداشته شوند، این مهم نیز می‌تواند منجر به بهبود بیشتر چشم‌انداز اقتصادی ایران و مهار انتظارات تورمی شود. از سوی دیگر، ریسک‌های منفی از جمله؛ اثرات افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی، شیوع مجدد سویه‌های جدید کووید ۱۹ و بدتر شدن تأثیر تغییرات اقلیمی، همچنان به‌عنوان تهدیدهای جدی به شمار می‌روند.

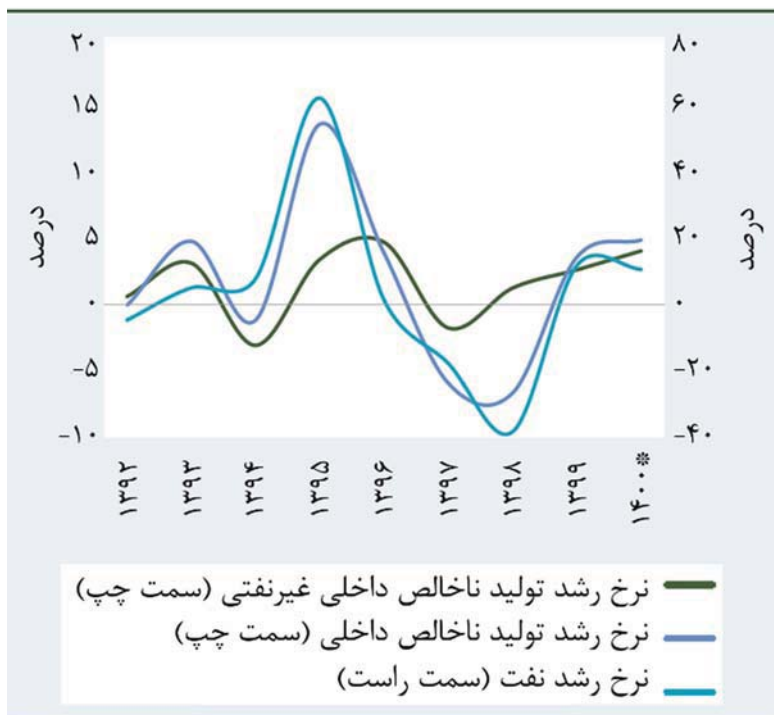
اگر افزایش شدید قیمت جهانی مواد غذایی ناشی از جنگ اوکراین تداوم یابد، این مهم می‌تواند به‌شدت بر عرضه محصولات کشاورزی

پس از افزایش تقاضای داخلی و خارجی، اقتصاد ایران به روند بهبود تدریجی خود در سال ۱۴۰۰ ادامه داد و تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۰ با رشد ۴/۷ درصدی، هفتمین فصل متوالی رشد سالانه را ثبت کرد. بهبود تقاضای جهانی نفت به همراه افزایش صادرات، باعث افزایش تولید نفت به میزان ۱۰/۱ درصد شد. اقدامات محدودکننده و اکسیناسیون گسترده در مقابل بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، از جمله موارد دیگری بودند که منجر به رونق قابل توجه بخش خدمات به میزان ۶/۵ درصد شدند و این مهم محرک اصلی رشد بخش غیرنفتی (۳/۹ درصد) در سال ۱۴۰۰ بوده است. با این حال، خشک‌سالی بی‌سابقه و کمبود انرژی، منجر به رکود در بخش‌هایی همچون کشاورزی و صنعت احداث گردید. با این وجود، علیرغم ۲ سال رشد اقتصادی، اشتغال کل، به ویژه اشتغال زنان، هنوز به سطح پیش از همه‌گیری کرونا نرسیده است.

اتخاذ سیاست مالی سازگارتر در سال ۱۴۰۰، همچنین افزایش درآمدهای نفتی و مالیاتی، نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی را تا حدی بهبود بخشید. در این دوره، رشد مخارج نیز عمدتاً ناشی از: افزایش دستمزدهای بخش دولتی، تعدیل مستمری بازنشستگان برای جبران کاهش قدرت خرید ناشی از تورم و افزایش هزینه‌های واردات بوده است. به دلیل افزایش قیمت و حجم صادرات نفت در نیمه دوم سال، بر اساس گزارش منتشر شده، درآمدهای نفتی برنامه‌ریزی شده برای سال ۱۴۰۰، به‌طور کامل تحقق یافته است. همچنین علی‌رغم برخی چالش‌ها، تلاش برای تجمع درآمدهای داخلی و بهبود نظام مالیاتی، به بهبود درآمدهای غیرنفتی نیز کمک شایان توجهی کرد و درآمدهای مالیاتی تا حد زیادی محقق شد. برآورد می‌شود که کسری بودجه از ۶/۳ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ به ۵/۳ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰ تعدیل شده باشد.

در این دوره تورم قیمت مصرف‌کننده به دلیل ترکیبی از عوامل فشار عرضه و کشش تقاضا شتاب گرفت و منجر به فشار مضاعف بر رفاه خانوارهای کم‌درآمد گردید. ایران در سال ۱۴۰۰، برای سومین سال متوالی، تورم سالانه بیش از ۳۵ درصد را ثبت کرد که ناشی از رشد سریع تجمع پولی^(۲)، انتظارات تورمی، افزایش قیمت‌های جهانی کالاها و... بوده است. در سال ۱۴۰۰، تورم کل به ۴۰/۲ درصد رسید که بالاترین نرخ تورم در یک دهه اخیر بود. همچنین افزایش قیمت مواد غذایی پس از جنگ در اوکراین، بر این فشارهای تورمی افزوده و بار بودجه‌ای واردات یارانه‌ای مواد غذایی را افزایش داده است. در واکنش به افزایش هزینه واردات مواد غذایی، مسؤولان کشور، پرداخت یارانه به واردات برخی کالاها، اساسی را قطع کردند؛ قیمت خرید تضمینی گندم تولید داخل را افزایش دادند و به‌منظور کاهش قاچاق کالاها، قیمت مصوب برخی از اقلام غذایی را افزایش دادند. در عوض به‌منظور کاهش تأثیر بر مصرف‌کنندگان، این اقدامات همراه با

نمودار شماره ۱: تولید ناخالص داخلی بازگشت یافته در سال ۱۴۰۰



برگرفته از: بانک مرکزی ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی
* بر اساس سری‌های سال مبنای ۱۳۹۵.

و کود شیمیایی تأثیر بگذارد و خطرات امنیت غذایی را افزایش دهد. افزایش قیمت‌ها منجر به افزایش بیشتر هزینه‌های واردات می‌شود و فشار بر دولت و ذخایر ارزی محدود کشور، افزایش می‌یابد. بدیهی است تداوم فشارهای تورمی، فشار بر دهک‌های درآمدی پایین را افزایش می‌دهد و بر نارضایتی‌های اجتماعی خواهد افزود.

مطالعه چالش‌های توسعه در بلندمدت، همچون پیامدهای قریب‌الوقوع ناشی از تغییرات اقلیمی، نیازمند بسته‌ای جامع از اصلاحات اقتصادی است که با حمایت‌های اجتماعی کافی تکمیل می‌شود. سیاست‌های اقتصادی را می‌توان در جهت ایجاد مشاغل که شدیداً موردنیاز است هدایت کرد. این امر می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، ارتقای سطح فعالیت بخش خصوصی از طریق بهبود محیط کسب و کار و کاهش مداخلات قیمت‌گذاری حاصل شود.

همچنین، کربن‌زدایی، گذار به منابع پایدار انرژی

و تسریع در به‌کارگیری راهکارهای اقلیم‌محور در بخش آب و کشاورزی، در مدیریت ریسک‌های اقلیمی مهم خواهند بود. اصلاح هزینه‌های جاری، از جمله اصلاح قیمت‌های انرژی، افزایش درآمد‌های مالیاتی از طریق حذف معافیت‌ها، رسیدگی به فرار مالیاتی و بهبود نظام مالیات بر ارزش افزوده، می‌تواند فضای بودجه‌ای موردنیاز را ایجاد کند. بدهی عمومی نسبتاً پایین به دولت این امکان را می‌دهد که کسری بودجه خود را با انتشار اوراق دولتی در یک چارچوب مالی میان‌مدت مشخص تأمین کند که این امر اتکا به منابع بانک‌ها یا ترازنامه بانک مرکزی را کاهش می‌دهد.

توسعه‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌ها

اقتصاد ایران برای دومین سال پیاپی در سال ۱۴۰۰ بعد از رکود ۲ ساله رشد کرد. تولید ناخالص داخلی حقیقی^(۳) در این سال به میزان ۴/۷ درصد رشد داشته است. این رشد به‌طور عمده ناشی از فعالیت صنعت نفت بود که در پی تقاضای بیشتر نفت در جهان و جهش صادرات، رشد اقتصادی این بخش معادل ۱۰/۱ بوده است (نمودار شماره ۱). تولید ناخالص داخلی غیرنفتی نیز در پی کاهش محدودیت‌های مربوط به بیماری همه‌گیر و بازگشت تدریجی فعالیت اقتصادی، همچون افزایش ۶/۵ درصدی خدمات در همان دوره به میزان ۳/۹ درصد رشد کرد (نمودار شماره ۲). رشد نسبتاً کم در فعالیت تولیدی (۳/۳ درصد)^(۴)

آماده شدن برای آینده آبی نامطمئن

ایران کشوری با تنش آبی است که مصرف منابع آب آن از بازآفرینی طبیعی آن پیشی گرفته است. بیشترین سهم مصرف آب در کشور متعلق به بخش کشاورزی است (۹۲ درصد) اما این آب به‌خوبی استفاده نمی‌شود زیرا بهره‌وری آب کشاورزی یکی از پایین‌ترین‌ها در منطقه است. باید توجه داشت که تغییرات اقلیمی بر تولید ناخالص داخلی، تقاضای نیروی کار، و قیمت مواد غذایی تأثیر منفی خواهد گذاشت. بر اساس گزارش بانک جهانی در سناریویی که دسترسی به آب تا ۲۰ درصد کاهش یافته و دماهای بالاتر وجود داشته باشد، تولید ناخالص داخلی ۷ درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی واقعی سال ۱۳۹۵ یا حدود ۳۰ میلیارد دلار کاهش می‌یابد. تقاضا برای نیروی کار در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی نیز به ترتیب تا ۴/۸ درصد و ۱۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۵ کاهش می‌یابد. همچنین قیمت مواد

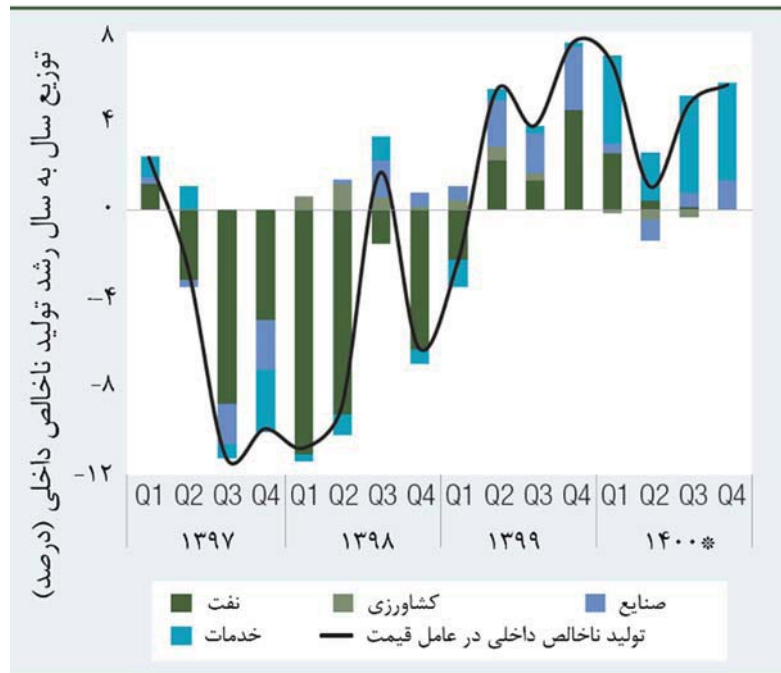
3- Real Gross Domestic Product (real GDP)

۴- به دلیل کمبود شدید برق در تابستان، رشد تولید در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰ درصد سال قبل آن بوده است.

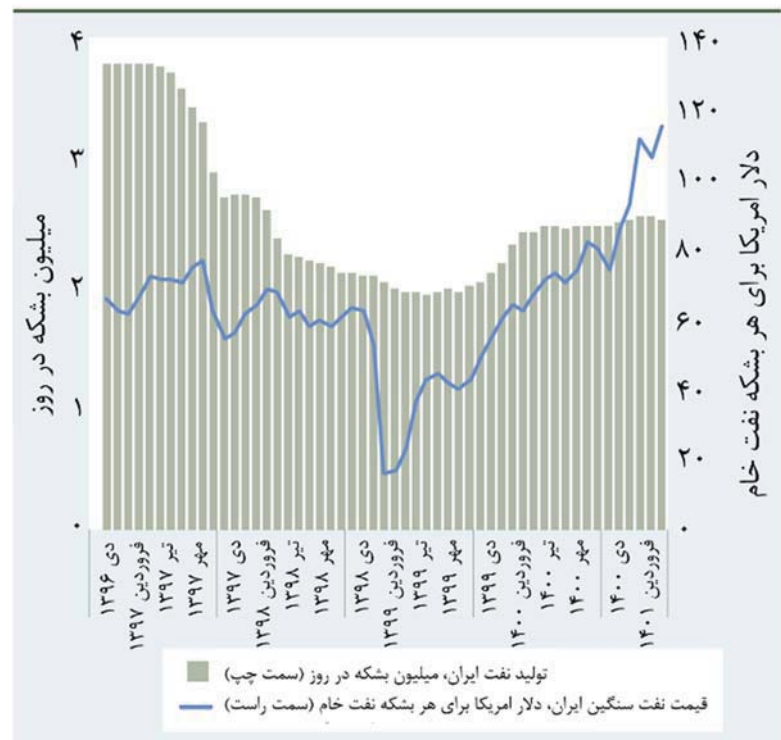
تا حدودی با کاهش در ساخت‌وساز (۶/۹ درصد) خنثی شد و در نتیجه فعالیت بخش صنعت در سال ۱۴۰۰ به میزان ۱/۱ درصد رشد اندکی داشت. همچنین خشک‌سالی‌های شدید و چالش‌های مدیریت منابع آب باعث کاهش تولید کشاورزی به میزان ۲/۶ درصد شد.

بهبود تقاضای جهانی نفت به همراه افزایش صادرات نفت ایران باعث افزایش شدید تولید نفت شد. بر اساس منابع ثانویه ایک^(۵)، تولید نفت ایران در سال ۱۴۰۰ به میزان ۲۲/۸ درصد رشد داشت و قیمت نفت خام ایران، افزایش شدید بیش از ۸۲/۵ درصد را به خود دید^(۶) (نمودار شماره ۳). حجم تولید نفت در فروردین ۱۴۰۱ با ۲/۵۶ میلیون بشکه در روز به بالاترین رقم در ۳ سال اخیر رسید، اما این میزان همچنان ۱/۳ میلیون بشکه در روز پایین‌تر از سال ۱۳۹۷ و قبل از اعمال مجدد تحریم‌ها بوده است. علی‌رغم افزایش در تولید نفت و معافیت از سهمیه‌های اخیر تولید ایک، سهم ایران در تولید ایک از ۹/۷ درصد در فروردین ۱۴۰۱ به حدود ۸/۹ درصد بین آذر ۱۴۰۰ و اردیبهشت ۱۴۰۱ کاهش یافت. بخش نفت و گاز سال‌هاست که به دلیل تحریم‌های جاری ایالات متحده، با کمبود سرمایه‌گذاری مواجه است. در طی دهه اخیر، سرمایه‌گذاری‌های این حوزه حتی کمتر از هزینه‌های استهلاک بوده است. نرخ رشد خالص سرمایه در بخش نفت و گاز در اغلب سال‌های دهه گذشته منفی بوده و کل موجودی سرمایه بخش نفت و گاز در سال ۱۴۰۰ به میزان ۱۶ درصد کمتر از یک دهه قبل بوده است (نمودار شماره ۴). درحالی‌که مسئولان از مجموعه سرمایه‌گذاری‌های جدید خبر داده‌اند، در صورت بهبود شرایط صادرات، سرمایه‌گذاری ناکافی در سال‌های گذشته می‌تواند مانعی جدی بر سر راه افزایش تولید نفت در آینده باشد.

اقدامات سخت‌گیرانه محدودتر و واکسیناسیون گسترده در سال ۱۴۰۰ منجر به رونق قابل توجه بخش خدمات و محرک اصلی رشد بخش غیرنفتی شد. پس از گذشت ۲ سال از همه‌گیری کووید ۱۹ وضعیت به حالت طبیعی بازگشت. ایران از نخستین کشورهای با شیوع گسترده بود که با ۶ موج سرایت



برگرفته از: بانک مرکزی ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی
* بر اساس سری‌های سال مینای ۱۳۹۵.

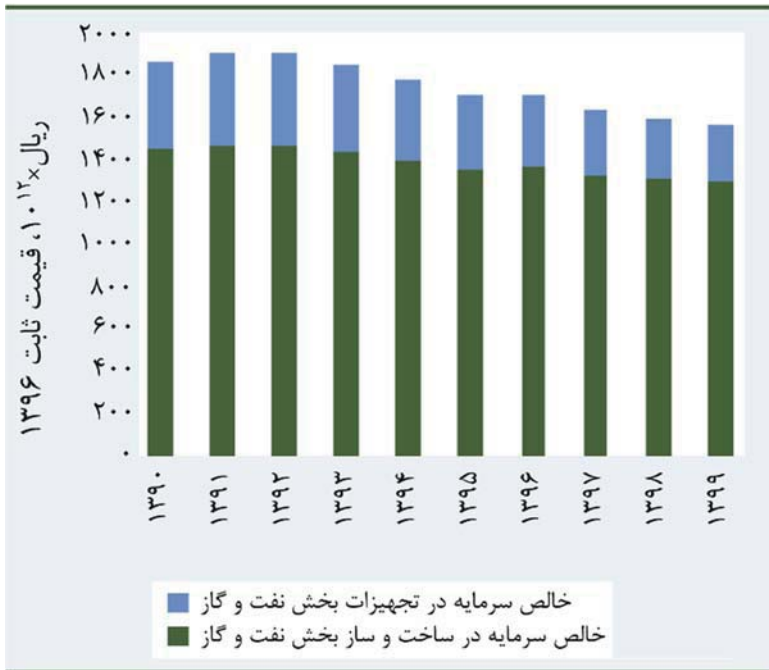


برگرفته از: گزارش ماهانه بازار نفت ایک

5- Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)

۶- ایران از زمان اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا در سال ۱۳۹۷، انتشار داده‌های تولید و حجم صادرات نفت خام را متوقف کرده است.

نمودار شماره ۴: محدود شدن ظرفیت تولید نفت به دلیل کاهش موجودی سرمایه



برگرفته از: بانک مرکزی ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی
توجه: بر اساس سری‌های سال مبنای ۱۳۹۵

تحت تأثیر قرار گرفت که بیش از ۷/۲۴ میلیون مورد قطعی ابتلا و حدود ۱۴۱ هزار مرگ ثبت شده داشته است. واکسیناسیون گسترده طی پاییز ۱۴۰۰ به کاهش قابل توجه نسبت مرگ و میر روزانه به موارد ابتلای جدید منجر شد و به مواجهه با گسترش سویه بدخیم آمیکرون کمک کرد.

همچون دیگر کشورهای منطقه، ایران نیز با کمبود قابل توجه منابع آب مواجه است که بخش کشاورزی را مورد تهدید قرار می‌دهد و مخاطرات امنیت غذایی را افزایش می‌دهد. پس از خشک‌ترین سال در نیم قرن گذشته (سال آبی ۱۳۹۹-۱۴۰۰) بارش‌ها از مهر ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ به میزان ۲۶ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت. علی‌رغم بهبود نسبی، بارش‌ها همچنان ۲۲ درصد پایین‌تر از میانگین سالانه بود. افزون بر آن، بارش‌ها در سراسر کشور به‌طور یکنواخت توزیع نشده است (از ۵۹/۸ میلی‌متر در یزد تا ۸۶۷ میلی‌متر در گیلان) از این رو حدود نیمی از استان‌ها هنوز با کمبود بارش در مقایسه با سال قبل مواجهند^(۷). با توجه به آمار وزارت

چالش‌های مهم بازار کار نقاب می‌افکنند. هم‌چنین اشتغال ناقص^(۱۱) در سال ۱۴۰۰ همچنان بالای ۱۰/۲ درصد باقی ماند که این نیز نشان‌دهنده نبود مشاغل کافی برای افراد استخدام شده است.

اشتغال زنان به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از سطح پیش از همه‌گیری بود و تفاوت‌های جنسیتی پیشین را در بازار کار ایران حفظ کرد. اشتغال برای مردان در سال ۱۴۰۱ به دلیل ایجاد شغل بیشتر در بخش صنعتی مردانه (حدود نیم میلیون شغل) به سطح سال ۱۳۹۸ بهبود یافت. در همین بازه زمانی، اشتغال زنان به دلیل پیامدهای جدی همه‌گیری بر زنان، از جمله: مادران شاغل که بیشتر مسؤلیت‌های مراقبت از خانواده و کودکان را در طول تعطیلی مدارس بر عهده داشتند، ۱۸ درصد کمتر بود. این مهم باعث شد که نسبت اشتغال به جمعیت

نیرو، ذخیره آب پشت سدها در سال آبی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به میزان ۵ درصد نسبت به سال قبل از آن کاهش داشت و در خرداد ۱۴۰۱ ظرفیت آب در سدها به کمتر از نصف رسید^(۸). استخراج بیش از حد از منابع محدود آب زیرزمینی در سال‌های اخیر، این منابع را به سطوح بحرانی رسانده است. جنبه‌های مرتبط با آب در زمینه تغییر اقلیم، پیامدهای قابل توجهی در توسعه، امنیت غذایی و مشاغل در ایران دارد.

بازار کار

بهبود بازار کار، بازگشت سطح تولید ناخالص داخلی را به تأخیر انداخته است. در حالی که تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۳/۴ و ۴/۷ درصد افزایش یافت، اشتغال در سال ۱۴۰۰ به میزان ۳/۴ درصد (۰/۸۳ میلیون شغل) پایین‌تر از سال ۱۳۹۸ باقی ماند^(۹). این نتیجه تا حدی به این دلیل بود که بخش نفت با نیروی کار کمتر باعث بهبود تولید ناخالص داخلی شد. کوچک‌تر شدن بخش کشاورزی، چالش‌های جدی را در بخش اشتغال پدید آورده است. از زمان شروع همه‌گیری، جمعیت در سن کار^(۱۰) ۱/۴ میلیون نفر افزایش یافته در حالی که جمعیت فعال ۱/۳ میلیون نفر کاهش یافته است (۷۸ درصد آنها زن هستند). این موضوع باعث شد که نرخ مشارکت نیروی کار به ۴۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۹ برسد که ۳/۲ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. کاهش جمعیت فعال تا حدی به دلیل نبود فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی است که با تأثیر بیشتر کاهش نرخ مشارکت نیروی کار در مناطق روستایی نمود پیدا کرده است. به این ترتیب، نرخ ۹/۲ درصدی بیکاری در سال ۱۴۰۰ بر

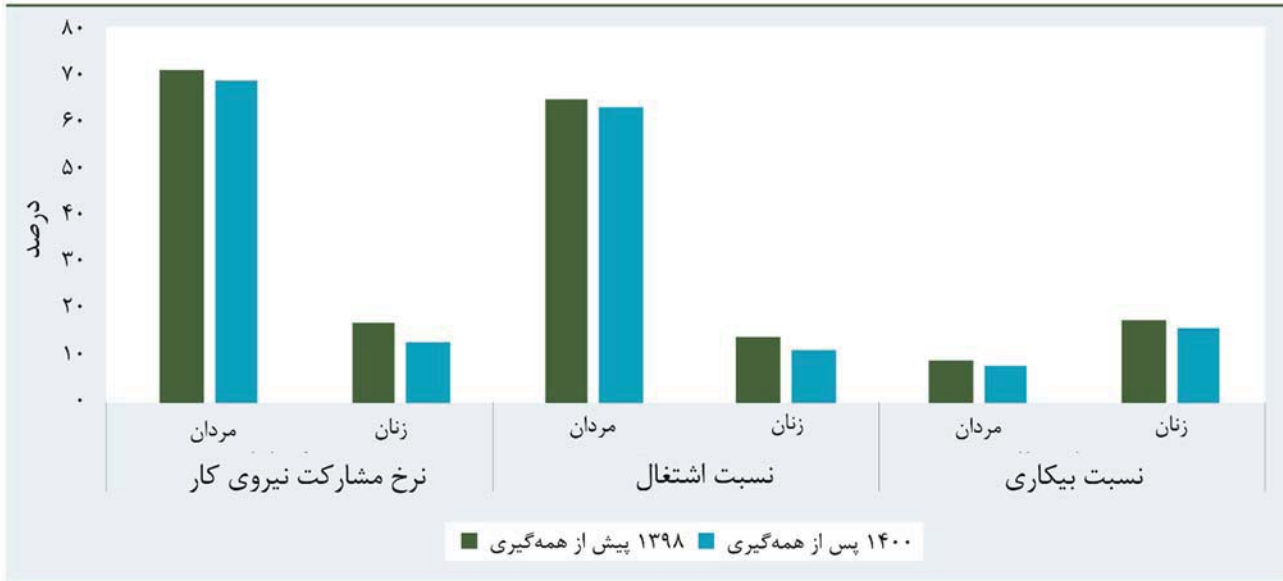
۷- ایران از زمره کشورهای خشک و نیمه‌خشک دنیاست و میانگین بارش آن حدود ۲۵۰ میلی‌متر است که حدود یک سوم میانگین جهانی است. حدود دو سوم از همین بارش به دلیل تبخیر از دسترس خارج می‌شود. به علاوه حدود ۲۰ درصد مناطق ایران به شدت مستعد سیل‌خیزی است. در سال ۱۴۰۰ سیلاب‌های شدید به استان‌های جنوبی (فارس، کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خوزستان) که مشکلات کم‌آبی در آنها زیاد بود، خسارت وارد کرد.

۸- در همین بازه زمانی، ذخیره آب در استان تهران نسبت به سال گذشته ۱۸ درصد کاهش داشت و تنها ۳۴ درصد از ظرفیت سدها پر بود. در حالی که در استان‌های همدان و سیستان و بلوچستان، این کاهش بیش از ۵۰ درصد بود و ذخیره آب در سدها به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است (مأخذ: وزارت نیرو)

۹- فقط یک سوم از ۴/۱ میلیون شغل از دست رفته در طول همه‌گیری بازیابی شد.

10- Working-age

11- Underemployment



برگرفته از: مرکز آمار ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی

مقایسه است (هر دو با ۵۱ درصد از تحصیلات عالی)، نرخ مشارکت نیروی کار زنان همچنان یکی از پایین ترین نرخ ها در جهان است. زنان به دلیل مسؤلیت های مراقبت از کودکان و تمرکز بیشتر زنان در بخش های متأثر از همه گیری، مانند خدمات و بخش غیررسمی، به طور نامتناسبی تحت تأثیر همه گیری قرار گرفتند.

توقف و از سرگیری مذاکرات هسته ای سبب نوسانات در بازار ارز خارجی و انتظارات تورمی شد. پیشرفت ها در مذاکرات هسته ای منجر به رشد ۷ درصدی ریال در دی تا اسفند ۱۴۰۰ گردید و شکاف میان بازار موازی و نرخ مبادله ای فعال بانک مرکزی (نرخ نیما) کاهش یافت که نشان دهنده برآورده ساختن انتظارات تورمی است (نمودار شماره ۸). با این حال بین اردیبهشت تا خرداد ۱۴۰۱ توقف در مذاکرات هسته ای منجر به افت حدود ۱۲ درصدی ریال شد. افت ارزش ریال در برابر دلار و افزایش قیمت های جهانی منجر به رشد سریع قیمت های واردات شد (نمودار شماره ۹).

نمودار شماره ۶: افزایش بیشتر تورم در سال ۱۴۰۰



برگرفته از: مرکز آمار ایران، بانک مرکزی ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی

چشم انداز و مخاطرات آن

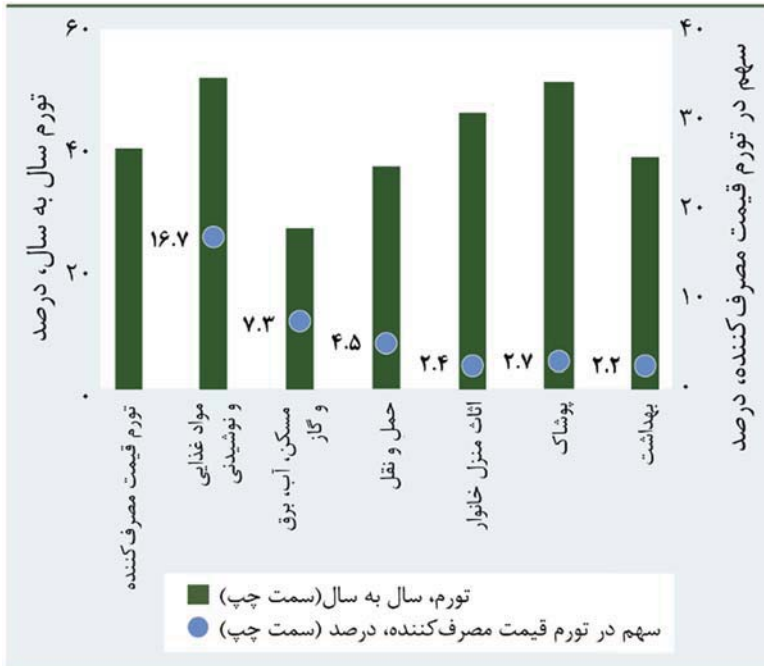
پیش بینی می شود که رشد تولید ناخالص داخلی در میان مدت در حد متوسط باقی بماند، زیرا اقتصاد ایران همچنان متأثر از محدودیت های

در سن کار برای زنان با بیش از ۲/۹ درصد کاهش به ۱۱/۱ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ برسد. مشارکت نیروی کار زنان نیز از ۱۷ درصد در سال ۱۳۹۸ پیش از آغاز همه گیری به ۱۳/۳ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت (نمودار شماره ۵). در حالی که سطح تحصیلات زنان در ایران با کشورهای «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^(۱۲) قابل

12- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

ناشی از چالش‌های داخلی و جهانی است.

نمودار شماره ۷: افزایش تورم ناشی از قیمت‌های بیشتر مواد غذایی و هزینه‌های اجاره‌ای



برگرفته از: مرکز آمار ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی

همچنین پیش‌بینی می‌شود که چشم‌انداز مطلوب‌تر بازار جهانی نفت باعث بهبود ترازهای بودجه‌ای و خارجی ایران شود.

با تداوم فشارهای مالی و نرخ ارز، پیش‌بینی می‌شود که میزان فشارهای تورمی با بیش از ۳۵ درصد در سال در ۲۰۰۳-۱۴۰۱ بالا همچنان بماند.

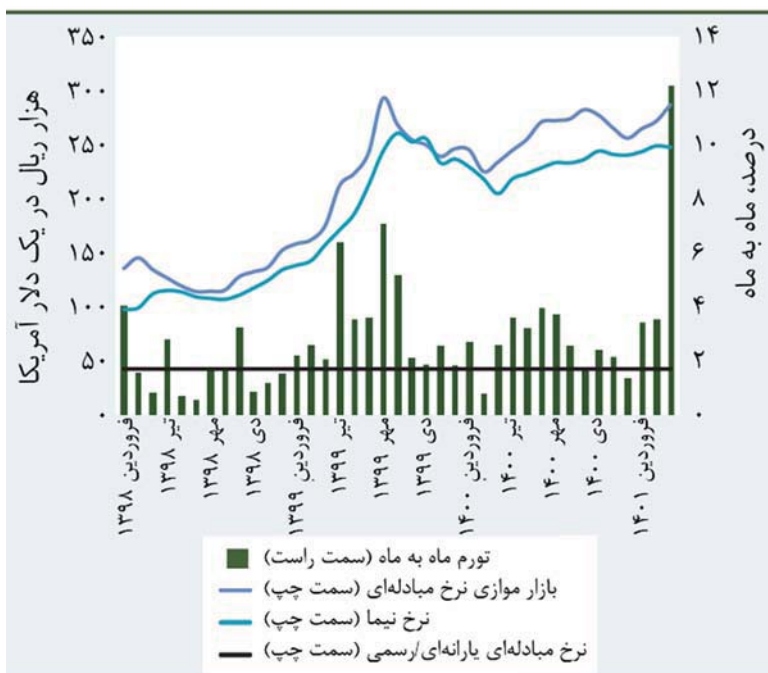
افزایش اخیر قیمت‌های جهانی غذا و انرژی، هزینه واردات و یارانه ضمنی انرژی و محصولات غذایی را افزایش خواهد داد.

اگر به‌اندازه کافی بر چالش‌های محیط زیستی و تغییر اقلیم غلبه نشود، این چالش‌ها تأثیرات وخیم‌تری بر اقتصاد ایران خواهند داشت.

مخاطرات و فرصت‌ها

چشم‌انداز اقتصادی ایران در معرض ریسک‌های (خطرات) قابل توجهی است. از یک سو افزایش بیشتر و تداوم قیمت‌های بالای نفت می‌تواند منجر به درآمدهای صادراتی بیشتر نفت شود. اگر بازارهای نفت به دنبال تمام میزان عرضه موجود برای کاهش فشار قیمت باشند، تقاضای قوی‌تر می‌تواند منجر به افزایش حجم صادرات نفت کشور شود و در نتیجه منجر به بهبود بیشتر تراز بودجه و تراز خارجی گردد. با تحریم بودن روسیه و ایران، دادوستد و سرمایه‌گذاری‌های بین ایران و روسیه می‌تواند اثر تحریم‌ها را کاهش دهد. با این حال، صادرات نفت ایران به چین در صورت ادامه تحریم‌ها علیه دو کشور ایران و روسیه، ممکن است با رقابت نفت خام روسیه با تخفیف شدید رو به رو شود. اگر پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای منجر به کاهش قابل توجه یا برداشته شدن تحریم‌ها شود، این موضوع می‌تواند منجر به بهبود بیشتر چشم‌انداز اقتصادی ایران و مهار انتظارات تورمی شود. از سوی دیگر، ریسک منفی شامل اثرات افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی، بازخیز سویه‌های جدید کووید-۱۹ و بدتر شدن تأثیر تغییرات

نمودار شماره ۸: نا اطمینانی‌های اقتصادی، نوسانات ارزش ریال در مقابل دلار آمریکا

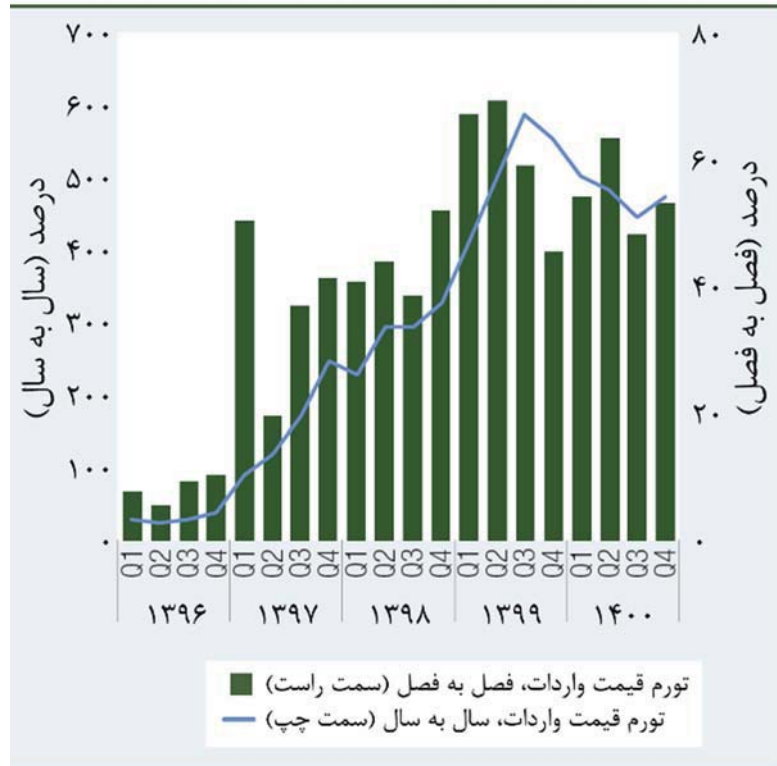


برگرفته از: مرکز آمار ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی

تداوم فشارهای تورمی، در صورت عدم جبران، فشار بر دهک‌های درآمدی پایین را افزایش می‌دهد و بر نارضایتی‌های اجتماعی می‌افزاید.

سیاست‌گذاری‌های سازگاری به عنوان یک اولویت ضروری برای پرداختن به چالش‌های تغییر اقلیم ایران است. بررسی منابع آب و جلوگیری از برداشت بیش از حد منابع کمیاب آب زیرزمینی بیش

اقلیمی است. افزایش شدید قیمت جهانی مواد غذایی به دلیل جنگ در اوکراین، اگر تداوم یابد، می‌تواند به شدت بر عرضه محصولات کشاورزی و کود شیمیایی تأثیر بگذارد و خطرات امنیت غذایی را افزایش دهد. افزایش قیمت‌ها منجر به افزایش بیشتر هزینه‌های واردات می‌شود و فشار بر دولت و ذخایر ارزی محدود کشور افزایش می‌یابد.




برگرفته از: مرکز آمار ایران و محاسبات کارکنان بانک جهانی

توجه به اثرات نامطلوب تشدید آلودگی هوا و توفان‌های گردوغبار بر سلامت و زندگی روزمره ایرانیان، دولت می‌تواند با وضع مقررات و عوارض محیط زیستی و تنظیم مجدد قیمت انرژی، سرمایه‌گذاری‌های جدیدی را در فرایندهای تولید پاک‌تر به‌ویژه در بخش‌های فولاد، سیمان و پتروشیمی بهبود بخشد. در نهایت، تدارک طرحی برای برون‌رفت از وابستگی به سوخت‌های فسیلی می‌تواند کشور را به‌سوی جنبش جهانی اهداف صفر خالص سوق دهد.^(۱۳)

پرداختن به چالش‌های گفته شده نیازمند بسته‌ای جامع از اصلاحات اقتصادی است که با حمایت‌های اجتماعی کافی تکمیل می‌شود. سیاست‌های اقتصادی را می‌توان در جهت ایجاد مشاغل که شدیداً موردنیاز است، هدایت کرد. این امر می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، تحریک فعالیت بخش خصوصی از طریق بهبود محیط کسب‌وکار، و کاهش مداخلات قیمت‌گذاری حاصل شود. برای حفظ درآمدها و تأثیر توزیعی بالقوه این اصلاحات، نیاز است که آسیب‌پذیرترین خانوارها با پرداخت‌های حمایتی

هدفمند محافظت شوند.

در جدول شماره ۱ برخی شاخص‌های اقتصادی و مالی منتخب واقعی برای سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ و برآورد آنها برای سال ۱۴۰۱ و پیش‌بینی آنها برای سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آورده شده است. با این توضیح که منابع گردآوری اطلاعات این جدول مقامات ایرانی و محاسبات کارکنان بانک جهانی بوده است. 

از هر زمان دیگری حیاتی است. این امر مستلزم بهبود مدیریت تقاضا از طریق آشکارسازی قیمت‌ها و افزایش راندمان و کارایی است. تمرکز ویژه مطالعات حاضر، بر مدیریت بهتر منابع آب در ایران است. به‌علاوه، قیمت‌های انرژی با یارانه بالا، استفاده زیاد انرژی را ترویج داده و ایران را به یکی از بالاترین مصرف‌کننده‌های سرانه انرژی در جهان، از جمله مصرف زیاد گاز که رتبه سوم در جهان را دارد، تبدیل کرده است. با

۱۳- هدف خنثی کردن کامل گازهای گلخانه‌ای تولید شده به وسیله فعالیت انسانی است که با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و اجرای روش‌های جذب دی‌اکسید کربن از جو حاصل می‌شود. (Net Zero)

جدول شماره ۱: شاخص های اقتصادی و مالی منتخب (سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳)

۱۴۰۳ پیش بینی	۱۴۰۲ پیش بینی	۱۴۰۱ برآورد	۱۴۰۰ واقعی	۱۳۹۹ واقعی	۱۳۹۸ واقعی	
بخش واقعی						
(تمام واحدها درصد تغییر سالانه است مگر که خلاف آن ذکر شود)						
۲/۱	۲/۵	۳/۳	۴/۷	۳/۴	-۶/۸	تولید ناخالص داخلی واقعی به قیمت بازار
۲/۱	۲/۵	۳/۳	۴/۴	۳/۶	-۶/۵	تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه
۱/۰	۴/۱	۲/۱	۳/۴	۲/۱	-۸/۰	تولید ناخالص داخلی واقعی غیرنفتی
۱/۹	۲/۳	۲/۹	۳/۵	۲/۵	۱/۱	تولید ناخالص داخلی واقعی نفتی
۳/۰	۳/۵	۵/۵	۱۰/۱	۱۱/۲	-۳۸/۷	تولید نفت خام (میلیون بشکه در روز)
۲/۵	۲/۴	۲/۳	۲/۲	۲/۰	۲/۴	(مؤلفه های جانبی عرضه تولید ناخالص داخلی)
کشاورزی						
۱/۳	۱/۴	۱/۶	-۲/۶	۴/۵	۸/۸	صنعت (شامل نفت)
۲/۰	۲/۳	۳/۱	۳/۲	۸/۴	-۱۵/۹	خدمات
۲/۳	۲/۸	۳/۷	۶/۵	-۰/۱	-۰/۵	(مؤلفه های جانبی تقاضای تولید ناخالص داخلی)
۱/۶	۱/۸	۲/۴	۳/۹	-۰/۴	-۷/۷	مصرف بخش خصوصی
۲/۹	۳/۴	۳/۶	۸/۳	-۲/۳	-۶/۰	مصرف بخش دولتی
-۰/۹	۱/۷	۳/۷	۰/۰	۲/۵	-۵/۹	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۳/۹	۴/۴	۴/۹	۵/۲	-۵/۴	-۲۹/۹	صادرات، کالاها و خدمات
۳/۲	۳/۸	۴/۴	۲۴/۱	-۲۹/۲	-۳۸/۱	واردات، کالاها و خدمات
پول و قیمت ها						
۷۷/۴	۸۴/۰	۹۶/۷	۴۱/۰	۶۱/۰	۶۸/۰	قیمت نفت (برحسب دلار آمریکا برای هر بشکه)
۳۶/۵	۴۲/۶	۵۱/۲	۴۱/۱	۳۶/۴	۴۱/۳	تورم قیمت مصرف کننده
n/a	n/a	n/a	۳۱/۶	۳۰/۱	۳۲/۸	پایه پولی
n/a	n/a	n/a	۳۹/۰	۴۰/۶	۳۱/۳	پول در گردش
n/a	n/a	n/a	۵۶/۳	۹۴/۸	۲۶/۰	اعتبار سیستم بانکی
n/a	n/a	n/a	۱۹/۶	۱۷/۵	۱۸/۹	نرخ بهره اسمی (درصد)
n/a	n/a	n/a	۲۵۹۴۷۶	۲۲۸۸۷۲	۱۲۹۱۸۳	نرخ ارز اسمی، بازار موزای (ریال بر دلار آمریکا)
سرمایه گذاری و پس انداز						
۳۳/۱	۳۳/۲	۳۳/۳	۳۳/۳	۳۲/۸	۳۱/۰	تشکیل سرمایه ناخالص
۳۶/۰	۳۶/۲	۳۷/۵	۳۶/۴	۳۲/۵	۳۲/۵	پس انداز ناخالص ملی
امور مالی دولت						
۱۲/۳	۱۲/۱	۱۱/۶	۱۱/۰	۹/۱	۱۰/۸	کل درآمدها
۶/۷	۶/۶	۶/۴	۶/۱	۵/۹	۶/۶	درآمدهای مالیاتی
۱۶/۴	۱۶/۴	۱۶/۳	۱۶/۳	۱۵/۴	۱۵/۹	کل هزینه ها
۱۳/۹	۱۳/۹	۱۳/۸	۱۳/۸	۱۳/۲	۱۳/۸	هزینه های جاری
-۴/۱	-۴/۴	-۴/۷	-۵/۳	-۶/۳	-۵/۰	خالص وام/استقراض (تراز کلی)
بخش جانبی						
۲/۹	۳/۰	۴/۱	۳/۱	-۰/۳	۱/۵	تراز حساب جاری
جمعیت و بازار نیروی کار						
۸۷/۹	۸۷/۰	۸۶/۰	۸۵/۰	۸۴/۰	۸۲/۹	جمعیت (میلیون نفر)
n/a	n/a	n/a	۴۰/۹	۴۱/۳	۴۴/۱	نرخ مشارکت (درصد)
n/a	n/a	n/a	۹/۲	۹/۶	۱۰/۷	نرخ بیکاری (درصد)
موارد یادداشت:						
۱۵۳۵۰۳۸۴۰	۱۱۰۵۴۹۴۳	۷۷۵۹۱۸۱۸	۵۲۸۹۶۵۴۰	۳۵۰۸۴۷۲۶	۲۴۴۱۲۵۷۰	تولید ناخالص داخلی اسمی (میلیارد ریال)

n/a: غیرقابل برآورد و پیش بینی



نشست هم‌اندیشی بررسی علل توسعه نیافتگی ایران انسداد ارتباطی، مانع توسعه ایران

اشاره

"سبب‌شناسی توسعه نیافتگی و اندیشه پیشرفت و تحولات جدید ایران" موضوع نشست بود که آبان ماه گذشته از سوی مؤسسه تحقیق و توسعه برای صنعت احداث و انرژی در محل ساختمان جامعه مهندسان مشاور ایران برگزار شد. بیش از ۸۰ نفر از اعضای بخش خصوصی در این نشست شرکت کردند. دکترهادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و مهندس احمد آل یاسین، مهندس عمران و پژوهشگر توسعه در کنار فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین و دکتر بهروز گتمیری استاد بازنشسته عمران دانشگاه تهران سخنرانان حاضر در این هم‌اندیشی بودند.

در این نشست موضوع توسعه نیافتگی انسانی و فرهنگی ایران از بعد تاریخی، سیاستگذاری و اجرا مورد بررسی قرار گرفت. چکیده این هم‌اندیشی به نقل از "روزنامه پیام ما" در پی می‌آید.

نظام بسته ارتباطی و اطلاعاتی عامل توسعه نیافتگی

هادی خانیکی، پژوهشگر علوم ارتباطات و توسعه در این جلسه با اشاره به کتاب اندیشه پیشرفت و تحولات جامعه ایران که بازخوانی از مطالعات مجید تهرانیان در حوزه توسعه و فرهنگ ارتباطات است، مشکل و ریشه توسعه نیافتگی امروز ایران را مشابه گذشته آن در نظام بسته ارتباطات دانست. خانیکی گفت: «بسته بودن راه‌های ارتباطی بین مردم و حکومت، مردم و گروه‌های اجتماعی و گروه‌های اجتماعی با یکدیگر سبب می‌شود که افراد جامعه حرف هم‌دیگر را نفهمند و جامعه در شرایط انقلابی قرار بگیرد.»

هادی خانیکی: «توسعه یعنی بالا بردن ظرفیت‌های معنوی و مادی نظام ملی که نتیجه آن رسیدن به مدارای بیشتر، دروغ‌گویی کمتر، همدردی بیشتر و سرمایه اجتماعی بیشتر است.»

خانیکی با اشاره به پژوهش تهرانیان در سال ۱۳۵۵ آنچه که ایران امروز درگیر آن است را همان مسائل، شکاف‌ها و تنگناهای ۴۶ سال پیش دانست و گفت: «این ویژگی‌های نظام بسته ارتباطی و اطلاعاتی است که ما امروز هم با عوارض آن در سیاست‌گذاری و اجرا دست و پنجه نرم می‌کنیم. رشد فرهنگ پنهان‌کاری در نظام اداری و ضایع شدن شفافیت، پرهیز از گفت‌و شنود، دخالت‌های نسنجیده و غیرحرفه‌ای در کار آفرینش‌های علمی، پرهیز از شناسایی مسائل اجتماعی از راه انتشار یافته‌های پژوهشی، ناشکیبایی در برابر انتقاد و ناتوان از انتقاد سازنده، رشوه‌خواری و چالپوسی بی‌اساس، ناشکیبایی در برابر طنز اجتماعی برای شناخت مسائل اجتماعی (مشابه آنچه بر سر روزنامه توفیق آمد)، پرهیز از صراحت در گفتار، پرهیز از اعتراف به اشتباه و دست برداشتن از نصیحت، فرار از مسؤولیت با فرافکنی، فرهنگ خودفریبی، فرهنگ آسان‌نمایی مشکلات اجتماعی، فرهنگ دسیسه‌بازی و بده‌بستان، فرهنگ قرطاس‌بازی به جای ارتباط موثر، فرهنگ لفاظی همه چیز در خطابه و رسانه‌های رسمی و در نهایت فرمالیسم در ارتباطات اجتماعی به معنای این است که فهم عمیق از رفتار مخاطب رخ نمی‌دهد و افراد متوجه یکدیگر نمی‌شوند.»

خانیکی تصریح کرد: «اینها همگی مواردی است که از سال‌ها پیش به لایه‌های فرهنگی ما نفوذ کرده و هنوز هم به شدت ادامه‌دار است و جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند. توسعه از نظر تهرانیان به گفته خانیکی بالا بردن ظرفیت‌های معنوی و مادی نظام ملی است که نتیجه آن رسیدن به مدارای بیشتر، دروغ‌گویی کمتر، همدردی بیشتر و سرمایه اجتماعی بیشتر است. او در پایان صحبت‌هایش گفت که صحبت از توسعه مخاطب قرار دادن حکومت نیست بلکه نهادهای مدنی، سیاسی و اجتماعی همه با هم در رسیدن به توسعه نقش پر رنگ دارند.»

ما لوازم توسعه را از دست داده‌ایم

احمد آل یاسین، پژوهشگر توسعه و مدیر پیشین پروژه‌های سدسازی، درباره ریشه‌یابی توسعه نیافتگی گفت: «توسعه یعنی بهبود زیست، منزلت و کرامت انسان به بیان دیگر اگر جامعه بتواند این مهم را به سرانجام برساند باقی جوانب توسعه چه آموزش و فرهنگ و چه زیرساخت خود به خود محقق خواهد شد. در طول ۶۰ سال فعالیت در پروژه‌های زیرساختی بارها به چشم فرار از مسؤولیت، کوتاهی در انجام وظایف، بی‌نظمی، حذف دیگری، گفت‌وگو نکردن و... را به چشم دیده‌ام.» او کوشید مقصودش را با بیان خاطره‌ای تبیین کند: «زمانی که در سال ۱۳۵۶ به مسؤولیت دولتی رسیدم متوجه شدم که بوروکراسی اداری مانع جدی توسعه است. پس از انقلاب هم با انواع بحران‌های اجتماعی مواجه شدیم. امروز به این نتیجه رسیده‌ام که ما به انسداد توسعه رسیده‌ایم و با اندوه فراوان من چشم‌اندازی برای توسعه ایران نمی‌بینم.» او درباره علت این نتیجه‌گیری توضیح داد: «من در کتاب سبب‌شناسی توسعه نیافتگی ایران توضیح داده‌ام که معیشت مردم سخت‌تر شده و همچنین جنگ، بی‌ثباتی و ترس مردم از زندگی در کنار نبود فعالیت مؤثری که اقتصاد جامعه را بچرخاند بر این وضعیت اثر گذاشته است. به علاوه حجم آب در بخش کشاورزی و تمدن‌کاری از ۳۶ هزار به ۲ هزار مترمکعب آب

هادی خانیکی:
ایران امروز در موضوع
توسعه، درگیر همان
مسائل، شکاف‌ها و
تنگناهای ۴۶ سال پیش
است

احمد آل یاسین:
ما لوازم توسعه را از
دست داده‌ایم زیرا امروز
جمعیت ما از منابع
زیستی ما بیشتر است.
وقتی ما منابع زیستی را
از دست داده‌ایم چطور
باید به توسعه پایدار فکر
کنیم

رسیده‌ایم. همچنین رودخانه‌ها از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب به ۸۰ میلیارد متر مکعب رسیده است که ۳۰ درصد این آب در خوزستان و باقی در سایر استان‌ها توزیع شده است. در سال ۱۳۳۶، سرانه آب کشور ۳ هزار و ۵۰۰ متر مکعب بود و امروز سرانه آب از هزار مترمکعب کمتر است و شاید در آینده با این روند کمتر هم شود. به علاوه خاموشی تفکر به شکل تاریخی، انسجام و همبستگی و نظم اقتصادی و اجتماعی را ملت را مورد مخاطره قرار داده است."

آل یاسین با بیان اینکه در کتاب تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در سال ۱۳۹۲، ۱۰ برنامه توسعه در ایران از قبل و بعد از انقلاب بررسی شده است، درباره نتایج این بررسی گفت: «ما به جز در سه برنامه پیش از انقلاب در سایر برنامه‌ها توفیقی نداشته‌ایم و از ۵۰ فقره سیاستگذاری پس از انقلاب حتی یک فقره آن هم به طور کامل اجرایی نشده است. به نظر من ما لوازم توسعه را از دست داده‌ایم زیرا امروز جمعیت ما از منابع زیستی ما بیشتر است. وقتی ما منابع زیستی را از دست داده‌ایم چطور باید به توسعه پایدار فکر کنیم وقتی منابعی برای آیندگان باقی نمانده است؟»

تقابل سنت و مدرنیته مسأله توسعه نیافتگی

بهروز گتمیری دیگر سخنران این نشست درباره تاریخ توسعه در ایران سخن گفت. او با بیان اینکه تا پیش از ۱۵۰ سال اخیر توسعه موضعی بود و هیچ اقدامی همه اراضی کشور را در بر نمی‌گرفت؛ افزود: «توسعه را باید با فرایندی تاریخی دید. در جغرافیایی که از یک طرف با ترک‌های سنی مذهب و از طرف دیگر با اُزبک‌ها طرف بود، با ورود علمای شیعی در حکومت صفویه و بسط حکمرانی نقش فرهنگ مذهبی نقش پررنگی در جامعه پیدا کرد. پس از این علمای شیعی، شکل روشنی می‌گیرند و قدرتی را برای خود بازسازی می‌کنند و تا زمان قاجار به همین منوال باقی می‌ماند. با ورود عباس میرزا به عرصه حکومت و پا گرفتن شکلی از مدرنیته، روشنفکری در برابر سنت شیعی قرار می‌گیرد و این تقابل هنوز هم بین دانشگاه و حوزه ادامه دارد.»

گتمیری در بخش دیگری از سخنانش توضیح داد که این دوگانگی فرهیختگی، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات حل نشده بحث توسعه در ایران است: «در توسعه انسانی و فرهنگی و شکل‌گیری طبقه متوسط که ارتش و دیوان سالاران و دولتی‌ها بوده‌اند، شعارهای مدرنیته را همیشه سر داده‌اند اما به شکل نوستالژیک در بند بند وجود درگیر سنت بوده‌اند. به همین خاطر در هیچ دوره‌ای در ۱۵۰ سال اخیر ما نتوانسته‌ایم به توسعه انسانی و فرهنگی دست یابیم.» گتمیری تصریح کرد: «البته من فکر نمی‌کنم که به در بحث توسعه به بن بست رسیده‌ایم اما فکر می‌کنم منابع اکولوژیکی ما برای توسعه به شدت کاهش یافته و مسیر توسعه برای ما بیش از پیش مشکل شده است.»

افزایش دانش راهکار جایگزین بن بست توسعه

در نهایت فریدون مجلسی، دبیرکل پیش از انقلاب نیز در این موضوع ضمن نقد آل یاسین، گفت: «من عقیده ندارم که ما با انسداد توسعه مواجه‌ایم. بلکه به گمان من هر چند که منابع ما به شدت کاهش یافته است، اما دانش بشر و جامعه امروز بسیار پیشرفته شده است. وجود این دانش راهکار جایگزین برای زمانی است که راه‌های معمول به بن بست رسیده است.»

در آخر نکته چشمگیر این جلسه، حضور حداقلی زنان و شاید کمتر از انگشتان دست بود. مجریان این جلسه با نبود آنها تلاش کردند موضوعات مربوط به توسعه نیافتگی را بررسی کنند. اینکه بدون شنیدن تجربیات زنان در زمینه توسعه و مشارکت پایین آنها چطور می‌شود مشکلات توسعه را ریشه‌یابی کرد نیز قابل توجه است و شاید یکی از حلقه‌های مفقوده توسعه نیافتگی نیز همین نکته باشد.

بهروز گتمیری:
تقابل تاریخی بین
دانشگاه و حوزه،
بزرگ‌ترین مشکل حل
نشده بحث توسعه در
ایران است

فریدون مجلسی:
دانش، راهکار
جایگزین برای زمانی
است که راه‌های
معمول دستیابی به
توسعه به بن بست
رسیده است



ریل گذاری اقتصادی ایران در دهه ۴۰ خورشیدی در گفت و گو با دکتر غلامرضا مقدم

اشاره

کنترل تورم، مبارزه با بحران کمبود ارز، التزام و عمل به قانون، همچنین حفظ و ساختن نهادهای قدرتمند و مستقل، از مهم ترین مشکلات اقتصاد ایران است. این موضوعات نه تنها دغدغه امروز اقتصاد ایران، بلکه از گذشته نیز سابقه بسیار زیادی دارند. شناخت نمونه های موفق یا ناموفق پیشین در این موارد، می تواند رهنمودهای خوبی برای آینده اقتصاد ایران داشته باشد.

دکتر غلامرضا مقدم، از جمله تکنوکرات هایی است که یکی از موفق ترین نمونه های حل این گونه مشکلات را در ابتدای دهه ۴۰ خورشیدی در ایران به اجرا در آورده است. دکتر مقدم با تأسیس بانک مرکزی در ایران، به ثبات اقتصاد کلان و برنامه ریزی منظم سیاست های پولی کمک کرد. همچنین سیاست های ایشان به عنوان قائم مقام سازمان برنامه، موجب یکپارچه شدن بودجه و انضباط مالی در ایران شد.

دکتر غلامرضا مقدم که دارای دکترای اقتصاد از دانشگاه استنفورد آمریکا است، معاون وزیر بازرگانی در سال ۱۳۳۹ بوده است. از دیگر سمت های مهم ایشان می توان به معاونت ریاست بانک مرکزی (۱۳۴۳ - ۱۳۴۰)،



گفت و گو: دکتر رامین ناصحی
استاد دانشگاه UCI انگلستان



نگارنده: پرهام پهلوان
دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه تهران

مشاور صندوق بین‌المللی پول^(۱) (۱۳۴۳-۱۳۴۹) و معاونت سازمان برنامه (۱۳۵۳-۱۳۴۹) اشاره کرد.

دکتر مقدم همراه با سایر تکنوکرات‌های دوره طلایی دهه ۴۰ با نهادسازی‌های مناسب نه تنها موفق به حل بحران ۱۳۴۰ شد، بلکه ریل گذاری دهه طلایی توسعه ایران را نیز انجام داد و مسیر رسیدن به توسعه اقتصادی در دهه ۴۰ خورشیدی را هموار کرد.

کنترل بحران ۱۳۴۰ و تولد بانک مرکزی

مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران در دهه ۴۰ را می‌توان مواردی از جمله: تورم، بحران ارزی ناشی از بی‌انضباطی پولی و مالی و کاهش قیمت نفت دانست. بی‌انضباطی پولی در آن زمان ناشی از نداشتن سیستم بانکی منظم و بانک مرکزی بود. در نبود بانک مرکزی که سازمان‌دهنده فعالیت‌های سایر بانک‌ها باشد، انضباطی بین استقراض بانک‌های داخلی از خارج کشور و وام دادن آنها به متقاضیان داخلی وجود نداشت. بی‌انضباطی در نظام پولی باعث رشد تقاضا در داخل کشور شده بود که به دلیل وجود سیاست تجارت آزاد، رشد واردات را به همراه داشت؛ و به دنبال آن ارز این واردات از راه پول نفت و استقراض خارجی تأمین می‌شد.

همچنین به دلیل مواردی همچون عدم وجود نظام بودجه‌ریزی مناسب در کشور، هزینه‌های دربار، دولت و ...، یک بی‌انضباطی مالی جدی در کشور به وجود آمده بود.

هنگامی که قیمت نفت کاهش یافت، کشور در کنار تورم، دچار کمبود ارز نیز شد و در این زمان بود که بحران اقتصادی ۱۳۴۰ به وجود آمد. بحرانی که برای کنترل آن نهادسازی اتفاق افتاد و این جا بود که بانک مرکزی از دل بانک ملی متولد شد.

بانک مرکزی به عنوان نهاد زیرمجموعه دولت با اهداف زیر به وجود آمد:

- ۱- بتواند تورم را کنترل کند.
- ۲- جلوی کسری تراز تجاری (مابه‌التفاوت صادرات و واردات) را بگیرد.
- ۳- بر عملکرد سایر بانک‌ها، به ویژه استقراض از خارج و وام دادن به داخل، نظارت کند.
- ۴- با همکاری با دولت و به عنوان زیرمجموعه‌ای از آن، به رشد اقتصادی و توسعه کمک کند.

ریل گذاری دهه ۴۰ خورشیدی

با تأسیس بانک مرکزی، انضباط کلان در کشور حکمفرما شد و استراتژی توسعه از سیاست تجارت آزاد به سیاست‌گذاری از طریق جایگزینی واردات تغییر کرد. باتوجه به نظارت‌های بانک مرکزی بر استقراض‌ها و نیز ارائه گزارش‌های مرتب به IMF، جلوی بسیاری از ریخت و پاش‌های ارزی گرفته شد. در ادامه، پس از کاهش ۵۰ درصدی حجم واردات، نوعی رکود در کشور ایجاد شده بود. در نهایت نیز با

سپردن بودجه‌ریزی کشور به صورت مستقل به سازمان برنامه و بودجه، ریل گذاری برای ایجاد انضباط در سیاست‌های مالی اتفاق افتاد. برای مبارزه با کسری بودجه، مخارج سازمان برنامه نیز از محل بودجه عمرانی کم شد. با نهادسازی که اتفاق افتاد، در بازه زمانی کوتاه ۱ ساله، تورم، به قیمت رکود و هزینه‌های سیاسی که پرداخت کردند، تک رقمی شد. همه این اصلاحات زمینه‌های لازم را برای دوره توسعه طلایی دهه ۴۰ ایران فراهم آورد.

آنچه که در پی می‌آید، گفت‌وگوی دکتر رامین ناصحی، استاد اقتصاد دانشگاه UCL لندن، با دکتر غلامرضا مقدم در مورد ثبات اقتصاد کلان، کنترل تورم، انضباط بودجه‌ریزی و سیاست پولی و طراحی مسیر توسعه اقتصاد از سیاست تجارت آزاد به سیاست حمایتی جایگزینی واردات در دهه ۴۰ خورشیدی است.

اندیشه‌های اقتصادی

■ شما در زمان تحصیل در استنفورد، تحت تأثیر چه دکترین و ایده‌های اقتصادی بودید؟

● در آن زمان به تازگی مسأله برنامه‌ریزی اقتصادی و توسعه شروع شده بود و من هم طبعاً تحت تأثیر این ایده‌ها قرار گرفته بودم، اما منظور شما از دکترین را متوجه نمی‌شوم، چه چیزی مد نظر شماست؟

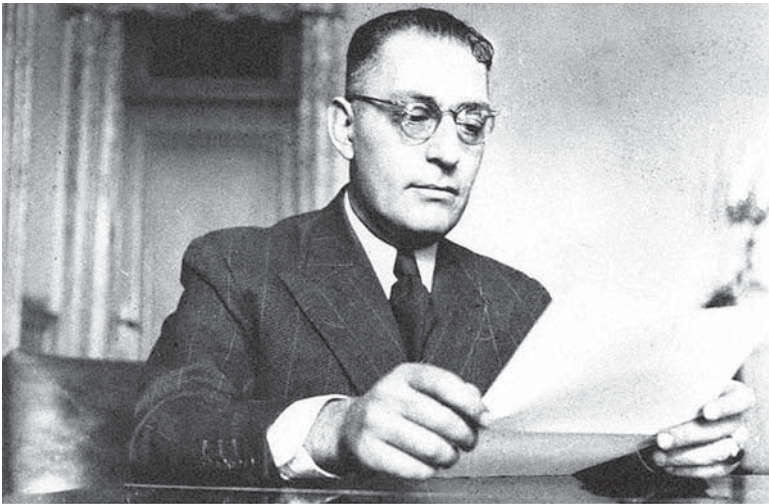
■ افراد یا استادانی که شما تحت تأثیر آنها بودید یا کتاب‌هایی که خوانده بودید.

● پاول براون یکی از استادانی بود که در اقتصاد اجتماعی تخصص داشت؛ و دیگر استادان مانند آقای تارشیز؛ اما بیشتر در استنفورد اقتصاد کینزی رواج داشت. به دلیل اینکه دوره پس از جنگ بود و نظریات مربوط به نیروی کار خیلی رواج داشت.

■ آیا پس از ورود شما به سازمان برنامه، کسانی که در دفتر اقتصادی سازمان برنامه حضور داشتند هم چنین تفکراتی داشتند؟ اشخاص در سازمان برنامه بیشتر چه دیدگاه‌هایی داشتند؟

● من در تشکیل اولیه آن دفتر نقش داشتم. من و دکتر منوچهر آگاه در کنار سایر همکاران، دفتر اقتصادی سازمان برنامه را افتتاح کردیم. بعدها دکتر فرمانفرمایان به ما ملحق شد و رییس دفتر شد. آقای ابتهاج خیلی علاقه داشت به این دفتر و من هم قبلاً با آقای ابتهاج کار کرده بودم. پیش از بازگشت از آمریکا به ایران چند سالی در IMF کار کرده بودم و آن جا در دپارتمان خاورمیانه ایشان رییس دپارتمان بودند و من مشاور بودم. پس از بازگشت من به ایران ایشان دعوت کردند به سازمان برنامه بیایم و این دفتر اقتصادی را تشکیل دهیم؛ که شروع کردیم به تشکیل و دکتر فرمانفرمایان هم

1- International Monetary Fund (IMF)



ابوالحسن ابتهاج

از آمریکا آمد. با هم این دفتر را تشکیل دادیم. دفتر اقتصادی خیلی لازم و مفید بود چون پیش از این طرح‌های سازمان برنامه که البته برنامه‌های عمرانی اول و دوم هم بود، پایه علمی نداشتند اما دفتر اقتصادی که آمد سعی کردیم کارهای سازمان برنامه، علی‌الخصوص سرمایه‌گذاری‌هایی که در آن بازه زمانی خیلی مهم بود، برنامه‌ریزی شده و سازماندهی شده باشد. منظوم طرح‌های عمرانی و ... است که به هم مربوط باشند.

چرخش از تجارت آزاد به جایگزینی واردات

اینکه حکومت از جمله شخص شاه به صنایع به چشم خودکفایی و استقلال نگاه می‌کردند باعث می‌شد که صنایع نسبت به بازرگانان دست بالاتری داشته باشند.

در خود سازمان برنامه چقدر همبستگی برای سیاست جایگزینی واردات وجود داشت؟

من خیال می‌کنم که سازمان برنامه خیلی خودش را در این کار درگیر نکرد، سازمان برنامه بیشتر با سرمایه‌گذاری روی بخش دولتی و برنامه‌ریزی سرمایه، درگیر بود. این کار در وزارت بازرگانی و صنایع انجام شد. آنها بودند که سیاست بازرگانی و گمرکی را تنظیم می‌کردند.

اگر جلوتر بیایم و به زمان ادغام دو وزارت خانه و دوره وزارت آقای عالیخانی برسیم، در آن زمان فشار چطور بود؟

آن موقع هم خیلی فشار می‌آوردند که باید از صنایع حمایت بشود.

خیلی در مورد آقای عالیخانی گفته می‌شود که در برابر زیاده‌خواهی بخش خصوصی می‌ایستاد، شما چیزی به یاد دارید؟

بله. آقای عالیخانی خیلی مرد فهمیده و روشن‌فکری بود اما از صنایع به نظرم بیش از اندازه حمایت می‌کرد، چون معتقد بود که برای کشوری مثل ایران در مراحل اولیه توسعه سیاست حمایتی خیلی مؤثر است. یک مقدار من و ایشان با هم تقابل داشتیم، من مخالف حمایت از صنایع داخلی بودم.

فکر می‌کنید فشار بخش خصوصی تا چه اندازه در تصمیم‌گیری‌های آقای عالیخانی مؤثر بود؟

من خیال می‌کنم عالیخانی واقعاً اعتقاد داشت. برای فشار بخش خصوصی نبود، او معتقد بود که باید حمایت صورت بگیرد و پس از مدتی تغییر رویکرد داد، یعنی دیگر مثل قبل حمایت نمی‌کرد.

بحران ارزی در زمان حضور شما در بانک مرکزی رخ داد یعنی نزدیک به سال ۱۹۶۳، در آن زمان سیاست جایگزینی واردات اعمال شد. چرا این سیاست اتخاذ شد؟

برای بررسی این موضوع باید چند سال عقب‌تر برویم، به سال ۱۹۵۸، کاری که پیش آمد این بود که دستگاه‌های دولتی بدون هیچ حساب و کتابی، مثل وضع کنونی یونان و ایتالیا، وام‌های زیاد کوتاه‌مدت گرفته بودند که خیلی مشکلات اقتصادی برای ایران به وجود آورده بود. این تفکر را از بانک مرکزی شروع کردیم، راه حلی جز اینکه جلوی تعهدات ارزی غیرلازمی که دستگاه‌های دولتی ایجاد می‌کردند را بگیریم، نداشتیم. جایگزینی واردات به نوبه خود موضوع مهمی نبود، اما می‌خواستیم با بحران ارزی مقابله کنیم؛ مثلاً من معتقد بودم حمایت از تولید داخلی نباید فقط برای جایگزینی واردات باشد، بلکه باید تولید داخلی مزیت رقابتی داشته باشد.

پس از این که مشکل پرداخت بدهی‌ها حل شد، چرا این سیاست ادامه پیدا کرد؟

صنایع داخلی در ایران نوپا بودند و صاحبان صنایع نفوذ خوبی در دستگاه‌های دولتی داشتند. این‌ها فشار می‌آوردند که محدودیت گمرکی وجود داشته باشد. من می‌گفتم: ما برای مدتی می‌توانیم از صنایع داخلی حمایت کنیم ولی این نباید ادامه داشته باشد و باید هر چه سریع‌تر صنایع ما رقابتی شوند. اما لابی گروه صاحبان صنایع خیلی قوی بود و دائماً به دستگاه‌های دولتی فشار می‌آوردند.

حتی در سال ۱۹۶۳؟

بله.

طبیعتاً فشاری هم برای آزاد کردن واردات وجود داشت، پیش از این اشاره کردید که برای محدودیت هم فشار بود، چرا طرف محدودیت واردات پیروز شد؟

■ فارغ از جدال‌های رایج بین تکنوکرات‌ها، جدال‌های سیاسی چقدر نقش داشت؟ مثلاً فشار دولت آمریکا برای واردات یا چیز دیگر.

● بله، خُب فشار سیاسی وجود داشت. حدود سال‌های ۱۹۵۷-۱۹۵۸ که من ابتدا در سازمان برنامه حضور داشتم و بعد رفتم به وزارت بازرگانی، ما تصمیم داشتیم که واردات را محدود کنیم تا پرداخت‌ها تسویه شود. ما مشغول بودیم تا واردات خودرو و ... را محدود کنیم که از سفارت آمریکا آمدند پیش من که چرا واردات را محدود می‌کنید؟ ما با هم قرارداد تجاری داریم. من گفتم که کشور ما با بحران اقتصادی روبه‌رو است، شما از طرفی می‌گویید روی پای خود بایستید و از آمریکا طلب کمک نداشته باشید، از طرف دیگر می‌گویید راه



امضای قرارداد اعطای وام ۲۰ میلیون دلاری آمریکا به ایران توسط جولیوس هولمز، سفیر ایالات متحده در تهران و محمد صفی اصفیا، قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه و بودجه

واردات باز باشد، حتی اگر پول نقد خارج می‌شد تا این اندازه بد نبود اما واردکنندگان اعتبارات کوتاه‌مدت غیرالزامی دریافت می‌کنند و این به بحران ارزی ایران دامن می‌زند. در آن زمان، ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار پول زیادی بود که دولت مرتباً قرض می‌گرفت. تأکید کردم می‌خواهیم روی پای خودمان بایستیم؛ بعدها من یک سفر به آمریکا رفتم.

■ دوره پس از بازگشت شما از IMF فشارها و دخالت‌ها چگونه بود؟
● در آن ۶ سال خیلی کم‌تر شده بود.

■ آیا مواردی پیش آمده بود که خارجی‌ها به دنبال گرفتن وام‌های ارزان از بانک توسعه صنعتی و معدنی باشند و بخواهند با سازمان برنامه لابی کنند؟

● الان نمی‌توانم قضاوت درستی داشته باشم، واقعاً حافظه‌ام یاری نمی‌کند؛ اما در مجموع بعدها فشارها خیلی کم شده بود. آمریکایی‌ها هم نهایتاً پذیرفته بودند که ما باید روی پای خودمان بایستیم.

■ مشاوران بانک جهانی هر چند وقت یک بار به ایران می‌آمدند؟

● از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هر دو سال یک بار می‌آمدند.

■ آیا دولت آمریکا به شاه فشار می‌آورد که مخارج نظامی کم شود؟ این درست است که آمریکایی‌ها سالانه بودجه ایران را نظارت می‌کردند تا هزینه ارتش زیاد نشود؟

● نه، من چنین چیزی نشنیدم. اما در مورد آمریکا یک بام و دو هوا بود. از طرفی فشار می‌آوردند که هزینه زیادی روی ارتش نشود، از طرف دیگر با فرستادن مشاوران نظامی که عمدتاً تمایل به توسعه ارتش داشتند و و وام دادن و دامن زدن به تمایل شاه برای خرید آخرین تسلیحات نظامی، اعم از هواپیما و تانک، به افزایش هزینه

نقش مشاوران خارجی

■ در مورد مشاوران خارجی سازمان برنامه، چقدر از کارمندان سازمان برنامه خارجی بودند؟ اگر ممکن است لطفاً در مورد پیش و پس از سفرتان به آمریکا و کار کردن در IMF توضیح بدهید.

● من تعداد نمی‌توانم بگویم اما به نظرم تعدادشان زیاد نبود. پس از بازگشت من خیلی کمتر شده بود، شاید از بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ کارمند سازمان برنامه تنها ۴۰ تا ۵۰ نفر خارجی بودند. در دوره اول آقای ابتهاج تعدادی از بانک جهانی آمده بودند و بعد هم استخدام نیرو شروع شده بود. در سطوح بالای سازمان برنامه خارجی‌ها نبودند اما در میان کارمندان هنوز حضور داشتند.

■ در دوره آقای ابتهاج چقدر متخصصان بانک جهانی در سازمان برنامه در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی دخالت داشتند؟

● لازم به ذکر است که به غیر از سازمان برنامه، آقای ابتهاج در امور عمرانی هم خارجی استخدام کرده بودند. کارشناسان بانک جهانی تأثیر داشتند. البته به مرور که کادر ایرانی دفتر اقتصادی و باقی بخش‌های سازمان برنامه بیشتر شدند، نفوذ خارجی‌ها کمتر شد.

■ وقتی برنامه چهارم تمام شده بود و مشغول نوشتن برنامه پنجم بودید چگونه بود؟

● خیلی کم شده بود، خیلی کم.

■ با اینکه آمریکا نفوذ زیادی داشت، فکر می‌کنید چرا نقش خارجی‌ها کم شد؟

● دلیلش مقاومت طبقه جوان بود، پس از مدتی متوجه شده بودیم خارجی‌ها هم دانش بیشتری ندارند و ایرانی‌ها کار را به خوبی یاد گرفته بودند. رفته رفته متوجه شدیم که نقش خارجی‌ها باید کمتر شود.





ابوالقاسم خردجو



مهدی سمیعی

می خواستند وام بگیرند وجود داشت. من و آقای خردجو در این مورد خیلی اختلاف داشتیم؛ البته آقای خردجو هم خیلی مقصر نبود، آقای شریف امامی که رییس هیأت مدیره آنجا بود، خیلی اعمال نفوذ می کرد.

■ آقای خردجو جلوی شریف امامی یا بقیه کسانی که قصد اعمال نفوذ داشتند مقاومت نمی کرد؟

● مطمئنم که تا اندازه‌ای مقاومت می کرد اما نمی توانست کامل مقاومت کند، قدرت شریف امامی خیلی زیاد بود و شریف امامی خیلی تحت تأثیر بخش خصوصی بود.

■ پس فکر می کنید آقای خردجو مقاومت می کرد؟

● تا آنجایی که من اطلاع داشتم مقاومت می کرد، اما من خیلی آنجا نبودم. در همان زمان من بانک سرمایه گذاری و توسعه را تشکیل دادم که خیلی شبیه به بانک توسعه صنعتی و معدنی بود، البته در مقیاس کوچک تر. آنجا هم ما خیلی تحت فشار بودیم، علی الخصوص برای وام دادن. اربابان صنعت به شکل های مختلف تلاش داشتند که به بانک فشار بیاورند، حتی گاهی می خواستند به کارشناسان بانک رشوه دهند. یادم می آید رییس اداره اعتبارات که کارمند ساده هم نبود، آمد و گفت که یکی از صاحبان صنایع یک ساعت رولکس به او کادو داده است. من گفتم: شما به هیچ وجه نمی توانید قبول کنید و همین ال آن برای او پس بفرستید و بگویید به من گفتید و خیلی ناراحت شدم. یکی دو هفته بعد همان شخص، که فوت کرده اند و اسمشان را نمی آورم، به من زنگ زد و گفت: آقای دکتر مقدم یک طرح خوب برای شما دارم. گفتم: طرح تان را بفرستید

نظامی دامن می زدند.

■ پس شما چیزی در مورد نظارت آمریکا روی بودجه خاطرتان نیست؟
● نه. بعد از بالا رفتن درآمدهای نفتی نزدیک سال ۱۹۷۰-۱۹۷۱ که دولت دیگر به حمایت های مالی آمریکا نیازی نداشت، نفوذ آمریکا در امور ایران هم کم شد.

■ در دهه ۱۹۶۰ چطور؟

● در آن زمان نفوذ زیادی داشتند. چون دولت هر سال به آمریکا رجوع می کرد و ۳۵ تا ۵۰ میلیون دلار کمک مالی می گرفت. آمریکا هم طبیعتاً دخالت می کرد.

بانک توسعه صنعتی و معدنی

■ اجازه بدهید روی بانک توسعه صنعتی و معدنی تمرکز کنیم، چه رابطه ای بین این بانک و بانک جهانی وجود داشت؟

● رییس بانک صنعتی و معدنی در ابتدا آقای خلیج و بعد هم مهدی سمیعی بودند. من هم هیچ وقت حضور رسمی در آنجا نداشتم، اطلاع دارم بانک جهانی وام می داد به اون بانک، اما اینکه چقدر نظارت داشت در این باره چیزی نمی دانم.

■ در مورد آقای خردجو صحبت کردید، می دانیم آقای خردجو رییس بانکی بود که یارانه های بزرگی می داد، شما اطلاع داشتید که آنجا فشاری برای رانت وجود داشت یا نه؟ و اگر بود از طرف چه کسانی اعمال می شد؟

● بله، فشار بی رویه ای از طرف سازمان صنایع و صاحبان صنایع که

سازمان برنامه تا کارشناسان فنی و اقتصادی ما بررسی کنند و در صورت تأیید وام تعلق می‌گیرد؛ من هیچ دخالتی ندارم. گفت: نه شما متوجه نیستید، این طرح برای خود شماست و برای شما ۱ میلیون تومان استفاده دارد. گفتم: کار من سرمایه‌گذاری شخصی نیست، یعنی چه این حرفی که می‌زنید؟ تمایلی به سرمایه‌گذاری در هیچ چیزی ندارم. گفت: نه، شما لازم نیست سرمایه‌گذاری کنید، تنها اگر من اسم شما را بدهم ۱ میلیون تومان می‌گیرید. گفتم: ما اینجا برای خودمان کار نمی‌کنیم، ما طرح برای پیشرفت صنعتی می‌گیریم، رسیدگی می‌کنیم و به هیچ‌وجه حق استفاده شخصی و کار شخصی کردن نداریم. دیگه هم رفت و هیچ‌وقت برنگشت، خیلی هم آدم بانفوذی بود در آن زمان، حتماً آقای خردجو هم این مشکلات را داشت.

اصولاً بودجه کشور نمی‌تواند دو تا باشد. چون هزینه نگهداری طرح‌های عمرانی بعد از مرحله اجرا، بر عهده وزارتخانه مربوطه بود. این از نظر منطقی کاملاً درست بود و من هم به این اعتقاد داشتم. البته آقای ابتهج خیلی به این موضوع عقیده نداشت چون دوست داشت بودجه سازمان برنامه مستقل باشد. اگر دو بودجه با هم یکی می‌شد این ترس وجود داشت که سازمان برنامه تحت نفوذ وزارت دارایی قرار گیرد. در دوره آقای ابتهج این اتفاق نیفتاد و بعد از آمدن آقای فرمانفرمایان، فشار بیشتر شد. در آن زمان جمشید آموزگار وزیر بود. در آن زمان شکاف بزرگی بین آقای فرمانفرمایان و آموزگار ایجاد شد؛ و نه، هیچ‌وقت بودجه جاری به‌طور کامل تحت کنترل سازمان برنامه در نیامد.

تدوینش آمد یا پرداختش؟

تدوین در سازمان برنامه بود و پرداخت کاملاً در وزارت دارایی.

آیا هیچ‌وقت این هدف وجود داشت که پرداخت به سازمان برنامه بیاید؟

نه، ما هیچ‌وقت اصرار نداشتیم که خزانه به‌طور کامل به سازمان برنامه بیاید. ما اعتقاد داشتیم که بودجه کشور وقتی تدوین می‌شود یکجا باید تدوین شود نه اینکه بودجه عمرانی جدا، بودجه جاری جدا.

نظارت شما در اجرای بودجه‌ای که تدوین شده بود چگونه بود؟ سازمان برنامه چقدر در نظم دادن به بقیه وزارتخانه‌ها و مخارجشان قدرت داشت؟

نه، نداشتیم. هیچ‌وقت سازمان برنامه نتوانست نظارت بر اجرای بودجه داشته باشد، یعنی وزارت دارایی هیچ‌وقت به این موضوع تن نداد.

وزارت دارایی هزینه‌های خارج از برنامه تدوین شده را پرداخت می‌کرد؟

نه، قرار هم نبود این اتفاق بیفتد. البته هیچ‌وقت انسجام لازم بین بودجه عمرانی و بودجه عمومی اتفاق نیفتاد. یکسان‌سازی هدف سازمان برنامه بود که وزارت دارایی هیچ‌وقت اجازه نداد، تا جایی که من به‌خاطر دارم هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاد.

در طرح‌های عمرانی چگونه نظارت سازمان برنامه کافی بود؟

در مورد طرح‌های عمرانی بحث دیگری بود. سازمان برنامه نسبتاً نظارت کاملی بر برنامه عمرانی داشت.

در زمان برنامه چهارم که شما از IMF برگشتید، نظارت سازمان برنامه چگونه بود؟

آن زمان هم هنوز شکاف بین سازمان برنامه و وزارتخانه‌ها وجود داشت اما سازمان برنامه بر طرح‌های عمرانی نظارت خوبی داشت.

ولی شما در خاطراتان گفته‌اید که می‌شد مقاومت کرد؟

بله، می‌شد مقاومت کرد، من خودم مقاومت می‌کردم. اما خُب مقاومت سخت است، دوست‌داشتنی نیست. من در سازمان برنامه هم خیلی مقاومت کردم، من حتی با شخص شاه درگیری داشتم.

یک مثال می‌تواند بزنید؟

بله، خیلی اوقات می‌خواستند طرح‌هایی به سازمان برنامه وارد کنند که من مخالفت می‌کردم. یک‌بار مطرح شد که راهی از شیراز به جنوب شرق ایران (اگر درست یادم باشد به بیرجند) ساخته شود که ما گفتیم این در برنامه‌های ما نیست و ال‌آن بودجه نداریم. یادم نیست برنامه سوم یا چهارم بود، ما مقاومت کردیم و گفتیم بودجه نداریم که یک تلگراف از سمت شاه که برای اسکی به سوئیس رفته بود دریافت کردیم که سازمان برنامه باید ظرف ۴۸ ساعت با این طرح موافقت کند.

پیمانکار داخلی بود یا خارجی؟

داخلی بود، آقای علم، وزیر دربار کارچاق‌کن این پیمانکار بود. من مقاومت کردم، البته من قائم‌مقام بودم. رییس سازمان برنامه مهدی سمیعی، مرد بسیار شریفی بود، وقتی متوجه شد گفت که خیلی کار خوبی کردی و اصلاً مخالفت نکرد و خودش به دربار رفت و مسأله را حل کرد.

ایشان خیلی مقاومت می‌کردند؟

بله، بله.

اصلاح بودجه ریزی

آقای فرمانفرمایان خیلی اصرار داشتند که بودجه جاری کشور از وزارت دارایی به سازمان برنامه بیاید، آیا این اتفاق افتاد؟

برای یک مدتی. آقای فرمانفرمایان خیلی حرف حسابی می‌زد،





از سمت راست: مهدی سمیعی، ابوالحسن ابتهاج و خداداد فرمانفرمایان

■ سازمان برنامه در سال‌های برنامه سوم، در زمان اصفیا، سمیعی، دکتر فرمانفرمایان و بعدها آقای مجیدی چقدر قدرت داشت؟

● سازمان برنامه در طرح‌های عمرانی نظارت خوبی داشت. البته فشار دربار و وزارتخانه‌ها، علی‌الخصوص در مواردی مثل مناقصات، زیاد بود.

■ ممکن است یک مقدار دقیق‌تر در مورد مقاومت آقایان در دوره‌های مختلف صحبت کنید؟

● آقای اصفیا مرد بسیار شریفی بود، اما خیلی اهل جنگ نبود. پیش از ایشان آقای هدایت بود که اصلاً اهل مقاومت و جنگ نبود و خیلی انعطاف‌پذیر

بود. البته آقای اصفیا یک مقدار مقاومت می‌کرد ولی کاملاً موفق نمی‌شد. قدرت وزارتخانه‌ها و کسانی که می‌خواستند دخالت کنند، خیلی زیاد بود.

■ آقای سمیعی و دکتر فرمانفرمایان چطور؟

● آنها هم به نسبت سعی می‌کردند اما در برابر قدرت بخش خصوصی کاملاً موفق نمی‌شدند.

■ آیا مقاومتی بود؛ یا سازمان برنامه در دست بخش خصوصی بود یا فقط تا حدی تحت نفوذ بخش خصوصی بود؟

● نه، می‌توان گفت تا حدی بود؛ البته کنترل سازمان که در دست بخش خصوصی نبود، به‌هرحال مملکت یک نظم مشخص داشت که خیلی بهتر از نبودن سازمان برنامه بود. سازمان برنامه نظم ایجاد کرده بود، این طور نبود که هر وقت یک نفر از دربار می‌آمد فوری تأیید شود و برود. روی هم رفته نظارت می‌شد و واقعاً نظارت سازمان برنامه نظارت مؤثری هم بود. ولی خُب نفوذ هم وجود داشت.

■ در دوره برنامه پنجم، شما با آقای مجیدی کار کردید. ایشان چطور بودند؟

● من با ایشان خیلی کار نکردم، مجیدی وقتی آمد با اختلاف زمانی کوتاهی من از سازمان بیرون رفتم تا بانک سرمایه‌گذاری را تشکیل بدهم. مجیدی آدمی بود که بیشتر اهل مراغه بود.

■ فکر می‌کنید علت سیاسی داشت؟

● نه. طبیعتش جنگجو بود. از نظر سیاسی خیلی طماع بود و دلش می‌خواست پیشرفت کند. از سازمان برنامه به وزارت و قدرت برسد. برای همین گاهی اوقات بیشتر راه می‌آمد. آقای سمیعی برعکس خیلی مقاومت می‌کرد و ابتهاج هم که از همه آقایان قوی‌تر بود.

■ در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم طی تمام این برنامه‌ها سازمان برنامه

مسئول تأیید مجریان پروژه‌ها بود؟

● بله. دفتر فنی سازمان برنامه همان طور که می‌دانید باید کیفیت پیمانکاران را تصدیق می‌کرد تا اگر در لیست پیمانکارانی بودند که مورد تأیید نیستند، نتوانند پروژه‌ای را اجرا کنند. دفتر فنی سازمان برنامه نقش مهمی داشت.

■ یعنی آدم‌های قوی و مقاومی بودند؟

● نسبتاً؛ البته بعضی وقت‌ها هم نه؛ اما بیشتر اوقات قوی و مقاوم بودند. تا وقتی مشاوران بانک جهانی حضور داشتند کمتر و بعد از رفتن آنها بیشتر تحت تأثیر بودند.

وزارت اقتصاد و سیاست صنعتی

■ چند پرسش متفرقه می‌پرسم: در مورد وزارت آقای عالیخانی صحبت کردید، در دوره آقای انصاری وضعیت وزارت خانه چطور بود؟

● انصاری اهل معامله بود و نسبت به عالیخانی نرمش خیلی بیشتری داشت.

■ به نظر شما وزیر شدن آقای انصاری تغییر بزرگی بود نسبت به عالیخانی؟

● بله. انصاری واقعاً سیاستمدار بود اما تکنوکرات یا در مجموع آدمی قوی‌ای نبود.

■ فکر می‌کنید چرا آقای عالیخانی کنار گذاشته شد؟

● با هویدا نتوانست کنار بیاید. من جزئیاتش را نمی‌دانم؛ ولی می‌دانم با هویدا زاویه داشت و هویدا نهایتاً حذفش کرد.

■ در مورد بخش صنعت، فکر می‌کنید چرا در آن زمان به صنایع کوچک مقیاس توجه نمی‌شد؟

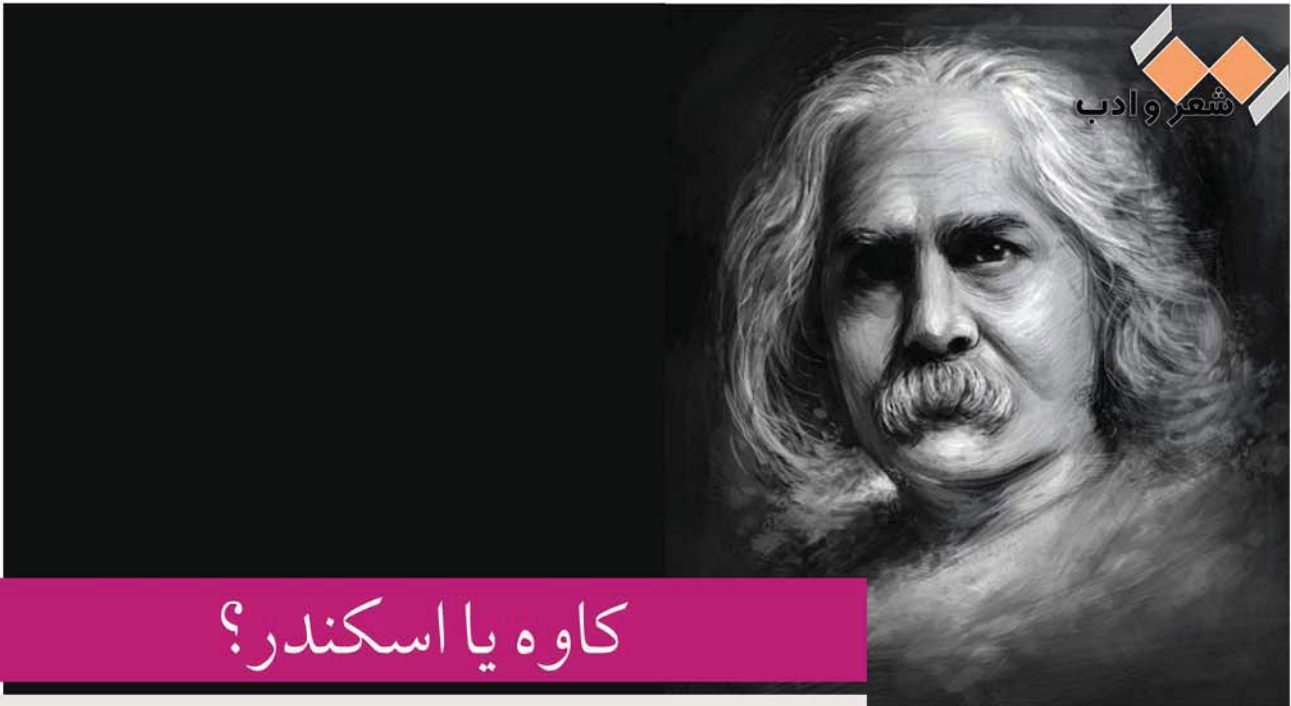
● یک بخشی از بی‌توجهی ما بود که متوجه صنایع کوچک مقیاس نبودیم. بخش دیگر هم نفوذ زیاد صاحبان صنایع بزرگ مقیاس بود که فشار می‌آوردند و منابع را جذب می‌کردند.



ساختمان قدیمی بانک مرکزی - تهران - خیابان فردوسی

- بودند اشخاصی که این طور فکر می کردند. اینکه در خود دولت چقدر این ایده مطرح بود را نمی دانم ولی بعدها کم کم خود صنایع به این سمت رفتند. مثلاً اواخر صناعی مثل خودروسازی عرضه در کشورهای منطقه و خلیج فارس را شروع کردند.
- چه بانکی مسئول اعتبار دادن به صنایع کوچک بود؟
- بانک اعتبار صنعتی.
- چرا بانک به دنبال جذب بودجه بیشتر نبود؟
- متأسفانه فشار صاحبان صنایع به آن بانک هم وارد شد. وقتی اعتبارات بانک توسعه صنعتی برای صنایع بزرگ کافی نبود، از اعتبارات بانک اعتبار صنعتی هم استفاده می کردند.
- نظر شاه در مورد این قضیه چه بود؟ آیا فقط فشار بخش خصوصی بود یا شاه مشکلی داشت با صنایع کوچک یا بازار؟
- شاه پیشرفت را در صنایع بزرگ می دید و همیشه از صنایع بزرگ حمایت می کرد.
- اشاره کردید که شما معتقد بودید باید به سمت مزیت رقابتی برویم. این ایده در بین تکنوکرات ها چقدر خریدار داشت؟
- خیلی نداشت واقعاً.
- آیا مشاوران خارجی بانک جهانی فشار می آوردند که باید به سمت مزیت رقابتی رفت؟
- من چیزی از فشار آنها به یاد ندارم.
- آقای دکتر مقدم، از این که در این گفت و گو شرکت کردید از شما سپاسگزارم.
- آیا علت سیاسی هم داشت؟ مثلاً اینکه شاه دوست نداشت بازار قدرت بگیرد یا فقط علاقه شاه به صنایع بزرگ مطرح بود؟
- فکر نمی کنم که شاه از بازار می ترسید. در واقع شاه پیشرفت را در داشتن صنایع بزرگ مثل ذوب آهن می دید والا ترسی از بازار نداشت.
- آیا این ایده وجود داشت که بعد از سیاست جایگزینی واردات، باید به سمت صادرات رفت؟
- نه واقعاً. بعد از افزایش درآمدهای نفتی در دهه ۷۰ انگیزه زیادی برای صادرات وجود نداشت.
- درآمد نفتی انگیزه را کم کرد؛ اما آیا در بین تکنوکرات ها ایده اینکه باید حمایت را کم کنیم تا صنایع رقابتی شوند وجود داشت؟





کاوه یا اسکندر؟

مهدی اخوان ثالث (م. امید) (۱۳۶۹-۱۳۰۷)

موج‌ها خوابیده‌اند، آرام و رام
 طبل توفان از نوا افتاده است
 چشمه‌های شعله‌ور خشکیده‌اند
 آب‌ها از آسیاب افتاده است

در مزار آباد شهر بی تپش
 وای جغدی هم نمی‌آید به گوش
 دردمندان، بی خروش و بی فغان
 خشمناکان، بی فغان و بی خروش

آه‌ها در سینه‌ها گم کرده راه
 مرغکان سرشان به زیر بال‌ها
 در سکوت جاودان مدفون شده است
 هر چه غوغا بود و قیل و قال‌ها

آب‌ها از آسیاب افتاده است
 دارها برچیده، خون‌ها شسته‌اند
 جای رنج و خشم و عصیان بوته‌ها
 پشکین‌های پلییدی رسته‌اند

مُشت‌های آسمان کوبِ قوی
وا شده‌ست و گونه‌گون رسوا شده‌ست
یا نهان سیلی‌زنان یا آشکار
کاسه‌ی پست گدایی‌ها شده‌ست

گاه رفتن گویدم نومیدوار
و آخرین حرفش که: این جهل است و لَج
قلعه‌ها شد فتح، سقف آمد فرود
و آخرین حرفم ستون است و فَرَج

خانه خالی بود و خوان بی آب و نان
و آنچه بود، آش دهن سوزی نبود
این شب است، آری، شبی بس هولناک
لیک پشت تپه هم روزی نبود

می‌شود چشمش پُر از اشک و به خویش
می‌دهد امید دیدارِ مرا
من به اشکش خیره از این سوی و باز
دزدِ مسکین برده سیگار مرا

باز ما ماندیم و شهر بی تپش
و آنچه کفتار است و گرگ و روبه‌ست
گاه می‌گویم فغانی بر کِشَم
باز می‌بینم صدایم کوتاه است

آب‌ها از آسیاب افتاده، لیک
باز ما ماندیم و خوانِ این و آن
میهمان باده و افیون و بَنگ
از عطای دشمنان و دوستان

باز می‌بینم که پشتِ میله‌ها
مادرم استاده، با چشمانِ تر
نال‌اش گم گشته در فریادها
گویدم گویی که من لالم، تو کَر

آب‌ها از آسیاب افتاده، لیک
باز ما ماندیم و عدلِ ایزدی
و آنچه گویی گویدم هر شب زخم
باز هم مست و تهیدست آمدی؟

آخر انگشتی کند چون خامه‌ای
دست دیگر را به سان نامه‌ای
گویدم بنویس و راحت شو به رَمز
تو عجب دیوانه و خود کامه‌ای

آن که در خورش طلا بود و شَرَف
شانه‌ای بالا تکاند و جام زد
چتر پولادین و ناپیدا به دست
رو به ساحل‌های دیگر گام زد

من سری بالا زخم چون مکیان
از پس نوشیدن هر جرعه آب
مادرم جُنبان از افسوس سر
هر چه از آن گوید، این بیند جواب

در شگفت از این غبار بی‌سوار
خشمگین، ما ناشریفان مانده‌ایم
آب‌ها از آسیاب افتاده، لیک
باز ما با موج و توفان مانده‌ایم

گوید آخر... پیرهاتان نیز... هم
گویمش اما جوانان مانده‌اند
گویدم این‌ها دروغند و فریب
گویم آنها بس به گوشم خوانده‌ام

هر که آمد بار خود را بست و رفت
ما همان بدبخت و خوار و بی‌نصیب
ز آن چه حاصل، جُز دروغ و جُز دروغ؟
زین چه حاصل، جُز فریب و جُز فریب؟

گوید اما خواهرت، طفلت، زنت...؟
من نَهَم دندانِ غفلت بر جگر
چشم هم اینجا دم از کوری زَنَد
گوش کز حرف نخستین بود کَر

باز می‌گویند: فردای دگر
صبر کن تا دیگری پیدا شود
کاوه‌ای پیدا نخواهد شد، امید
کاشکی اسکندری پیدا شود. ♦



غزل شبگرد

امیر هوشنگ ابتهاج (ا.ه. سایه) (۱۳۰۶-۱۴۰۱)

غم تو با دل من پنجه درفکند و رواست
که این دلیر به بازوی آن هموردست

دلا منال و ببین هستی یگانه‌ی عشق
که آسمان و زمین با من و تو همدر دست

ز خواب زلف سیاهت چه دم زَنَم که هنوز
خیال سایه پریشان ز فکر شبگردست

بر آستان تو، دل پایمال صد دردست
ببین که دستِ غمت بر سرم چه آوردست

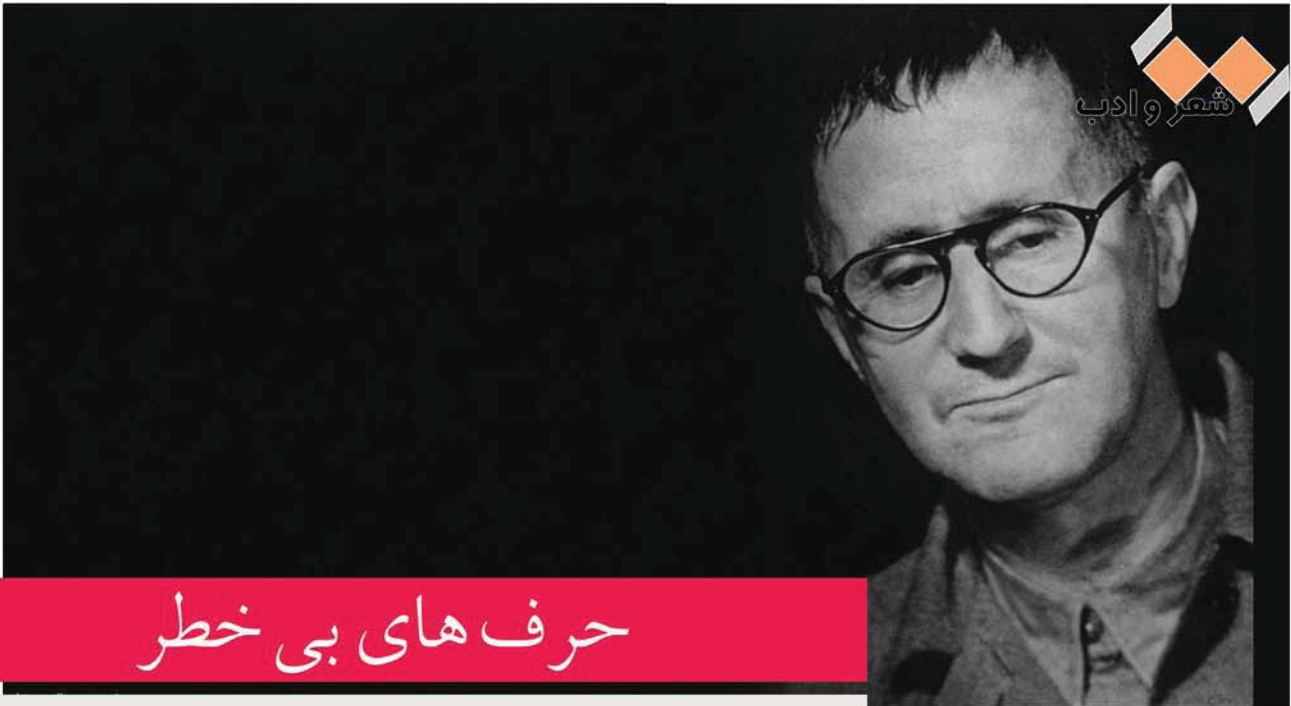
هوای باغ گل سرخ داشتیم و دریغ
که بلبلان همه زارند و برگ‌ها زردست

شب است و آینه خواب سپیده می بیند
بیا که روز خوش ما خیال پروردست

دهانِ غنچه فرو بسته ماند در شبِ باغ
که صبح خنده گشا روی ازو نهان کردست

چه‌ها که بر سر ما رفت و کس نَزَد آهی
به مردمی که جهان سخت ناجوانمردست

به سوز دل نفسی آتشین بر آرای عشق
که سینه‌ها سیه از روزگار دم سردست



حرف های بی خطر

برتولت برشت (۱۸۹۸-۱۹۵۶)

(برگردان به فارسی: علی امینی نجفی)

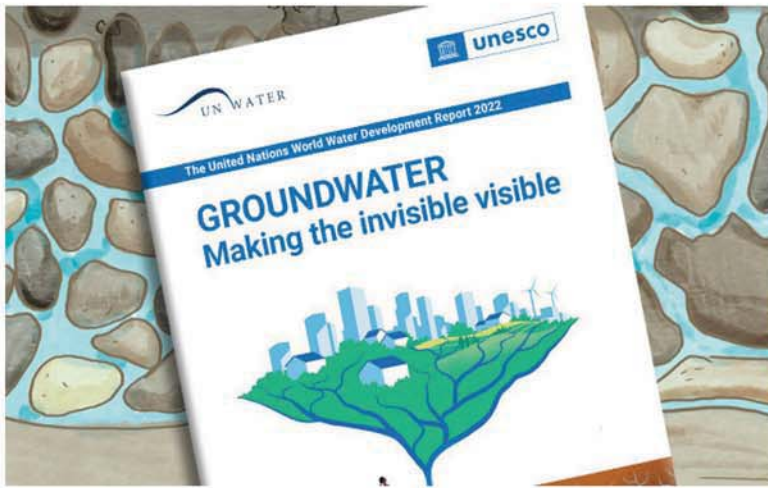
به من می گویند: بخور، بنوش و از آنچه داری شاد باش
 اما چطور می توان خورد و نوشید
 وقتی خوراکم را از چنگ گرسنه ای بیرون کشیده ام
 و به جام آبم تشنه ای مستحق تر است.
 اما باز هم می خورم و می نوشم
 من هم دلم می خواهد که خردمند باشم.

در کتاب های قدیمی، آدم خردمند را چنین تعریف کرده اند:
 از آشوب زمانه دوری گرفتن و این عمر کوتاه را بی وحشت سپری کردن،
 بدی را با نیکی پاسخ دادن،
 آرزوها را یکایک به نسیان سپردن،
 این است خردمندی.
 اما این کارها بر نمی آید از من.
 راستی که در دوره تیره و تاری زندگی می کنم.

راستی که در دوره تیره و تاری زندگی می کنم.
 امروزه فقط حرف های احمقانه بی خطرند.
 گره بر ابرو نداشتن، از بی احساسی خبر می دهد،
 و آنکه می خندد، هنوز خبر هولناک را نشنیده است.

این چه زمانه ای است که
 حرف زدن از درختان، عین جنایت است
 وقتی از این همه تباهی چیزی نگفته باشیم!

کسی که آرام به راه خود می رود، گناهکار است
 زیرا دوستانی که در تنگنا هستند
 دیگر به او دسترسی ندارند.
 این درست است: من هنوز رزق و روزی دارم
 اما باور کنید: این تنها از روی تصادف است
 هیچ قرار نیست از کاری که می کنم نان و آبی برسد
 اگر بخت و اقبال پشت کند، کارم ساخته است.



SOCIAL FORUM 2022

Water for Human Rights and Sustainable Development



گزارش بدیع سازمان ملل در مورد آب های زیرزمینی آب زیرزمینی، نادیدنی را دیدنی کنیم



مهندس مسعود اقبالی
مهندسان مشاور بندآب

اشاره

گزارش سال ۲۰۲۲ سازمان ملل در مورد توسعه منابع آب در جهان^(۱) به تازگی منتشر شده که در آن به جنبه های مختلف آب های زیرزمینی با عنوان "آب زیرزمینی، نادیدنی را دیدنی کنیم"^(۲) پرداخته شده است. از آنجا که تنها برگردان بخش های مهم این گزارش حدود ۲۵۰ صفحه ای در این نوشتار آورده شده، پیشنهاد نگارنده این است که برگردان کامل این گزارش از سوی گروهی از مترجمان متخصص در رسته آب انجام شود و در اختیار دست اندرکاران امور آب قرار گیرد.

یافته بدیع گزارش

در این گزارش نشان داده شده که تقریباً در کل جهان، منابع آب زیرزمینی کمتر شناخته شده اند و در عمده کوشش ها، تمرکز روی مطالعه و کنترل منابع آب سطحی با هدف سدسازی قرار داشته و توجه به آب زیرزمینی، تحت الشعاع کنترل و تنظیم جریان های سطحی بوده است. حتی در مناطقی مانند فلات ایران که در عمده پهنه های آن، منابع زیرزمینی و آبخوان گسترده و یا به عبارتی، مخزن زیرزمینی آماده و بی نیاز از هزینه هنگفت ساخت سدهای مخزنی وجود داشته، باز بر نهضت سدسازی تکیه شده که خود به کاهش منابع تغذیه و تضعیف سفره ها منجر گردیده است. در مقابل، آب های

- 1- The United Nation World Water Development Report 2022
- 2- GROUNDWATER, making the invisible visible

زیرزمینی به حال خود رها شده و به عنوان منبعی تمام ناشدنی، هر چه بیشتر تخلیه شده‌اند که پیامدهای منفی فراوانی از جمله تشدید فرونشست زمین، که عمدتاً حاصل برداشت از منابع زیرزمینی و کاهش منابع تغذیه آن و نادیده انگاشتن پیوستگی منابع سطحی و زیرزمینی است، به دنبال داشته است.

شاید در برخی نقاط کشور مانند جلگه گیلان یا خوزستان، که سفره قابل توجهی وجود نداشته، سدسازی تنها چاره توسعه منابع آب بوده باشد، اما در سایر نقاط کشور که عموماً دشت‌هایی با سفره آب زیرزمینی عمیق وجود دارد مانند دشت اردبیل یا ساوه، اصولاً به سدسازی نیازی نبوده و عمده سرمایه‌گذاری‌ها باید بر منبع زیرزمینی که در واقع مخزن ذخیره زیرزمینی کم‌هزینه، طبیعی و آماده بوده، تمرکز می‌یافته است.

در ایران بسیاری از اکوسیستم‌ها، به تخلیه سامانه‌های آب زیرزمینی وابسته‌اند. تالاب‌های کوچک و بزرگ و مانداب‌های درون کویرها نیز علاوه بر منابع سطحی، متکی به تخلیه سفره‌های آبی زیرزمینی بوده‌اند که به دنبال تخلیه آبخوان، کم‌وبیش خشکیده شده‌اند. برخی از این اکوسیستم‌ها مانند دریاچه ارومیه، قابل رؤیت هستند اما خشک شدن بسیاری از عرصه‌ها مانند مانداب‌های کویرها و ... ناشی از برداشت آب زیرزمینی، به‌ظاهر قابل دیدن نیستند ولی پیامدهای آن را می‌توان مشاهده کرد که پدیده ریزگردها از جمله آنهاست.

به‌هرحال مشکلات مربوط به بهره‌برداری از آبخوان‌ها در همه جای جهان کم‌وبیش مانند ایران بروز کرده و هنوز راه‌حل قطعی و مشخصی برای رفع آن پیدا نشده است و همه در ابتدای راه‌اند؛ اما عجیب است که برخی افراد در ایران، درس ناخوانده عالم شده‌اند و طرح تعادل بخشی را چاره کار دانسته‌اند که آن نیز حاصلی به بار نیاورده زیرا متکی بر هیچ تجربه جهانی و البته داخلی نبوده است.

گفتنی است که در همه کتاب‌های مربوط به آب‌های زیرزمینی، تنها جنبه نظری موضوع در نظر گرفته شده و در مورد آن نظریه‌پردازی شده بدون آن که از نمونه‌ای موفق که در آن این نظرات پیاده شده باشد، ذکری به میان آمده باشد. ظاهراً راه درست بهره‌برداری از منابع زیرزمینی بسیار پیچیده است چراکه هرگونه بهره‌برداری منجر به افت سطح آب زیرزمینی می‌شود و بر احتمال فرونشست زمین می‌افزاید، افت سطح آب باعث تأثیر بر آبدی چشمه‌های طبیعی و تالاب‌ها می‌گردد و محیط‌زیست آسیب می‌بیند و ...

شاید بهترین شیوه بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی در مناطق خشکی مانند ایران با محیط‌زیست شکننده، آن باشد که بدون حفر چاه در آبخوان، اجازه دهند آب زیرزمینی از همان محل‌های طبیعی (چشمه‌ها، آبراهه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها و ...) به بیرون رخنمون کند و هرگونه بهره‌داری مجاز، پس از خروج طبیعی از این نقاط صورت گیرد.

واقعیت این است که در بیشتر نقاط کشور، تخلیه طبیعی آب زیرزمینی نهایتاً به منابع سطحی می‌پیوندد و هرگونه بهره‌برداری در بالادست محل ظهور آب زیرزمینی، به معنی کاهش سهم ورودی منابع سطحی (رودخانه‌ها، تالاب‌ها...) از منابع زیرزمینی است. برای مثال در دشت اردبیل تا پیش از حفر چاه، تمامی رودخانه‌ها در بالادست، زاینده بودند و دبی پایه زهکش طبیعی دشت موسوم به قره‌سو، عمدتاً از منابع زیرزمینی تأمین می‌شد که در حال حاضر به‌خاطر حفر چاه به شدت کاهش یافته است.

برخلاف ایران که در آن مدیریت آب‌های سطحی و زیرزمینی از هم جداست، آب باید به‌عنوان منبعی واحد (تقسیم‌نشده) مدیریت شود و مدیریت آب‌های سطحی و زیرزمینی به‌خوبی با یکدیگر هماهنگ باشند و توأمآ دیده شوند.

خلاصه کوتاه

به خاطر ظرفیت بالقوه زیاد آب زیرزمینی و لزوم مدیریت پایدار آن، این منابع را بیش از این نمی‌توان نادیده گرفت.

آب زیرزمینی با سهم ۹۹ درصدی از کل منابع آب شیرین مایع کره زمین، دارای چنان ظرفیتی است که می‌تواند برای جامعه منافع و فرصت‌های عظیم اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی فراهم آورد. با این که هم‌اکنون نیمی از آب مصرفی خانگی جمعیت جهان از منابع آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود، از جمله آب شرب بخش عمده جمعیت روستایی که به شبکه‌های دولتی یا خصوصی دسترسی ندارند و حدود ۲۵ درصد آب مصرفی در آبیاری نیز از منابع زیرزمینی برداشت می‌شود، اما این منبع طبیعی، به‌خوبی شناخته شده نیست و در نتیجه ارزش واقعی آن به حساب آورده نمی‌شود، مدیریت آن ناکارآمد است و حتی نابجا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آب زیرزمینی عامل مهمی در مبارزه با فقر، امنیت آب و غذا، اشتغال شایسته، توسعه اجتماعی- اقتصادی و سازگاری جوامع و فرایندهای اقتصادی آنها با تغییرات اقلیمی است. وابستگی به منابع آب زیرزمینی بی‌وقفه در حال افزایش است که عمدتاً به‌خاطر نیازهای در حال رشد همه بخش‌های مصرف و همراه با تغییرات بی‌وقفه در الگوی بارندگی‌هاست.

این گزارش به تشریح فرصت‌ها و تهدیدهایی می‌پردازد که همراه با توسعه، مدیریت و حکمرانی آب زیرزمینی در جهان بروز می‌کند. هدف از تهیه این گزارش نیز فراهم کردن شرایطی برای نیل به درکی روشن از نقش آب زیرزمینی در زندگی روزمره، رابطه متقابل آن با مردم و چگونگی استفاده بهینه از آن به‌منظور بهره‌برداری درازمدت این منبع بزرگ و درعین حال شکننده است.

روشن ساختن ظرفیت کامل آب زیرزمینی نیازمند تلاش همه‌جانبه برای مدیریت و کاربرد پایدار آن است که تمام داستان از این نقطه آغاز می‌شود: «آنچه نهان است، آشکار کنیم.»



(رئیس صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی سازمان ملل)

زیر پای ما، دور از چشم‌هایمان، منعی وجود دارد که اغلب به ندرت به آن فکر می‌کنیم؛ با این وجود، تقریباً کل آب شیرین مایع کره زمین، آب زیرزمینی است که تکیه‌گاه مهمی برای تأمین آب شرب، نیاز گیاهان، صنایع و محیط‌زیست است.

همان‌طور که در این گزارش به روشنی نشان داده شده، در موارد زیادی، فعالیت انسان منجر به اضافه برداشت و آلودگی آب زیرزمینی شده و در مناطقی اصولاً نمی‌دانیم که چقدر آب در اعماق وجود دارد. مدیریت اشتباه آب زیرزمینی و استفاده نادرست از آنچه با آلوده ساختن آن و یا از طریق اضافه برداشت از آن، تهدیدی برای کل چرخه آب و در نتیجه برای نوع بشر و پایداری حیات است.

گزارش سال جاری توسعه آب جهان، بر ضرورت بررسی و حفاظت از آب زیرزمینی تمرکز پیدا کرده و نشان می‌دهد که مدیریت پایدار و عادلانه آن امر مهمی برای بقا و سازگاری با تغییر اقلیم و تأمین نیازهای جمعیت در حال افزایش است.

این شماره نشریه نیز مثل همیشه به مخاطبان متخصص و نیز خوانندگان عادی که در پی فهم بهتر از نقش آب در جوامع انسانی و امر توسعه هستند، مربوط می‌شود. تجربیات، اطلاعات و تحلیل‌هایی که از سوی اعضا و شرکای بخش آب سازمان ملل^(۴) ارائه شده، به ما کمک می‌کند که به اهمیت همه‌جانبه آب زیرزمینی در امر سلامت، کشاورزی، محیط‌زیست و سایر عرصه‌ها پی ببریم.

نتیجه‌گیری روشن است: برای نیل به اهداف توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰، اصلاح شیوه‌های استفاده و مدیریت منابع آب زیرزمینی، یک اولویت فوری است.

سعی و تلاش تمام دست‌اندرکاران امر باید جستجوی روش‌های مؤثر برای کمک به انعطاف‌پذیری و سازگاری زندگی و فعالیت بشر با آینده‌ای باشد که در آن، اقلیم به‌طور فزاینده، غیرقابل پیش‌بینی است.

گزارش توسعه آب جهان سال ۲۰۲۲ سازمان ملل، حاصل همکاری اعضا و سازمان‌های همکار خانواده آب سازمان ملل است. مجموعه‌ای متنوع و غنی از سازمان‌های همکار، تحلیلی روشن و قابل دسترس از این مسائل به عمل آورده، چالش‌ها را شناسایی و راه‌حل‌ها را پیشنهاد کرده است.

من به‌خاطر تهیه این گزارش، قدردان یونسکو و برنامه آب جهان و تمام همکارانی هستم که در آن مشارکت داشته‌اند.

باید از آب زیرزمینی به‌صورت پایدار استفاده و از آن محافظت کنیم

و بین نیازهای مردم و الزامات سیاره، تعادل برقرار نماییم. من اطمینان دارم که این گزارش برای خواننده فهم بهتری از چگونگی اصلاح سیاست‌های حاکم بر آب زیرزمینی ارائه می‌کند و امیدوارم که منجر به اقدامات عاجلی گردد که به شدت به آن نیازمندیم.

مقدمه

مشیل میلنو^(۵)

(هماهنگ‌کننده برنامه ارزیابی جهانی آب^(۶) یونسکو)

ریچارد کونر^(۷)

(سردبیر)

در هر یک از شماره‌های پیشین "گزارش توسعه آب جهان"^(۸) سازمان ملل تصویر نسبتاً کاملی از وضعیت آب ارائه شده است. برخی از این گزارش‌ها بر موضوع‌های فنی مانند انرژی، فاضلاب، راه‌حل‌های طبیعت‌محور یا تغییرات اقلیمی تمرکز یافته است. دیگر موضوع‌های آب محوری که در این گزارش‌ها به آن پرداخته شده است می‌تواند به مواردی مانند توسعه پایدار، آب و اشتغال، هیچ بخشی از قلم نیافتد، یا ارزش‌گذاری آب، اشاره کرد که عمدتاً با ذره‌بین اجتماعی-اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در برخی موارد برای ما این امکان وجود داشت که اقدامات خود را بر پایه داده‌ها، اطلاعات، تحلیل‌ها و مطالب زیادی که از پیش وجود داشت، قرار دهیم؛ درحالی که در شرایطی دیگر، پایگاه اطلاعاتی ما محدود بود و به ناچار روش‌های خلاقانه‌ای را برای تهیه گزارش انتخاب کردیم.

شماره اخیر گزارش توسعه آب جهان سازمان ملل در نوع خود بی‌نظیر است. در این گزارش برای نخستین بار است که نقطه تمرکز گزارش ما بر اجزای مشخصی از چرخه جهانی آب، قرار گرفته است. به عبارت دیگر، موضوع گزارش امسال نه تنها فراتر از زاویه دید یا چشم‌اندازی است که از دریچه آن به بررسی نقش آب در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پرداخته شود، بلکه بحث بر سر خود این منبع است و مهم‌تر آن که به منبع آب شیرینی می‌پردازد که برای مدت‌های مدید "خارج از دید رادار" بوده است.

گزارش توسعه آب جهان سازمان ملل در سال ۲۰۲۲ که نهمین سری از "گزارش‌های موضوعی"^(۹) است، نه تنها به دنبال پی بردن به اهمیت آب زیرزمینی در توسعه پایدار و روشن ساختن شیوه‌های مدیریتی و سیاست‌هایی است که باید اتخاذ گردد تا ماندگاری این منابع تضمین شود، بلکه در جهانی که با سرعت در حال تحول است و تقاضا برای

3- Gilbert F. Hougbo

4- UN-Water

5- Michela Miletto

6- World Water Assessment Programme (WWAP)

7- Richard Connor

8- The World Water Development Report (WWDR)

9- Thematic Reports



شماره اخیر گزارش توسعه آب جهان سازمان ملل در نوع خود بی نظیر است. در این گزارش برای نخستین بار است که نقطه تمرکز گزارش بر اجزای مشخصی از چرخه جهانی آب قرار گرفته است. به عبارت دیگر، موضوع گزارش امسال نه تنها فراتر از زاویه دید یا چشم اندازی است که از دریچه آن به بررسی نقش آب در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پرداخته شود، بلکه بحث بر سر خود این منبع است و مهم تر آن که به منبع آب شیرینی می پردازد که برای مدت های مدید "خارج از دید رادار" بوده است.

در چارچوب همکاری با این حامیان، کوشش کرده ایم که به ارائه دانش روز به شکلی متوازن، متکی به حقایق و به صورت بی طرفانه بپردازیم که شامل عمده و آخرین تحولات در این زمینه باشد و بر چالش ها و فرصت هایی تأکید کنیم که باعث جلب توجه بیشتر به آب زیرزمینی گردد. گرچه هدف گذاری اولیه این گزارش متوجه تصمیم سازان، مدیران منابع آب، گروه های وسیع تری که در پی توسعه هستند (دینفعان عام- مترجم) بوده، اما امیدوارم که مورد استقبال غیر متخصصان و آنهایی که درگیر موضوع فقرزدایی و بحران های انسانی و کسانی که به دنبال حقوق انسانی در مورد آب و بهداشت هستند نیز قرار گیرد و باعث پیشبرد برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار گردد.

جدیدترین گزارش توسعه آب جهان سازمان ملل، حاصل تلاش های هماهنگ چهره های برجسته ای است که فهرست نام هایشان در بخش تقدیر و تشکر آمده است. این گزارش از خدمات و کمک های چندین عضو و همکار بخش آب سازمان ملل و نیز از دانشگاه های متعدد، مؤسسات پژوهشی، انجمن های علمی و سازمان های مردم نهاد (NGOها) بهره مند شده که در زمینه های مرتبط به تهیه آن کمک کرده اند.

مایلیم که از سوی هیأت تحریریه گزارش توسعه آب جهان سازمان ملل، مراتب قدردانی عمیق خود را نسبت به سازمان هایی که در بالا

آب در حال افزایش و منابع آب شیرین اغلب آسیب پذیر و محدود است، از فرصت ها و امکانات این منبع، حداکثر استفاده به عمل آورد.

در حال حاضر همان طور که در این گزارش نیز بر آن تأکید شده، آب زیرزمینی نقش حیاتی در امنیت غذایی و انرژی، نیاز آبی جمعیت شهری و "به ویژه" سکنه روستایی و صنعت، بازی می کند. این منبع عامل مهمی برای کارکرد سالم اکوسیستم هاست و دورنمایی استثنایی برای سازگاری و تخفیف اثرات تغییرات اقلیمی ارائه می دهد. هم چنین این گزارش به تشریح واکنش های ممکن به منظور غلبه بر چالش های کنونی بر سر راه رشد حکمرانی و مدیریت بر منابع زیرزمینی در قالب گردآوری و انتشار داده ها، چارچوب های سیاسی و قانونی، ظرفیت سازی و تأمین مالی می پردازد.

از دیگر جنبه های منحصر به فرد نشریه سال جاری، شمار زیاد نویسندگان و همکاران نشریه و غنای کار آنهاست. تاکنون سابقه نداشته که شاهد این چنین سطح بالایی از حمایت در گستره وسیعی از متخصصان و افراد شناخته شده حرفه ای از سرتاسر جهان باشیم، ما فروتنانه باور داریم که این حمایت ها در کیفیت و جامعیت این گزارش بازتاب یافته است. ما مطمئناً دوستان زیادی پیدا کردیم و در این مسیر با دیگرانی دوستی خود را تجدید کرده ایم. صادقانه آرزو می کنیم که این اشتراک مساعی برای سال های پیش رو نیز ادامه داشته باشد. ما



این وجود و به رغم اهمیت زیاد این منبع طبیعی، آب‌های زیرزمینی چندان مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته‌اند و در نتیجه ارزش زیادی برای آن در نظر گرفته نشده است و مدیریت آن ضعیف و حتی از آن استفاده نابجا نیز صورت می‌گیرد. با توجه به این که در اغلب نقاط جهان، مشکل کمبود آب شدیدتر می‌شود، بیش از این نمی‌توان ظرفیت عظیم آب زیرزمینی و ضرورت مدیریت دقیق آن را نادیده انگاشت.

خدمات چندگانه آب‌های زیرزمینی

نقش و خدمات آب‌های زیرزمینی برای تأمین نیازها، بستگی به ویژگی‌های جغرافیایی محل آن دارد و تحت تأثیر فرایندهای انسانی و طبیعی حاکم بر منطقه است. این خدمات شامل موارد زیر است:

- خدمات (کارکرد) تأمینی: که برداشت آب زیرزمینی برای کاربردهای (انسانی) صورت می‌گیرد.
- خدمات تنظیمی: که نشان‌دهنده ظرفیت ذخیره‌سازی آبخوان‌ها برای تعدیل رژیم کیفی و

کمی سامانه آب زیرزمینی است.

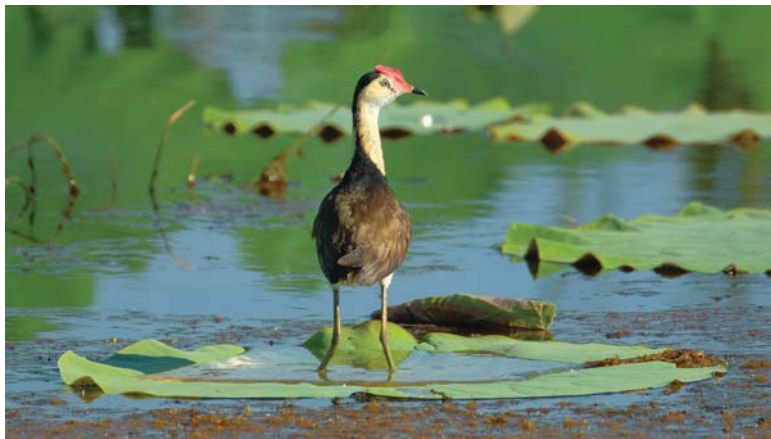
- خدمات پشتیبانی: که برای "زیست‌بوم‌های وابسته به آب زیرزمینی"^(۱۰) و سایر جنبه‌های زیست‌محیطی وابسته به آن است.
- خدمات فرهنگی: که مرتبط با فعالیت‌های تفریحی، سنتی، مذهبی یا ارزش‌های مذهبی و معنوی است و بیش از آن که به آب زیرزمینی وابسته باشد، به مکان خاصی مربوط است.

آب زیرزمینی، امکاناتی مانند گسترش تولید انرژی زمین گرمایی، افزایش ذخیره آب در جهت بهبود امنیت آبی و سازگاری با اثرات تغییر اقلیم را در اختیار ما قرار می‌دهد.

چالش‌ها

کاهش ذخیره آب زیرزمینی زمانی اتفاق می‌افتد که میزان برداشت، بیش از میزان تغذیه باشد. هر چند نوسانات و تغییر اقلیم نیز می‌تواند در این مسأله دخیل باشد، اما در اغلب موارد، افت درازمدت ذخیره آب زیرزمینی، ناشی از برداشت بیش از حد از منبع است. میزان کاهش تجمعی جهانی آب زیرزمینی رقم قابل توجهی است: در اوایل قرن اخیر برآوردها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مکعب در سال (تقریباً ۱۵ تا ۲۵ درصد جمع برداشت از منابع زیرزمینی) بوده است.

آلودگی آب زیرزمینی باعث افت کیفیت آب برداشتی برای مصارف شرب شده و استفاده از آن در محیط‌زیست را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.



آب زیرزمینی که تقریباً شامل ۹۹ درصد آب شیرین مایع روی کره زمین است و در تمام کره زمین هر چند به صورت نامساوی توزیع شده، اما دارای چنان ظرفیتی است که می‌تواند منافع فراوان اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و از جمله سازگاری با تغییر اقلیم را برای جوامع انسانی امکان‌پذیر سازد.

نامشان آمد، اعضا و همکاران بخش آب سازمان ملل و نویسندگان و سایر حامیان ما به خاطر کار دسته‌جمعی در تهیه این گزارش بی‌نظیر و معتبر در هنگامه دومین سال بیماری جهانی کووید ۱۹ با تمام مشکلات مضاعفی که این شرایط برای هریک از ما و جمع ما ایجاد کرد، اعلام نماییم.

کلام آخر اینکه، این گزارش را به پیشگامان و فعالان بخش سلامت تقدیم می‌کنیم که در سایه خدمات خستگی‌ناپذیر آنها، امکان بقا برای همگان در دوران همه‌گیری کووید ۱۹، فراهم شد.

چکیده گزارش

هدف از انتشار این شماره از گزارش توسعه جهانی آب سازمان ملل (WWDR 2022) نور افکندن بر آب زیرزمینی، جلب توجه مردم به نقش‌های ویژه آن، چالش‌ها و فرصت‌های آن در زمینه توسعه، مدیریت و حکمرانی منابع آب در سرتاسر کره زمین است.

آب زیرزمینی که تقریباً شامل ۹۹ درصد آب شیرین مایع روی کره زمین است و در تمام کره زمین هر چند به صورت نامساوی توزیع شده، اما دارای چنان ظرفیتی است که می‌تواند منافع فراوان اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و از جمله سازگاری با تغییر اقلیم را برای جوامع انسانی امکان‌پذیر سازد. هم‌اکنون نیمی از حجم آبی که از منابع زیرزمینی برداشت می‌شود به مصارف خانگی ساکنان کره زمین اختصاص می‌یابد و ۲۵ درصد کل آب مصرفی آبیاری، متناظر با ۳۸ درصد وسعت اراضی آبی جهان، از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود. با

منابع آلوده کننده زیادی با منشأ انسانی برای آب‌های زیرزمینی وجود دارد که بیشتر آنها در سطح زمین یا نزدیک آن قرار گرفته‌اند. اما دسته دیگری از منابع آلوده کننده نیز باعث آلودگی در لایه‌های زیرسطحی با عمق بیشتر می‌گردد. آلودگی‌های کشاورزی گسترده‌تری زیادی دارد. این نوع آلودگی‌ها اغلب شامل مقادیر زیاد نیترات، آفت‌کش و سایر مواد شیمیایی کشاورزی است. آلودگی‌های آب زیرزمینی یک روند برگشت‌ناپذیر است: «وقتی آلوده شد، آب آلوده در آبخوان باقی می‌ماند.»

حکمرانی آب زیرزمینی

"بخش عمده آبخوان‌های کم‌عمق وسیعی که در منطقه نیمه‌صحرائی آفریقا وجود دارند، دست‌نخورده باقی مانده و تنها ۵ درصد این منابع زیرزمینی برای استفاده در آبیاری تجهیز شده است."

فرایند حکمرانی آب زیرزمینی، امکان مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بر این منابع را فراهم می‌سازد. این فرایند در مقیاس و سطوح مختلفی از جمله منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اعمال می‌شود. مدیریت آب زیرزمینی، فرایندی "عمل‌گرا"^(۱۱) است و تمرکز آن بر کارهای اجرایی-تجربی و عملیات مستمر و روزمره است. این کار اغلب در مقیاس‌های کوچک و متوسط انجام می‌گیرد.

از آنجا که آب زیرزمینی عموماً یک منبع خصوصی تلقی می‌شود (به عبارت دیگر کاملاً وابسته به مالکیت زمین و در برخی حوزه‌های حقوقی به عنوان یک دارایی خصوصی مستقل محسوب می‌شود - مترجم)، اعمال مقررات و حکمرانی و مدیریت بالا به پایین بر آن، کار مشکلی است. دولت‌ها باید وظیفه و نقش خود را با این دیدگاه که آب زیرزمینی یک دارایی مشترک و همگانی است، بازی کنند.

قوانین و مقررات محلی، چگونگی دسترسی به آب زیرزمینی و هم‌چنین فعالیت‌هایی که بر کیفیت آن تأثیر می‌گذارد را مشخص می‌کنند. ابزارهای قانونی برای این کار، آنهایی هستند که امکان دسترسی به آب را برای نیازهای پایه به عنوان یک حق انسانی فراهم کنند؛ دستیابی به آب زیرزمینی برای خانوارها و کاربرد آن در تولیدات کوچک مقیاس را مهیا سازند؛ در مسیر به نظم درآوردن کاربردهای مضر به روند تخلیه و تغذیه و کمک به تشکیل و فعال‌سازی سازمان‌هایی برای اختصاص آب، پایش و کنترل مسؤولیت‌ها به کار آیند. برای حفاظت از محل‌های تغذیه و تخلیه و نواحی که در آن چاه‌های برداشت آب وجود دارد و هم‌چنین کنترل آبدهی و برداشت پایدار و مقررات مربوط به استفاده تلفیقی، نیاز به چارچوب‌های قانونی است.

در برخی حوزه‌های حقوقی و قضایی^(۱۲)، آب زیرزمینی توأم با آب سطحی و از جمله رودخانه‌ها، مورد داورى قرار می‌گیرد. در مواردی که بین حق آبه آب زیرزمینی و حق آبه آب سطحی، اختلافی بروز کند (برای مثال برای حالتی که جریان سطحی به خاطر تشدید پمپاژ از

سفره‌های آب زیرزمینی اراضی مجاور آن، دچار خشکی شود و یا برعکس) رویکرد مدیریت تلفیقی، چاره کار است.

برای رفع آلودگی‌های نقطه‌ای می‌توان از طریق صدور مجوز اتصال به تخلیه‌گاه‌های عمومی یا در چارچوب استانداردهای آب محیط پیرامون آن، اقدام کرد. آلودگی‌های غیرنقطه‌ای از نقاط پراکنده یا نامعلوم، نیازمند اقدامات بازدارنده است، مقررات مربوط به کاربری اراضی یا اعمال بهترین شیوه در پیوند با کشاورزی یا محیط‌زیست.

کشاورزی

آب زیرزمینی یک منبع مهم و حیاتی برای کشاورزی فاریاب، دام‌پروری و سایر فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی از جمله فراوری محصولات است. با هدف برآورده ساختن تقاضای جهانی برای آب و کشاورزی تا سال ۲۰۵۰ که از جمله شامل حدود ۵۰ درصد افزایش در تولید مواد غذایی، خوراک دام و سوخت‌های زیستی است، ارتقای بهره‌وری کشاورزی از طریق تشدید برداشت پایدار از منابع آب زیرزمینی، و درعین حال کاهش رد پا و اثر تولیدات کشاورزی بر آب و محیط‌زیست، اهمیت پیدا می‌کند.

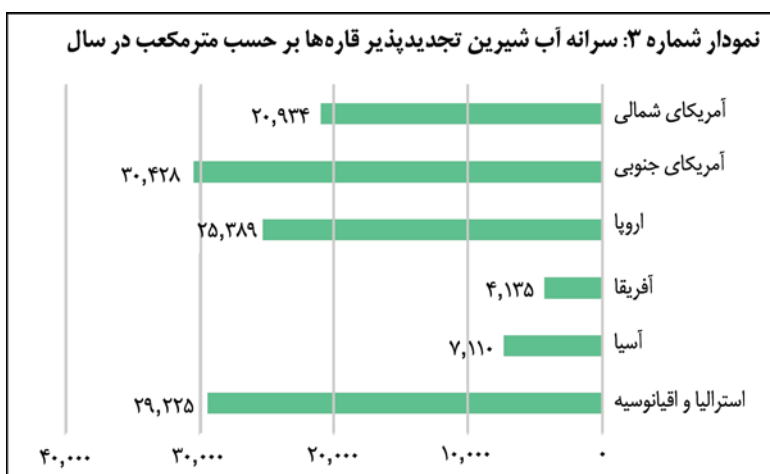
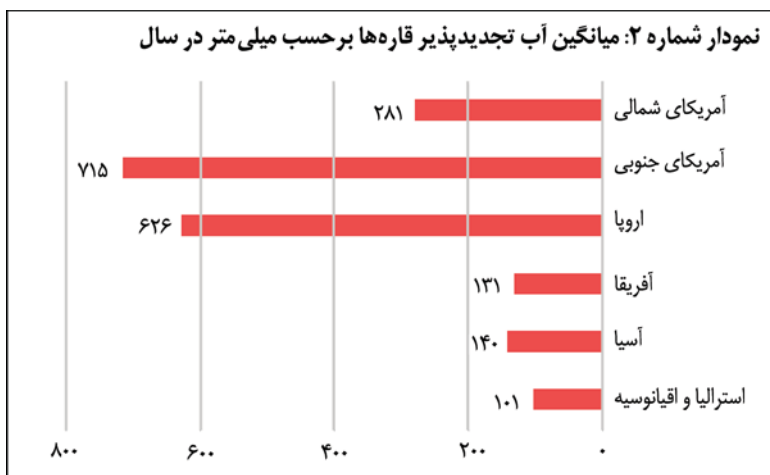
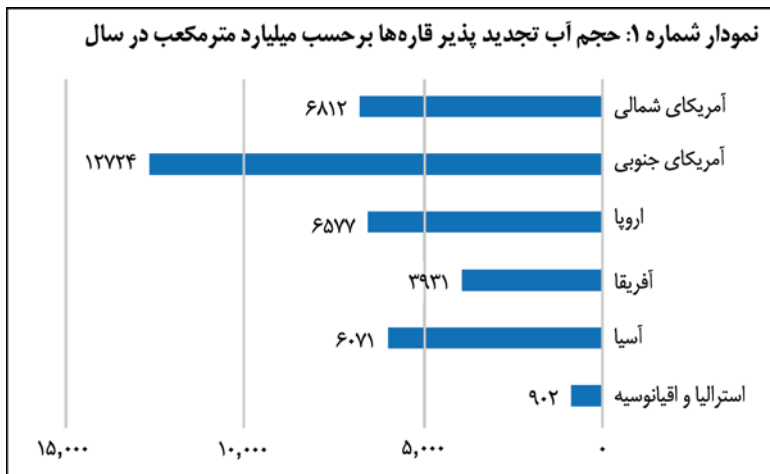
هر جا که سفره‌های کم‌عمق، قابل اعتماد و پایداری وجود داشته باشد، آب زیرزمینی منبع مهمی برای کشاورزان خرده‌مالک به شمار می‌آید. مناطقی که وابستگی شدیدی به آب زیرزمینی دارند، از جمله شمال آمریکا و جنوب آسیا هستند که به ترتیب در ۵۹ درصد و ۶۷ درصد مناطق تحت آبیاری آنها، از آب زیرزمینی استفاده می‌شود. در منطقه نیمه جنوبی صحرای بزرگ آفریقا^(۱۳) که سفره‌های کم‌عمق و دست‌نخورده‌ای وجود دارد، تنها در ۵ درصد از مناطق تحت آبیاری، از منابع زیرزمینی استفاده می‌شود.

برآورد شده که آلودگی‌های کشاورزی در مقایسه با سکونت‌گاه‌ها و صنایع، بیشترین سهم در آفت کیفیت منابع زیرزمینی ساحلی و داخلی دارند. نیترات، کودهای شیمیایی و کودهای حیوانی، اصلی‌ترین آلاینده‌ها با منشأ انسانی در آب زیرزمینی دنیا شمرده می‌شوند. حشره‌کش‌ها، علف‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها در صورت به کار رفتن و دفع نامناسب، می‌توانند باعث آلودگی آب‌های زیرزمینی به مواد سرطان‌زا و سمی شوند.

شواهد حاکی از آن است که قوانین و مقررات مربوط به جلوگیری و محدود کردن نفوذ آلودگی‌های کشاورزی به آب زیرزمینی و به‌ویژه روش‌های اجرایی این قوانین، معمولاً ضعیف هستند. سیاست‌های حاکم بر آلودگی آب در کشاورزی باید بخشی از چارچوب سیاست‌های فراگیر آب و کشاورزی در سطح ملی، حوضه آبریز رودخانه و آبخوان‌ها باشد.

- 11- Action-oriented
- 12- Jurisdictions
- 13- Sub-Saharan Africa





Source: Ritchie and Roser (2017), based on data from Aquastat.

برق رسانی به روستاها عامل مهمی در توسعه بهره‌برداری از آب زیرزمینی است، به ویژه در آن دسته از مناطق روستایی که شبکه برق به آن نواحی گسترش یافته که در صورت نبود آن کشاورزان باید به سوخت دیزل یا انرژی باد روی می‌آوردند. پیشرفت‌هایی که در حوزه فناوری‌های خورشیدی صورت گرفته باعث توسعه "سامانه‌های آبیاری متکی به انرژی خورشیدی"^(۱۴) در عملیات زراعی شده است اما اگر این سامانه‌ها به درستی مدیریت و بهره‌برداری نشوند، باعث به خطر افتادن استفاده پایدار از آب خواهند شد.

سرمایه گذاری

برخلاف آب سطحی که هزینه سرمایه‌گذاری آن معمولاً از بخش دولتی تأمین می‌شود، در توسعه زیرساخت‌های منابع آب زیرزمینی معمولاً این هزینه‌ها، از سوی مصرف‌کننده نهایی که ممکن است یک بخش صنعتی، یک خانوار، یک کشاورز و یا یک مجموعه بهره‌بردار باشد، صورت می‌گیرد.

حجم آب شیرین مایع کره زمین

حجم آب شیرین مایع کره زمین (کمتر از ۱ درصد تمام آب‌های کره زمین در حالت مایع، منجمد یا بخار) ۱۰/۶ میلیون کیلومتر مکعب برآورد می‌شود که معادل ضخامت لایه‌ای از ۷۹ متر آب (عمق معادل) روی تمام خشکی‌های کره زمین، منهای قطب جنوب است. نزدیک به ۹۹ درصد این حجم مربوط به آب‌های زیرزمینی است.

میانگین ارتفاع آب شیرین

میانگین ارتفاع آب شیرین تجدیدپذیر برای قاره‌های نسبتاً مرطوب آمریکای جنوبی و اروپا ۴ تا ۷ برابر بیشتر از آسیا، آفریقا، استرالیا و اقیانوسیه است که هر یک از آنها دارای مناطق خشک و نیمه‌خشک وسیعی هستند. مطابق داده‌هایی که اخیراً توسط "ریچی و روزر"^(۱۵) ارائه شده، میانگین ارتفاع آب شیرین تجدیدپذیر خشکی‌های کره زمین (منهای قطب جنوب) معادل ۲۷۴ میلی‌متر است که مربوط به میانگین زمان استقرار ۳۰۰ ساله است. آفریقا و آسیا دارای کمترین سرانه آب شیرین تجدیدپذیر هستند.

نمودارهای شماره ۱ تا ۳، آمار جهانی مربوط به آب‌شیرین در قاره‌های مختلف جهان را نشان می‌دهند.

14- Solar-Powered Irrigation Systems (SPIS)

15- Ritchie and Roser (2017)

تاریخچه‌ای کوتاه درباره بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی



بهره‌برداری و کاربرد منابع آب زیرزمینی برای رفع نیازهای انسانی به گذشته‌های بسیار دور بازمی‌گردد. تا مدت‌های دراز، این بهره‌برداری منحصر به برداشت از چشمه‌ها و چاه‌های کم‌عمق بود و برای این برداشت از انرژی عضلانی انسان یا حیوان استفاده می‌شد. با گذشت زمان، فناوری‌هایی ابداع شد که در آنها از این انرژی عضلانی به شکلی کارآمدتر استفاده می‌شد، مانند "شَدوف"^(۱۶) که جد اولیه پمپ دستی به شمار می‌آمد؛ "ساکیه" که با انرژی حیوانی کار می‌کرد و در واقع چرخ اصلاح‌شده ایرانی بود؛ و "آرهور"^(۱۷)

(مارگات و اندرگان، ۲۰۱۳ / یانوپولوس و همکاران، ۲۰۱۵).

این فنون به توسعه طرح‌های آبیاری کوچک‌مقیاس بر پایه منابع زیرزمینی، کمک کرد اما در دوره‌های اولیه توسعه، میزان بهره‌برداری از منابع زیرزمینی در سطح پایینی قرار داشت.

پیشرفت اساسی در این زمینه هم‌زمان با ابداع و پیدایش قنات در ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد صورت گرفت. قنات تونلی است که آب سفره کم‌عمق را تحت تأثیر نیروی ثقل و بدون نیاز به استفاده از انرژی از جای دیگر، به سطح زمین می‌آورد. باور عموم بر این است که خاستگاه قنات از شمال غرب ایران بوده و از اینجا به خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب اروپا گسترش یافته؛ در عین حال در آسیای مرکزی، شرق چین و آمریکای جنوبی نیز قنات‌هایی یافت می‌شود (انگلیش ۱۹۶۸؛ مصطفائی‌پور، ۲۰۱۰). این قنات‌ها نقش بزرگی در توسعه آبیاری و سکونت‌گاه‌ها در مناطق خشک داشته‌اند و هنوز هم در برخی کشورها این نقش خود را حفظ کرده‌اند. "آسیاب بادی"^(۱۸) (یا به عبارت صحیح‌تر آس باد) از دیگر ابزارهای باستانی برای تأمین انرژی و بالا آوردن آب بوده است. این وسیله پیش از این که به‌عنوان ابزاری برای بالا آوردن آب به سطح زمین به کار گرفته شود، ناشناخته بوده؛ احتمالاً، از قرون وسطی و یا قدیمی‌تر از آن. هنوز هم برای تأمین آب آشامیدن حیوانات و آبیاری اراضی در مقیاس کوچک، مورد استفاده قرار می‌گیرد. (یانوپولوس و همکاران، ۲۰۱۵؛ گلیمزما، ۲۰۰۳)

اگرچه در کشور چین از حدود ۱۰۰۰ سال پیش، از روش حفاری ضربه‌ای برای اکتشاف آب‌های شور و عمیق (برای استخراج نمک آن-مترجم) استفاده می‌شده است (یانوپولوس و همکاران، ۲۰۱۵؛ گلیمزما، ۲۰۰۳) اما حفر چاه تا دوره‌های اخیر، محدود به روش‌های رایج برای ایجاد چاه آب کم‌عمق بود. توسعه و تکامل روش‌های حفاری که از اوایل قرن نوزدهم آغاز گردید منجر به تحول اساسی در این زمینه شد هرچند سالیان زیادی طول کشید تا این روش‌ها به‌خوبی تکامل و در کل دنیا گسترده شود. این مرحله، مسیر را برای اکتشاف

و بهره‌برداری از آبخوان‌های عمیق‌تر فراهم کرد و همچنین به اکتشاف سفره‌های آرتزین برای حفر چاه‌های فورانی کمک نمود. از اوایل قرن بیستم، پیدایش پمپ‌های با نیروی محرکه قوی و ظرفیت بالا که قادر به پمپاژ آب از عمق‌های زیاد بود، منجر به افزایش بی‌سابقه بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی گردید که در پاسخ به تقاضای فزاینده آب بود. در نتیجه طی قرن بیستم، برداشت از منابع زیرزمینی شتاب زیاد و بی‌سابقه‌ای پیدا کرد که از دهه‌های اولیه آن از آمریکا، مکزیک و چندین کشور اروپایی شروع شد و در بقیه کشورها، در بیشتر آنها از اواسط تا اواخر این قرن، آغاز گردید.

جمع کل جهانی بهره‌برداری از منابع زیرزمینی طی سال ۲۰۱۷ حدود ۹۵۹ میلیارد مترمکعب (به مقدمه مراجعه شود) بوده که از آن ۶۸ درصد مربوط به ۹ کشور است. با فرض این که بقیه کشورهای جهان نیز همان الگوی متوسط افزایش را طی کرده باشند، برآورد می‌شود که جمع برداشت از منابع آب زیرزمینی جهان در سال ۱۹۵۰ تنها ۱۵۸ کیلومتر مکعب در سال بوده و رشد آن در سال‌های بعدی بر پایه میانگین درصد‌های زیر صورت گرفته باشد:

جدول شماره ۱: درصد رشد برداشت از منابع آب زیرزمینی جهان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۷

بازه زمانی	میزان برداشت (درصد)
۱۹۵۰ - ۱۹۶۰	+۳/۷
۱۹۶۰ - ۱۹۷۰	+۴/۸
۱۹۷۰ - ۱۹۸۰	+۳/۹
۱۹۸۰ - ۱۹۹۰	+۳/۴
۱۹۹۰ - ۲۰۰۰	+۱/۸
۲۰۰۰ - ۲۰۱۰	+۰/۸
۲۰۱۰ - ۲۰۱۷	-۰/۲

- 16- shaduf
- 17- arhor
- 18- Windmill



فراوانی و گستردگی آب زیرزمینی، این منبع بالارزش نسبت به استفاده بیش از حد و آلودگی‌ها، آسیب‌پذیر است که هر دو می‌توانند اثرات مخربی بر این منبع و امکان بهره‌برداری از آن بگذارند.

روشن ساختن ظرفیت کامل آب زیرزمینی، نیازمند تلاش زیاد و همه‌جانبه برای مدیریت و کاربرد پایدار آن است که تمام ماجرا از این نقطه آغاز می‌شود: آنچه نهان است، آشکار کنیم. ♦

سهم آب زیرزمینی در برداشت آب شیرین در جهان از ۱۲ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است. مشاهده می‌شود که میزان برداشت در ایالات متحده، عمده کشورهای اروپایی و چین تثبیت شده است.

کلام آخر

ذخایر زیرزمینی کره زمین منبع بزرگی از آب شیرین را در خود جای داده‌اند. در جهانی که نیاز به آب در آن رو به افزایش و منابع سطحی اغلب کمیاب و تحت فشار قرار دارند، ارزش آب زیرزمینی به‌عنوان منبعی که به بشر امکان بهره‌برداری از آن برای هزاران سال را داده است، هر چه بیشتر مورد توجه همگان قرار می‌گیرد*. اما علیرغم

* ذخایر آب زیر زمینی-ذخیره استاتیک- چه ارزشی برای بشر دارد؟ زیرا که قابل بهره‌برداری نیست بلکه آنچه مهم است میزان تغذیه سالانه سفره‌هاست که دست‌کم در ایران تفاوت معنی‌داری با منابع سطحی ندارد. آیا واقعاً بشر از هزاران سال پیش تا حال، بیشتر از منابع سطحی استفاده کرده و یا از منابع زیرزمینی؟ به نظر نگارنده تمدن‌ها از هزاران سال پیش، عموماً پیرامون منابع سطحی شکل گرفته و نه منابع زیرزمینی. آینده‌ای هم برای منابع زیرزمینی متصور نیست. مگر اینکه به این نتیجه برسیم که منشأ دبی پایه بسیاری از رودخانه‌ها نیز آب زیرزمینی است. (مترجم)



سد و تونل و طرح استاندارد



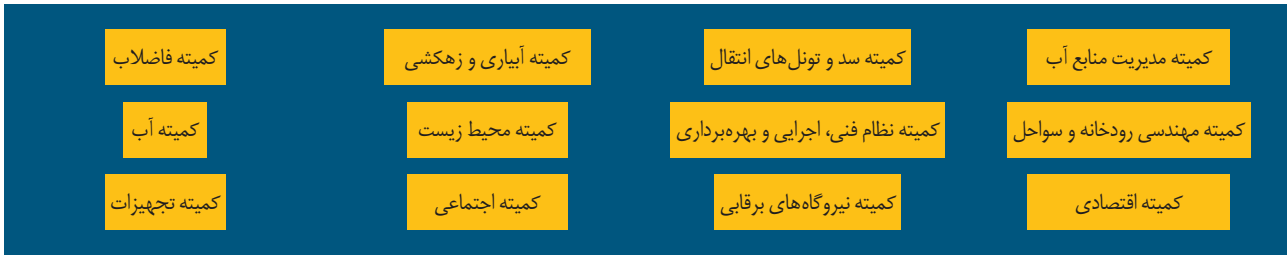
مهندس نجمه فولادی
 دبیر کمیته تخصصی سد و
 تونل‌های انتقال طرح تهیه
 ضوابط و معیارهای فنی
 صنعت آب کشور

دکتر محمدرضا عسکری
 رئیس کمیته تخصصی سد و
 تونل‌های انتقال طرح تهیه
 ضوابط و معیارهای فنی صنعت
 آب کشور

اشاره

«طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور» که فعالیت خود را از سال ۱۳۶۱ پس از مبادله نخستین موافقت‌نامه طرح با سازمان برنامه و بودجه کشور آغاز نموده از جایگاه ویژه‌ای در روند ایجاد ضوابط و معیارهای فنی با هدف نظام‌مند نمودن و افزایش بهره‌وری طرح‌های تأمین و انتقال آب کشور برخوردار است که تا کنون تلاش نموده با تدوین حدود ۳۰۸ عنوان استاندارد دارای ابلاغ رسمی از سازمان برنامه بودجه/سازمان ملی استاندارد، ۱۵۰ نشریه داخلی و ۳۳ کتاب، سهم خود را در بهینه نمودن فعالیت‌های بخش آب و آبفا و افزایش بهره‌وری جامعه ایفا کند. بر اساس ساختار تشکیلاتی این طرح، فرایند نیازسنجی، تهیه، تدوین، بازنگری و آموزش استانداردها و ضوابط فنی در قالب فعالیت ۱۲ کمیته تخصصی که در بخش‌های مختلف مورد نیاز صنعت آب و آبفا و با ترکیب نمایندگانی از شرکت‌های مادر تخصصی، دانشگاه‌ها، جامعه مهندسان مشاور ایران، سندیکای پیمانکاران ساختمانی/انجمن صنفی شرکت‌های آب و فاضلاب، سازمان برنامه و بودجه کشور و سایر دستگاه‌های ذیربط و خبرگان این صنعت تشکیل شده‌اند، انجام می‌شود.

شمای کلی و عناوین کمیته‌های تخصصی طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور



تهیه ضوابط و معیارهای فنی مورد نیاز صنعت آب کشور به شرح زیر است:

- ابلاغ ۴۵ ضابطه از طریق سازمان برنامه و بودجه کشور.
- تدوین ۲۲ عنوان نشریه از طریق طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور.
- انتشار ۱۸ عنوان کتاب از طریق طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور.

همچنین، علاقه‌مندان برای دریافت اطلاعات تکمیلی می‌توانند به وب سایت طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور به نشانی: waterstandard.wrm.ir مراجعه کنند.

از آنجا که استانداردهای هر کشور بر مبنای مجموعه‌ای از نظریه‌های علمی و در تطابق با نیازها و امکانات خاص همان کشور تهیه می‌شوند، کمیته تخصصی سد و تونل‌های انتقال طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور با بهره‌گیری از خبرگان بخش‌های مختلف صنعت آب، در ۵ محور اصلی شامل: «مطالعه و طراحی»، «اجرا»، «بهره‌برداری و نگهداری تأسیسات تامین و انتقال آب»، «مقررات فنی و حقوقی سد» و «پدافند غیرعامل» نسبت به نیازسنجی و تهیه ضوابط مورد نیاز صنعت آب اقدام نموده‌است.

عملکرد کمیته تخصصی سد و تونل‌های انتقال

مهم‌ترین اقدامات کمیته تخصصی سد و تونل‌های انتقال در زمینه

فهرست برخی استانداردها و پیش‌نویس‌های تهیه شده در راستای محورهای تخصصی کمیته

ردیف	محورهای اصلی	تعداد	عناوین مربوط به محورهای اصلی	عناوین برخی از ضوابط، نشریات، کتاب‌های تهیه شده/ در دست اقدام
۱	مطالعه و طراحی	۹۶	۱. مدیریت مخزن (گنجایش مخزن، منحنی-های فرمان بهره‌برداری) ۲. ژئوتکنیک (زمین شناسی مهندسی، مکانیک سنگ، مکانیک خاک، لرزه خیزی، ژئوفیزیک، هیدروژئولوژی) ۳. هیدرولیک (سامانه‌های آبیگری، سامانه‌های انتقال، سامانه‌های تخلیه) ۴. سازه (سد، سازه‌های وابسته، سازه‌های زیرزمینی) ۵. تجهیزات (هیدرومکانیک، هیدروالکترونیک، مکانیکی، انتقال نیرو، برقی و کنترل) ۶. ایمنی و رفتارسنجی (تجهیزات رفتارنگاری و رفتارسنجی و مانیتورینگ)	<ul style="list-style-type: none"> ■ ضوابط انتخاب سیلاب طراحی سدهای بزرگ ایران (بازنگری اول) ■ شرح کلی خدمات مرحله توجیهی اولیه سدسازی ■ راهنمای طراحی سدهای خاکی و سنگریزه‌ای ■ راهنمای طراحی سدهای وزنی بتن غلتکی ■ راهنمای طراحی دیوارهای حائل ■ راهنمای طراحی، ساخت و بهره‌برداری از سدهای پسماند ■ راهنمای طراحی و بهره‌برداری تخلیه کننده عمقی مخازن سدها ■ راهنمای طراحی سازه‌ای تونل‌های آب بر ■ ضوابط طراحی سازه‌ای بندهای انحراف ■ ضوابط عمومی طراحی سازه‌های آبی بتنی ■ ضوابط طراحی سازه‌ای مجاری آب بر زیرزمینی بتنی ■ فهرست خدمات مرحله شناسایی سدسازی ■ راهنمای مطالعات رسوبگذاری و رسوبدایی مخازن سدها ■ راهنمای طراحی شبکه‌های لرزه‌نگاری و شتاب‌نگاری سدها ■ فهرست خدمات مرحله توجیهی سدسازی ■ فهرست خدمات مطالعات مرحله طراحی - تفصیلی سدسازی ■ فهرست خدمات مطالعات ژئوتکنیک و خطر زمین لرزه (مرحله شناسایی) ■ فهرست خدمات مطالعات ژئوتکنیک و برآورد خطر زمین لرزه (مرحله توجیهی) ■ فهرست خدمات مطالعات ژئوتکنیک و برآورد خطر زمین لرزه و زلزله شناسی مهندسی (مرحله طراحی تفصیلی) ■ راهنمای مطالعات پایه زمین شناسی مهندسی در پروژه‌های مهندسی آب ■ فهرست جزییات مطالعات زمین شناسی مهندسی مرحله‌های شناسایی و توجیهی در طرح‌های سازه‌های آبی (سدسازی) ■ راهنمای مطالعات بهره‌برداری از مخازن سدها مراحل (شناسایی-توجیهی - طراحی تفصیلی)

فهرست برخی استانداردها و پیش نویس های تهیه شده در راستای محورهای تخصصی کمیته (ادامه)

ردیف	محورهای اصلی	تعداد	عناوین مربوط به محورهای اصلی	عناوین برخی از ضوابط، نشریات، کتاب های تهیه شده/ در دست اقدام
۲	اجرا	۷	۱.دستگاه نظارت ۲.بازرسی فنی ۳.مهندسی ارزش ۴.تجهیز ۵.تدارکات و پشتیبانی ۶.ماشین آلات ۷.آزمایشگاه و کنترل کیفیت ۸.دفتر فنی ۹.ایمنی و بهداشت محیط کار ۱۰.حفاظت محیط زیست	<ul style="list-style-type: none"> ■ فهرست خدمات مهندسی مرحله ساخت سدها ■ راهنمای اجرای تونل انتقال آب ■ دستورالعمل حفاظت و ایمنی در کارگاه های سدسازی ■ فهرست خدمات مهندسی ژئوتکنیک (مرحله اجرا).
۳	بهره برداری و نگهداری	۹	۱.بهره برداری ۲.نگهداری و تعمیرات ۳.ایمنی سد ۴.مهندسی دوباره	<ul style="list-style-type: none"> ■ راهنمای بهره برداری و نگهداری نیروگاه های آبی سدهای بزرگ ■ راهنمای بهره برداری هیدرولیکی از مخزن سدهای بزرگ ■ فهرست خدمات مرحله بهره برداری و نگهداری سدها ■ راهنمای مدیریت بهره برداری و نگهداری از تاسیسات و تجهیزات هیدرومکانیکی سد و تاسیسات وابسته ■ فهرست خدمات مرحله بهره برداری، نگهداری سدها (بازنگری اول) ■ فهرست خدمات مطالعات ژئوتکنیک (مرحله بهره برداری و نگهداری)
۴	مقررات فنی و حقوقی سد	۱	۱.ریسک سد ۲.شکست سد ۳.سیاست گذاری سد ۴.مقررات سد ۵.ترک و رهاسازی	<ul style="list-style-type: none"> ■ مستندسازی تجارب بین المللی در خصوص ترک، رهاسازی و جمع آوری سدهای مخزنی
۵	پدافند غیرعامل	۱		

فرایند نیازسنجی و اولویت های کمیته تخصصی سد و تونل های انتقال

با توجه به وظایف تعیین شده برای کمیته های تخصصی طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور، بر اساس فرایند نیازسنجی که از شرکت های زیرمجموعه و مراکز ذیصلاح به عمل می آید، عناوین استانداردها مشخص می شوند. سپس، گزارش شناخت اولیه و رئوس کلی شرح خدمات عناوین استانداردها برای بررسی به کمیته فنی استانداردهای آب و آبفا ارسال و در صورت اخذ مجوز برای انتخاب گروه تدوین کننده ذیصلاح اقدام خواهد شد. پس از تهیه پیش نویس اولیه استانداردهای مربوطه، کمیته های تخصصی با نظرخواهی عام از اشخاص حقیقی و حقوقی، پیش نویس نهایی استاندارد را به دفتر توسعه

نظام های فنی، بهره برداری و دیسپاچینگ برقابی ارائه و در صورت تأیید نهایی، برای ابلاغ به مرجع ذیصلاح (سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان ملی استاندارد و ...) ارسال می نمایند. در این راستا، کمیته سد و تونل های انتقال بر اساس محورهای اصلی یادشده و برنامه های مصوب طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور، ۹ موضوع در دست تدوین / اقدام به شرح زیر دارد:

۱. ضوابط انتخاب سیلاب طراحی سدهای بزرگ ایران (بازنگری اول)
۲. دستورالعمل نصب و راه اندازی ابزار دقیق در سدهای خاکی و بتنی
۳. راهنمای اجرای تونل های انتقال آب
۴. فهرست خدمات مرحله توجیهی نهایی سدسازی





نشست هم‌اندیشی بازنگري ضوابط انتخاب سيلاب طراحي سدهای بزرگ کشور (شهریورماه ۱۳۹۸)

رضوی، همدان، هرمزگان، ایلام، آذربایجان شرقی، قزوین، اردبیل، بوشهر، لرستان، سیستان و بلوچستان، سمنان، خوزستان، مرکزی، گیلان و کرمان می‌باشند. مجموع کاهش هزینه اجرای سرریز برای ۳۶ طرح یاد شده در سال ۱۳۹۵ حدوداً مبلغ ۱۲۷ میلیارد تومان است. میزان کاهش هزینه‌های ایجاد شده در طرح‌های نامبرده فوق با توجه به شاخص سدسازی سه ماهه دوم سال ۱۴۰۰ به روز گردید که حدوداً مبلغ ۷۲۷ میلیارد تومان است و به طور قطع به کارگیری این ضوابط و ابلاغ نسخه بازنگري آن در کل سدهای ایران صرفه‌جویی بسیار بزرگتری را به دنبال خواهد داشت.

انتظارات از جامعه مهندسان مشاور

در راستای طرح آمایش سرزمین، ضرورت جامع‌نگری و داشتن برنامه‌راهبردی مرتبط با طرح‌های تأمین و انتقال آب، بیش از پیش احساس می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به نقش کلیدی استانداردها در ارتقای کیفیت خدمات مهندسی، مشارکت و بهره‌مندی از ظرفیت جامعه مهندسان مشاور و خبرگان صنعت در کلیه سطوح کاری و مدیریتی اثربخشی مستقیم خواهد داشت. از آنجایی که جامعه مهندسی کشور از تجربیات ویژه‌ای در صنعت آب به ویژه طرح‌ها و تأسیسات تأمین و انتقال آب برخوردار است، امید است با ارائه مشاوره به نظام نظارت و هدایت تهیه‌کنندگان ضوابط و استانداردها، موجب ارتقای کیفیت محتوای ضوابط گردند. همچنین، با توجه به این که یکی از اهداف اصلی و سیاست‌گذاری‌های مهم طرح تهیه ضوابط و معیارهای فنی صنعت آب کشور الزام استفاده از این ضوابط توسط بخش‌های مربوطه است، انتظار می‌رود ضمن همکاری و مساعدت تمامی دست‌اندرکاران و متخصصان امور آب کشور با ارائه راهکارهای مناسب و تدابیر لازم به منظور نهادینه نمودن فرهنگ استفاده از ضوابط مورد اشاره از طریق اجرای برنامه‌های آموزش و ترویج در قالب برگزاری دوره‌های آموزشی، نشست و کارگاه‌های تخصصی بتوان گام مؤثری در حل معضلات و کاستی‌های موجود برداشت.

۵. راهنمای مطالعات شکست سدها

۶. راهنمای مطالعات بهره‌برداری از مخازن سدها (بازنگری اول)

۷. راهنمای مطالعات افزایش ارتفاع سدهای در دست بهره‌برداری

۸. راهنمای مطالعات حفاظت عمومی سد و تأسیسات وابسته

۹. راهنمای بازرسی سدهای بزرگ (بازنگری اول)

یکی از ضوابط شاخص کمیته سد و تونل‌های انتقال، تدوین و بازنگري «ضوابط انتخاب سیلاب طراحی سدهای بزرگ ایران» است. پیش‌نویس اولیه ضوابط مذکور در وزارت نیرو طی ابلاغیه شماره ۹۳/۱۳۶۴۱/۳۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۳ از سوی وزیر وقت جهت اجرا به کلیه شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط ارسال گردید. بر مبنای بند چهارم این ابلاغیه در خصوص تجدیدنظر و انجام اصلاحات لازم، دفتر استانداردها و طرح‌های آب و آبفا، تهیه و تدوین بازنگري اول را در انقضای زمان ابلاغیه، از اواسط سال ۱۳۹۸ در دستور کار خود قرار داد. برای این منظور ضمن نظرخواهی گسترده از شرکت‌های مهندس مشاور، کارفرمایان، دانشگاهیان و به طور کلی خبرگان بخش آب درباره تجربیات حاصل از به کارگیری ضوابط مذکور و طبقه‌بندی آنها، نسبت به سازمان‌دهی کارگروه بازمینی ضوابط در اواسط سال ۱۳۹۸ اقدام نمود.

تأثیر اجرای ضوابط انتخاب سیلاب طراحی سدهای بزرگ ایران بر وضعیت طرح‌های اجرایی و مطالعاتی سدسازی تا سال ۱۳۹۵ (۲ سال پس از ابلاغ نسخه سال ۱۳۹۳)

پس از ابلاغ ضوابط انتخاب سیلاب طراحی سدهای بزرگ ایران در سال ۱۳۹۳ و به منظور ارزیابی میزان اثرگذاری آن در کاهش هزینه‌ها، از مجموع شرکت‌های آب منطقه‌ای، توسعه و منابع آب و خاک سیستان، توسعه منابع آب و نیروی ایران و سازمان آب و برق خوزستان، ۲۵ شرکت در بازه زمانی اسفندماه ۱۳۹۳ تا دی ماه ۱۳۹۵ به نامه‌های ارسالی در خصوص تأثیر اعمال ضوابط مذکور پاسخ داده‌اند. در این راستا، ۳۶ طرح شامل کاهش هزینه بروز شده هستند که مربوط به شرکت‌های آب منطقه‌ای آذربایجان غربی، زنجان، خراسان



عقب ماندن ایران

در بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز



مهندس رضا پدیدار

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران

اشاره

ایران از لحاظ جغرافیایی و برخورداری از منابع غنی هیدروکربوری در حوزه خلیج فارس و نیز کشورهای همسایه خود در غرب کشور، جایگاه و موقعیت خاص و ویژه‌ای دارد. کشور ما در شمار زیادی از ذخایر بزرگ نفت و گاز منطقه با کشورهایی مانند عراق، امارات متحده عربی، قطر و عمان مرز مشترک دارد که این ویژگی می‌تواند بهره‌مندی و انتفاع اقتصادی ارزشمندی را برای کشور فراهم سازد.

موقعیت ایران در حوزه‌های نفتی و گازی مشترک

به خوبی می‌دانیم که امروزه توانایی در تأمین انرژی مورد نیاز، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های برقراری امنیت ملی هر کشوری به شمار می‌رود. ایران با در اختیار داشتن دست کم ۲۸ میدان مشترک شامل: ۱۸ میدان نفتی، ۴ میدان گازی و نیز ۶ میدان نفت و گاز با کشورهای همسایه، یکی از معدود کشورهای جهان با این تعداد ساختار مشترک است. از این ۲۸ میدان، ایران با عراق ۱۳ حوزه مشترک، با امارات ۷ مخزن مشترک، با قطر و عمان هر کدام ۳ مخزن مشترک و با کویت و ترکمنستان هر کدام یک مخزن مشترک





دارد. شوربختانه در سال‌های اخیر و به دلیل وجود برخی مشکلات، ایران نسبت به سایر رقبای خود در بهره‌برداری از این میادین مشترک عقب افتاده است. در این زمینه می‌توان عواملی مانند عدم سرمایه‌گذاری کافی، سرعت کند توسعه، بالا بودن هزینه‌های توسعه، ضعف کیفیت پروژه‌ها، مشکلات نگهداشت تولید و افت شدید تولید میادین مشترک، عملاً توسعه میدان‌های مشترک در ایران با مشکلاتی رو به رو بوده است که منجر به عقب ماندن ایران از این رقبا در بهره‌برداری از ذخایر مشترک شده است.

و نیز ضعف مدیریت پروژه‌ها می‌شود.

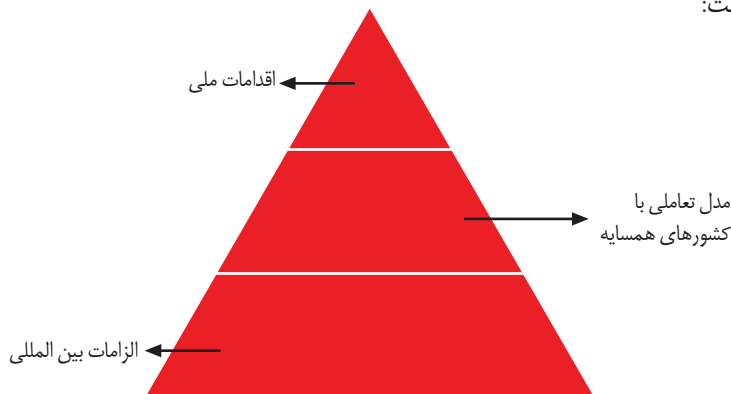
ارائه چند پیشنهاد بر اساس برخی شاخص‌های کلیدی

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در این اندیشکده و با توجه به چند شاخص کلیدی مانند اصل محدودیت سرمایه در اقتصاد، شرایط برداشت طرف مقابل، پتانسیل مهاجرت سیال در میادین مختلف و میزان حجم هر یک از میادین مشترک، اولویت‌های توسعه میادین مشترک به شرح زیر پیشنهاد شده‌اند:

- ۱- توسعه و تکمیل فازهای مرزی میدان گازی پارس جنوبی به ویژه فاز ۱۱.
- ۲- میادین گازی فرزاد A و فرزاد B که قبلاً اقداماتی در آنها انجام شده است.
- ۳- میدان نفتی فروزان به عنوان یک میدان بالقوه و با قابلیت بالا.
- ۴- لایه نفتی پارس جنوبی با اولویت ناحیه A۱ که قبلاً اقداماتی در آن انجام شده است.
- ۵- میدان آزادگان در بخش‌های شمالی و جنوبی که اهمیت آن در خور توجه است.
- ۶- میدان یادآوران که همواره در اولویت بهره‌برداری بوده است.
- ۷- میدان یاران به ویژه در بخش‌های شمالی و جنوبی آن.
- ۸- میدان نفتی و گازی آرش که ضرورت تداوم سرمایه‌گذاری در آن الزامی است.
- ۹- میدان نفتی و گازی هنگام در فرایند توسعه‌ای آن که مصوب نیز شده است.
- ۱۰- میادین آذر و چنگوله با توجه به فعالیت‌های صورت گرفته در آنها.

الزامات تحقق توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی مشترک

درباره الزامات تحقق فعالیت‌های توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک باید گفت که فعالیت‌های توسعه و بهره‌برداری از یک میدان مشترک، شامل ۳ ضلع فرایندی زیر است:



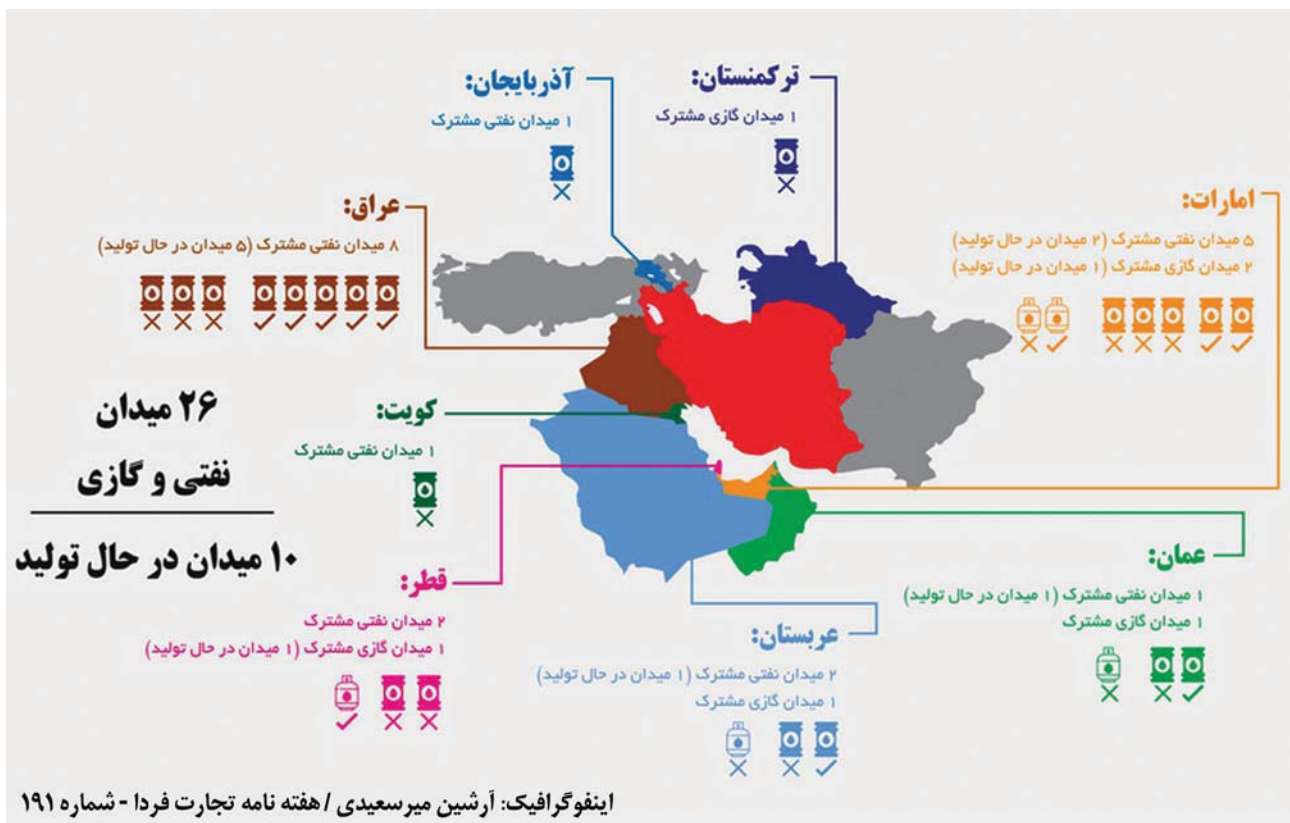
مثلت فرایندی توسعه در مناطق مشترک نفت و گاز

به خوبی می‌دانیم که مخزن گازی پارس جنوبی که با کشور قطر مشترک است، از بزرگترین و مهم‌ترین مخازن اشتراکی ایران و جهان به شمار می‌رود. این میدان گاز مشترک در بخش قطری، ۱۱ سال زودتر از بخش ایرانی به بهره‌برداری رسید؛ بنابراین با توجه به شاخص‌های کلیدی میدان گازی پارس جنوبی، میادین گازی فرزاد A و فرزاد B در اولویت توسعه قرار دارند. گفتنی است که هم اکنون، امارات متحده عربی از میدان مشترک سلمان و عربستان از میدان مشترک فروزان، بیش از ۲ برابر ایران برداشت می‌کنند.

فقدان برنامه‌ریزی‌های لازم برای توسعه منابع انرژی

نبود برنامه‌ریزی‌های مناسب به منظور توسعه منابع انرژی، نه تنها روند صادرات را متوقف خواهد کرد، بلکه با توجه به رشد روز افزون مصرف داخلی انرژی، کشور در تأمین نیازهای داخلی نیز با مشکل جدی مواجه خواهد شد. بنابراین ضروری است با شناخت عوامل مؤثر بر این عقب‌ماندگی، راه‌حلی برای بهره‌برداری بیشتر از این منابع مشترک ارائه شود.

در مطالعات تطبیقی که "بهروز شیرمحمدی" در جامعه اندیشکده انرژی انجام داده، در بخش اولویت‌بندی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز آمده است: "توسعه میادین مشترک ایران در سال‌های اخیر همواره با مشکلاتی رو به رو بوده است، این مشکلات شامل مواردی مانند عدم سرمایه‌گذاری کافی، سرعت کند توسعه، بالا بودن هزینه‌های توسعه، ضعف کیفی پروژه‌ها، مشکلات نگهداشت تولید و افت شدید تولید میادین مشترک، نیازهای تکنولوژیک



آن توجه جدی معطوف گردد.

ب - مطالعه دقیق میدان نفتی مشترک
شناخت میادین مشترک نخستین گام وزارت نفت یا هر سازمان متولی این میادین است. مطالعات فنی و مهندسی مربوط به مخزن برای مشخص کردن نیاز یا عدم نیاز به همکاری با کشورهای همسایه و نیز تعیین سطح همکاری ضروری است.

پ - تهیه برنامه اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک

پس از انجام مطالعات فنی و مهندسی، ضرورت دارد که برنامه مورد نیاز مدیران مشترک برای فرایند اکتشاف، توسعه و نیز بهره‌برداری به طور کامل و جامع تهیه و به تأیید مدیریت عالی اکتشاف رسانده شود.

۲- تعامل با کشورهای همسایه برای انعقاد قراردادهای تحدید حدود
حرکت به سمت همکاری با کشورهای همسایه، پا به پای تحولات صنعت نفت در عرصه بین المللی شروع شد و به دنبال آن کشورهایی که این حرکت را آغاز کردند، در این مدت، قوانین و مقررات داخلی خود را همزمان با تغییر و بهبود قراردادهای تحدید

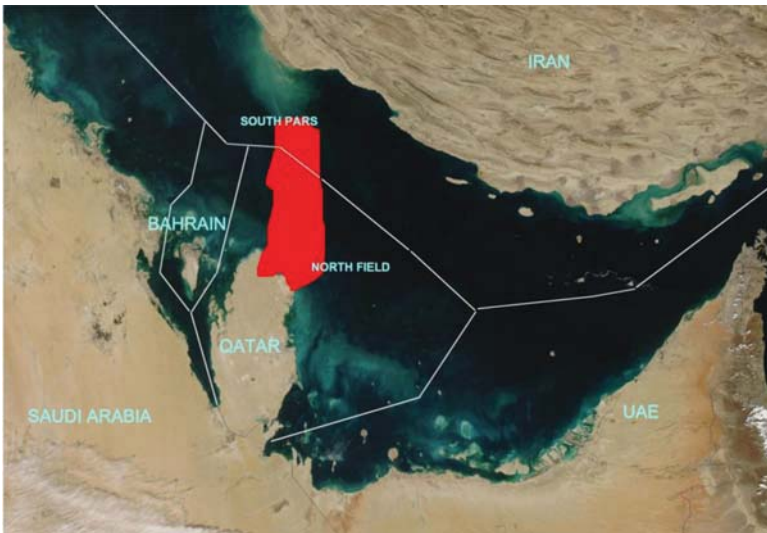
در مخزن گازی پارس جنوبی که با کشور قطر مشترک است، از بزرگترین و مهم ترین مخازن اشتراکی ایران و جهان به شمار می رود. این میدان گاز مشترک در بخش قطری، ۱۱ سال زودتر از بخش ایرانی به بهره‌برداری رسید؛ بنابراین با توجه به شاخص های کلیدی میدان گازی پارس جنوبی، میادین گازی فرزاد A و فرزاد B در اولویت توسعه قرار دارند. گفتنی است که هم اکنون، امارات متحده عربی از میدان مشترک سلمان و عربستان از میدان مشترک فروزان، بیش از ۲ برابر ایران برداشت می کنند.

در مورد مناطق مشترک نفت و گاز لازم است برای هر یک از فرایندهای یاد شده، خلاصه‌ای مطرح شده و مورد توجه مقامات و مسؤولان ذیربط در بخش‌های سیاست‌گذاری و اجرای مناطق مشترک نفت و گاز در کشور قرار گیرد:

۱- اقدامات ملی: نقطه شروع فعالیت‌های مربوط به اقدامات ملی، پس از فراهم نمودن و آماده‌سازی زمینه‌های داخلی، انجام مذاکره با کشورهای همسایه است. در این مذاکره عرف و استانداردهای بین‌المللی باید رعایت شود. به همین منظور پیشنهاد می‌شود که کارگروهی تخصصی تشکیل گردد و برای رسیدن به اهداف زیر برنامه‌ریزی کند:

الف - فراهم کردن زیر ساخت‌های حقوقی مورد نیاز

در این زمینه لازم است به وزارت نفت اختیار داده شود که درباره میادین مشترک همکاری و مشارکت کند و به دلیل این که تصمیم‌گیری درباره میادین مشترک تنها یک تصمیم‌گیری فنی-مهندسی نیست، باید به ابعاد سیاسی، حقوقی و نیز بین‌المللی



همسایه در صحنه بین‌المللی انجام می‌گیرد، باید عَرُف بین‌المللی رعایت و بر اساس معاهدات پذیرفته شده، مانند کنوانسیون زیست محیطی، عمل شود. در مرحله اول، در صورت همکاری نکردن کشور همسایه، باید از طریق مراجع قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی اعتراض نسبت به این عدم همکاری صورت پذیرد، زیرا این اعتراض‌ها در دعاوی حقوقی به نفع کشور اعتراض‌کننده خواهند بود. در مرحله بعدی، باید از ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل برای حفظ منافع ملی استفاده کرد. اگر چه نمی‌توان با استفاده از این ضمانت‌ها، کشور همسایه را به همکاری وادار کرد، اما برای حفظ منافع ملی در سطح بین‌المللی، چاره‌ای جز استفاده از این ابزار وجود ندارد و باید با به کارگیری دیپلماسی سنجیده اقتصادی و سیاسی این روند را ادامه داد.

سخن پایانی

به عنوان سخن پایانی و به‌طور کلی می‌توان گفت که به دلیل مشکلاتی مانند عدم سرمایه‌گذاری کافی، سرعت کند توسعه و ضعف تکنولوژیک، ایران نسبت به رقبای خود در استفاده از میادین مشترک نفت و گاز دچار عقب‌ماندگی‌هایی شده است. بر این اساس ضروری است که با شناخت موانع، اقداماتی جهت انتفاع ایران از این میادین مشترک صورت گیرد. در این صورت پس از بررسی وضعیت ایران در این شرایط، پیشنهاد می‌گردد که وزارت نفت، توسعه میادین مشترک را با اولویت دادن به میادین گازی از طریق شرکت‌های داخلی یا همکاری با شرکت‌های بین‌المللی خارجی در دستور کار خود قرار دهد و به‌سرعت آنها را به بهره‌برداری برساند. همچنین باید بازنگری‌هایی در قوانین تحدید حدود صورت گیرد و در صورت همکاری نکردن کشور همسایه، از طریق مراجع قضایی بین‌المللی مسائل دنبال شوند، زیرا این اعتراض‌ها در دعاوی حقوقی به نفع کشور اعتراض‌کننده است. امید است که موقعیت ایران در مناطق مشترک نفت و گازی دچار تحول بنیادین شود. ♦

حدود، تغییر دادند و در صورت نیاز آن را اصلاح کردند. اما در ایران، نه تنها این اتفاق نیفتاده، بلکه همکاری و هماهنگی با کشورهای همسایه در زمینه میادین نفتی و گازی مشترک، در قوانین و مقررات داخلی بازتابی نداشته و قراردادهای تحدید حدود نیز بدون کوچکترین تغییری ثابت مانده‌اند. اجرای اقدامات زیر در این وضعیت مناسب خواهد بود:

الف - مذاکره با کشورهای همسایه برای همکاری و مشارکت در میدان مشترک

اگر مطالعات فنی و مهندسی درباره میدان مشترک، همکاری با کشور همسایه را لازم و ضروری بدانند، باید با کشور همسایه مذاکره شود تا در این زمینه همکاری لازم را داشته باشد. البته ممکن است که کشور همسایه در این زمینه همکاری نکرده و درخواست مذاکره را رد کند، اما درخواست باید انجام گیرد، زیرا نتایج دعاوی حقوقی غالباً به نفع کشور درخواست‌کننده است.

ب - تشویق کشورهای همسایه به همکاری و مشارکت

پس از درخواست مذاکره برای همکاری، چنانچه کشور همسایه درخواست را نپذیرد، در مرحله اول باید به تشویق کشور همسایه برای همکاری اقدام شود.

پ - اقدام در مورد کشور همسایه در صورت بهره‌برداری یک‌جانبه از میدان مشترک

چنانچه کشور همسایه به رغم درخواست همکاری و اقدامات تشویقی ایران، به شکل یک‌جانبه از میدان مشترک بهره‌برداری کند، باید نسبت به این اقدام اعتراض کرد. اعتراض به این اقدام باید کتباً به کشور همسایه اعلام شود. اعتراض ایران در دعاوی حقوقی به نفع کشور خواهد بود.

الزامات بین‌المللی

با توجه به این‌که اقدامات ملی و تعامل با کشورهای



مقررات و ضوابط ملی و بین المللی مرتبط با بهره‌برداری از سامانه‌های آب شیرین کن

اشاره

پیش‌بینی می‌شود که با ادامه روند کنونی افزایش جمعیت جهان، شمار ساکنان کره ما از ۷/۷ میلیارد نفر جمعیت کنونی، در سال‌های دهه ۲۰۵۰ میلادی به ۱۰ میلیارد نفر برسد. این در حالی است که هم‌اکنون برای تولید هر لیتر آب آشامیدنی، حدود ۱/۵ لیتر آب آلوده به انواع آلاینده‌ها از جمله کلر و مس، به دریا ریخته می‌شود و آسیب‌های شدیدی به اکوسیستم جهانی وارد می‌آورد. از سوی دیگر، دور ریختن پسماندهای حاصل از عملکرد رآکتورهای هسته‌ای نیز معضلی است که باید برای آن روش‌های نوین و ایمن پیش‌بینی کرد زیرا تنها در این صورت می‌توان از آب اقیانوس‌ها برای تولید آب آشامیدنی استفاده نمود.

پیشگفتار

به دلیل بروز خشکسالی‌های منطقه‌ای و کمبود آب ناشی از تغییرات اقلیمی و نیز افزایش مصرف آب به خاطر افزایش جمعیت جهان، کشورهای دچار تنش آبی، ناگزیر به استفاده از آب‌های نامتعارف هستند. در این میان کشورهای دارای مرزهای آبی، بیشتر به سوی استفاده از آب‌های پایان‌ناپذیر

مهندس کامران کوهستانی / دکتر مهسا تشکر
مهندسان مشاور سامان آب سرزمین



مدیریت سیستم‌های آب شیرین کن به آن مراجعه کنند وضع نشده و ضوابط موجود همگی منطقه‌ای و ملی هستند. یکی از دلایل این موضوع به تفاوت بین کیفیت منابع آب و پساب تولیدی مربوط می‌شود. به علاوه اغلب دستورالعمل‌های تدوین شده، به طور کلی شامل پساب‌های صنعتی می‌شوند و مختص آب شیرین کن‌ها نیستند.

هدف از این مقاله، مروری بر اسناد بالادستی، برنامه‌ها و سیاست‌های کلان، قوانین و مقررات مصوب ملی، کنوانسیون‌ها و توافقات بین کشوری و قوانین و مقررات کشورهای پیشگام در صنعت آب شیرین کن خواهد بود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌توانند در تهیه ضوابط و معیارهای استقرار و بهره‌برداری از سامانه‌های آب شیرین کن در کشور مورد استناد قرار گیرند.

سیاست‌های کلان توسعه و قوانین مصوب ملی

از دیدگاه سیاست‌های کلان در ایران، قوانین بالادستی مستقیمی در مورد آب شیرین کن‌ها و به‌ویژه مباحث محیط زیستی مرتبط با آنها وجود ندارد. اما قوانینی که بر حفاظت از محیط زیست تأکید دارند را می‌توان به نوعی به سامانه‌های آب شیرین کن مرتبط دانست. این اصول بالادستی که به اختصار در جدول شماره (۱) آورده شده‌اند، از بالاترین قوانین کشوری که از یک منظر کلی وضع شده و سایر قوانین، برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها در سایه این اصول اجرا می‌شوند. سیاست کلی، راهکاری استراتژیک برای برنامه‌ریزی و اجرای قوانین، فراروی دستگاه‌های اجرایی قرار می‌دهد و تمامی الزامات آن، می‌تواند برای یک پروژه مرتبط لازم‌الاجرا باشد.

دریا به عنوان منبع تأمین آب گرایش یافته‌اند. اما دستیابی به منابع آب جدید، نیازمند رعایت اصول مشارکت با سایر زیست‌مندان و البته خود انسان، که از پایداری اکوسیستم‌ها نیز علاوه بر مصرف مستقیم آب بهره می‌برد، است. به عبارت دیگر، بهره‌برداری از منابع آب باید تابع اصول کلی پایداری محیط زیست باشد، به طوری که حداقل پیامدهای منفی را دربرداشته باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های کنترل و کاهش عوارض محیط زیستی منفی در استفاده از سامانه‌های آب شیرین کن، اعمال قوانین مناسب و قراردادهای ملی و بین‌المللی است. این قوانین فرایندهای آبیگری، تخلیه پساب، پیش تصفیه و تصفیه تکمیلی را مدیریت می‌کنند و محدودیت‌هایی در زمینه مکان‌یابی و اجرای این تأسیسات اعمال می‌نمایند. این قوانین بر اساس استانداردهای محیط زیستی تدوین می‌شوند و دربردارنده ضوابط و شرایط ملزم‌کننده‌ای هستند تا آسیب‌های احتمالی را در ۳ عرصه فیزیکی، بیولوژیکی و اجتماعی-اقتصادی به حداقل برسانند.

اگرچه توسعه اصلی فرایندهای نمک‌زدایی به دهه ۱۹۴۰ برمی‌گردد و با این که تنظیم و اجرای ضوابط در مباحث مربوط به شیرین‌سازی آب‌های نامتعارف ضرورت دارد، اما در قوانین بالادستی کشورها همواره تأمین آب محور اصلی تمرکز بوده و توجه کمتری به وضع قوانین در مورد آب شیرین کن‌ها صورت گرفته است. این در حالی است که در قوانین پایین‌دستی برخی کشورهای پیشرو، ملاحظات مربوط به مکان استقرار و نحوه بهره‌برداری از سامانه‌های آب شیرین کن به صورت استانداردها، دستورالعمل‌ها یا بخش‌نامه‌ها در دستور کار قرار داده شده است. تاکنون استاندارد بین‌المللی واحدی که تمام کشورها بتوانند برای

جدول شماره (۱): قوانین بالادستی کشور با تأکید بر حفاظت از محیط زیست

ردیف	عنوان	ماده و بند
۱	اصل ۵۰ قانون اساسی	در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.
۲	سیاست‌های کلی محیط زیست، ابلاغی مقام رهبری	بند ۴. پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت. بند ۵. پایش مستمر و کنترل منابع و عوامل آلاینده هوا، آب، خاک، آلودگی‌های صوتی، امواج و اشعه‌های مخرب و تغییرات نامساعد اقلیم و الزام به رعایت استانداردها و شاخص‌های زیست‌محیطی در قوانین و مقررات، برنامه‌های توسعه و آمایش سرزمین.
۳	سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری	«ایران در چشم‌انداز آتی، کشوری است دارای فناوری‌های نمک‌زدایی مبتنی بر مزیت‌های بومی، با قیمت تمام‌شده رقابت‌پذیر در سطح منطقه و کمترین تبعات محیط زیستی». دورنمای صنعت نمک‌زدایی تبیین شده توسط مؤسسه تحقیقات آب وزارت نیرو تا سال ۱۴۰۴ به صورت زیر است: ■ تأمین حداقل ۵ درصد نیاز آب شرب کل کشور با روش نمک‌زدایی

ادامه جدول شماره (۱): قوانین بالادستی کشور با تأکید بر حفاظت از محیط زیست

ردیف	عنوان	ماده و بند
		<ul style="list-style-type: none"> ■ دستیابی به ۲/۵ میلیون متر مکعب در روز آب نمک‌زدایی شده در بخش شرب و صنعت کشور (معادل ۱ درصد آب قابل برنامه‌ریزی) ■ رشد سهم نمک‌زدایی آب شرب تا ۴۰ درصد مجموع نمک‌زدایی در کشور ■ توسعه سرمایه‌گذاری خارجی تا ۵ درصد حجم آب نمک‌زدایی شده در بخش شرب ■ حفظ هزینه بهره‌برداری کمتر از ۱ دلار در هر مترمکعب آب تولیدی علی‌رغم آزادسازی قیمت‌های حامل انرژی
۴	قوانین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	<ul style="list-style-type: none"> ■ ماده (۶۳) قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) ■ ماده (۱۴۰)، (۱۸۴)، (۱۸۷)، (۱۹۲) قانون برنامه ۵ ساله پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) ■ ماده ۳۶ الف قانون برنامه ۵ ساله ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
۵	راهبردهای توسعه بلند مدت منابع آب کشور (مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۷ هیأت وزیران)	<ul style="list-style-type: none"> ■ ماده ۱- مدیریت ملی آب کشور باید بر اساس مدیریت توأمان عرضه و تقاضا، جامع‌نگری در کل چرخه آب و اصول توسعه پایدار و آمایش سرزمین در حوضه‌های آبریز کشور و مشترک، تقویت شده و به منظور تحقق مدیریت یکپارچه منابع آب هماهنگی‌های متقابل بین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی زیربنایی و خدماتی با بخش آب فراهم گردد. ■ ماده ۵- مدیریت فعالیت مصرف‌کنندگان مختلف آب، به گونه‌ای اعمال شود که ابتدا آلودگی‌های منابع آب ناشی از فعالیت‌های این بخش‌ها کنترل و سپس شاخص‌های کیفی آب به تدریج ارتقا یابد. برای تحقق این هدف رعایت استانداردهای ملی حفاظت کیفی منابع آب، توسط مصرف‌کنندگان برای پساب خروجی الزامی است.
۶	سیاست‌های کلی نظام در خصوص منابع آب (ابلاغ ۱۳۷۹/۱۱/۳)	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد نظام جامع مدیریت در کل چرخه آب بر اساس اصول توسعه پایدار و آمایش سرزمین در حوضه‌های آبریز کشور. - ارتقای بهره‌وری و توجه به ارزش اقتصادی و امنیتی و سیاسی آب در استحصال، عرضه، نگهداری و مصرف آن. - افزایش میزان استحصال آب و به حداقل رساندن ضایعات طبیعی و غیر طبیعی آب در کشور از هر طریق ممکن. - حفظ کیفیت آب و مقابله با خشکسالی و پیشگیری از سیلاب و بازچرخانی و استفاده از آب‌های غیرمعارف و ارتقای دانش و فنون و تقویت نقش مردم در استحصال و بهره‌برداری مهار آب‌هایی که از کشور خارج می‌شود و اولویت استفاده از منابع آب مشترک.

قوانین به طور مستقیم در پیوند با موضوع آب‌شیرین‌کن‌ها نیستند، اما از آنجا که می‌توانند در تدوین ضوابط این سامانه‌ها در کشور مورد استفاده قرار گیرند، در اینجا معرفی شده‌اند.

در جدول شماره (۲) به قوانین و مقررات مصوب ملی که از سوی دستگاه‌های دولتی ذیربط تدوین و توسط مراجع قانونی از جمله مجلس شورای اسلامی، هیأت وزیران، کمیسیون زیربنایی دولت و ... به تصویب رسیده‌اند، به اختصار اشاره شده است. طبیعی است همه این

جدول شماره (۲): قوانین و مقررات مصوب ملی مدون از سوی دستگاه‌های دولتی

ردیف	عنوان	سال تصویب / ابلاغ	ماده و بند
۱	قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست	مصوب ۱۳۵۲/۳/۲۸ و اصلاحیه ۱۳۷۱/۸/۲۴	این قانون، حفاظت، بهبود و بهسازی محیط‌زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و یا هر اقدام مخربی که موجب برهم‌خوردن تعادل و تناسب محیط‌زیست می‌شود و همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آب‌های داخلی را از وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست دانسته و اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط‌زیست را فراهم کند ممنوع اعلام می‌کند (ماده ۱، ۶، ۹، ۱۳).

ادامه جدول شماره (۲): قوانین و مقررات مصوب ملی مدون از سوی دستگاه‌های دولتی

ردیف	عنوان	سال تصویب / ابلاغ	ماده و بند
۲	قانون توزیع عادلانه آب	مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶	<ul style="list-style-type: none"> ■ فصل دوم ماده ۹ ■ فصل چهارم ماده ۲۹ ■ فصل پنجم ماده ۴۶
۳	آیین‌نامه بهداشت محیط	مصوب ۱۳۷۱/۴/۲۴	■ ماده ۴
۴	آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب	مصوب ۱۳۷۳/۲/۱۸	■ مواد ۲ تا ۱۴ و ۱۷ و ۲۲
۵	آیین‌نامه نحوه وصول عوارض، به تناسب شدت آلودگی از کلیه واحدهایی که فاضلاب آنها موجب آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌شود.	مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۲۸	■ ماده ۱- مجاز بودن دریافت عوارض توسط وزارت نیرو به تناسب شدت آلودگی از واحدهایی که فاضلاب آنها موجب آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌شود و این واحدها در مهلت تعیین شده توسط سازمان در مورد رفع آلودگی اقدام نموده‌اند.
۶	قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی	مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴	■ ماده ۱- منابع آبی آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران ثروت ملی کشور بوده، حفظ و حراست از آن از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مدیریت حفاظت و بهره‌برداری از این منابع در جهت تأمین منافع ملی کشور بر اساس این قانون و مقررات اجرایی آن اعمال می‌شود.
۷	دستورالعمل تخصیص و برداشت از آب دریا	مصوب ۱۳۹۸/۷/۱۸	کلیه بندها شامل محدوده اجرا، مسؤلیت‌ها، دستور انجام کار، ضوابط و شرایط
۸	مصوبه سازمان حفاظت محیط زیست در مورد ضوابط و معیارهای استقرار واحدهای صنعتی و تولیدی	مصوبه هیأت وزیران ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و پیوست‌های ضوابط و معیارهای استقرار و مصوبات قبلی سال‌های ۸۱ و ۸۰ و ...	<p>■ ماده ۲- دستگاه‌های صادرکننده جواز تأسیس واحدهای تولیدی و صنعتی مکلفند در زمان صدور مجوز احداث، توسعه، تغییر خط تولید، تغییر محل، اصلاح و صدور پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی، تولیدی و معدنی در داخل و خارج از شهرک‌ها و نواحی صنعتی، از اداره کل حفاظت محیط زیست استان استعلام نمایند و اداره کل موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ تکمیل پرونده توسط متقاضی، پاسخ را اعلام نمایند.</p> <p>طبق دستورالعمل رده ۷ ماده ۳ ضوابط و معیارهای استقرار صنایع، سامانه‌های آب شیرین‌کن به دلیل تولید پساب‌های حاوی مواد شیمیایی مشمول این مصوبه می‌باشند. واحدهای این رده برابر قوانین و مقررات مشمول انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی هستند.</p>
۹	مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست در خصوص تعیین طرح‌ها و پروژه‌های مشمول انجام مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی سازمان حفاظت محیط زیست شورای عالی حفاظت محیط زیست		در حال حاضر، سامانه‌های آب شیرین‌کن مشمول ارزیابی محیط زیستی قرار نمی‌گیرند و الزام قانونی برای دریافت مجوزهای مرتبط را ندارند.
۱۰	برنامه محیط زیست دریای خزر (کنوانسیون تهران)	مصوب ۱۹۹۸	<p>برنامه محیط زیست دریای خزر (CEP) به عنوان نمادی از خواست منطقه‌ای برای همکاری مشترک و پوینده در مقابله با مشکلات زیست‌محیطی خزر تأسیس گردید. هدف اصلی این برنامه، دستیابی به بهره‌وری اقتصادی درازمدت برای مردم منطقه و حفاظت از محیط زیست خزر است.</p> <p>مواد ۲ تا ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۶ و ۳۳ می‌توانند به سامانه‌های آب شیرین‌کن مرتبط باشند.</p>
۱۱	پیش‌نویس سند ملی توسعه فناوری‌های آب، خشکسالی، فرسایش و محیط زیست	تیر ماه ۱۳۹۷	در ماده ۶ این سند (راهبردها و اقدامات ملی)، به موارد زیادی در زمینه مدیریت جامع، تعادل بخشی، حکمرانی مدیرانه، مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب، تأمین فناوری‌های مورد نیاز بهینه‌سازی فناوری‌های مدیریت منابع و مصارف آب، بهره‌گیری از آب‌های غیرمتعارف و کاهش تبخیر اشاره شده که می‌توان آنها را در ارتباط با آب شیرین‌کن‌ها



ادامه جدول شماره (۲): قوانین و مقررات مصوب ملی مدون از سوی دستگاه‌های دولتی

ردیف	عنوان	سال تصویب / ابلاغ	ماده و بند
			توجیه نمود. در بند ۲-۹ همین ماده، مطلب زیر عنوان شده است: ۲-۹ توسعه فناوری‌های آب شیرین کن و بازیافت و بازچرخانی آب و استفاده از زه‌آب‌ها و پساب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی و آب‌های شور تا رسیدن به خودکفایی نسبی در کشور و مشارکت در بازار منطقه‌ای با تأکید بر تناسب فناوری‌ها با سلامت محیط زیست.

کنوانسیون‌ها

علاوه بر وجود قوانین و برنامه‌های داخلی، هر کشور متعهد به رعایت تعهدات بین‌المللی در زمینه بهره‌برداری از دریاهاست که در قالب کنوانسیون‌ها یا معاهده‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی مطرح و پس از پذیرش از سوی یک کشور و طی مراحل تصویب در محافل قانونی ذیربط، همانند یک قانون ملی در آن کشور لازم‌الاجرا می‌شوند. در کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر، کنوانسیون حقوق دریا، راپمی، کنوانسیون کویت، لندن، پروتکل حفاظت دریای مدیترانه و ... با تأکید بر کنترل آلودگی، تمامی کشورهای متعهد را موظف به حفظ محیط زیست دریایی می‌داند و از این رو می‌تواند اسنادی تعهدآور باشند و در صورت عدم رعایت از سوی یکی از کشورها، کشورهای ذینفع دیگر می‌توانند ادعای حقوق بین‌المللی را تقدیم مراجع ذیربط نمایند. حفظ محیط زیست شکننده دریایی از جمله ریف‌های مرجانی و اجتماعات گیاهی و جانوری ارزشمند، موضوع توجه این مجامع و معاهدات بین‌المللی است.

با توجه به این که سامانه‌های آب شیرین کن عمدتاً در مناطق ساحلی که در مجاورت آب‌های بین‌المللی قرار دارند، اجرا می‌شوند، لذا توجه به قوانین بین‌المللی آب‌های مشترک، در این زمینه الزامی است و علاوه بر قوانین ملی، باید از آنها نیز پیروی کرد.

با توجه به موضوع مورد بحث انتقال آب دریای خزر، مهم‌ترین کنوانسیون موجود برای این دریا که می‌تواند به سامانه‌های آب شیرین کن مرتبط باشد، «کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر (جمهوری آذربایجان، ایران، قزاقستان، فدراسیون روسیه و ترکمنستان)» با آگاهی از تخریب محیط زیست دریای خزر در اثر آلودگی ناشی از منابع مختلف فعالیت‌های انسانی از جمله تخلیه مواد مضر، خطرناک، مواد زائد و سایر آلودگی‌های ناشی از منابع دریایی و منابع مستقر در خشکی، با تصمیم راسخ در حفظ منابع زنده دریای خزر برای نسل‌های حاضر و آینده، با آگاهی به ضرورت تضمین عدم مضر بودن فعالیت‌های مستقر در خشکی برای محیط زیست دریای خزر، با توجه به خطرات ناشی



قوانین و دستورالعمل‌های جهانی

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بجز چند مورد انگشت‌شمار، قانون خاصی که به صراحت به موضوع آب‌شیرین‌کن‌ها و به‌ویژه اثرات محیط زیستی آنها در کشور بپردازد، وجود ندارد. تعدادی از کشورهای جهان به دلیل قرارگیری در مناطق خشک و دچار شدن به تنش آبی، از مدت‌ها پیش به ایجاد فرایندهای آب‌شیرین‌کن روی آورده‌اند و تجربیات موفق و ناموفقی داشته‌اند که می‌تواند برای کشور ما که در ابتدای راه استفاده گسترده از این فرایند است، و از جمله در طرح انتقال آب دریای خزر، مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

کشورهای ایالات متحده، استرالیا، اسپانیا و فلسطین اشغالی به دلیل حضور در مناطق درگیر با تنش آبی و بهره‌مندی از منابع بیکران آب‌های دریایی، بیش از سایر کشورها به بهره‌برداری از تأسیسات آب‌شیرین‌کن روی آورده‌اند و در این زمینه صاحب فناوری و دانش هستند. از آنجا که ضوابط زیست‌محیطی در این کشورها بسیار سخت‌گیرانه است، بنابراین ضوابط و قوانین خوبی مانند ضوابط مجوزها NPDES^(۱)، قانون تأسیسات نمک‌زدا و قوانین ایالتی تدوین شده است. برخی قوانین اصلی چند کشور صاحب تکنولوژی و پیشرفته در این زمینه عبارتند از:

● قانون آب پاک

The Clean Water Act

از نوسانات سطح آب که محیط زیست دریای خزر و ویژگی‌های اکولوژیکی و آب‌نگاری منحصر به فرد آن را تهدید می‌کند، با تأکید بر اهمیت حفاظت از محیط زیست دریای خزر و با تصدیق اهمیت همکاری میان دولت‌های ساحلی خزر با سازمان‌های بین‌المللی مربوطه، با هدف حفاظت و نگهداری محیط زیست دریایی دریای خزر کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریا یا کنوانسیون تهران را در تاریخ ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۸۲ امضا نمودند.

سایر کنوانسیون‌های مرتبط در جدول شماره (۳) به اختصار آورده شده است.

همچنین در بحث تدوین ضوابط باید به برخی از استانداردهای ملی و بین‌المللی موجود مرتبط با آب‌شیرین‌کن‌ها توجه کرد. از جمله این استانداردها عبارتند از:

- استاندارد دفع پساب سازمان حفاظت محیط زیست (مصوب ۱۳۸۳)
- استاندارد ملی کیفیت آب‌های محیطی و تخلیه فاضلاب به آب‌های دریای خزر
- ضوابط ناحیه تخلیه پساب
- استاندارد دمای پساب برگشتی (Bleninger and Jirka, 2010)
- استاندارد شوری پساب برگشتی (Bleninger and Jirka, 2010)

جدول شماره (۳): سایر کنوانسیون‌های مرتبط با مباحث شیرین‌سازی آب دریا

ردیف	عنوان	سال تصویب / ابلاغ	ماده و بند
۱	کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا	۱۳۶۱/۹/۱۹	<ul style="list-style-type: none"> ■ ماده ۱۴۵: حفاظت محیط زیست دریایی ■ ماده ۱۹۲: وظیفه عمومی از بخش حمایت و حفاظت محیط زیست ■ ماده ۱۹۳: حق حاکمیت کشورها برای بهره‌برداری از منابع طبیعی خود ■ ماده ۱۹۴: اقدامات برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا ■ ماده ۱۹۵: وظیفه عدم انتقال خسارت یا ضرر یا عدم تبدیل یک نوع آلودگی به آلودگی دیگر ■ ماده ۱۹۸: اعلام خسارت واقعی یا قریب‌الوقوع ■ ماده ۱۹۹: طرح‌های آمادگی در مقابل آلودگی ■ ماده ۲۰۰: مطالبات، برنامه‌های تحقیقاتی و تبادل اطلاعات و آمار ■ ماده ۲۰۱: معیارهای علمی برای مقررات ■ ماده ۲۰۴: نظارت بر خطرات یا آثار آلودگی از بخش نظارت و ارزیابی محیط زیستی ■ ماده ۲۰۶: ارزیابی آثار بالقوه فعالیت‌ها ■ ماده ۲۰۷: آلودگی از منابع واقع در خشکی ■ ماده ۲۰۹: آلودگی از فعالیت‌ها در ناحیه
۲	کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زاید و دیگر مواد (کنوانسیون لندن)	۱۳۷۵/۶/۲۵	<p>بر اساس این کنوانسیون، اعضا باید به صورت فردی و جمعی کنترل مؤثر همه منابع آلودگی محیط زیست دریایی را ترغیب کنند و به‌ویژه خود متعهد شوند تا به منظور جلوگیری از آلودگی دریاها، از طریق دفع مواد زاید و سایر موادی که برای سلامت بشر ایجاد خطر می‌کنند و منابع زیستی و حیات موجودات دریایی را مخاطره‌آمیز می‌نمایند و به امکانات رفاهی دریا آسیب می‌رسانند و یا با دیگر استفاده‌های قانونی از دریا تداخل پیدا می‌کنند، همه روش‌های عملی را به کار بندند.</p>

1- National Pollutant Discharge Elimination System (NPDES)

● قانون آب آشامیدنی سالم

The Safe Drinking Water Act

● قانون بازیافت و حفاظت منابع

The Resource Conservation and Recovery Act

● قانون

The Superfund Amendments and Reauthorization Act

● قانون گونه‌های در معرض خطر

The Endangered Species Act

● قانون تأسیسات نمک‌زدا

The Water Desalination Act

● قوانین مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت منابع آب کالیفرنیا

● قانون کیفیت محیط زیست کالیفرنیا

The California Environmental

آب اتحادیه اروپا

Water Framework directive

● برنامه استراتژی‌های مدیریت و مصرف آب

Actuaciones para la Gestio'ny la Utilizacio'n del Agua

RD 1327/1995 (BOE, 1995)

● قانون حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی استرالیا.

بر اساس قوانین بالادستی موجود، کشورهای صاحب فناوری به ارزیابی تأثیرات سامانه‌های آب شیرین کن در شرایط مختلف فیزیکی، شیمیایی و اقتصادی-اجتماعی پرداخته‌اند. بنابراین مقادیر و پارامترهایی را تعیین کرده‌اند که پیش از احداث و در زمان بهره‌برداری در شرایط مختلف باید مورد توجه قرار گیرند تا از عملکرد درست زیست‌محیطی سامانه نمک‌زدایی اطمینان حاصل شود. این ضوابط بر دیدگاه توسعه پایدار به عنوان زیربنای فعالیت‌های نمک‌زدایی و بهره‌برداری بدون آسیب رساندن به محیط زیست استوار است. بیشتر استانداردهای موجود را می‌توان به ۲ گروه اصلی طبقه‌بندی کرد: استانداردهای مربوط به محدودیت‌های تخلیه پساب (ES)^(۲) و استانداردهای مربوط به محیط پذیرنده (AS)^(۳). بر اساس تجربیات جهانی، مهم‌ترین پارامترهای مرتبط با بحث تدوین استانداردهای سامانه‌های آب شیرین کن عبارتند از شوری، دما، pH، اکسیژن محلول، کدورت، میزان مواد آلی محلول و آلاینده‌های شیمیایی و فلزی مانند مس، نیکل، کلر آزاد و غیره. استانداردهای زیست‌محیطی برای تعیین حدود آلاینده‌ها معمولاً توسط آزمایش‌های سمیت روی گستره‌ای حساس از گونه‌های گیاهی و جانوری در هر منطقه بر اساس اقلیم و خصوصیات پیکره آب خام

و غلظت‌های طبیعی موجود در آن تعیین می‌شود. اما شوری و دما ۲ پارامتر اصلی ایجاد تنش در محیط آبی هستند که به صورت فصلی و بر اساس انواع اکوسیستم‌ها و رژیم‌های اقلیمی در گستره وسیعی تغییر می‌کنند و بنابراین اهمیت ویژه‌ای دارند. برای سنجش هر یک از این پارامترها، روش‌های محاسباتی و آزمایشگاهی و مدلسازی‌های مختلفی پیشنهاد و تجربه شده است.

کلام پایانی

فرآیند نمک‌زدایی از آب دریا می‌تواند منبع بسیار قابل اعتمادی از آب شرب تهیه کند که از تغییرات هیدرولوژیکی، تغییرات آب و هوایی و اختلال در تأمین آب وارداتی مصون است. با این وجود نگرانی‌های زیادی در مورد تأثیرات تأسیسات آب شیرین کن بر محیط زیست به‌ویژه از لحاظ تخلیه شورابه داغ در دریا وجود دارد. به طور قطع نخستین و بهترین راه برای کنترل و مقابله با عوارض منفی زیست‌محیطی تأسیسات آب شیرین کن، وضع قوانین و آیین‌نامه‌های ملی و فراملی است. این قوانین آبیگری، تخلیه پساب و فرایندهای پیش تصفیه و پس از تصفیه را مدیریت می‌کنند و محدودیت‌هایی در زمینه مکان‌یابی و اجرای این تأسیسات اعمال می‌نمایند. این دستورالعمل‌ها بر اساس استانداردهای زیست‌محیطی تدوین می‌شوند و شرایطی را تعریف می‌کنند که نیاز به اخذ مجوزهایی را ضروری می‌نماید. ضوابط و آیین‌نامه‌های آب شیرین کن‌ها در سرتاسر جهان بسیار متنوع بوده و اغلب دارای جنبه‌های مبهم هستند. اگرچه توسعه اصلی صنعت نمک‌زدایی به دهه ۱۹۴۰ بازمی‌گردد، تاکنون هیچ استاندارد بین‌المللی واحدی که همه کشورهای دنیا بتوانند برای مدیریت سیستم‌های آب شیرین کن به آن مراجعه کنند وضع نشده است و ضوابط موجود همگی منطقه‌ای و ملی هستند.

استفاده از فرایندهای شیرین‌سازی در کشور ما به طور ویژه در سال‌های اخیر، در برنامه‌های اصلی قرار گرفته است و انتظار می‌رود در سال‌های پیش رو استفاده از این تأسیسات سرعت بیشتری گرفته و اثرات زیست‌محیطی متفاوتی بر جای بگذارند.

در قوانین بالادستی کشور ما بر جنبه حفاظت از محیط زیست تأکید زیادی شده است، اما به طور مشخص به ضوابط و معیارهای مکان‌یابی، استقرار، احداث و بهره‌برداری از آب شیرین کن‌ها پرداخته نشده است.

مروری بر قوانین و اصول حاکم بر صنایع شیرین‌سازی آب در دنیا نشان می‌دهد که ضوابط موجود اغلب بر دو جنبه (۱) حفاظت محیط پذیرنده و (۲) کیفیت پساب تخلیه شونده متمرکز شده‌اند. به دلیل تنوع محیط‌های پذیرنده، مقادیر خاص و شاخصی به عنوان معیار یا ضابطه جهانی معرفی نشده‌اند و در همه جا تأکید بر حفظ سلامت محیط پذیرنده است. در قوانین ایالتی، برای مثال ایالت فلوریدای امریکا،





بر گرفته ها

1. Mickley, M., & Voutchkov, N. WRRF-13-07 Database of Permitting Practices for Seawater Concentrate Disposal.
2. Cotruvo, J. A. (2005). Desalination Guidelines Development for Drinking Water: Background. Nutrients in Drinking Water, 13.
3. Younos, T. (2005). Permits and Regulatory Requirements. Journal of Contemporary Water Research & Education, 132(1), 19-26.
4. Ocasio, K. M. N. (2015). Feeling Salty: Regulating Desalination Plants in the United States and Spain. Cornell Int'l LJ, 48, 451.

۵- محمدی، س؛ "بررسی پخش آلودگی ناشی از پساب کارخانجات آب شیرین کن در دریا؛ پایان نامه کارشناسی ارشد عمران- گرایش محیط زیست، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی.

۶- مجتبی فاضلی و همکاران؛ ۱۳۹۵؛ "مدیریت پساب سامانه های آب شیرین کن؛ شرکت آب و فاضلاب روستایی استان تهران.

۷- ناصر رازقی و رویا منصوری؛ ۱۳۹۱؛ "نمک زدایی از آب های شور و لب شور.

۸- غلامرضا رضایی؛ ۱۳۹۳؛ "اثرات محیط زیستی تأسیسات آب شیرین کن بر اکوسیستم های دریایی؛ اداره کل حفاظت محیط زیست هرمزگان.

کمیسیون حفاظت از شیلات و حیات وحش، اثرات احتمالی سامانه های آب شیرین کن بر حیات دریایی را مطالعه کرده و محدودیت های کمی و کیفی مرتبط شامل ویژگی های فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی را معرفی نموده که در شرایط طرح، پساب تخلیه شده نباید باعث تغییری بیش از این حدود شود. مسلماً بر اساس مطالعات سم شناسی، برای برخی آلاینده ها حدود مجاز روزانه توسط سازمان های ذیربط تهیه شده اما در مورد مواد غیر سمی چنین معیارهایی وجود ندارد. در همه این ضوابط، حفظ محیط زیست، هدف اصلی است. کشورهای اتحادیه اروپا هیچ قانون جداگانه ای که مبین حدود لازم پارامترهای سامانه های آب شیرین کن و آلاینده های ناشی از آنها باشد، وضع نکرده اند. اما عدم وجود قوانین مدون مشخص برای سامانه های آب شیرین کن الزاماً منجر به این نتیجه گیری نمی شود که استانداردهای حفاظت از محیط زیست کارایی پایینی دارند. به ویژه ایالات متحده و استرالیا با استانداردهای بالای زیست محیطی در دنیا شناخته شده اند. بهره برداران سامانه های آب شیرین کن در این کشورها ملزم به انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی هستند. استانداردهای تخلیه و دیگر ملزومات بهره برداری از سامانه ها بر اساس یافته ها و نتایج و توصیفات گزارش ارزیابی زیست محیطی تنظیم می شود.

در مجموع می توان چنین نتیجه گیری نمود که استقرار هر سامانه آب شیرین کن در کشور باید از ضوابط و دستورالعمل های همه جانبه نگری پیروی کند که عوارض زیست محیطی را به حداقل کاهش دهند. قوانین بالادستی موجود در حال حاضر پاسخگوی ملاحظات تخصصی بهره برداری از سامانه های نمک زدایی در کشور نیستند. بنابراین شناخت ویژگی های اقلیمی و اکولوژی منطقه مورد نظر در ساحل دریای خزر، نوع فناوری های مورد استفاده در هر مرحله آبیگری، پیش تصفیه، تصفیه نهایی و تخلیه پساب آب شیرین کن ها و پارامترهای متعدد دیگر باید به دقت مطالعه شوند و ملاحظاتی در نظر گرفته شود که عوارض احتمالی ممکن تقلیل یابند. ♦



۱۰ اصل ضد فساد برای شرکت های دولتی



مترجم: دکتر محمد حسن لی
مهندس مشاور سامان آب سرزمین

اصل ۳

پاسخ گو بودن به ذینفعان از طریق شفافیت و گزارش دهی عمومی

اشاره

«سازمان شفافیت بین الملل»^(۱) جنبشی جهانی با یک آرزو است، جهانی که در آن دولت، کسب و کار، جامعه مدنی و زندگی روزمره مردم خالی از فساد باشد. این سازمان هر سال اقدام به انتشار شاخص های ادراک فساد می کند. نوشتار زیر با این رویکرد در وبگاه این سازمان منتشر شده است. در این بخش، اصل ۳ از «ده اصل ضد فساد برای شرکت های دولتی»^(۲) که بسیاری از آنها برای شرکت های خصوصی نیز کاربرد دارد به فارسی برگردانده شده است.



ویراستار فنی: مهندس ابوالفضل بازرگان
مهندس مشاور بنیاد صنعتی ایران

1- Transparency International - www.transparency.org
2- 10 Anti-Corruption-Principles for State-Owned Enterprises (SOEs)



- تعیین و رعایت بهترین روش در پاسخ‌گویی به ذینفعان
- گزارش‌دهی عمومی درباره برنامه ضد فساد
- به‌کارگیری شفافیت‌سازمانی و گزارش‌دهی کشور به کشور

- مشارکت با ذینفعان
- شفافیت داشتن در پیوند با نهاد مالکیت

تعیین و رعایت بهترین روش در پاسخ‌گویی به ذینفعان

۱- شرکت دولتی باید بهترین روش پاسخ‌گویی به ذینفعان را از طریق شفافیت فعالیت‌ها، گزارش‌دهی عمومی و مشارکت دادن ذینفع‌ها، تعیین و رعایت کند.

شفافیت، گزارش‌دهی عمومی و مشارکت دادن ذینفع‌ها، ابزارهای بسیار مهم ضد فساد برای دستیابی به پاسخ‌گویی به عموم مردم، سرمایه‌گذاران و ذینفعان دیگر برای رویارویی با فساد است.

شفافیت به معنای اجازه دسترسی عمومی دادن به اطلاعات درباره نظام‌های عملیاتی، رویه‌ها و فعالیت‌های یک شرکت دولتی، مشروط به الزامات محرمانگی، امنیت و قوانین داده‌ها و حریم خصوصی تجاری است. گزارش‌دهی عمومی مربوط به ارتباط رسمیت‌یافته به وسیله شرکت دولتی در موضوع‌های مورد علاقه ذینفعان است. یکی از ارزش‌های گزارش‌دهی عمومی می‌تواند پشتیبانی از فرایند بهبود مستمر یک شرکت دولتی باشد، زیرا گزارش‌دهی درباره پیشرفت، نیازمند ایجاد شاخص‌ها و گزارش‌دهی درباره اهداف، پیشرفت‌ها و دستاوردها خواهد بود.

مشارکت دادن ذینفع فرایندی است که در آن یک شرکت دولتی با ذینفعان درباره فعالیت‌های شرکت در پیوند با موضوعات بسیار مورد علاقه آنان، تبادل نظر و اطلاع‌رسانی می‌کند و درباره نتایج تبادل نظرهای پیشین گزارش می‌دهد.

امروزه، شمار فزاینده‌ای از انواع نهادها، شرکت‌های دولتی یا بازرگانی، بخش‌های حاکمیتی، سازمان‌های داوطلبانه و ... رویکرد جامعی به گزارش‌دهی غیر مالی، شامل گزارش‌دهی در مورد تعهداتشان درباره درستکاری و مقابله با فساد و اجرای برنامه‌های ضد فساد، در پیش گرفته‌اند.

رویکرد شرکت دولتی به گزارش‌دهی باید منطبق با روش‌ها و استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی مانند استانداردهای گزارش‌دهی پایداری «ابتکار گزارش‌دهی جهانی»^(۳) باشد. همچنین، گزارش‌دهی شرکت دولتی باید همسو با تعهدات حکومت درباره شفافیت، شامل حق اطلاع‌رسانی و دسترسی عمومی به اطلاعات، مانند آنچه به‌وسیله «همکاری حاکمیتی باز»^(۴) تعیین شده است، باشد.

در برخی از کشورها که تحت قوانین شرکت‌ها عمل می‌کنند، شرکت‌های فهرست‌شده ملزم به گزارش‌دهی درباره مخاطرات غیر

مالی هستند؛ همچنین، ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که گزارش‌دهی درباره مسؤلیت اجتماعی مشترک یا گزارش‌دهی پایداری را الزامی می‌کند. شرکت‌های دولتی دارای فهرست‌های تجاری باید چنین قوانینی را رعایت کنند؛ اما به عنوان نهادهای عمومی، همه شرکت‌های دولتی باید یک استاندارد بالا در شفافیت و گزارش‌دهی عمومی را وضع کنند. برای افزایش اعتبار گزارش‌دهی، می‌توان این گزارش‌ها را به وسیله یک بازبین مستقل مورد گواهی قرار داد.

شرکت دولتی باید یک خط مشی مشخص برای شفاف‌سازی امور و گزارش‌دهی عمومی تعیین کند، معنای چنین اصطلاحاتی را تعریف کند و آشکار سازد که اطلاعاتی را که فاش خواهد کرد با چه جزئیات و از چه مجراهایی خواهد بود. شفاف‌سازی و گزارش‌دهی عمومی می‌تواند به عنوان کنترل‌کننده و نشانگرهای قدرتمند ضدفساد برای سیاستمداران و مقامات دولتی مرتبط با یک شرکت دولتی عمل کند. گزارش‌دهی عمومی می‌تواند این امکان را به ذینفعان بدهد که در مورد میزان حسن اداره شرکت دولتی، درجه آزاد بودن آن از مداخلات نابه‌جای دولت و چگونگی پیگیری اقدامات شرکت دولتی برای خیر عمومی داوری کنند.

۲- شرکت دولتی باید درباره طراحی و اجرای برنامه ضد فسادش به عموم گزارش دهد.

شرکت دولتی باید درباره تعهدش به رویارویی با فساد و طراحی و اجرای برنامه ضد فسادش گزارش‌دهی عمومی انجام دهد. چنین گزارش‌دهی مؤلفه‌ای از حکمرانی خوب، شفافیت و پاسخ‌گو بودن است و می‌تواند به اعتبار و بهبود برنامه کمک کند. گزارش‌دهی عمومی به وسیله شرکت‌های دولتی باعث گسترش دانش درباره استانداردهای اخلاقی کسب و کار می‌شود و می‌تواند مشوق روندهای مثبت در جوامعی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، باشد. برای پاسخ‌گو بودن کامل، برنامه ضدفساد باید به زبان کشور محل فعالیت شرکت، قابل دسترسی باشد. گزارش‌دهی شرکت دولتی باید موارد زیر را پوشش دهد:

- تعهد رهبری شرکت به ایجاد فرهنگ اخلاق و درستکاری شرکت دولتی و به خط مشی ضدفساد

3- Global Reporting Initiative
4- Open Government Partnership



شرکت دولتی باید یک خط مشی مشخص برای شفاف سازی امور و گزارش دهی عمومی تعیین کند، معنای چنین اصطلاحاتی را تعریف کند و آشکار سازد که اطلاعاتی را که فاش خواهد کرد با چه جزئیات و از چه مجراهایی خواهد بود. شفاف سازی و گزارش دهی عمومی می تواند به عنوان کنترل کننده و نشانگرهای قدرتمند ضد فساد برای سیاستمداران و مقامات دولتی مرتبط با یک شرکت دولتی عمل کند.

- چگونگی تدارک پاسخ گو بودن و نظارت بر برنامه ضد فساد به وسیله هیأت مدیره
- چگونگی متعهد شدن شرکت دولتی و ایفای مسؤولیت برای ایجاد درستکاری در جوامعی که شرکت در آنها فعالیت دارد
- سیاست ها و رویه های کلیدی
- فرایند ارزیابی خطرپذیری (ریسک)
- مخاطرات اصلی شناسایی شده و کنترل های آن
- به منظور کاهش این مخاطرات
- پیش و بهبود برنامه ضد فساد شرکت.

برای جوامع محلی که شرکت دولتی ممکن است در آنها فعالیت کنند، آسان تر کند. با افشای داده های مالی پایه، شرکت دولتی پاسخگویی بیشتری به شهروندان و ذینفعان دیگر خواهد داشت. هم چنین، گزارش دهی می تواند به سرمایه گذاران و وام دهندگان کمک کند تا عملکرد داد و ستد شرکت دولتی و نیز شرایط و مخاطرات محلی، شامل مقررات مالیاتی و بانکداری، ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و عوامل محیطی و اجتماعی را ارزیابی کنند.

هر شرکت دولتی باید اطلاعاتی که ذینفعان را در درک فعالیت های آن شرکت توانمند سازد، عرضه کند. شرکت های دولتی که در سطح جهانی فعالیت می کنند باید به طور فراگیر درباره دارایی ها و تراکنش های مشترکشان با حکومت های کشورهایی که در آنها فعالیت می کنند، گزارش دهند. افزون بر گزارش دهی در سطح کشوری، در مواردی که شرکت دولتی در پروژه های عمده مانند پروژه های بخش استخراج درگیر است، باید شامل گزارش دهی در سطح پروژه نیز باشد.

شفافیت سازمانی: شرکت های دولتی جهانی باید فهرست های کاملی از شرکت های تابعه، شرکت های وابسته، مشارکت ها، مشتریان

گزارش دهی عمومی درباره برنامه ضد فساد می تواند با استانداردهایی مانند «استانداردهای گزارش دهی پایداری ابتکار گزارش دهی جهانی»^(۵) و چارچوبی از شاخص های به کار رفته در نظرسنجی های منظم «سازمان بین المللی شفافیت» از گزارش دهی عمومی مشارکتی برنامه های ضد فساد مطابقت داده شود.

به کارگیری شفافیت سازمانی و گزارش دهی کشور به کشور

۳- شرکت دولتی باید شفافیت سازمانی را از طریق آشکار سازی عمومی دارایی هایش در شرکت های تابعه، شرکت های وابسته، مشارکت ها^(۶) و دیگر نهادهای مرتبط و نیز اطلاعات مالی و عملیاتی بر اساس گزارش دهی کشور به کشور فراهم کند.

مفاد قانونی و تکانه برای شفافیت سازمانی و گزارش دهی کشور به کشور برای بنگاه های تجاری، با توجه به تصویب قوانین مربوط به گزارش دهی پایداری و الزامات شفافیت - هم داوطلبانه و هم صورت اجباری - در حال پیشرفت است. این بند دو مؤلفه از شفافیت شرکت دولتی را مورد تشویق قرار می دهد: شفافیت سازمانی و گزارش دهی کشور به کشور.

نبود افشاگری پرداخت ها به دولت های خارجی و استفاده از مراکز فراساحلی می تواند ارتکاب فساد و پنهان کردن هرگونه آثار سوء را

5- Global Reporting Initiative's Sustainability Reporting Standards

6- Joint ventures

اتحادیه‌های کارگری یا نهادهای نمایندگی کارکنان، در صورت وجود، باید در مشاوره شرکت داده شوند، چرا که آنها می‌توانند علاقه‌مندی زیادی به چگونگی ارتباط برنامه ضدفساد با اعضایشان ایجاد کنند. همکاری آنها می‌تواند طراحی برنامه ضدفساد را تقویت کند، زیرا آنها می‌توانند تخصص، دانش، ارتباطات و مشاوره را به برنامه ضدفساد وارد کنند.

● کمک‌های جامعه.

۴- شرکت دولتی باید اطلاعات مربوط به مالکیت سودآور (انتفاعی) در خود شرکت و مالکیت سودآورش در نهادهای دیگر، از جمله مالکیت‌های متعلق به شرکت‌های تابعه‌اش، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و کنسرسیوم‌ها را به طور عمومی افشا کند.

دانستن این که چه کسی مالکیت و کنترل شرکت دولتی را در اختیار دارد و آن شرکت دولتی چه نهادهای دیگری را تحت تملک و کنترل دارد، می‌تواند به جلوگیری از کلاهبرداری و فساد داخلی کمک کند و پاسخ‌گویی در برابر شهروندان، کارفرمایان و مشتریان را تضمین کند. هم‌چنین، گزارش‌دهی می‌تواند هرگونه دارایی‌های متعلق به خویشاوندان سیاستمداران و مقامات دولتی که ممکن است بر حکمرانی و عملیات شرکت دولتی اثرگذار باشند یا مردم آنان را این‌گونه ببینند، در بر گیرد.

مشارکت‌دهی ذینفعان

۵- شرکت دولتی باید ذینفعان کلیدی خود را شناسایی کند و با آنان به طور منظم در زمینه طراحی و اجرای برنامه ضدفساد تعامل نماید.

مشارکت با ذینفعان تنها زمانی مؤثر است که یک تعامل واقعی میان شرکت دولتی و ذینفعانش شامل کارکنان شرکت، مردم، جامعه مدنی، نهاد مالکیت، سیاستمداران، مقامات دولتی، سرمایه‌گذاران و اشخاص ثالث برقرار باشد. مشارکت می‌تواند با توانمند ساختن شرکت دولتی در زمینه فراگیر کردن برنامه‌های توسعه، موضوعات و فرصت‌های در حال ظهور، تبادل دیدگاه‌ها، آگاهی دادن به ذینفعان درباره موضوعات مهم مورد علاقه و گزارش‌دهی نتایج تبادل نظرهای قبلی، در طراحی برنامه ضد فساد فوایدی را ایجاد کند.

اتحادیه‌های کارگری یا نهادهای نمایندگی کارکنان، در صورت وجود، باید در مشاوره شرکت داده شوند، چرا که آنها می‌توانند علاقه‌مندی زیادی به چگونگی ارتباط برنامه ضدفساد با اعضایشان ایجاد کنند. همکاری آنها می‌تواند طراحی برنامه ضدفساد را تقویت کند، زیرا آنها می‌توانند تخصص، دانش، ارتباطات و مشاوره را به برنامه ضدفساد وارد کنند.

و تأمین‌کنندگان عمده و دیگر نهادهای وابسته را بدون محدودیت افشا برای نهادهای مهم، گردآوری و منتشر کنند. چنین شفافیتی به دلایل بسیاری اهمیت دارد، مهم‌تر از همه به این دلیل که ساختارهای سازمانی را می‌توان به منظور پنهان‌سازی اقدامات فسادآمیز مات و غیرشفاف کرد. یک شرکت دولتی باید موارد زیر را افشا کند:

- همه زیرمجموعه‌های کاملاً تلفیقی (پیوسته) شرکت
- درصد‌های متعلق به شرکت در هر یک از زیرمجموعه‌های کاملاً پیوسته (متحد، ادغام شده)
- کشورهای محل مشارکت برای هر یک از زیرمجموعه‌های یاد شده
- کشورهای محل فعالیت برای هر یک از زیرمجموعه‌های یاد شده
- همه هولدینگ‌های نه کاملاً متحد با شرکت (شرکت‌های وابسته، مشارکت‌ها)
- درصد‌های متعلق به شرکت در هر یک از هولدینگ‌های نه کاملاً متحد
- کشورهای محل مشارکت برای هر یک از هولدینگ‌های نه کاملاً متحد
- کشورهای محل فعالیت برای هر یک از هولدینگ‌های نه کاملاً متحد.

گزارش‌دهی کشور به کشور: شرکت‌های دولتی باید به ذینفعان محلی و جهانی‌شان با گزارش‌دهی شفاف در هر کشوری که در آن فعالیت می‌کنند در مورد داده‌های مالی شرکت در سطح کشور خودشان پاسخ‌گو باشند. از این طریق، ذینفعان محلی اطلاع می‌یابند که کدام یک از شرکت‌های دولتی در حال فعالیت در سرزمین آنها هستند و برای چه مجوزها^(۷) یا قراردادهای دولتی پیشنهاد مناقصه می‌دهند و درخواست یا دریافت چه مزایای مالیاتی یا اجرای سرمایه‌گذاری‌ها یا پروژه‌های قابل توجه را درخواست یا مطالبه می‌کنند. گزارش‌دهی کشور به کشور باید شامل موارد زیر باشد:

- درآمد‌ها / فروش‌های کشور
- هزینه سرمایه‌گذاری در کشور
- درآمد پیش از مالیات کشور
- مالیات بر درآمد کشور
- قراردادهای و پروژه‌های عمده
- روابط مالی میان شرکت دولتی و دولت‌ها



۸- هیأت مدیره باید در مورد تعهدش به اخلاق و درستکاری و نظارتش بر برنامه ضدفساد به طور منظم به ذینفعان گزارش دهد.

شفافیت داشتن درباره ارتباط با نهاد مالکیت

۹- شرکت دولتی باید در مورد رابطه اش با نهاد مالکیت شفاف باشد.

دخالت سیاستمداران و سایر مقامات دولتی در حکمرانی، مدیریت و فعالیت‌های شرکت دولتی یکی از عرصه‌های پرمخاطره برای بروز فساد در شرکت‌های دولتی است. توانایی شرکت دولتی در اجرای بهترین شیوه حکمرانی بستگی به چارچوب حکمرانی تعیین شده از سوی نهاد مالکیت دارد. شرکت دولتی با شفاف بودن درباره ساختار حکمرانی‌اش، سهامداران و دیگر ذینفعان را قادر می‌سازد که در مورد چگونگی مطابقت ساختار با استانداردهای جهانی و اینکه آیا در این مورد به وسیله نهاد مالکیت تشویق یا محدود شده است، داوری کنند. همچنین، شرکت دولتی باید درباره هرگونه حمایت دولتی، کمک‌های بلاعوض، قراردادهای تسهیلات دیگری که بتواند مزیت آن را بر دیگر رقبای تجاری، از جمله داد و ستد با دیگر نهادهای دولتی یا دولت فراهم کند، شفاف‌سازی کند. شفافیت می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده فساد می‌تواند که ممکن است به دلیل ارتباط با سیاستمداران و مقامات دولتی در یک شرکت دولتی ایجاد شود، عمل کند و نیز می‌تواند، بر اثر اعمال فشار ذینفعان، منجر به بهبود در زمینه‌های مدیریتی و عملیاتی شود. شرکت دولتی باید در موارد زیر شفافیت داشته باشد:

- مأموریت محول شده
- چگونه قانون و مقررات زمینه حکمرانی مشارکتی شرکت دولتی را فراهم می‌کنند (هرگونه تغییر در مالکیت، مأموریت یا ساختار حکمرانی شرکت دولتی باید به طور شفاف انجام یابد و درباره آن به صورت عمومی گزارش دهی شود).
- رابطه عملیاتی آن با نهاد مالکیت.

افزون بر فرایندهای رسمی مشارکت دادن ذینفع‌ها، شرکت دولتی باید مجاری قابل دسترسی برای پرسش‌گری یا ابراز نگرانی درباره برنامه ضدفساد را نیز فراهم سازد. این کار می‌تواند شامل انتصاب مدیران و کارکنان به عنوان مراکز برقراری ارتباط، اعلام مراکز ارتباطی در وبسایت‌ها و نشریات و نیز برقراری خطوط تلفنی قرمز باشد.

۶- شرکت دولتی باید هرگونه حقوق ذینفعان در پیوند با برنامه ضدفساد را که به وسیله قانون یا از طریق توافق‌نامه‌های مشترک ایجاد شده است، شناسایی، تحلیل، تکریم و حمایت کند.

در برخی کشورها، در شرکت‌های دولتی حقوق ویژه‌ای مانند نمایندگی کارکنان در هیأت مدیره یا حق تصمیم‌گیری برای نمایندگان کارکنان و سازمان‌های مصرف‌کننده به بعضی ذینفعان - به عنوان مثال، از طریق شوراهای مشورتی - اعطا می‌شود. دولت، به عنوان یک سهامدار غالب، ممکن است تصمیم‌گیری مشترک را کنترل کند و در موقعیتی باشد که بتواند تصمیماتی را که در راستای خدشه وارد کردن حقوق ذینفعان بوده و می‌تواند مخاطرات شدید فساد در بر داشته باشد، اتخاذ کند. بدین ترتیب، ذینفعان باید بر اساس حقوقی که دارند، در طراحی برنامه ضدفساد و اجرای آن مشارکت داشته باشند یا مورد مشورت قرار گیرند.

۷- اگر شرکت دولتی در فهرست سهامداران جزء باشد یا سرمایه‌گذاران غیردولتی داشته باشد، باید همگی آنها را در برنامه ضدفسادش مشارکت دهد و آنها را تشویق کند که دیدگاه‌هایشان را به شرکت دولتی و در «مجمع عمومی سالانه سهامداران» بیان کنند.

سهامداران کوچک و سرمایه‌گذاران دیگر می‌توانند به عنوان نقاط اعمال فشار برای بهبود برنامه ضدفساد شرکت دولتی و مقاومت در برابر مداخلات نادرست سیاستمداران و مقامات دولتی در اداره شرکت دولتی، به کار روند.



چرا سکوت می کنیم؟

من هم یکی از کسانی بودم که در تمام دوره دبیرستان، آرزویم معمار شدن بود. آن روزها، هنوز مهندس شدن شانی داشت و باعث سربلندی بود. در نخستین تجربه کاری ام، که حضور در یکی از شرکت های مهندسان مشاور بود، استخدامم مشروط به ارائه رضایت نامه پدرم برای اجازه کار شد. با اینکه سال ها از آخرین رضایت نامه پدرم برای شرکت در اردوی مدرسه گذشته بود، می دانستم که چاره دیگری ندارم. چند سال بعد، که آن تابستان گرم در رسید، گشت ارشاد حوزه موفقیت های پی در پی اش در کاستن گناهان زنان در خیابان ها را، به دفاتر و شرکت های خصوصی توسعه داد. در آن زمان هم متنی بر روی تابلو اعلانات شرکت آویزان شد که همه زنان شاغل در شرکت، موظف به امضای اظهارنامه ای مبنی بر این هستند که پوشش کاملاً اسلامی را رعایت می کنند و در غیر این صورت در هنگام حضور نیروهای محترم کنترل، چنانچه مورد بازخواست قرار گیرند، این شرکت مسؤولیت بی حجابی ایشان را پذیرا نخواهد بود و تبعات و ضرر مالی و معنوی بر عهده فرد (بهتر بگویم زن) خاطی است. در آن زمان هم می دانستیم چاره ای نداریم و مجدداً امضا کردیم که گناه نکرده مان را گردن بگیریم. پس از آن،

مهندس نیوشا ودادی مقدم
مهندسان مشاور پی کده



نبودیم که ماه‌ها و سال‌هاست در اندیشه اعتصاب سراسری به دلیل عدم دریافت معوقات مالی مان هستیم؟ ما که سال‌هاست یاد گرفتیم تعدیل نیرو کنیم. ما که سال‌هاست تمام بندهای قراردادهای کارمندانمان را وسواسانه‌تر جرح و تعدیل می‌کنیم. ما که اقتصاد مقاومتی را سرلوحه زندگی خودمان قرار داده‌ایم و عادت کرده‌ایم هر سال خود را کوچک‌تر و حقیرتر از سال قبل کنیم. نه! ما ترس اقتصادی را سال‌هاست که زندگی می‌کنیم.

ما که سال‌هاست در انتخابات سیاسی و حرفه‌ای هم به گونه‌ای روشن جهت‌گیری می‌کنیم و حمایت خودمان را از کاندیداها اعلام می‌کنیم. آیا نگران هستیم که باز هم خطا کنیم؟ پس سکوت می‌کنیم ببینیم که در نهایت کدام وزنه سنگین‌تر است و بعد به سخن درآییم تا شاید دست‌کم این بار، باز هم اشتباه نکرده باشیم.

شاید دچار ایده‌آل‌گرایی شده‌ایم؟ همیشه به دنبال چیزی هستیم و می‌دانیم به آن نخواهیم رسید، بنابراین به دلیل این فاصله معنادار هیچ حرکتی هم نمی‌کنیم؟

شاید هم این بار در ناامیدی اجتماعی و حرفه‌ای در جا مانده‌ایم. شده‌ایم تماشاگرانی خسته و منفعل که منتظر سوت پایان بازی هستیم.

و شاید نزدیک‌ترین تعبیر این سکوت، نابودی واقعی "بخش خصوصی" است. اگر این موضوع، تا دیروز یک هشدار بود، امروز سکوت مرگبار این واقعیت را می‌شنویم که شاید ما دیگر وجود نداریم. ♦

فصل خشکسالی بودجه‌های عمرانی در رسید؛ ماه‌ها کار کردیم و حقوقی دریافت نشد. سال عوض شد، حتی اداره کار هم افزایش حقوق کارگرانی که در لباس مهندس بود را اعلام کرد اما شرکت‌ها به بهانه‌های مختلف از تمدید قرارداد سر باز زدند؛ دست آخر هم برگه‌ای که به ازای حقوق دریافت نکرده‌مان، حق شکایت از شرکت را نداریم، امضا کردیم و البته تنها این بار بود که موضوع جنسیتی و مربوط به فقط ما زن‌ها نبود.

بعدها، علیرغم زن بودن، از کارمند عادی بودن، ترفیع پیدا کردم. این‌گونه بود که در پایان اکثر جلسه‌های کارفرمایی انبوهی از کارت ویزیت‌ها و اصرار برای گرفتن شماره (البته قطعاً به دلیل ایجابات تماس کاری!) را زندگی کردم. شب‌های عید برای دریافت اندکی از معوقات بسیار مالی و برای خالی نمودن جیب همکاران، مجبور به تحمل مزاحمت‌های کارفرمایان در حریم شخصی‌ام شدم. روایت‌های بی‌شمار دیگری هم هست که من و امثال ما نگفتیم، نوشتیم. از سر شرم، از گناه نکرده. چرا که احتمالاً مثل همیشه در نهایت حتماً ریگی به کفش خود ما هم بند بوده است دیگر! وگرنه چرا برای دیگری این اتفاق نمی‌افتد؟ ... ولی امروز خیلی اتفاق‌ها افتاده است. اینطور نیست؟! خیلی...! اما ما (جامعه مهندسی) همچنان سکوتمان را نشکسته‌ایم.

مایی که خودمان را بازوی تفکر حرفه می‌دانیم. لباس‌های اتو زده و کراوات می‌پوشیم، مایی که "ورکشاپ" برگزار می‌کنیم، با هم گفت-وگو می‌کنیم، مایی که به خانم‌ها لبخند می‌زنیم و تعظیم می‌کنیم و به پایشان بلند می‌شویم، به راستی چرا سکوت می‌کنیم؟

آیا ترس از تهی شدن سفره‌هایمان را داریم؟ ... مگر همین ما



شکاف دستمزد زنان و مردان

آیا در همه جای جهان مردان بیشتر از زنان دستمزد می گیرند؟

یکی از موضوعات مورد مناقشه و بحث برانگیز علم اقتصاد -همچون سایر حوزه‌ها- تفاوت‌های میان زن و مرد، به ویژه تبعیض‌های دستمزدی میان این دو، است. تاکنون مطالعات فراوانی پیرامون چگونگی این تفاوت‌ها صورت گرفته است. به طور خلاصه ادبیات این حوزه سه دلیل کلی برای شکاف دستمزدی میان زنان و مردان بیان می‌کنند: اول، تفاوت در ترجیحات زنان و مردان ممکن است باعث تفاوت در انتخاب‌های شغلی یا رفتارهای متفاوت آنها در انجام شغل شود که نتیجه آن بر خروجی و سطح دستمزد آنها اثر می‌گذارد. دوم: حتی اگر ترجیحات متفاوت نباشد، به خاطر برخی علل همچون مسؤولیت‌های خانوادگی، زنان ممکن است با محدودیت‌های مختلفی برای حداکثرسازی خروجی شغلی خود مواجه باشند. این محدودیت‌ها همچنین ممکن است جابه‌جایی زنان را در بین مشاغل محدود سازد، امری که می‌تواند قدرت انحصاری کارفرمایان را برای پرداخت دستمزدهای کمتر به زنان به دنبال داشته باشد، یا اینکه مانع از سازماندهی زنان در مشاغلی شود که دستمزدهای بهتری دارند؛ و سوم: این شکاف ممکن است از تبعیض کامل و آشکار، در زمینه ارزیابی کمتر از واقعیت خروجی کاری، حکایت

نویسندگان: آندریاس منزل / کریستوفر وودراف

مترجم: نیما صبوری

برگرفته از: هفته‌نامه تجارت فردا/شماره ۴۰۶/اردیبهشت ۱۴۰۰

طبق مطالعات انجام گرفته شکاف دستمزدی میان زنان و مردان با افزایش سال‌های خدمت بیشتر می‌شود. از طرفی بیش از ۴۰ درصد از تشدید این شکاف به این خاطر است که مردان با احتمال بیشتری وارد مشاغلی می‌شوند که دستمزدهای بالاتر از میانگین دارند. باقی مانده این شکاف نیز به این موضوع بازمی‌گردد که رشد دستمزد مردان در مشاغل مشابه بالاتر است، یا اینکه در زمان تغییر شغل دستمزدهایشان به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد.

در طول زمان بوده است، در این مقاله این آمارها در کنار اطلاعات به‌دست آمده از نظرسنجی از کارگران قرار می‌گیرد تا علل شکاف دستمزد از دو کانال رشد دستمزدهای درون کارخانه‌ای و جابه‌جایی نیروی کار بین کارخانه‌ها تبیین شود. این اتفاق کمک می‌کند تا درکی کامل و جزئی از اجزای مسبب شکاف دستمزد حاصل شود. با توجه به اینکه در کشورهای با درآمد پایین ردیابی اطلاعات نیروی کار در مشاغل مختلف به ندرت اتفاق می‌افتد، این موضوع اهمیت دوچندان می‌یابد. بر اساس آمارهای بخش پوشاک بنگلادش، در میان مشاغل غیردولتی شکاف دستمزد میان زنان و مردان در مجموع حدود هشت درصد است، رقمی بسیار نزدیک با آنچه در کشورهای توسعه یافته به دست آمده است. گفتنی است تمام نیروی کار مشمول نمونه مورد بررسی این مقاله، در موقعیت شغلی و دستمزدی مشابه وارد بخش پوشاک شدند. بنابراین، شکاف دستمزد به مرور زمان با رشد متفاوت دستمزد زنان و مردان، و همچنین دوام بیشتر مردان بر سر مشاغل، رخ می‌دهد. آمارهای این مقاله فعالیت شغلی کارگران را تنها در کارخانه‌های فعلی آنها رصد می‌کند. این در حالی است که حدود پنج درصد از کل مردان و چهار درصد از کل زنان نمونه مورد بررسی هر ماه کارخانه تولیدی خود را تغییر داده‌اند. شواهد غیررسمی حاکی از آن است که این جابه‌جایی‌ها اغلب با افزایش قابل توجه دستمزد همراه هستند. به خاطر اینکه در آمارها جابه‌جایی کارگران به کارخانه‌های دیگر لحاظ نشده است، افزایش دستمزد ناشی از آن هم به تبع به‌طور مستقیم قابل رؤیت نیست. بنابراین مجموع رشد دستمزد مستقیماً قابل مشاهده نیست. با این حال با افزودن اطلاعات به‌دست آمده از نظرسنجی از کارگران می‌توان مجموع رشد دستمزد و اجزای تشکیل دهنده آن را به تفکیک افزایش دستمزد ناشی از تغییر شغل بین کارخانه‌ها و ارتقای شغلی درون کارخانه‌ها مورد ارزیابی قرار داد. طبق یافته‌ها، مردان سریع‌تر موقعیت‌های شغلی اولیه خود را ترک می‌کنند. در نتیجه، دستمزد آنها حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد سریع‌تر در

داشته باشد. ادبیات این حوزه همچنین روزافزون روی پویایی‌های شکاف دستمزد مربوط به مشاغل نیروی کار تمرکز یافته است. طبق مطالعات انجام گرفته شکاف دستمزدی میان زنان و مردان با افزایش سال‌های خدمت بیشتر می‌شود. از طرفی بیش از ۴۰ درصد از تشدید این شکاف به این خاطر است که مردان با احتمال بیشتری وارد مشاغلی می‌شوند که دستمزدهای بالاتر از میانگین دارند. باقی مانده این شکاف نیز به این موضوع بازمی‌گردد که رشد دستمزد مردان در مشاغل مشابه بالاتر است، یا اینکه در زمان تغییر شغل دستمزدهایشان به نسبت بیشتری افزایش می‌یابد. عمده ادبیات حوزه شکاف دستمزد میان مردان و زنان از آمارهای به‌دست آمده از کشورهای با درآمد بالا شکل گرفته و یافته‌های محدودی از کشورهای در حال توسعه به دست آمده است، امری که البته بخشی از آن به فقدان آمارهای باکیفیت در کشورهای در حال توسعه نیز همچون کشورهای توسعه یافته شکاف دستمزد شایع باشد. در حقیقت، بسیاری از علل بالقوه همچون نرُم‌ها، ترجیحات و انتظارات در عمده کشورهای در حال توسعه برجسته‌تر نیز هست. در این باره دو اقتصاددان با نام‌های "آندریاس منزل"^(۱) از مرکز تحقیقات اقتصادی پراگ چک^(۲) و "کریستوفر وودروف"^(۳) از مرکز توسعه بین‌الملل دانشگاه آکسفورد^(۴) با بهره‌گیری از آمارهای بخش پوشاک بنگلادش به بررسی شکاف دستمزد زنان و مردان پرداخته‌اند.

نتایج یک مطالعه

در این مطالعه از آمارهای رسمی به‌ثبت رسیده از بیش از ۸۰ هزار نیروی کار در ۷۰ کارخانه بزرگ تولید پوشاک کشور بنگلادش استفاده شده است. آمارهای مذکور از اطلاعات دستمزد به صورت الکترونیک به‌ثبت رسیده در کارخانه‌ها به دست آمده‌اند، بنابراین با کمترین خطا همراه هستند. این مقاله که در «اداره ملی تحقیقات اقتصادی»، نهادی خصوصی و غیرانتفاعی پیشگام در ارائه تحقیقات اقتصادی مستقر در ماساچوست آمریکا، به چاپ رسیده است، سعی دارد ادبیات حوزه شکاف دستمزد جنسیتی را در دو جبهه پیش ببرد. ابتدا نشان داده می‌شود که شکاف دستمزدی مشاهده شده در بنگلادش مشابه چیزی است که ادبیات وسیع مطالعه روی کشورهای توسعه یافته آن را یافته‌اند. جبهه دوم بیشتر جنبه روش‌شناسانه دارد. در حالی که عمده مطالعات اخیر روی کشورهای توسعه یافته با بهره‌گیری از ردیابی آمارهای نیروی کار

1- Andreas Menzel

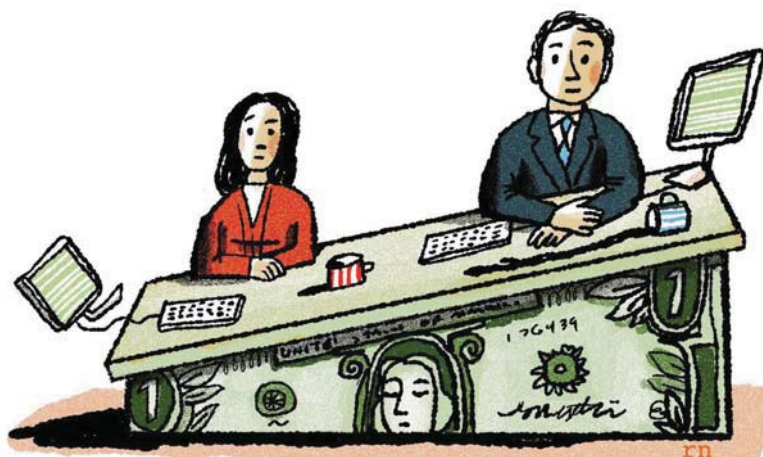
2- The Center for Economic Research and Graduate Education – Economics Institute (CERGE-EI)

3- Christopher Woodruff

4- Oxford Department of International Development (Queen Elizabeth House)



است. در گام بعدی با بهره‌گیری از مجموعه‌ای غنی از اطلاعات ثبت شده در کارخانه‌ها و نظرسنجی از یک نمونه از کارگران، علل ایجاد شکاف دستمزد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این باره برای ۱۶ کارخانه، اطلاعات جزئی از مهارت‌ها و بهره‌وری نیروی کار به ثبت رسیده است. بر این اساس نشان داده می‌شود که تفاوت در مهارت کارگران حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از شکاف دستمزد و تفاوت در ترفیعات داخلی این کارخانه‌ها را توضیح می‌دهد. با توجه به روابط بالاتر مردان یا برخی تبعیض‌های ضد زنان، به نظر می‌رسد مهارت‌های مردان ترفیع یافته در سطحی پایین‌تر از زنان ارتقای شغل یافته قرار داشته باشد. با این حال آمارهای این مقاله، ادعایی خلاف این واقعیت را نشان می‌دهد: با در نظر گرفتن سطح مشابه دستمزد، مردان مهارت‌های بالاتری دارند. این ادعا با فرضی همچون مردان سریع‌تر مهارت‌های خود را ارتقا می‌دهند یا برای ترفیع شغلی خود از فرصت‌ها بهتر استفاده می‌کنند، نیز سازگار است. البته این احتمال وجود دارد که سرعت بالاتر اکتساب مهارت توسط مردان خود ناشی از برخی تبعیض‌ها باشد: اول، کارخانه‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری بیشتری در مهارت‌آموزی نیروی کار مرد داشته باشند؛ و دوم، این فرضیه که زنان شاغل در این بخش به ندرت به پست‌های نظارتی و سرپرستی ترفیع می‌یابند. در این رابطه اطلاعات نظرسنجی تفاوتی را در سرمایه‌گذاری برای مهارت‌آموزی مردان و زنان نشان نمی‌دهد، بلکه حتی زنان مشارکت‌کننده در این نظرسنجی با احتمال



با ارائه تعریفی جزئی از موقعیت‌های شغلی، یافته‌های مقاله‌ها حاکی از آن است که مردان به طور میانگین هشت درصد بیشتر از زنان دستمزد دریافت می‌کنند. با فرض اینکه مردان و زنان در ابتدای ورود به صنعت موقعیت شغلی یکسان دارند، تقریباً نیمی از شکاف دستمزد به خاطر این است که مردان دوره طولانی‌تری را در صنعت می‌مانند و در نتیجه زمان بیشتری برای کسب مهارت و دستیابی به ارتقای شغلی دارند. باقی شکاف دستمزد نیز به این واقعیت بازمی‌گردد که ارتقای شغلی مردان با سرعت بالاتری اتفاق می‌افتد. در نهایت به طور شگفت‌انگیزی یافته‌ها حاکی از آن هستند که نرخ پایین جابه‌جایی شغلی زنان چندان متأثر از وضعیت تأهل یا فرزندآوری آنان نیست.

بیشتری گزارش می‌کنند که فرصت‌هایی برای ارتقای مهارت‌هایشان در اختیارشان قرار گرفته است. با توجه به اهمیت ترفیعات درون کارخانه‌ای و برون کارخانه‌ای برای پیشرفت شغلی زنان و مردان، باید دید تا چه حد مهارت و ویژگی‌های نیروی کار در این ترفیعات نقش دارد. به طور کلی یافته‌ها حاکی از آن است که مردان سرعت مهارت‌آموزی شغلی بالاتری دارند و در مشاغل پیچیده یا با نیاز به قدرت فیزیکی، سطح مهارت آنها بیشتر است.

طبق یافته‌های مقاله، در حالی که حتی در مشاغل هم‌سطح ممکن است در مهارت زنان و مردان تفاوت وجود داشته باشد، اما تفاوت در ترفیع شغلی درون کارخانه‌ای زنان و مردان را نمی‌توان به طور کامل توسط سطح مهارت آنها توضیح داد.

این یافته ما را به دومین عامل از سه مؤلفه ایجاد شکاف جنسیتی سوق می‌دهد: تفاوت در محدودیت‌هایی که زنان و مردان به خاطر تعهدات خارج از محل کارشان با آن مواجه هستند. یکی از عللی که

مراحل اولیه حرفه‌ای رشد می‌کند. این پیشرفت اولیه سریع مردان را می‌توان به طور کامل به واسطه سرعت بالاتر ترفیعات شغلی درون کارخانه‌ای و برون کارخانه‌ای توضیح داد. در مراحل بعدی و پایانی دوران شغلی مردان اما تقریباً تمام رشد دستمزد آنها منشأ داخلی (درون کارخانه‌ای) می‌یابد، و تفاوت چندانی در رشد دستمزد زنان و مردان ملاحظه نمی‌شود. بنابراین رشد شکاف دستمزد میان مردان در سال‌های اولیه اشتغال تشدید می‌شود و در سال‌های انتهایی دوره حرفه‌ای آنها هموار می‌شود. به طور میانگین برای کل دوران شغلی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از رشد دستمزد زنان و مردان را می‌توان ناشی از جابه‌جایی بین کارخانه‌ها دانست.

آمارها چه می‌گویند؟

آمارهای بخش تولید پوشاک بنگلادش نشان می‌دهد تغییر شغل و ترفیعات بین کارخانه‌ها عمدتاً در سال‌های اولیه اشتغال رخ می‌دهد، یافته‌ای که با مطالعات مربوط به بازار نیروی کار آمریکا نیز سازگار

ادبیات این حوزه برای شکاف جنسیتی بازار نیروی کار مطرح می‌کند، وظایف و تعهدات خانوادگی است. در نمونه مورد بررسی مقاله، ۷۰ درصد از مردان و ۸۰ درصد از زنان متأهل هستند. در این باره انتظار می‌رود زنان متأهل نسبت به مجردها با چالش‌های بیشتری برای تغییر شغل خود مواجه باشند، چرا که زمان و انرژی افزون‌تری برای انجام کارهای منزل صرف می‌کنند. طبق مطالعات در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، محدودیت‌های خانوادگی عاملی مهم در ایجاد شکاف دستمزد میان زنان و مردان است. با این حال، نمونه مورد بررسی کشور بنگلادش حاکی از آن است که این عامل نقشی کم‌رنگ‌تر ایفا می‌کند. به عبارتی سطح دستمزد، افزایش دستمزد و نرخ جابه‌جایی بین شغلی نیروی کار زن متأهل یا با فرزند تفاوت چندانی با زنان مجرد یا بدون فرزند ندارد. در عوض برخی شواهد حاکی از آن است که مردان متأهل نسبت به هم‌تایان مجرد خود رشد دستمزد و نرخ جابه‌جایی و ترفیع شغلی بالاتری دارند، شواهدی که با یافته مطالعات مربوط به کشورهای توسعه‌یافته نیز سازگار است. طبق برآوردهای مقاله، سرعت تغییر شغل زنان از کارخانه‌ای به کارخانه دیگر ۳۰ درصد نسبت به مردان کمتر است، به این معنی که زنان در طول دوره حرفه‌ای خود ۰/۷ سال بیشتر در هر کارخانه می‌مانند. زمانی که اثرات متأهل یا مجرد بودن زنان در برآوردها لحاظ می‌شود، این ارقام تغییر معناداری نمی‌کنند. با این حال زمانی که اثرات ازدواج برای هر دو زنان و مردان لحاظ می‌شود، شکاف ترفیع شغلی داخلی میان آنها کاهش می‌یابد و از لحاظ آماری بی‌معنی می‌شود. این اتفاق بدان خاطر است که مردان متأهل نسبت به هم‌تایان مجرد خود با احتمال بیشتری ارتقای شغلی می‌یابند، در حالی که ارتقای شغلی زنان متأهل و مجرد یک کارخانه برابر است. از طرفی تفاوت سال‌هایی که مردان و زنان متأهل در یک کارخانه سپری می‌کنند نسبت به مردان و زنان مجرد دو برابر است. بنابراین طبق آمارها، ازدواج انگیزه و فرصت‌های مردان را تغییر می‌دهد، در حالی که تأثیر چندانی بر جابه‌جایی شغلی زنان ندارد. این یافته‌ها از بخش تولید پوشاک بنگلادش با نتایج مطالعات روی کشورهای توسعه‌یافته سازگار است که روایت می‌کنند ازدواج رزق و روزی مردان را زیاد می‌کند.

تغییر شغل

همچنین در صورتی که کارگران به شرکت‌هایی بروند که به طور میانگین دستمزدهای بالاتر دارند، این تغییر شغل می‌تواند به درآمدهای بالاتر منجر شود. بررسی بازار نیروی کار کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد از بویایی شکاف دستمزد طول دوره زندگی زنان و مردان به خاطر این است که مردان بهتر می‌توانند به شرکت‌هایی بروند که پرداختی‌های بالاتر از میانگین دارند. در مجموع می‌توان گفت آمارها تصویری سازگار را ارائه می‌کنند. مردان متأهل نسبت به هم‌تایان مجرد خود با احتمال بیشتری موفق به جابه‌جایی شغلی بین کارخانه‌ها می‌شوند، حتی با احتمال بیشتری نسبت به زنان. با در نظر گرفتن موقعیت شغلی یکسان، مردان نسبت به زنان مهارت بیشتری

کسب می‌کنند. در فرایندهای شغلی پیچیده نیز به نظر می‌رسد مردان مزیت بالاتری نسبت به زنان داشته باشند. از طرفی یافته‌ها، شواهد اندکی از اثرگذاری تعهدات خانوادگی - که با وضعیت تأهل یا داشتن فرزند سنجیده می‌شود - بر جابه‌جایی شغلی زنان ارائه می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد در بخش تولید پوشاک بنگلادش مردان انگیزه‌های قوی‌تری برای رسیدن به موقعیت‌های شغلی بالاتر دارند.

سخن پایانی

در این گزارش مقاله‌ای از نظر گذشت که به ادعای نویسندگان آن اولین مطالعه از شکاف دستمزد زنان و مردان در کشورهای در حال توسعه با بهره‌گیری از آمارهای رسمی است. در این مقاله از اطلاعات به‌ثبت‌رسیده در کارخانه‌های صادرات‌محوری استفاده شده است که نماینده یکی از موفق‌ترین بخش‌های صادراتی جهان در چند دهه اخیر به حساب می‌آیند. به عقیده اقتصاددانان، تولیدات صادراتی یکی از معدود استراتژی‌های توسعه است که رشد اقتصادی پایدار را با خود به ارمغان می‌آورد. البته انتقادات گسترده‌ای نیز از تولیدکنندگان صادرکننده وجود دارد مبنی بر اینکه حقوق و استانداردهای حمایتی نیروی کار خود را نادیده می‌گیرند. با این حال صرف نظر از این واقعیت‌ها در مقاله فوق‌الذکر از آمارهای جزئی کارخانه‌های صادرکننده پوشاک بنگلادش برای ارزیابی شکاف دستمزد میان زنان و مردان استفاده شد. البته به دلیل فقدان اطلاعات باکیفیت امکان ردیابی حرفه نیروی کاری که کارخانه‌ها را ترک کردند وجود ندارد. بنابراین هر چند طبق آمارهای به‌ثبت‌رسیده ترفیع شغلی درون کارخانه‌ای قابل مشاهده است اما نمی‌توان ترفیعات خارج از کارخانه و خارج از صنعت را ردیابی کرد. با این حال با انجام نظرسنجی از کارگران این مشکل نیز تا حدی رفع و برآورد ارتقای شغلی داخل و خارج از کارخانه‌ها امکان‌پذیر شد. طبق برآوردها نرخ ترفیع بین کارخانه‌های زنان و مردان نسبت به ترفیعات داخلی در رده‌های پایین شغلی محتمل‌تر است، در حالی که این تفاوت در پست‌های بالاتر به صفر میل می‌کند. در خصوص شکاف دستمزد میان زنان و مردان، به نظر می‌رسد یافته‌های این مقاله تصویری منطقی و شفاف ارائه می‌کند. با ارائه تعریفی جزئی از موقعیت‌های شغلی، یافته‌های مقاله‌ها حاکی از آن است که مردان به‌طور میانگین هشت درصد بیشتر از زنان دستمزد دریافت می‌کنند. با فرض اینکه مردان و زنان در ابتدای ورود به صنعت موقعیت شغلی یکسان دارند، تقریباً نیمی از شکاف دستمزد به خاطر این است که مردان دوره طولانی‌تری را در صنعت می‌مانند و در نتیجه زمان بیشتری برای کسب مهارت و دستیابی به ارتقای شغلی دارند. باقی شکاف دستمزد نیز به این واقعیت بازمی‌گردد که ارتقای شغلی مردان با سرعت بالاتری اتفاق می‌افتد. در نهایت به‌طور شگفت‌انگیزی یافته‌ها حاکی از آن هستند که نرخ پایین جابه‌جایی شغلی زنان چندان متأثر از وضعیت تأهل یا فرزندآوری آنان نیست. ♦





در گفت و گو با مهندس عطاالله آیت‌الله
ناگفته‌هایی درباره

مهندس مشاور

در شماره ۹۵ فصلنامه مهندس مشاور و در قالب تاریخ شفاهی جامعه، گفت و گویی با مهندس آیت‌اللهی با عنوان "ناگفته‌هایی درباره ساختمان جامعه" منتشر شد که وی در آن به بیان خاطراتی از چگونگی ساخت ساختمان جامعه پرداخته بود. پس از انتشار این گفت و گو، مهندس معزالدین ایمانی که طراح و از سازندگان اصلی بنای رفیع جامعه به شمار می‌رود، با ارسال نامه‌ای به برخی شباهت فنی مطرح شده در این گفت و گو پاسخ داد. متن نامه ایشان که خطاب به مهندس حشمتی مدیر مسؤول نشریه نوشته شده است، از نظر تان می‌گذرد.

جناب آقای مهندس حشمتی

مدیر مسؤول محترم فصلنامه «مهندس مشاور»

موضوع: ناگفته‌هایی درباره ساختمان جامعه

با درود خدمت جنابعالی و همکاران در کمیته انتشارات جامعه

هنگام مطالعه فصلنامه شماره ۹۵ مهندس مشاور، مصاحبه با جناب آقای

مهندس آیت‌اللهی نظرم را جلب نمود. ایشان در این مصاحبه ضمن بیان

خاطراتی از زمان مدیریت خودشان در جامعه در ارتباط با ساختمان جامعه،

بدون توجه به اصول فنی و معماری و شرح خدمات حاکم بر طراحی ساختمان،

ایراداتی بر طراحی گرفته‌اند که به‌عنوان طراح و دست‌اندرکار ساختمان

جامعه و باوجود احترام بسیاری که برای ایشان قائل هستم و مساعی و

زحمات ایشان را جهت بهسازی ساختمان جامعه در نظر داشته‌ام، بر آن شدم



که برخی نکات مبهم مصاحبه ایشان را پاسخگو باشم و درخواست دارم که در شماره بعدی فصلنامه چاپ شود.

در مصاحبه‌ای که دوستان و دست‌اندرکاران جوان جامعه با اینجانب در مورد ساختمان جامعه داشتند، به جهت عدم تطویل کلام بسیاری از نکات را مطرح نکردم، اما اکنون به نظر می‌رسد که لازم است برخی نکات را در مورد تاریخچه ساختمان جامعه متذکر شوم.

پس از آن که مهندس خاکپور با همت عالی اجرای طرح را به عهده گرفتند، در یک دوره کوتاه بنا بر طرح دیگری که از طرف شورای مرکزی آن زمان از سوی زنده‌یادان مهندس نسرين

از سوی دیگر، در دوره ریاست مهندس فخر صمدی، مطالعه در مورد امکان توسعه عمودی ساختمان انجام شد و از اینجانب نیز نظر خواستند. در نهایت امکان‌سنجی آن به اظهار نظر مهندسان سازه موکول شد و از آنجایی که طراح سازه ساختمان در ایران حضور نداشت و دسترسی به فایل محاسباتی امکان‌پذیر نبود، هیچ‌یک از مهندسان سازه امکان توسعه عمودی را تأیید نکردند و حتی احداث یک طبقه دیگر در بام با استفاده از مصالح سبک نیز مورد تأیید قرار نگرفت، چه رسد به توسعه به ۱۰ طبقه آن‌هم در ساختمانی پشت به خاک و در ناحیه‌ای زلزله‌خیز که مهندسان سازه در مورد آن هشدار داده بودند.

اگر جناب مهندس آیت‌اللهی، که در آن زمان به‌عنوان رییس هیأت بازرسان جامعه و عضو فعال رسته آب در جامعه حضور مستمر داشتند و از همه جریان‌ها مطلع بودند، نه تنها ۳ سال، بلکه چندین سال بعد هم در مصدر امور بودند، قادر به انجام این تغییرات نبودند.

همچنان قابل‌ذکر است که تکمیل ساختمان جامعه در زمان ریاست آقای مهندس آیت‌اللهی انجام گرفته و ایشان کاملاً در جریان کم و کیف و تصویب آن بوده‌اند و اگر امکان توسعه عمودی ساختمان و یا ایجاد پنجره برای برخی از اتاق‌های بدون پنجره، که یکی از ایرادات مورد اشاره ایشان بود، فراهم بود، مسلماً در طول مدت مدیریت چندین ساله ایشان یا انجام و یا حداقل آغاز می‌شد.

به امید آینده‌ای روشن‌تر برای جامعه مهندسان مشاور ایران.

مهندس معزالدین ایمانی

و مهندس شاهین فر داده شد، حیاط مرکزی به‌وسیله یک سقف ۳ بعدی که به‌صورت سایبان عمل می‌کرد، پوشانده شد. این طرح بعد از مدتی به خاطر عدم پاسخگویی به مشکلات ساختمان برچیده شد، اما اینجانب بعدها از شبکه فلزی آن در طرح اجرایی استفاده کردم و زنده یاد مهندس بهروز احمدی نیز به اجرای آن اهتمام نمود. شایان توجه است که حیاط مرکزی برف‌روبی نمی‌شد و به علت یخزدگی و عدم وجود سقف گرم در طبقات زیرین، که نیمه‌کاره رها شده بودند، ایزولاسیون شکاف برداشته و باعث نشت آب به طبقات زیرین شده بود. در طرح نهایی که از سوی اینجانب ارائه گردید، سقف حیاط مرکزی جهت توسعه فضای مفید و استفاده برای تجمعات غیررسمی پوشانده شد.

در مورد استاندارد نبودن آمفی‌تئاتر که در مصاحبه ایشان درج شده، عرض می‌شود در بازدیدی که با همراهی زنده‌یاد مهندس میرمیران به عنوان یکی از پیشکسوتان معماری کشور و مورد احترام و وثوق تمامی معماران عضو جامعه، داشتیم ایشان فضای آمفی‌تئاتر را مطبوع توصیف نمودند و اعمال تغییرات را بی‌مورد دیدند. اما در طرح اجرا شده کنونی که محل سن جا به جا شده، وجود یک ستون در میان سالن مشخص می‌نماید که طرح آمفی‌تئاتر کنونی غیراستاندارد و غیرقابل دفاع است.

از دیگر مسائل توسعه ساختمان جامعه، قبولاندن آن به شهرداری تهران بود که این نهاد اصولاً با احداث همین چند طبقه ساختمان پر رفت و آمد اداری در یک بافت مسکونی آرام شهری موافق نبود و احراز مجوز ساخت، با رفت‌وآمد بسیار و به‌زحمت انجام گرفت.



به نام خدا

شماره: ۰۰۲۷-ر ش م-۱۴۰۱

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

پیوست: دارد

توجه ویژه - بسیار مهم

سازمان برنامه و بودجه کشور
جناب آقای مهندس امانی همدانی
معاونت محترم فنی، امور زیربنایی و تولیدی

موضوع: درخواست مجدد اصلاح بخشنامه شماره ۱۴۰۱/۱۹۰۱۱۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۲ از طریق تشکیل جلسات مشترک مستمر هفتگی سازمان - جامعه

با احترام، پیرو مکاتبات قبلی و نتایج به دست آمده از جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ با جنابعالی و جناب آقای دکتر قانع‌فر در اعلام مجدد خواست جامعه و نیز قول مساعد جنابعالی مبنی بر اصلاح بخشنامه یاد شده و اعلام جناب آقای دکتر قانع‌فر مبنی بر تشکیل جلسات مستمر هفتگی برای اعمال نظرات رسیدگی شده جامعه و ابلاغ اصلاحات بخشنامه یاد شده در پاییز سال ۱۴۰۱، اصلاحات اولویت دار به شرح زیر ایفاد می‌گردد.

۱- افزایش نرخ اعلام شده در بند (۱۲) متن ابلاغیه بخشنامه و در جدول (۳-۸) دستورالعمل، بدون رعایت به مصوبات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. همچنین کاهش ضریب بالاسری در بند (۱۲) متن ابلاغیه بخشنامه بر خلاف شرایط بحران اقتصادی کشور و نرخ تورم موجود بوده و عادلانه نمی‌باشد. لازم به یادآوری است که در بند (۱-۲) فصل اول دستورالعمل آن سازمان، تأکید شده که قرارداد مربوط به عوامل نظارت مهندسان مشاور در چارچوب قانون کار و ضوابط آن منعقد می‌شود. لذا با توجه به نمودارهای شماره (۱) تا (۴) پیوست، تقاضا دارد افزایش حقوق عوامل نظارت از حدود ۳۸٪ به ۵۵٪ تغییر یابد. همچنین کاهش ضریب بالاسری در بند (۱۲) متن ابلاغیه بخشنامه با توجه به توضیحات فوق حذف گردد و تأثیر حذف ضرایب تخصص ویژه، خدمات توأم و ماندگاری در جدول (۳-۸) اعمال شود.

۲- بنا بر دلایل به شرح زیر که خارج از قصور مهندسان مشاور بوده و تأثیر قابل توجهی در پیشرفت کار پیمانکاران دارد، در بند (۳-۱-۳) دستورالعمل، اعمال ضریب پیشرفت ماهانه پروژه (P) در محاسبه D_a و در بند (۳-۳-۴) دستورالعمل اعمال مبلغ کارکرد ماهانه صورت وضعیت پیمانکار در ماه (F) در محاسبه D_b ، عادلانه به نظر نمی‌رسد.

الف - عدم تأمین اعتبار توسط دولت و سازمان برنامه و بودجه کشور، ارتباطی به عملکرد مهندسان مشاور ندارد.

ب - عدم تأمین جریان نقدینگی مناسب بر عهده کارفرمایان محترم است و ارتباطی به عملکرد مهندسان مشاور ندارد.

پ - عدم حضور مهندسان مشاور در فرآیند برگزاری مناقصات پیمانکاران و انتخاب احتمالی پیمانکار ناتوان، از کاستی‌های نحوه عملکرد کارفرمایان محترم بوده و ارتباطی به عملکرد مهندسان مشاور ندارد.

تهران - ولنجک - خیابان بیست و ششم - میدان البرز - نیش خیابان سلامی - شماره ۲۵ - کدپستی: ۱۹۸۴۷-۴۶۸۱۱ - تلفن: ۶۰-۶۲۵۹-۲۲۴۰ نامبر: ۶۲۵۸-۲۲۴۰

ISCE Building, Velenjak Ave., 26 th St., No. 25, Tehran 19847-46811 - Tel: (+98 21) 2240 6259 - 60 Fax: (+98 21) 2240 6258
e-mail: info@irsce.org www.irsce.org

جامعه مهندسان مشاور ایران

ت - عدم رفع معارض (ملکی ، تأسیساتی، اشجار و سایر موارد مشابه) بر عهده کارفرمایان محترم بوده و ارتباطی به عملکرد مهندسان مشاور ندارد.

ث - شرایط جوی نامساعد مانند بارندگی شدید، سرمای شدید، گرمای شدید، آلودگی شدید هوا، هیچگونه ارتباطی به نحوه عملکرد مهندسان مشاور ندارد.

لذا چنانچه بر اساس گزارش مستند مهندس مشاور یک یا ترکیبی از عوامل پنجگانه فوق در پروژه وجود داشته باشد، تقاضا دارد در بندهای یاد شده، مبالغ E_a و E_b به جای D_a و D_b بدون هیچ ضریب یا رابطه اضافی به مهندس مشاور پرداخت گردد، فقط در حالتی که عوامل پنج گانه فوق وجود نداشته باشد، روابط بخشنامه مبنای کار قرار گیرد.

همچنین، با توجه به اینکه در ماههای ابتدایی دوره اجرایی طرح‌ها، معمولاً پیشرفت عملیات اجرایی پایین‌تر از کارکرد فرضی ماهانه (Y) می‌باشد، برای جبران خسارت مهندس مشاور تقاضا دارد با جایگزینی کارکرد فرضی ماهانه (Y) با مبلغ کارکرد صورت وضعیت پیمانکار در ماه مورد نظر (F)، در محاسبات بند (۳-۳-۴)، این کاستی نیز برطرف گردد.

۳- در جدول شماره (۲-۲) دستورالعمل ، بهای پایه واحد نظارت سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۱۶٪ ، در جدول شماره (۳-۳) دستورالعمل حدود ۷/۷٪ تا ۹/۶٪ ، در جدول شماره (۳-۳) دستورالعمل حدود ۲۳٪ ، در جدول شماره (۲-۴) دستورالعمل حدود ۱۶٪ و در جدول شماره (۵-۱) دستورالعمل ، ۰٪ افزایش داشته است. با توجه به شاخص‌های تورمی بانک مرکزی اعلام شده برای ۶ ماه اول سال ۱۴۰۱ و متوسط شاخص یاد شده در سال ۱۴۰۰ به شرح محاسبات زیر ، افزایش یاد شده عادلانه بنظر نمی رسد .

$$۵۷۲/۹ = (۶۳۱/۸ + ۶۰۰/۴ + ۵۷۵/۴ + ۵۲۰/۴ + ۹۵/۱) \times ۶ = \text{متوسط شاخص تورم شش ماه اول سال ۱۴۰۱}$$

$$۴۳۷ = \text{متوسط شاخص تورم سال ۱۴۰۰}$$

$$\frac{۵۷۲/۹}{۴۳۷} = ۱/۳۱ (\% ۳۱ \text{ تورم}) = \text{نسبت متوسط شاخص های سال ۱۴۰۱ به سال ۱۴۰۰}$$

$$\frac{۶۳۱}{۴۳۵/۶} = ۱/۴۵ (\% ۴۵ \text{ تورم}) = \text{نسبت شاخص سر به سر سال ۱۴۰۱ به سال ۱۴۰۰ در تیر ماه}$$

لذا با توجه به روند افزایش نرخ تورم در ۶ ماهه دوم سال ۱۴۰۱ ، تقاضا دارد بهاء واحد پایه نظارت در جداول یاد شده حداقل به میزان ۴۰٪ نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش یابد.

۴- تقاضا دارد بند (۱-۳-۱۴) دستورالعمل به شرح زیر اصلاح گردد:

به استناد مصوبه شماره ۲۶/۸۱۰۳۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۳ شورای عالی فنی، چنانچه دستگاه اجرایی تا ۱۵ روز پس از دریافت صورتحساب خدمات تأیید شده مهندس مشاور، بررسی و اعلام نظر کتبی ننماید و به استعلام مهندس مشاور نیز ظرف مدت ۱۵ روز از انقضای مدت ۱۵ روز اول پاسخ ندهد، از این تاریخ به بعد شرایط زیر در پرداخت مبلغ صورتحساب یاد شده حاکم خواهد بود.

الف - صورتحساب ارسالی مهندس مشاور تأیید و تصویب شده تلقی می‌گردد و باید حداکثر طی مدت یک ماه توسط دستگاه اجرایی تا حد امکان به صورت نقدی پرداخت گردد.

جامعه‌مندان مشاور ایران

ب - چنانچه به استناد بند (الف) فوق، صورت‌حساب مهندس مشاور پرداخت نشود، دستگاه اجرایی موظف است که اصل مبلغ صورت‌حساب را با افزودن مبلغ حفظ قدرت خرید با نرخ ۲٪ در ماه (معادل جرایم سازمان امور مالیاتی کشور و سازمان تأمین اجتماعی) به مهندس مشاور پرداخت کند. این بند مشمول محدودیت های بند (۱۶-۸) شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره موضوع بخشنامه شماره ۵۴/۲۴۶۰-۱۰۵/۸۴۲ مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۹ سازمان نخواهد بود.

۵- در بند (۱۰) متن ابلاغیه بخشنامه، ضرایب پیش‌بینی شده برای جبران زیان ناشی از تنزیل اسناد خزانه اسلامی در بورس، با واقعیت سازگاری نداشته و عادلانه به نظر نمی‌رسد. زیرا با وجود اعمال قانون حفظ قدرت خرید در فرآیند صدور اسناد خزانه اسلامی، به هنگام تنزیل این اسناد در بورس، مهندسان مشاور دچار خسارت قابل توجه حدود ۲۰٪ تا ۲۵٪ مبلغ حق‌الزحمه مربوطه می‌گردند. در حالی که ضرایب پیش‌بینی شده در بخشنامه، فاصله قابل توجهی برای جبران خسارت یاد شده دارد. لذا ضمن قدرانی از آن سازمان در پیش‌بینی این ضرایب، تقاضا دارد برای اسناد خزانه با سررسید دو ساله ضریب به ۱/۲۰ و برای اسناد خزانه با سررسید سه ساله ضریب به ۱/۲۵ تغییر داده شود.

۶- ضوابط کاهش حق‌الزحمه نظارت، در قراردادهای دارای چندین زیر پروژه با قراردادهای پیمانکاری مختلف دارای مشکل بوده و نتایج آن عادلانه به نظر نمی‌رسد. تقاضا دارد اعمال ضریب کاهش تعدد پروژه‌ها به حق‌الزحمه خدمات فنی و کارگاهی حذف شود. همچنین برای هر زیر پروژه حداقل یک سرپرست عوامل فنی کارگاهی حضور داشته باشد و حق‌الزحمه وی در صورت‌حساب مهندس مشاور درج شود و توسط دستگاه اجرایی پرداخت گردد.

۷- در بند (۴-۱-۵) جای عبارت " تحویل موقت کار " عبارت " تاریخ ابلاغ " تصویب نامه تحویل موقت (تاریخ ابلاغ گواهی رفع نقص) " درج گردد.

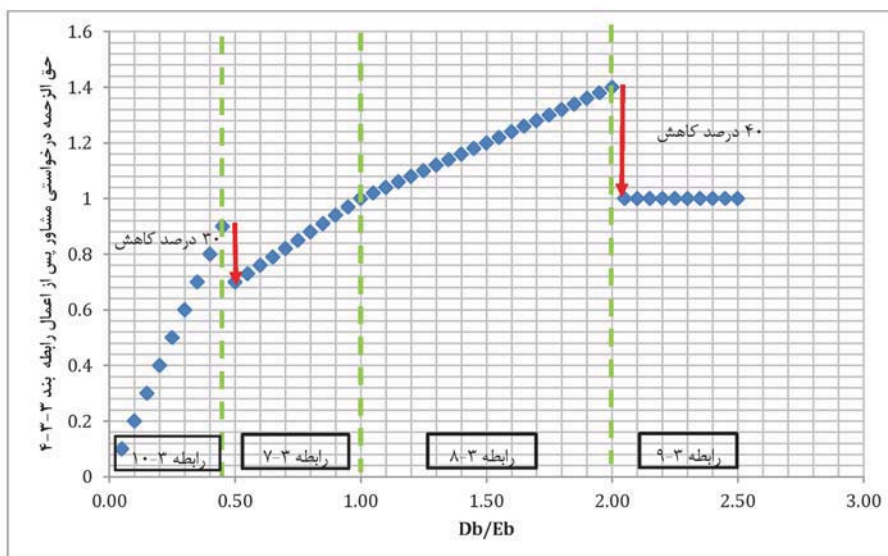
۸- در بند (۷) متن ابلاغیه بخشنامه، در سال ۱۴۰۱، انجام نظارت به صورت امانی برای پروژه‌هایی که برآورد مبلغ اجرای کار آنها برابر یا کمتر از ۸ میلیارد تومان باشد، مجاز تشخیص داده شده است. شایان توجه است که در برخی پروژه‌های استانی و تعداد نسبتاً زیادی از پروژه‌های سازمان‌ها و دستگاه های عمومی غیر دولتی، برآورد اجرای کار در بازه یاد شده قرار می‌گیرد و انجام نظارت امانی در کارفرمایان یاد شده را مجاز می‌دارد که بر خلاف منافع ملی و اهداف توسعه پایدار است. لذا پیشنهاد می‌شود به منظور جلوگیری از مشکلات یاد شده و نیز کاهش نرخ بیکاری و کارآفرینی برای مهندسان مشاور دارای گواهی صلاحیت پایه (۳) از آن سازمان، مبلغ یاد شده به چهار برابر حد نصاب معاملات متوسط کاهش داده شود.

۹- مفاد بند (۳-۱-۳) دستورالعمل ابهام دارد. برخی عوامل فنی کارگاهی بر حسب تخصص مورد نیاز در پروژه و میزان پیشرفت کار باید در بازه‌های زمانی مختلف در کارگاه مستقر شوند. لذا معرفی کردن چنین عواملی همزمان با تحویل زمین به پیمانکار، ضروری نمی‌باشد. تقاضا دارد این بند دستورالعمل اصلاح شود.

۱۰- در تبصره (۱) ذیل بند (۳-۳-۴) دستورالعمل، لازم است موجه یا غیر موجه بودن دلیل دستگاه نظارت برای کاهش عوامل فنی کارگاهی در کمیسیون متشکل از نمایندگان ارکان پروژه رسیدگی شود. تقاضا دارد این موضوع به تبصره یاد شده اضافه شود.

جامعه‌مندان مشاور ایران

۱۱- عدم پیوستگی روابط ارائه شده در بند (۳-۳-۴) در نمودار زیر مشهود می‌باشد. به طوری که در صورت افزایش کارکرد پیمانکار و ثابت بودن عوامل نظارت کارگاهی، کاهش ناگهانی غیرمنطقی صورتحساب مهندس مشاور بین ۳۰ تا ۴۰ درصد در دو بازه استفاده از روابط (۳-۱۰) به (۳-۷) و همچنین (۳-۸) به (۳-۹) رخ می‌دهد. تقاضا دارد اصلاح و هماهنگی روابط ارائه شده به نحوی انجام شود که با روند اجرایی پروژه سازگار باشد.



۱۲- با توجه به تاریخ ابلاغ بخشنامه یاد شده (۱۴۰۱/۰۴/۲۲)، قراردادهای مبادله شده از تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۱ تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۲ که با تعرفه سال ۱۴۰۰ تنظیم و مبادله گردیده‌اند، از سوی برخی کارفرمایان دچار مشکل هستند که باید رفع ابهام گردد.

۱۳- در مورد محاسبه ضریب تردد، تقاضا دارد در پروژه‌های غیرخطی که فاصله ابتدا و انتهای کارگاه زیاد نیست ولی کارگاه با فاصله قابل توجه نسبت به نزدیک‌ترین شهر قرار دارد، در رابطه (۳-۶) فاصله دسترسی میان دورترین دو نقطه کارگاه به فاصله دسترسی به کارگاه تغییر یابد. همچنین برای کارگاه‌هایی که یک عامل فنی دارد و استفاده از خودرو هم الزامی است، رابطه جداگانه ای برای ضریب تردد، تعریف شود.

۱۴- تقاضا دارد خواست برخی مهندسان مشاور، در مواردی که به دلیل محدودیت افزایش ۲۵٪ مبلغ اولیه قرارداد ایشان مشکلاتی وجود دارد، مورد توجه قرار گیرد و راهکاری برای رفع مشکلات در بخشنامه درج شود.

۱۵- تقاضا دارد آنالیز ضریب ج، توسط آن سازمان در اختیار جامعه قرار گیرد.

۱۶- ضریب ویژگی در جداول مختلف دستورالعمل نیاز به بازنگری دارد که در جلسات حضوری با مصادیق مربوطه اعلام خواهد شد.

جامعه‌مندان مشاور ایران

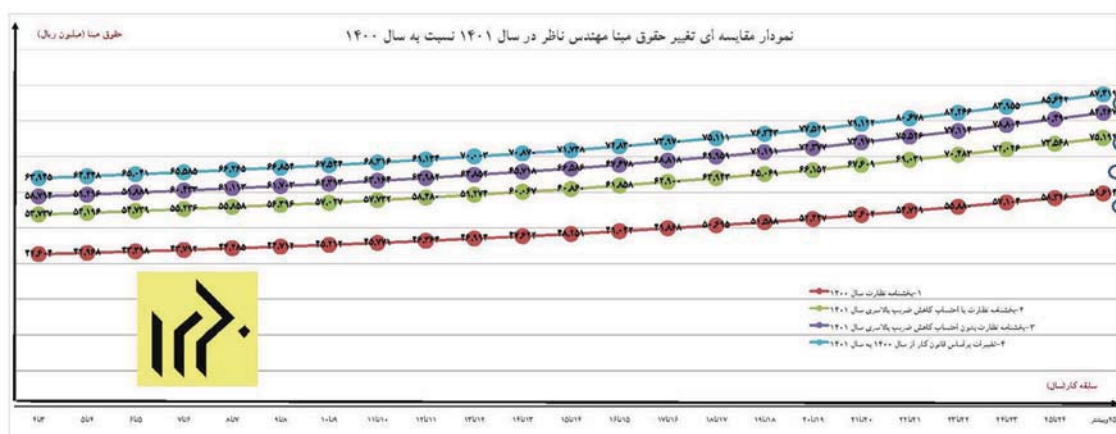
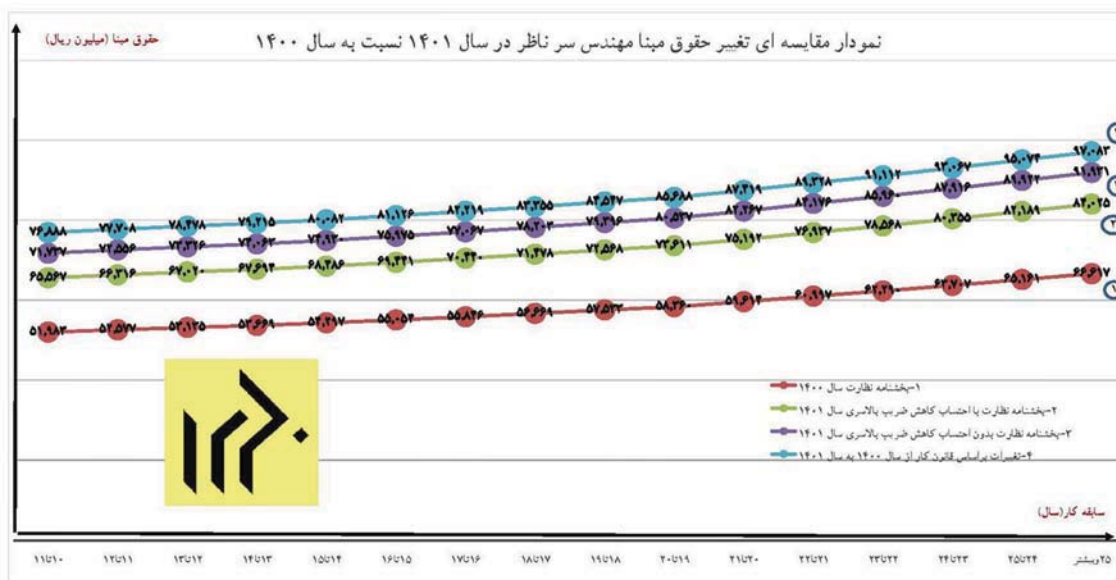
رجاء واثق دارد که قول مساعد جنابعالی برای اعمال اصلاحات کلیدی یاد شده و قول مساعد جناب آقای دکتر قانع‌فر در جلسه یاد شده، بخشنامه یاد شده را عادلانه‌تر و منصفانه‌تر خواهد کرد.

پیشاپیش از بذل توجه جنابعالی قدردانی و سپاسگزاری می‌گردد.

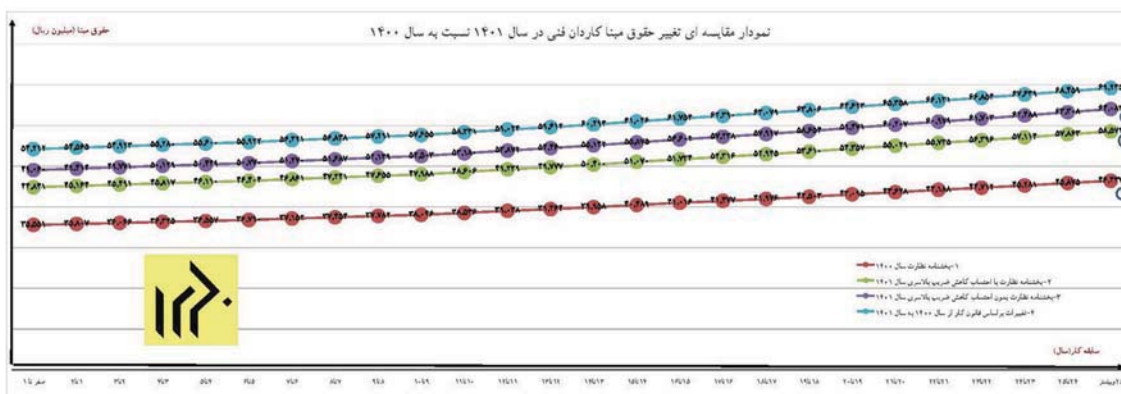
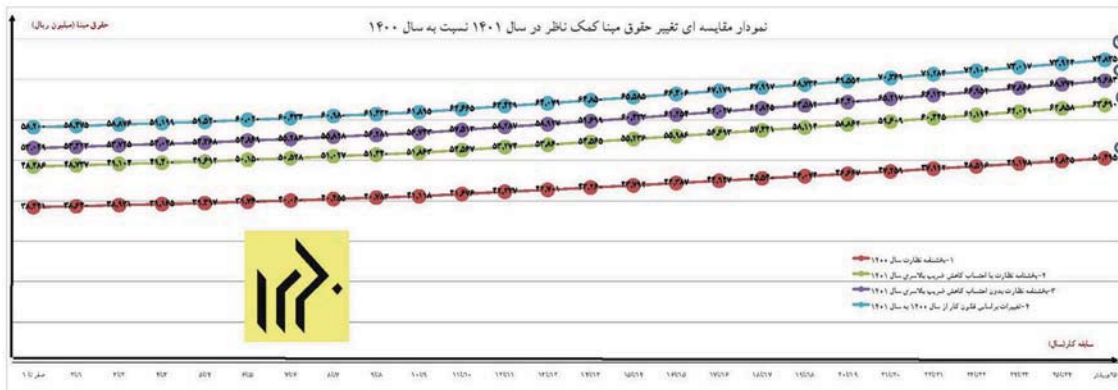
با تجدید احترام
رئیس شورای مدیریت

محمدحسن شمشیرساز

جامعه‌مندان مشاور ایران



جامعه‌مندان مشاور ایران





به نام خدا

شماره : ۰۰۶۹-۲-ش ۱۴۰۱-۲
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷
پیوست: ندارد

جناب آقای دکتر میرکاظمی

معاون محترم رئیس جمهور و رئیس محترم سازمان برنامه و بودجه کشور

موضوع: اعلام ناسازگاری لایحه اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان با نظام فنی و اجرایی کشور و درخواست توقف تصویب لایحه یاد شده

با احترام، بازگشت به نامه شماره ۶/۶۰۳۴۴/۱۰۹۴۱۶ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۱ در مورد بررسی و اعلام نظر در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان (۱۳۷۴)، موارد به شرح زیر را به استحضار می‌رساند.

۱- تاریخچه نظام فنی و اجرایی کشور

بر اساس ماده (۲۳) قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱، تدوین ضوابط و معیارهای فنی توسط سازمان برنامه و بودجه کشور آغاز شد و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردید. از آن تاریخ تا کنون سه نظام فنی و اجرایی در کشور به شرح زیر تدوین شده است.

- الف - نظام فنی و اجرایی مصوب سال ۱۳۶۷ هیأت وزیران (تصویب نامه شماره ۷۲۵۰-ت ۱۶۶ مورخ ۱۳۶۷/۳/۱۷)
- ب - نظام فنی و اجرایی مصوب سال ۱۳۷۵ هیأت وزیران (تصویب نامه شماره ۱۴۸۹۸/ت/۲۴۵۲۵ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴)
- پ - نظام فنی و اجرایی مصوب سال ۱۳۸۵ هیأت وزیران (تصویب نامه شماره ۳۳۴۹۷/ت/۴۲۳۳۹ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۰)

بنابراین نظام فنی و اجرایی کشور نیم قرن است که در کشور کارکرد دارد و تمامی پروژه‌های عمرانی کشور در چارچوب این نظام مطالعه، طراحی، نظارت و مدیریت شده‌اند.

۲- تاریخچه قانون نظام مهندسی

در سال ۱۳۷۱، ۲۰ سال بعد از شروع کار نظام فنی و اجرایی کشور، قانون آزمایشی نظام مهندسی ساختمان تصویب شد و در سال ۱۳۷۴ قانون از مرحله آزمایشی خارج شد و قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان تصویب گردید.

۳- ماده (۳۴) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور طی نامه شماره ۹۶۶۸۳/۳۲ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ رئیس محترم وقت مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور محترم وقت ابلاغ شده است. بر طبق بند الف) ماده (۳۴) این قانون، سازمان برنامه و بودجه کشور موظف بوده تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱، سند نظام فنی و یکپارچه کشور را تهیه و اجرا کند. بر اساس مفاد ماده یاد شده، ضوابط و مقررات ساخت و ساز در چارچوب این نظام ابلاغ می‌شود.



۴- لایحه اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان

بررسی لایحه اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان (پیوست نامه شماره ۱۰۹۴۱۶/۳۴۴/۶۰ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۱) بیانگر آن است که برخی مواد این لایحه بویژه برخی تعاریف، صلاحیت عوامل نظام فنی و اجرایی، شرح وظایف و خدمات، مغایر نظام فنی و اجرایی کشور و نیز برخلاف مفاد ماده (۳۴) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور است.

۵- نتیجه گیری و درخواست

بررسی موارد (۱) تا (۴) فوق بیانگر آن است که برخی موارد لایحه اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان برخلاف ماده (۳۴) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور و مغایر با نظام فنی و اجرایی کشور است و چنانچه این لایحه به تصویب برسد، به دلیل مغایرت های یاد شده، به ویژه در حوزه عوامل نظام فنی و اجرایی کشور، تداخل های فرآیندی و مسئولیتی فراوانی ایجاد خواهد شد که موجب ناکارآمدی قوانین یاد شده خواهد گردید. لذا ضمن درخواست توقف تصویب لایحه یاد شده، خواهشمند است تهیه سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور در آن سازمان تسریع گردد و نظام مهندسی و کنترل ساختمان به عنوان یکی از زیر نظام های آن سازماندهی گردد و ارتباط قانون نظام مهندسی با نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور تبیین گردد.

پیشاپیش از بذل توجه جنابعالی قدردانی و سپاسگزاری می گردد.

با تجدید احترام

محمدحسن شمشیرساز

رئیس شورای مدیریت



Member Association
International Federation of
Consulting Engineers (FIDIC)

به نام خدا



جامعه مهندسان مشاور ایران
IRANIAN SOCIETY OF
CONSULTING ENGINEERS
تاسیس ۱۳۵۲

شماره : ۰۰۷۰-ر ش م-۱۴۰۱

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

پیوست: دارد

جناب آقای دکتر رضایی کوچی

ریاست محترم کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی

موضوع: درخواست تخصیص درصدی از بودجه عمرانی کشور برای پرداخت مطالبات مهندسان مشاور به منظور کمک به بقا و ماندگاری این سرمایه‌های تخصصی - اجتماعی کشور

با احترام ، همانگونه که استحضار دارند نظام فنی و اجرایی کشور بیش از نیم قرن است که تدوین شده و طرح‌ها و پروژه‌های مختلفی در گروه‌های تخصصی گوناگون در طی این مدت با این نظام در کشور عملیاتی شده‌اند . یکی از عوامل نظام فنی و اجرایی کشور ، مهندسان مشاور هستند که در مراحل پیدایش و پدیدآوری پروژه با انجام مطالعات ، طراحی ، نظارت و مدیریت بر پروژه‌ها ، نقش مؤثر و کلیدی دارند و از ارکان توسعه پایدار کشور هستند و به عنوان سرمایه‌های تخصصی - اجتماعی کشور محسوب می‌شوند .

به استحضار می‌رساند که در طی سال‌های گذشته ، به دلیل بحران اقتصادی کشور ناشی از تحریم‌های ناجوانمردانه ، برخی دستگاه‌های اجرایی و کارفرمایان ، حق الزحمه‌های خدمات مهندسان مشاور را پرداخت نمی‌کنند و این اقدام نادرست سبب ایجاد فشارهای مالی - اجتماعی به مهندسان مشاور ، همکاران شاغل در شرکت‌های یاد شده و خانواده‌های ایشان می‌گردد . به گونه‌ای که برخی از این سرمایه‌های تخصصی - اجتماعی نابوده شده‌اند و بسیاری از آنها نیز در مرحله نابودی هستند .

همچنین به استحضار می‌رساند که جدول (۱) پیوست ، وضعیت بودجه کل و بودجه عمرانی (جدول (۱) بودجه) و اعتبارات طرح‌های عمرانی (پیوست (۱) بودجه) کشور را در ۵ سال گذشته نشان می‌دهد . برای حل بخشی از مشکلات یاد شده مرتبط با شرکت‌های مهندس مشاور ، خواست این جامعه آن است که ۵٪ از هر ردیف مصارف تملک دارایی‌های سرمایه ای (بودجه عمرانی) سال ۱۴۰۲ و بعد از آن ، به پرداخت مطالبات مهندسان مشاور اختصاص داده شود . بر اساس متوسط ارقام جدول پیوست ، این تخصیص حدود ۰/۲۶٪ بودجه کل کشور و حدود ۰/۷۱٪ بودجه عمرانی کشور است .

پیشاپیش از بذل توجه جنابعالی قدردانی و سپاسگزاری می‌گردد .

با تجدید احترام

محمدحسن شمشیرساز

رئیس شورای مدیریت



Member Association
International Federation of
Consulting Engineers (FIDIC)



جامعه مهندسان مشاور ایران
IRANIAN SOCIETY OF
CONSULTING ENGINEERS
تاسیس ۱۳۵۲

به نام خدا

شماره: ۰۰۷۴-ر ش م-۱۴۰۱
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲
پیوست: ندارد

سازمان برنامه و بودجه کشور
جناب آقای مهندس امانی همدانی
معاونت محترم فنی، امور زیربنایی و تولیدی

موضوع: درخواست تهاتر بدهی و طلب دولت برای شرکت‌های پروژه محور بخش خصوصی (مهندسان مشاور یا پیمانکاران و سازندگان) در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲

با احترام، به استحضار می‌رساند که مطالبات مهندسان مشاور از کارفرمایان دولتی قابل توجه است و ایشان در پرداخت این مطالبات کوتاهی می‌کنند. همچنین شعب سازمان تأمین اجتماعی، ادارات کل مالیاتی و بانک‌ها به مهندسان مشاور بابت بدهی‌های بیمه‌ای، مالیاتی و بانکی فشارهای شدید اعمال می‌کنند که در برخی موارد منجر به ورشکستگی شرکت‌ها و بدهکار شدن ایشان گردیده است. لذا از آن مقام محترم درخواست می‌شود بر اساس بند (پ) ماده (۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر مصوب سال ۱۳۹۴، بدهی‌ها و مطالبات دولت (دستگاه‌های اجرایی)، مشابه سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، طبق تبصره‌های پیش‌بینی شده در قوانین بودجه‌ای سنوات قبلی (جدول زیر)، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ پیش‌بینی‌های لازم به عمل آید.

قانون بودجه سال	بند و ماده مربوط به تهاتر
۱۴۰۰	جزء (۱) بند (ز) تبصره (۵) ماده واحده
۱۳۹۹	بند (و) و جزء (۲-۴) بند (و) تبصره (۵) ماده واحده
۱۳۹۸	بند (و) و جزءهای (۲-۳) و (۲-۴) بند (و) تبصره (۵) ماده واحده
۱۳۹۷	بند (و) و جزءهای (۳) و (۴) بند (و) تبصره (۵)

پیشاپیش از بذل توجه جنابعالی قدردانی و سپاسگزاری می‌گردد.

با تجدید احترام

محمدحسن شمشیرساز

رئیس شورای مدیریت

رونوشت:

- ۱- جناب آقای دکتر رضایی، معاونت محترم اقتصادی ریاست جمهوری، جهت استحضار.
- ۲- جناب آقای مهندس پرزگر، ریاست محترم کمیسیون احداث و خدمات فنی و مهندسی اتاق، جهت استحضار و اقدام مقتضی.
- ۳- جناب آقای مهندس آزاد، ریاست محترم هیات اجرایی شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور، جهت استحضار و اقدام مقتضی.
- ۴- جناب آقای دکتر کتیمی، ریاست محترم هیات مدیره موسسه تحقیق برای توسعه صنعت احداث و انرژی، جهت استحضار و اقدام مقتضی.
- ۵- مهندس مشاور دزآب، بازگشت به نامه شماره ۴۰۱۰۲۸۴۸ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۹ آن همکار محترم، جهت استحضار.
- ۶- جناب آقای دکتر آل رسول، نماینده محترم گروه تخصصی راه و راه آهن در شورای مدیریت جامعه، بازگشت به نامه شماره ۰۰۲۳ گ ر ل ۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۲، جهت استحضار.

تهران - ولنجک - خیابان بیست و ششم - میدان البرز - نبش خیابان سلامی - شماره ۲۵ - کدپستی: ۱۹۸۲۷-۴۶۸۱۱ - تلفن: ۰۶۰-۶۲۵۹-۲۲۲۰ نامبر: ۶۲۵۸-۲۲۲۰
ISCE Building, Velenjak Ave., 26 th St., No. 25, Tehran 19847-46811 - Tel: (+98 21) 2240 6259 - 60 Fax: (+98 21) 2240 6258
e-mail: info@irsce.org www.irsce.org

رویکردهای کارشناسی در حوزه نظام فنی و اجرایی

نویسنده: مهندس محمد رضا طبیب زاده نوری
ناشر: انتشارات سیمای دان



کتاب رویکردهای کارشناسی در حوزه نظام فنی و اجرایی "که با موضوع مدیریت اجرایی پروژه‌ها در ۲ جلد از سوی مهندس محمد رضا طبیب زاده نوری به رشته تحریر در آمده است در ۱۳۳۲ صفحه به بازار کتاب‌های مهندسی پیوست. جلد نخست کتاب در ۴ فصل با عناوین، نظام اجرای پروژه - جایگاه بخش خصوصی - موضوعات عمومی طبقه بندی شده و به موضوع‌هایی چون نظام‌های ۲ و ۳ عاملی - چالش‌ها و آسیب‌های پروژه‌ها - فرم جدید قراردادهای نفتی - چالش‌های صنعت احداث و... پرداخته است. جلد دوم نیز در ۴ فصل طبقه‌بندی شده و موضوع‌هایی مانند شرایط عمومی پیمان - قوانین و مقررات - تأمین مالی و قیمت گذاری پروژه را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب ۲ جلدی که با حمایت انجمن صنفی و کارفرمایی نفت، گاز و پتروشیمی از سوی انتشارات سیمای دانش منتشر شده ۳۵۰ هزار تومان قیمت گذاری شده است. علاقه‌مندان به تهیه این کتاب می‌توانند با شماره ۶۶۴۶۰۵۴۵ تماس حاصل فرمایند.

زهکشی کشاورزی: تجربه‌های ایران - جلد دوم

نویسنده: مهندس مجتبی اکرم
ناشر: دفتر کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران



"جلد دوم کتاب "زهکشی کشاورزی: تجربه‌های ایران" با موضوع معیارهای طراحی زهکشی به قلم مجتبی اکرم از سوی کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران منتشر شد. این کتاب تخصصی رسته آب که لوگوی شرکت مدیریت منابع نیرو را نیز روی جلد خود دارد، در چاپ نخست خود که در سال ۱۴۰۱ منتشر شده در ۳۴۰ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه به بازار کتاب پیوسته است. کتاب زهکشی کشاورزی در فهرست خود بیش از ۱۰۰ عنوان موضوع در پیوند با زهکشی را معرفی کرده است. در این کتاب همچنین با بیش از ۹۰ نمودار و ۸۰ جدول سعی شده با رویکردی آماری به توضیح مفاهیم مورد بررسی پرداخته شود. علاقه‌مندان به تهیه این کتاب در رسته‌های کشاورزی و آب و ... می‌توانند با شماره ۲۲۲۵۷۳۴۸ دفتر کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران و یا نشانی اینترنتی irncid@gmail.com تماس حاصل فرمایند.

کنکاش: دانشکده هنرهای زیبا در دوره آندره گدار

نویسنده: مهندس آرش طبیب‌زاده نوری
ناشر: انتشارات میرما



"کنکاش" نوشته آرش طبیب‌زاده نوری، کتابی است که در قالب تاریخ شفاهی نگارش یافته است. نویسنده در این کتاب با فارغ التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا در دوره ریاست آندره گدار گفت و گو کرده است. چاپ نخست این کتاب در ۳۹۰ صفحه در قطع خستی و با کاغذ گلاسه از سوی انتشارات میرما در سال ۱۴۰۰ با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است. این کتاب که با داشتن تصاویر تاریخی فراوان، اثری مصور نیز به شمار می‌رود، حاصل ۱۰ سال تلاش نگارنده است. او برای تهیه محتوای کتاب به کشورهای مختلف در اروپا و آمریکا سفرهای متعددی داشته است. در این کتاب با بسیاری از معماران بزرگ معاصر گفت و گو کرده که دیگر در بین ما نیستند. علاقه‌مندان به تهیه این کتاب خواندنی که ۸۰۰ هزار تومان قیمت دارد، می‌توانند با شماره تلفن ۲۲۷۵۹۳۰۴ تماس حاصل فرمایند.

تقویم

۱۴۰۱



جامعه مهندسان مشاور ایران

تلفن تماس: ۲۲۴۰۶۲۵۹ داخلی: ۱۱۲



در قطع A4

سالنما با جلد گالینگور (دستیار مهندس)
اندازه: ۲۹ × ۲۱ cm تعداد برگ: ۸۵
هر هفته در مقابل یک صفحه یادداشت

شبه چرم وزیری

سالنما با جلد شبه چرم در قطع وزیری؛ حکاکی
اندازه: ۲۴ × ۱۷ cm تعداد برگ: ۱۹۲
هر روز در یک صفحه



شبه چرم رقعی

سالنما با جلد شبه چرم در قطع رقعی حکاکی (دوستدار محیط زیست)
اندازه: ۲۱ × ۱۴/۵ cm تعداد برگ: ۸۵
هر هفته در یک صفحه، به همراه یادداشت در انتهای سررسید



جیبی

سالنمای جیبی در ۲ رنگ (قرمز و سورمه ای)
تعداد برگ: ۵۰



رومیزی

سالنمای رومیزی ماهانه (نقره کوب)
تعداد برگ: ۱۳

سالن شماره (۱): مناسب همایش‌های تخصصی مهندسی و علمی - پژوهشی
ظرفیت: ۲۳۰ نفر
امکانات: ضبط صدا و تصویر - Wifi و ...

سالن شماره (۲): مناسب جهت برگزاری نمایشگاه، برگزاری برنامه موسیقی، پذیرایی
و صرفه ناهار و شام
ظرفیت: ۲۳۰ نفر
امکانات: ضبط صدا و تصویر - نورپردازی ویژه، Wifi و ...

اتاق‌های جلسات: اتاق‌های مجزا با امکان ضبط صدا - Wifi و ...
با ظرفیت‌های گوناگون : ۲۰ - ۳۰ - ۶۰ نفر و ...

واحد آموزش: مناسب جهت برگزاری کارگاه‌های تخصصی، کلاس‌های آموزشی و ...

جامعه مهندسان
مشاور ایران



تلفن تماس: ۶۰ - ۲۲۴۰۶۲۵۹ - داخلی: ۱۰۱

www.irsce.org